

خبرنامه



سال نهم، شماره هشتاد و سوم، بهمن ماه ۱۴۰۰

پژوهش‌های علوم انسانی و چشم‌انداز تمدنی انقلاب اسلامی  
قرار نیست «انقلاب» خود را برای افراد فدا کند  
چرا انقلاب ایران «اسلامی» شد؟





دهه فجر، آن آینه‌ای است که خورشید اسلام در آن درخشید و به ما منعکس شد. اگر این آینه نبود، باز هم مثل همان دوره‌های تاریک و قرون خالیه، بایستی ما می‌نشستیم و اسمی از اسلام می‌آوردیم.

بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با دانشجویان  
۱۳۶۸/۱۱/۱۹

## انتصاب دکتر موسی نجفی به ریاست پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

دکتر موسی نجفی طی حکمی از سوی دکتر محمدعلی زلفی گل، وزیر علوم، تحقیقات و فناوری، به مدت چهار سال به سمت ریاست پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی منصوب شد.



بر اساس مصوبه چهل و سومین جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی مورخ ۲۶ دی ماه ۱۴۰۰، با حکم وزیر محترم علوم، تحقیقات و فناوری جناب آقای دکتر زلفی گل، دکتر موسی نجفی از تاریخ سوم بهمن ماه ۱۴۰۰ برای مدت ۴ سال به ریاست پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی منصوب شد. (شایان ذکر است که در ۲۶ مهرماه ۱۴۰۰ دکتر نجفی با حکم وزیر علوم به عنوان سرپرست پژوهشگاه منصوب شده بود).

در بخشی از متن این حکم آمده است:

نظر به مراتب تعهد، تخصص و تجارب ارزشمند جنابعالی انتظار می رود با پیروی از آموزه های اسلامی، مبانی علمی، روحیه انقلابی و راهبردهای اساسی دولت مردمی و جلب همکاری استادان، مدیران و کارکنان گرامی (یاوران علمی) آن پژوهشگاه نقشی شایسته در تحقق اهداف نظام علم و فناوری به ویژه «تحول در علوم انسانی» ایفا نمائید.

امید است با توکل به خداوند متعال، مأموریت و وظایف آن پژوهشگاه مرجع علوم انسانی و مطالعات فرهنگی را در مسیر تحقق اهداف متعالی اسناد بالادستی نظام مقدس جمهوری اسلامی به ویژه عملیاتی سازی راهبردهای طرح شده در «بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی» و سند دانشگاه اسلامی در حوزه علم و فناوری و سبک زندگی اسلامی - ایرانی با رویکردی تحول گرایانه و مسئله محور در راستای تحقق «تمدن نوین اسلامی» به انجام رسانید. توفیق روزافزون جنابعالی را در پیش برد اهداف متعالی نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و منویات رهبر حکیم انقلاب اسلامی، حضرت آیت الله خامنه ای (مدظله العالی) از درگاه پروردگار متعال خواستارم.



## برگزاری مراسم تودیع و معارفه رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و آئین افتتاح تالار تمدن با حضور وزیر علوم، تحقیقات و فناوری

مراسم تودیع و معارفه رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، روز چهارشنبه ۶ بهمن ماه ۱۴۰۰ در تالار تمدن پژوهشگاه برگزار شد.

به گزارش روابط عمومی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، مراسم تودیع و قدردانی از دکتر حسینعلی قبادی و معارفه و تکریم رئیس جدید پژوهشگاه، دکتر موسی نجفی، با حضور مقام عالی وزارت، دکتر محمدعلی زلفی گل، روز چهارشنبه، شش بهمن ماه ۱۴۰۰، از ساعت ۱۴ در «تالار تمدن» پژوهشگاه برگزار شد.

در این مراسم دکتر زلفی گل ضمن افتتاح «تالار تمدن»، حکم ریاست دکتر نجفی بر پژوهشگاه علوم انسانی را به وی تقدیم کرد. وزیر علوم همچنین از زحمات دکتر قبادی، رئیس سابق پژوهشگاه، تجلیل به عمل آورد.

در این مراسم پیام دکتر رضا داوری اردکانی (فیلسوف فرهنگ و رئیس محترم فرهنگستان علوم) و پیام دکتر کریم مجتهدی (استاد برجسته فلسفه غرب) توسط دکتر مالک شجاعی جشوقانی، عضو هیأت علمی پژوهشگاه، قرائت شد.

دکتر محمدعلی زلفی گل (مقام عالی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری)، حجت الاسلام والمسلمین مصطفی رستمی (رئیس نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) در دانشگاهها)، دکتر موسی نجفی (رئیس جدید و عضو هیأت علمی پژوهشگاه) و دکتر حسینعلی قبادی (رئیس سابق پژوهشگاه)، سخنان خود را با اصحاب علوم انسانی در میان گذاشتند. گزارش کامل این سخنرانیها در ادامه تقدیم می شود:





## پیام تبریک دکتر رضا داوری اردکانی رئیس فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران

باسمه تعالی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی یکی از بزرگترین و مهمترین مراکز علمی و فرهنگی کشور است. اهمیت بیشتر این مرکز علمی پژوهشی از آن روست که در زمان حاضر علوم انسانی شأن و جایگاه بزرگی در جامعه‌ها دارد و می‌تواند در سیر تحول کشورها اثرگذار باشد. ما در ابتدای آشنایی‌مان با جهان جدید، طبیعی بود که به طب و مهندسی و علوم دقیقه، بیشتر توجه کنیم.

به علوم انسانی قدری دیر توجه کردیم و متأسفانه نتوانستیم با نظر انتقادی با آنها مواجه شویم و طبیعی بود که صرف فراگرفتن اطلاعات علمی چندان به کارمان نیاید. صاحب‌نظران معارف، حکمت و فلسفه و همچنین دانشمندان علوم اجتماعی تنها حاملان علم نیستند، بلکه معرفت و دانش‌شان از تعلق خاطر به سرنوشت کشور و پیوستگی با جامعه و نظام زندگی جدا نیست. آنها در تعلق خاطرشان به جامعه است که علم اثربخش و کارساز پیدا می‌کنند. خوشبختانه در دهه‌های اخیر مطالعات و پژوهش‌های خوبی در علوم انسانی و اجتماعی صورت گرفته و کتاب‌های مهمی در مباحث و مسائل فرهنگی و اجتماعی و تاریخی تألیف و ترجمه شده است. علوم انسانی و اجتماعی در قیاس با دیگر علوم از این مزیت برخوردارند که شناخت علم و تعیین مقام آن در زندگی و جامعه نیز به عهده آنهاست، یعنی صاحبان این علومند که به تعیین و تبیین مقام علم اعم از علوم دینی و انسانی و طبیعی می‌پردازند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی نیز می‌تواند با عهده‌دار شدن کار تحقیق در وضع علم و فرهنگ کشور شأن خاص خود را بیشتر اثبات کند. پژوهشگاه در گذشته کارهای مهمی انجام داده است و می‌تواند کارهای بزرگتری نیز انجام دهد. در این مجلس تودیع و معارفه از استاد محترم جناب آقای دکتر قبادی که در چند سال اخیر ریاست پژوهشگاه را بر عهده داشته و با بذل همت کارها را پیش برده‌اند، قدردانی می‌شود و از استاد دانشمندی دیگر که سال‌های طولانی در پژوهشگاه به مطالعه و تحقیق اشتغال داشته و آثار خوبی پدید آورده است، برای تصدی ریاست پژوهشگاه و ادامه خدمت در راه پیش‌برد علوم انسانی استقبال می‌شود. سعی آقای دکتر قبادی مشکور باد.

امیدوارم آقای دکتر نجفی هم با دانش و تجربه‌ای که دارند و همواره پاسدار حرمت دانش و دانشمندان بوده‌اند در کار بزرگی که به عهده گرفته‌اند موفق باشند و وزارت علوم، تحقیقات و فناوری نیز در راه توسعه علوم انسانی و اجتماعی که نیاز کشور است از ایشان حمایت کند. والسلام



## پیام تبریک دکتر کریم مجتهدی استاد برجسته فلسفه غرب

هوالعزیز

با عرض سلام، احترام و خوشامدگویی خدمت جناب آقای دکتر زلفی گل (وزیر محترم علوم، تحقیقات و فناوری) و همچنین میهمانان محترم. از اینکه به سبب بیماری و کسالت، نتوانستم در این جلسه مبارک حضور داشته باشم، اظهار تأسف کرده و از حضار گرامی معذرت می‌خواهم.

اینجانب، جناب آقای دکتر نجفی را از سال‌ها پیش شخصاً می‌شناختم. افزون بر استعداد ذاتی او، باید بگویم در این چندین سال، ایشان آشنایی و الفت خاصی نسبت به مسائل کارمندان و همکاران محترم داشته‌اند. از این جهت باید از جناب آقای دکتر زلفی گل (وزیر محترم علوم، تحقیقات و فناوری) تشکر ویژه‌ای داشته باشم.

انتخاب یک غریبه ناآشنا به این محیط خاص علمی که وظیفه بنیان‌گذاری علوم و دانش آتی این مملکت را دارد، می‌توانست نتیجه نامطلوبی داشته باشد. به‌همین دلیل، ضمن تبریک به جناب آقای دکتر نجفی و با آرزوی موفقیت از درگاه خداوند متعال برای ایشان در مسیری که پیش‌رو دارند، این انتخاب را کاملاً شایسته می‌دانم.

در پایان یادآوری یک نکته را نیز لازم می‌دانم: برای پژوهش و تحقیق، صداقت اگرچه لازم است ولیکن به تنهایی به هیچ‌وجه کافی نخواهد بود. برای رسیدن به نتایج مطلوب در هر صورت باید از دانش و دانایی برخوردار بود. هدف ما باید آموختن باشد. آموختن رگ حیاتی پژوهش است.

بیش از این مصدع وقت حضار گرامی نمی‌شوم. خداوند یار و یاور همگان باشد.



دکتر محمدعلی زلفی گل:

## صرف هزینه در علوم انسانی و علوم پایه، بهترین سرمایه گذاری برای آینده کشور است



وزیر علوم، تحقیقات و فناوری ضمن خیرمقدم به حضار گفت: خداوند بزرگ را شاکریم که به یمن پیروزی انقلاب اسلامی شاهد هستیم که ایران عزیز اسلامی در منطقه از نظر علمی رتبه اول را دارد. خدا را شاکریم که به پاس گذشت و ایثار جانبازان و شهدای عزیز، امروز شاهد امنیتی در کشورمان هستیم که شما دانشمندان و پژوهشگران عزیز می‌توانید در کمال امنیت به کار علمی بپردازید. بیش از ۲۰ میلیون دانش‌آموخته دانشگاهی در کشور وجود دارد و در زمینه بومی‌سازی علمی نیز بسیار موفق بوده‌ایم. تولید علم در ایران نسبت به کشورهای رقیب دو برابر است و در زمینه دانایی و ترویج علم نیز موفقیت‌های ارزشمندی داشته‌ایم. دکتر زلفی گل با اشاره به سخنی از امیرکبیر مبنی بر اینکه جامعه‌ای موفق خواهد شد که مردمان دانایی داشته باشد، نه شاه و وزیر خوب، اظهار کرد: وظیفه اصلی اصحاب علوم انسانی باید در این حوزه متمرکز شود. اگر در طلب مردم دانا هستیم که درست انتخاب کنند، درست زندگی کنند و همه آرامش و آسایش داشته باشیم، حتماً حاکمیت و کشور باید رشته‌های علوم انسانی را در صدر بنشانند. این یک واقعیت است.

### حمایت نکردن از رشته‌های علوم انسانی، ظلم به آیندگان است

وزیر علوم با تأکید بر اینکه نظام مقدس انقلاب اسلامی توجه ویژه‌ای به علوم انسانی دارد، گفت: مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) بارها تذکر داده‌اند که رشته‌های علوم پایه و علوم انسانی مثل معدن طلا هستند. به همین دلیل سیستم و جامعه‌ای که بر علوم انسانی و علوم پایه هزینه می‌کند، بهترین سرمایه‌گذاری را برای آینده کشور خود کرده است. متأسفانه در سیستم آموزشی کشور توزیع متوازن استعدادها رخ نمی‌دهد. وقتی استعدادها به‌طور متوازن توزیع نشود، در آینده پازل علمی کشور متوازن نخواهد بود. در بسیاری از دبیرستان‌های تیزهوشان رشته‌های علوم انسانی وجود ندارد. دانش‌آموز رشته علوم انسانی مدال طلای المپیک فیزیک و ریاضیات می‌آورد ولی در رشته دیگری تحصیل می‌کند! چون نگران کار و مسائل اقتصادی است. بسیاری از افراد به علوم انسانی علاقه دارند ولی فقط به دلیل دغدغه‌های اقتصادی به سراغ رشته‌های دیگر می‌روند. اگر حمایت از رشته‌های علوم انسانی صورت نگیرد، ظلم به آیندگان است. ما به‌عنوان مسئولان کشور نباید بی‌تفاوت از کنار اینها بگذریم.



## فکر از حکیمان و اجرا از حاکمان

دکتر زلفی گل با طرح این سؤال که چرا علوم انسانی مهم است و ما باید برای تقویت آن چه بکنیم و مراکزى مانند پژوهشگاه هستند که باید به این پرسش پاسخ دهند، بیان کرد که پاسخ این است: باید فکر از حکیمان و اجرا از حاکمان باشد. شما راهکار بدهید ما می‌شویم مسئول اجرای راهکارهای شما. یکی از دوستان که از نخبگان و بزرگان علمی کشور و دارای شرکت دانش بنیان است می‌گفت، در کشوری مثل آمریکا نخبه‌ترین افراد کشورشان به تحصیل در رشته‌های علوم انسانی هدایت می‌شوند، زیرا آنها مدیریت کلان جامعه را برعهده دارند و برای علوم تجربی، نخبگان دیگر کشورها را جذب می‌کنند و زیر چتر خود به نحو مطلوب از آنها استفاده می‌کنند. اینها مسائلی است که باید در علوم انسانی مورد توجه قرار گیرد، زیرا در علوم انسانی نوع نگاه انسان به زندگی را می‌توان تغییر داد. یکی از پیامدهای توجه به علوم انسانی، تحقق رفاه جامعه است و این علوم، سلامت روحی افراد را فراهم می‌کنند. وزیر علوم با اشاره به اینکه متخصصان علوم انسانی، پزشکان سلامت روحی جامعه هستند، اظهار کرد: اگر پزشکان و دیگران آسایش را فراهم می‌کنند، علوم انسانی هم آرامش را فراهم می‌کند. در بعد دیگر یعنی دانایی نیز علوم انسانی مهم است، زیرا دانا کسی است که هم علم دارد و هم عقل. عقل مربوط به رشته‌های علوم انسانی است. عقل یعنی برنامه‌ریزی برای درست زندگی کردن. بنابراین از هر دیدگاهی که بنگریم نمی‌توان به رشته‌های علوم انسانی بی‌توجهی کرد.

## پژوهشگاه‌ها هادی و علمدار پژوهش‌های کشور هستند

وزیر علوم ادامه داد: در مورد این سؤال که چرا پژوهشگاه‌ها تأسیس شده‌اند، باید گفت: پژوهشگاه‌ها هادی و علمدار پژوهش‌های کشور هستند. پژوهشگاه باید علمدار پژوهش باشد. پژوهشگران پژوهشگاه به‌عنوان یک مرکز پژوهشی مرجع در حوزه علوم انسانی به مسائل کلان پردازند و در راستای حل آنها پژوهشگران سایر مراکز و پژوهشگاه‌ها را با خود همراه سازند. رشد پژوهش در پژوهشگاه نه به معنای افزایش تعداد استادان، بلکه با نقش هدایتگری و تبدیل پروژه‌های کلان به ریزپروژه و در اختیار دانشمندان دانشگاه‌های دیگر قرار دادن است. تمام استادان علوم انسانی دانشگاه‌های کشور باید به پژوهشگاه وابسته باشند. یکی از کارهایی که وزارت علوم باید در دوره جدید بکند، این است که با استفاده از پتانسیل شورای عالی علوم، تحقیقات و فناوری که در آنجا کلان‌پروژه‌ها تعریف می‌شود، قسمت عمده پژوهش‌ها را به پژوهشگاه علوم انسانی ارجاع دهد تا از ظرفیت دانشگاه‌های دیگر استفاده کنند.



دکتر زلفی گل سپس به علت و ضرورت انجام پژوهش پرداخت و گفت: انجام پژوهش مهم و ضروری است، زیرا از طریق پژوهش می‌توان هم پیش‌بینی کرد و هم پیش‌گویی. اگر پژوهش درست انجام شود، می‌تواند دستاوردها و نتایج پیمایش هر مسیر را نشان دهد. پس پژوهشگاه‌ها از این جهت مهم هستند که به مدیران و حاکمان جامعه قدرت پیش‌بینی و پیش‌گویی می‌دهند. این توانمندی بسیار بالایی است که با قدرت پیش‌بینی و پیش‌گویی می‌توان جامعه را مطابق میل خود هدایت کرد. وزیر علوم با اشاره به نقل قول یکی از متخصصان رشته اقتصاد که یافتن راه‌حل برای مسائل و مشکلات مختلف کشور را انجام پژوهش درباره آن مسائل می‌دانست، تصریح کرد: به منظور بهبود شرایط و ایجاد بستر مناسب برای پیشرفت کشور از یک طرف با تحقیق و پژوهش می‌توان چشم‌اندازی از مسیر پیش‌رو به دست آورد و از طرف دیگر با تغییر قوانین مطابق با نتایج پژوهش‌های به دست آمده، می‌توان به اهداف خود دست یافت. اگر در هر حوزه قوانین به درستی اصلاح شود، می‌توان به نتایج مطلوب و موردانتظار دست یافت؛ مثلاً یکی از چالش‌های مهم پیش‌روی کشور موضوع افزایش مولید است که می‌توان علاوه بر تحقیق درباره ابعاد و مسائل مختلف آن، در یک بعد که مسائل اقتصادی است برخی قوانین موجود را نیز در جهت حمایت از بنیاد خانواده و ازدواج تغییر داد به‌طور مثال می‌توان معافیت مالیاتی را متناسب با وضعیت تأهل و نیز تعداد فرزندان اصلاح کرد تا هم جوانان تشویق به تشکیل خانواده و ازدواج شوند، هم فرزندآوری.

دکتر زلفی گل در خاتمه سخنانش تأکید کرد: از طریق رشته‌های علوم انسانی است که شعار انقلاب اسلامی ما محقق می‌شود؛ استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی. پس از هر منظر که بنگریم اگر بخواهیم جامعه‌ای داشته باشیم که بستر مناسبی برای پیشرفت داشته باشد آن بستر باید بر شانه‌های دانشمندان علوم انسانی ساخته شده باشد.

وزیر علوم در پایان سخنان خود، ضمن تشکر از تلاش‌های چندین ساله دکتر قبادی، از دکتر نجفی برای پذیرفتن این مسئولیت مهم قدردانی کرد.





حجت الاسلام والمسلمین مصطفی رستمی:  
علوم انسانی نیازمند جسارت‌هایی برای نقد است



حجت الاسلام والمسلمین مصطفی رستمی، رئیس نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) در دانشگاه‌ها، در مراسم تودیع و معارفه رئیس پژوهشگاه ضمن سلام و شکرگزاری از درگاه خداوند متعال، با تأکید بر اهمیت نقش محوری و اصلی پژوهشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی در مسیر پیشرفت علمی کشور، مسئولیت مدیریت پژوهشگاه را مأموریتی بزرگ، سنگین و پرزحمت برای رئیس جدید پژوهشگاه توصیف کرد و گفت: موضوع علوم انسانی، موضوعی است که به‌رغم گذشت بیش از چهل سال از پیروزی انقلاب اسلامی هنوز هم در کش و قوس امکان وقوع است و این مسئله خودش را حل نکرده است.

حجت الاسلام والمسلمین رستمی در این رابطه بیانات مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) در دیدار ماه رمضان امسال با دانشجویان را خاطرنشان کرد که فرمودند: چند مسئله از مسائل انقلاب اسلامی تصور می‌شد، مسائل آسانی هستند اما به‌مرور پیچیدگی‌های آنها روشن شد. بعضی از مسائل مسائل به ظاهر آسان بود، مثل مسئله اسلامی شدن دانشگاه‌ها، اما امروز به‌عنوان مسائل پیچیده‌ای است که روی دست نظام مانده است؛ یعنی نخست، نمی‌شود از آن صرف‌نظر کرد، دوم، نمی‌توانیم بگوییم به محصول و به مطلوب رسیده‌ایم. رئیس نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) در دانشگاه‌ها با اشاره به طرح موضوع امکان‌ناپذیری تولید علوم انسانی اسلامی از سوی یکی از استادان علوم انسانی اظهار کرد: این موضوع، موضوعی است که انسان‌های حاضر به تلاش، مبارزه و زحمت را می‌طلبد.





## پایه تمدن اسلامی، علم و فرهنگ است

حجت‌الاسلام والمسلمین رستمی با تأکید بر اهمیت بحث تمدن اسلامی تصریح کرد: پایه تمدن اسلامی، علم و فرهنگ است و سایر مؤلفه‌های هر تمدنی اعم از سبک زندگی، فناوری و سایر محصولات پاسخ‌دهنده به نیازهای آن تمدن، مبتنی بر علم و فرهنگ است و تردیدی نیست که علم مبتنی بر مبانی‌ای است که آن مبانی در حوزه علوم انسانی و به‌صورت خاص در فلسفه مورد بحث و بررسی قرار گرفته و شکل می‌گیرد. فلسفه، علوم انسانی را رقم می‌زند و علوم انسانی نوع نگاه به علوم طبیعی و بعد سایر علوم فنی، تجربی و عناصر آنها را رقم می‌زند. امروز تمدن غرب که با نماد لیبرال دموکراسی معرفی می‌شود، در خود غرب هم در معرض نقد قرار گرفته و با چالش‌های جدی مواجه شده است.

رئیس نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) در دانشگاه‌ها در این رابطه به مباحث سه سال اخیر فوکویاما مبنی بر ناگزیری غرب به بازگشت به نوعی از سوسیالیسم و نقدهای جدی‌ای که بر لیبرال دموکراسی از نظر او وارد است، اشاره و گفت: امروزه افول هژمونی تمدن غرب و مباحثی همچون مرگ رؤیای آمریکایی، جزء مباحثی است که نه از طرف رهبران انقلاب اسلامی بلکه از سوی رهبران تمدن غربی مطرح می‌شود و موضوع فروپاشی مبنایی تمدن غربی، موضوعی جدی است.

حجت‌الاسلام والمسلمین رستمی یادآور شد: علوم انسانی نیازمند جسارت‌هایی برای نقد است و این جسارت‌ها انسان‌های شجاعی را می‌طلبد که حاضر به بن‌بست‌شکنی، چهارچوب‌شکنی و پیدا کردن راه‌های جدید باشند. از مراکز مختلف فعال در حوزه علوم انسانی به‌ویژه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی که دارای سوابق ارزشمند، اعضای هیأت علمی فرهیخته و جریان فاخر و توانمند برای مدیریت و هدایت است انتظار می‌رود با حرکت خلاقانه و نوآورانه بتواند در این عرصه پیشگام باشد.

رئیس نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها در بخش پایانی سخنانش ضمن آرزوی توفیق و بهروزی برای دکتر نجفی به‌عنوان رئیس پژوهشگاه و اعضای پژوهشگاه، از زحمات دکتر قبادی قدردانی کرد.



دکتر موسی نجفی:

## تمدن اسلامی باید استعمار غرب را کنار بگذارد



دکتر نجفی ضمن سلام و خیرمقدم خدمت وزیر علوم، تحقیقات و فناوری، دکتر زلفی گل، و حجت‌الاسلام و المسلمین مصطفی رستمی، رئیس نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) در دانشگاه‌ها و سایر مهمانان و حضار، به ویژگی‌های در نظر گرفته شده در طراحی «تالار تمدن» پرداخت و گفت: این تالار، که امروز (۶ بهمن) با حضور وزیر محترم علوم افتتاح شد و «تالار تمدن» نام گرفته است، نمادی از تمدن گذشته اسلامی است و در آن تصویر پنج نفر از شعرا بزرگ، پنج دانشمند علوم تجربی، پنج دانشمند علوم انسانی، پنج فیلسوف و پنج فقیه نصب شده است که محور اینها خواجه نصیرالدین طوسی و شیخ بهایی است و نام چهارده معصوم (ع) در بالای آنها قرار داده شده است و همه این موارد دلالت بر آن دارد که این میراث عظیم، همزمان دارای عقلانیت فلسفی، معنویت، ادب فارسی و علوم تجربی دارد است که در کنار هم تمدن اسلامی را پدید آورده‌اند.

رئیس پژوهشگاه با اشاره به اینکه هیچ‌کدام از این مؤلفه‌ها برتری خاصی نسبت به دیگری نداشته است، افزود: اینها فقط حافظه تاریخی ما نیستند، بلکه اگر درست دیده شوند، هویت و شخصیت ملی ما را هم تشکیل می‌دهند. هویت و شخصیت ملی ما که با یک انقلاب عظیم ایجاد شده، تاریخ ما را با پیوستگی به آینده متصل می‌کند و همان چیزی است که می‌توان عنوان «تمدن نوین اسلامی» را بر آن نهاد.





## معضل بزرگی به نام «هژمونی مدرنیته» و «استعمار غرب»

دکتر نجفی با اشاره به دو دوره تمدنی درخشان ایران در گذشته شامل: ۱. دوره اول در قرن چهارم و پنجم که دوره زرین تمدن اسلامی بوده و بیشتر با علوم تجربی و پزشکی شناخته می‌شود و ۲. دوره دوم در دوران صفویه و قرن دهم و یازدهم که بیشتر با مبانی عقلانی، عرفانی، فلسفی و معماری شناخته شده است، گفت: به نظر می‌رسد ایرانی‌ها قرار است در سه دوره تاریخی از جهت تمدنی درخشش داشته باشند که دو دوره آن گذشته است و دوره سوم، به نظر می‌آید همین دوره ما هست که مفتخر هستیم در آن حضور داریم و با اینکه ما دو میراث گذشته را داریم اما باید قبول کنیم که با معضل بزرگی به نام «هژمونی مدرنیته» و در کنارش «استعمار غرب» مواجه هستیم که نمی‌گذارند به تمدن بزرگ اسلامی آن‌طور که شایسته هست، برسیم، زیرا در بحث تمدن نوین اسلامی حتماً انقلاب اسلامی نقش داشته و و به صورت یک رقیب دیده می‌شود. براین اساس تمدن اسلامی باید استعمار غرب را کنار بگذارد و خودش را آرام‌آرام در دنیا مطرح کند.

رئیس پژوهشگاه تأکید کرد: به نظر من باید بتوان این میراث هویتی را به نسل بعدی و به دهه پنجم انقلاب منتقل کرد و برای این کار علاوه بر اینکه باید روشنفکر تراز انقلاب داشته باشیم، دولت تراز انقلاب داشته باشیم و مجموعه دانشگاهی و حوزوی ما هم باید در تراز انقلاب باشند؛ باید یک نوع بازطراحی در پژوهشگاه در شأن تمدن اسلامی داشته باشیم، تا پژوهشگاهی انقلابی و در تراز انقلاب داشته باشیم، و همه اینها در کنار هم به شکل متعادل و متناسب، به تمدن نوین اسلامی نزدیک شوند.





## ابعاد بین‌المللی انقلاب ایران و نقش اسلام در آن

دکتر نجفی با اشاره به اینکه جایگاه پژوهشگاه در بین مراکز پژوهشی مثل جایگاه دانشگاه تهران به سایر دانشگاه‌هاست، گفت: این سخن بدین معناست که پژوهشگاه نقش محوری دارد و این موضوع مسئولیت ما را دوچندان می‌کند و همه به این موضوع واقف هستیم، اما بنده به‌عنوان مدیر و خادم فعلی پژوهشگاه در این مدت اندک به یک صورت مسئله جدیدی رسیدم که می‌خواهم آنرا صادقانه با وزیر علوم طرح کنم و آن این است که ریاست این مراکز فقط به مدیریت اداری و جایگاه یک مدیر برای دستور دادن و... نیست. خودم به این نتیجه رسیده‌ام که در دهه پنجم انقلاب، یک انقلاب عظیمی در یک سمت قرار دارد و امکانات عظیمی هم سمت دیگر؛ تا حالا این دو آن‌طور که باید و شاید همدیگر را ندیده‌اند. من وظیفه خودم می‌دانم که از یک طرف این انقلاب عظیم را در چشم‌انداز اصحاب و اندیشمندان علوم انسانی، که همکاران ما هستند، و از طرف دیگر هم دستاوردهای پژوهشگران علوم انسانی و همکاران خودمان را در چشم‌انداز انقلاب قرار بدهم. این تنها کاری است که می‌توانم بکنم و این کار هم نیازمند یک نظریه‌پردازی و ارتباط فکری خوب و تعامل با همکاران است که بتوانیم بارهایی را از دوش این کشور برداریم.

رئیس پژوهشگاه با اشاره به یکی از تقابل‌های مصنوعی و دوقطبی ایجاد شده تحت عنوان بحث اسلام و ایران، تصریح کرد: آن چیزی که به نظرم می‌آید این است که نسبت انقلاب اسلامی به ایران مثل نسبت انقلاب فرانسه به کشور فرانسه است. انقلاب فرانسه، انقلاب فرانسوی نبود، بلکه انقلابی بود که در فرانسه اتفاق افتاد. انقلاب اسلامی هم انقلاب ایرانی نیست، بلکه انقلابی است که در ایران روی داد. همان‌طور که انقلاب فرانسه به این کشور یک بعد بین‌المللی و جهانی داده، انقلاب اسلامی هم به ایران و ایرانی یک شخصیت ممتاز بین‌المللی و جهانی اعطا کرده است و این برای ما ایرانی‌ها می‌تواند یک افتخار باشد که در سومین دوره تمدن اسلامی با این انقلاب می‌توانیم برای دنیا حرف داشته باشیم. این صورت مسئله‌ای هست که من نسبت به خودم و نسبت به زمانه خودم می‌بینم. لذا رسالت و مأموریت ما این است که باید پژوهشگاهی را بازطراحی کنیم که در انتقال و اجتهاد و بازآفرینی این میراث برای تکوین تمدن نوین اسلامی در سومین دوره تاریخی تمدن در ایران برای رشد و بازخوانی هویت ملی ایران تلاش کند؛ این وظیفه‌ای است که ما می‌توانیم اینجا برای خودمان تعریف کنیم. این را هم بدانیم وقتی از تمدن صحبت می‌کنیم، باید توجه داشته باشیم که هاضمه برخی تمدن‌ها مانند تمدن و فرهنگ ایرانی - اسلامی، هاضمه قوی، متنوع، بزرگ و پیچیده‌ای است، لذا می‌تواند افکار و عقاید سایر فرهنگ‌ها را به راحتی در خود پذیرفته و تحمل کند و برتری خود را اثبات کند. دکتر نجفی در خاتمه سخنانش به جمله و هشدار یکی از بزرگان دوران مشروطه اشاره کرد و گفت: این دانشمند هشدار می‌دهد که آن‌زمان داده، به نظرم هشدار است برای امروز ما، پژوهشگاه ما و تمدن ما:

«نان خود به سفره مردم خوردن، به نعمت خویش منت از دیگری بردن، خانه همسایه سوختن و چراغ اجانب برافروختن، جامه خویش دریدن و کلاه بیگانه دوختن، نه کار عقلاست. گفته‌اند مُلک از خردمندان جمال گیرد، دین از پرهیزگاران کمال پذیرد.»

والسلام علیکم ورحمة الله



## دکتر حسینعلی قبادی: فرهنگ، روح و حقیقت تمدن است



دکتر حسینعلی قبادی، رئیس سابق پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، در مراسم تودیع خود با خواندن فرای از دعای کمیل (یا رَبِّ یا رَبِّ یا رَبِّ اسْئَلْکَ بِحَقِّکَ وَ قُدْسِکَ وَ اَعْظَمِ صِفَاتِکَ وَ اَسْمَائِکَ اَنْ تَجْعَلَ اَوْقَاتِی مِنْ اللَّیْلِ وَالنَّهَارِ بِذِکْرِکَ مَعْمُورَةً وَ بِخِدْمَتِکَ مَوْصُولَةً؛ وَ اَعْمَالِی عِنْدَکَ مَقْبُولَةً حَتَّى تَكُونَ اَعْمَالِی وَ اَوْرَادِی کُلِّهَا وَرَدًا وَاِحْدًا وَ حَالِی فِی خِدْمَتِکَ سَرْمَدًا) سخنانش را آغاز کرد و گفت: از مرحمت وزیر محترم جناب آقای دکتر زلفی گل که بنده از قدیم به ایشان ارادت داشتم، تشکر می‌کنم و برای جناب آقای دکتر نجفی آرزوی موفقیت دارم و از اهتمام ایشان در گسترش و به‌سازی این سالن هم قدردانی می‌کنم و برای این زحمت ارزشمند به ایشان تبریک عرض می‌کنم.

دکتر قبادی ادامه داد: برای همه شما یاران پژوهشگاه آرزوی سلامت و توفیق و سرفرازی دارم. از فرد فرد اعضای محترم پژوهشگاه که همگان با همدلی و همکاری صمیمانه در همه امور یار و مددکارم بودند، سپاسگزاری می‌کنم. همچنین برای شادی روح درگذشتگان پژوهشگاه از جمله همکار جوانان آقای جمالی و زنده‌یاد استاد صادق آئینه‌وند سلام و درود می‌فرستیم. از تمام معاونان و مدیران و رؤسای محترم پژوهشگاهها و مراکز که طی سال‌های گذشته با فداکاری ایفای مسئولیت کردند، قدردانی می‌کنم که برخی از آنها در دوره اول معاون بودند و بعد به سمت‌های اجرایی ملی پرداختند، از جمله سرکار خانم دکتر بروجردی. به‌ویژه از جناب آقای دکتر ملایی توانی، معاون محترم پژوهشی، از سرکار خانم دکتر پارساپور، معاون محترم کاربردی‌سازی علوم انسانی و فرهنگی، جناب آقای دکتر قنبرلو، معاون محترم اداری مالی و از مدیر محترم حوزه ریاست، جناب آقای دکتر علوی‌پور، دبیر محترم هیات ممیزه، سرکار خانم دکتر پارسا، رئیس محترم دبیرخانه جذب، سرکار خانم دکتر قبادی قدردانی می‌کنم.

دکتر قبادی گفت: بنده امروز قصد گزارش کار ندارم، کارنامه روشن است. اما یک نکته درباره ایران و علوم انسانی عرض می‌کنم. می‌خواهم از چنین موقعیتی برای اعتلای علوم انسانی و فرهنگ این سرزمین استفاده کنم. ایرانیان همواره بیش از آنکه با سلاح از کشور خود صیانت کنند، با فرهنگ و منطق، معرفت و ادبیات، آن را چون جان و روح خود حفاظت کرده‌اند. ایران، کشوری است عمیقاً فرهنگ‌بنیان. قوام تمدن آن نیز در گرو آرمان‌های فرهنگی است.

آب را آبی است که او میراندش      روح را روحی است کاو می‌خواندش

رئیس سابق پژوهشگاه در ادامه با اشاره به ریشه اوستایی فرهنگ، یعنی «ثنک»، گفت: با توجه به این معنا درمی‌یابیم که فرهنگ، عامل تداوم شکوه یک ملت است و فرهنگ، روح و حقیقت تمدن است.

اگر تمدن ایران در خاکی معین، مستقر بود، فرهنگ ایرانی آن را به اقصی نقاط عالم گسترش و ایران فرهنگی و امپراطوری فرهنگی ایران را پی ریزی و به انسان دوستی و درک درد مشترک انسان‌ها رسانید. چنانچه فردوسی فرمود:

چو با دانشی شد گشاده جهان      به آهن چه داریم گیتی نهان

و فرمود:

همان کن، کجا با خرد در خورد      دل اژدها را خرد بشکرد

دکتر قبادی ادامه داد: اگر بنا باشد اهمیت و وزن کارکرد فرهنگ و اصالت رویکرد فرهنگی را برای تاریخ ایران و نقش آن در جلوگیری از تشتت هویتی ایران در نظر داشته باشیم، خوب است به این سخن «حسنین هیکل» توجه کنیم که گفت: اگر ما مصریان هم شاهکاری مانند شاهنامه فردوسی می‌آفریدیم، امروز زبان قبطی مصری قدیم از بین نمی‌رفت و زبان عرب جانشین آن نمی‌شد و ما مانند شما ایرانیان هم دین اسلام را داشتیم و هم زبان خود را. چه چیزی جز اصالت فرهنگ، آیین، ادبیات و اسطوره می‌توانست چنین خدمتی به ایران بکند که ما هم مسلمان باشیم و هم فارسی‌زبان و با زبان ایرانی بمانیم. همین نگاه فرهنگی است که سنایی، نظامی، خاقانی، عطار، مولوی، سعدی و حافظ را پرورده است. آری، همین نگاه فرهنگی است که قوم مغول و تاتار را در خود استحاله کرده و آنان را به خدمت زبان فارسی و دین اسلام درآورده و چهره اسکندر متجاوز را به اسطوره ایرانی - ایرانی‌زاده تبدیل کرده است و ده‌ها اسکندرنامه منشور و منظوم را حکمایی چون نظامی خلق کرده که حتی اسکندر را به مقام پیامبری رسانده است و سعدی است که با نگاه فرهنگ‌بنیانی می‌خواهد مسیر درست هر توسعه‌ای را روشن بسازد و می‌فرماید:

از آن بهره‌ورتر در آفاق کیست      که در ملکرانی به انصاف زیست

رئیس سابق پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی تصریح کرد: یکی از وظایف عمده علوم انسانی، تغذیه دائمی و زنده نگه‌داشتن فرهنگ است، به‌ویژه در ایران، علوم انسانی می‌تواند با بازآفرینی میراث‌های فرهنگی، دینی، معنوی، ادبی و معرفتی کمکی شایان به بالندگی و تراوت فرهنگ عرضه کند و تمدن نیز از این ناحیه می‌تواند بهره‌مند شود. آری کارکرد علوم انسانی فقط برای ایجاد آرامش و معنویت محدود نمی‌شود، بلکه علوم انسانی با گشودن چشم‌اندازهای راهبردی مسیر آسایش و توسعه کشور را معین می‌سازد و به تعبیر مقام معظم رهبری، علوم انسانی، افق‌ها و مسیر توسعه و مسیر پیشرفت و حرکت جامعه را تعیین می‌کند، لذا می‌توان گفت: کشور ما در مسیر توسعه آینده خود، پیش از هر چیز، به علوم انسانی و نگاه منطقی برنامه‌ای بر مبنای مطالعات اجتماعی نیازمند است. البته این مهم با سعه صدر، رواداری، تحمل سلائق گوناگون و با مودت حاصل می‌شود، آری به قول حافظ:

خلل پذیر بود هر بنا که می‌بینی      مگر بنای محبت که خالی از خلل است





دکتر قبادی در بخش پایانی سخنرانی خود با اشاره به مناسبت برگزاری این مراسم، گزارشی بسیار کوتاه از چند اقدام راهبردی درباره منش و عملکرد سال‌های اخیر مدیریت پژوهشگاه برشمرد:

۱. کوشش برای کاربردی‌سازی علوم انسانی، در مسیر بومی‌گرایی و دستیابی به منشور کاربردی‌سازی علوم انسانی و تدوین آن، باور همه‌جانبه به محصول‌محوری و متنوع‌سازی نتایج پژوهش‌ها، شگردهای نوین اثرگذاری و حرکت به سمت نسل چهارم مؤسسات علمی به‌ویژه با استخراج توصیه‌های سیاستی، گزارش‌های راهبردی، گزارش‌های ملی و...
۲. رویکرد درون‌زایی، مشارکت حداکثری اعضا، اعم از تدوین برنامه توسعه، تدوین نظام‌نامه‌ها، روزآمدسازی اساسنامه.
۳. تقویت رویکرد همگرا، برنامه‌مدار و پرهیز از پژوهش‌های جزیره‌ای و اقدام برای مطالعات بین‌رشته‌ای.
۴. حرکت به سمت مرجعیت پژوهشگاه، توجه به مشارکت نخبگانی ملی، انجمن‌های علمی و کسب مقام نخست در چهار سال پیاپی در جشنواره نقد کشوری و افزایش تولید سرانه علم با مشارکت عموم پژوهشگران پژوهشگاه و اجرای طرح جامع اعتلاء و محصول‌محورسازی و ارتقا شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی.
۵. افزایش کارآیی سازمان از طریق چابک‌سازی، تقلیل ۶۹ گروه پژوهشی به ۴۲ گروه و عزم جدی برای ترویجی‌سازی علوم انسانی و ساختارسازی برای آن.

رئیس سابق پژوهشگاه با اشاره به دغدغه بومی‌نگری و دین‌محوری و اسلام‌باوری در حوزه علوم انسانی گفت: تجربه جهانی و تجربه فشرده ۴۲ ساله پس از انقلاب و تجربه ۱۵۰ ساله پیش از انقلاب به ما می‌گوید در شرایط کنونی آموزش عالی ما، علوم انسانی می‌تواند، نقشی اثرگذار ایفا کند و راه‌حل واقع‌بینانه و اجرایی آن، کاربردی‌سازی علوم انسانی بر مبنای نظام ملی نوآوری است و با کاربردی‌شدن راه بومی‌گرایی و اسلامی‌شدن را پیدا می‌کند؛ هرچند مباحث نظری بومی‌سازی نیز به همراه افق‌ها و دیده‌ای گسترده و جلب نظر و مشارکت نخبگان و سرمایه‌های انسانی کشور می‌تواند مقدمه و ممد کار باشد و با کاربردی‌سازی و اصلاح نظریه‌ها می‌توان در مسیر بومی‌شدن علوم انسانی گام برداشت.

دکتر قبادی در خاتمه سخنرانی خود ابیاتی از نظامی گنجوی را قرائت و برای اعضای پژوهشگاه آرزوی توفیق و بهروزی کرد:

ز ما خدمت آید خدائی تو راست  
همه نیستند آنچه هستی توئی  
چراغ هدایت تو بر کرده‌ای  
که به زان نیارد خرد در شمار  
ندانند که چون کردی آغازشان  
تو دادی دل روشن و جان پاک  
که خرم دل آیم چو آیم به تو

خدایا جهان پادشاهی تو راست  
پناه بلندی و پستی توئی  
خرد را تو روشن‌بصر کرده‌ای  
چنان برکشیدی و بستی نگار  
مهندس بسی جوید از رازشان  
مرا در غبار چنین تیره خاک  
چنان گرم کن عزم رأیم به تو



دکتر موسی نجفی:

## راه تبیین، نشان دادن واقعیات تاریخ است

دکتر موسی نجفی، استاد علوم سیاسی و رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در گفت‌وگویی با پایگاه اطلاع‌رسانی KHAMENEI.IR به اهمیت تبیین حوادث تاریخی و ارائه روایت صحیح از واقعیات دوران معاصر و ... پرداخته است که در ادامه متن کامل این گفت‌وگو از نظرتان می‌گذرد:



«جهاد تبیین» موضوعی است که ماه‌های اخیر در بیانات حضرت آیت‌الله خامنه‌ای بارها مورد تأکید و اشاره قرار گرفته است و رهبر انقلاب اسلامی ابعاد مختلف آن را توصیف کرده‌اند. «جهاد تبیین» یک فریضه است. «جهاد تبیین» یک فریضه‌ی قطعی و یک فریضه‌ی فوری است و هر کسی که می‌تواند [باید اقدام کند].»  
خطابی عمومی که همه افراد جامعه در جنگ رسانه‌ای دشمن علیه حقایق انقلاب اسلامی مردم ایران، مخاطب آن هستند و می‌توانند ایفای نقش کنند؛ اگرچه مسئولین در این زمینه وظایف سنگین‌تری بر دوش دارند.  
پایگاه اطلاع‌رسانی KHAMENEI.IR بر همین اساس در سلسه یادداشت‌ها و گفت‌وگوهایی به بررسی این موضوع می‌پردازد. آنچه در ادامه می‌خوانید گفت‌وگویی با دکتر موسی نجفی، استاد علوم سیاسی پژوهشگاه علوم انسانی است که به اهمیت تبیین حوادث تاریخی و ارائه روایت صحیح از واقعیات دوران معاصر پرداخته است.

### \* زمینه و دلیل طرح موضوع «جهاد تبیین» از سوی رهبر انقلاب در این برهه از زمان چیست؟

بحث تبیین صرفاً ربطی به این دوره ندارد و همیشه باید از انقلاب تبیین داشته و نسبت به مسائل، کاملاً آگاهی داشته باشیم. الآن به دلیل شرایطی که در کشور وجود دارد، -البته از اول انقلاب هم رسانه‌های خارجی فعال بودند و جهت‌دهی افکار عمومی را برعهده داشته‌اند- فضای مجازی بسیار قوی‌تر شده و بسیاری از مباحث کوتاه و نقطه‌گذاری شده و ذهن جوانان و مردم را هدف قرار می‌دهند. طبیعی است که ما نیز در برابر آن‌ها مقابله داشته باشیم. بحث آگاهی هم مهم است و باید با ابزارهای فکری، عقلانی، هنری، فلسفی و مذهبی بتوانیم تبیین خودمان را داشته باشیم.

### \* فکر می‌کنید چه لطماتی از عدم تبیین در زمینه تاریخ معاصر بعد از انقلاب برای ما به وجود آمده است؟

برخی تاریخ معاصر ایران را از مشروطیت آغاز می‌کنند. در آن زمان، بیشتر روزنامه و شب‌نامه به‌عنوان رسانه کار می‌کرد. گروه‌های مذهبی در کار تشکیلاتی و رسانه‌ای از گروه‌های غرب‌گرا عقب‌تر بودند. آن‌ها توانستند از این برتری استفاده کنند؛ حتی یکی از عواملی که جریان مشروطه را عوض کرد و برای کودتای رضاخانی زمینه‌سازی کرد، عدم تبیین بود.





این عدم تبیین باعث شد انقلابی که به نام آزادی و عدالت بود به دست دیکتاتوری مثل رضاخان بیفتد و قرار بود راه نفوذ بیگانگان بسته شود، اما انگلیس و کشورهای دیگر نیز از راه دیگری از طریق رضاخان وارد شدند. قهرمانان هم جابه‌جا شدند و شخصیتی مانند شیخ فضل‌الله نوری به شهادت رسید. طول کشید تا مردم دریابند که چه رهبری را از دست داده‌اند. این به دلیل عدم تبیین و تحلیل مردم بود.

### \* چرا «جهاد تبیین» به معنای اخص و اعم کلمه و با قدرت در سال‌های تاریخ معاصر وجود نداشته است؟

نمی‌توان گفت وجود نداشته است، پس این انقلاب‌ها چیست‌اند که به وجود آمدند؟ نهضت نفت، انقلاب اسلامی و انقلاب مشروطه نتیجه حرکت بیداری اسلامی و «جهاد تبیین» بوده‌اند. شاید بتوان گفت در حجمی که انقلاب صورت گرفته دشمنان توانستند ضد آن را بزنند و آن را شکست دهند و به همین اندازه غفلت شده است. همین که انقلاب اسلامی رخ داد، یعنی «جهاد تبیین» کار خودش را کرده و دشمن نتوانسته است که با کمک تبلیغات خود در مقابل رخداد این انقلاب مقابله کند، ولی بعد از آن دشمنان از برتری رسانه‌های خود استفاده کردند و شیوه‌های تغییر جهت‌دهی افکار عمومی را بلد بودند؛ اما جناح مذهبی و انقلابی و متدینین در عینی که می‌توانند از وسایل مدرن استفاده کنند، مجهز به ابزارهای سنتی خود نیز هستند. به همین دلیل در دوره قبل از انقلاب نتوانستند غلبه کنند، زیرا جناح مقابل فکر نمی‌کرد که در مساجد، منابر، حسینیه‌ها و دیگر اماکن مذهبی چنین قدرتی برای تبیین افکار عمومی وجود داشته باشد. این را اولین بار حضرت امام رحمه‌الله علیه در تاریخ معاصر کشف کرد که می‌شود از این ابزار مذهبی و دینی استفاده کرد و انقلاب بزرگ دینی و اسلامی به راه انداخت. این نشانگر آن است که غلبه صورت گرفته، اما کافی نیست؛ چون دشمن ضد آن را می‌سازد و باید تبیین صورت بگیرد. ابزارهای سنتی و مذهبی هم بعد از گذشت چهل پنجاه سال باید تغییراتی در آن‌ها صورت گرفته و به‌روزرسانی شوند تا بتوانند در مقابل آن موج مؤثر واقع شوند؛ اما این کار انجام نشده است.

### \* شما اشاره کردید که باید روی شیوه‌ها کار شود. در حوزه تبیین تاریخی چه سازوکارهایی باید شکل بگیرد که این تبیین در آینده بهتر به وقوع بپیوندد؟

یکی از راه‌های تبیین، خود تاریخ و عبرت‌گرفتن از آن است. مانند فردی که یک‌بار ورشکسته شده و ضرر کرده است، دوباره در همان نقطه سرمایه‌گذاری می‌کند. کسی به او می‌گوید که بیا این را بخوان، زیرا کسانی که قبل از تو از این راه رفتند، شکست خوردند و تو از این راه نرو. یکی از راه‌های تبیین، نشان دادن تاریخ است. برای همین هم دشمنان بر تاریخ بسیار سرمایه‌گذاری می‌کنند و با کمک فیلم، عکس و کلیپ به تحریف تاریخ می‌پردازند؛ مثلاً، در مورد تاریخ پهلوی بسیار دشوار است که یک دوران طلایی از این دوره نشان داده شود، در حالی که چنین چیزی وجود نداشته است. دوره پدر و پسر بسیار سیاه بوده و سخت است که بتوان آن را طلایی جلوه داد. به دلیل فشار اقتصادی و تحریم‌هایی که اکنون در جامعه وجود دارد، به تبیین نیاز بیشتری احساس می‌شود. یکی از ابعاد تحریم‌ها همین جهت‌دهی به افکار عمومی است تا مردم را به این سمت ببرند که نشان دهند انقلاب از اینکه نیازهای شما را پاسخ‌گو باشد، ناتوان است؛ بنابراین، مجبورند رژیم گذشته را پررنگ کنند. همه موارد به یکدیگر ربط پیدا می‌کنند. یکی از جاهایی که دشمنان غیر از معیشت و اقتصاد هدف قرار دادند، افکار مردم است؛ لذا، برای مقابله با آن‌ها راه‌هایی وجود دارد که یکی از آن‌ها تولید اقتصادی است و دیگری تولید فکر است؛ یعنی تولید فرهنگی و تولید فکر در مقابله با تحریم بسیار مهم است. «جهاد تبیین»، نقطه تولید فرهنگی در راستای مقابله با تحریم‌هاست. تحریم‌ها دو جبهه دارند؛ فرهنگی و روانی، اقتصادی و معیشتی. معیشت مردم باید با تولید اقتصادی درست شود، اما جبهه فرهنگی را باید با تولید فرهنگی و فکری سرسامان داد.

### \* سیره تبیینی امام خمینی رحمه‌الله علیه و رهبری در ۴۳ سال اخیر چه شاخص‌هایی دارد؟

امام رحمه‌الله علیه درگیر صورت مسئله شاه، آمریکا و جنگ بودند. رهبر انقلاب در دوره پس از جنگ بودند، ولی عوارض و سختی‌های جنگ همچنان پابرجا بود و جبهه گسترده‌تری در مقابل رهبری باز شد. برخی از مسائل در دوره امام خمینی رحمه‌الله علیه به‌اجمال بود، ولی در دوره رهبر انقلاب به تفصیل وجود داشت.

جامعه مسائل مربوط به رژیم قبل را پشت سر گذاشته و جنگ نیز پایان یافته بود، اما در اینجا صورت مسئله جدیدی پیش آمد؛ اینکه کل کشور چگونه باید اداره شود. به نظر من، حضرت امام خمینی رحمه الله علیه بیشتر بحثشان انتقال به سطح نظام بود و رهبر انقلاب بیشتر تبیین نظام و حرکت آن به طرف تمدن است.

### \* به نظر شما مؤسسات تاریخی و پژوهشکده‌ها چه نقشی می‌توانند در «جهاد تبیین» داشته باشند؟

«جهاد تبیین» دو صورت دارد؛ یکی باید گروه مخاطب را هدف قرار داد که یک گروه آن‌ها نخبگان را هدف قرار می‌دهند و خواص و گروه دیگر توده مردم و قشر وسیع تری را؛ یعنی یکی به طرف قاعده هرم و دیگری به طرف رأس هرم حرکت می‌کند. تبیین برای این دو گروه با یکدیگر فرق می‌کند. تبیین گروه خاص باید علمی تر بوده و بر اساس دلایل متقن و عقلانی تر باشد، ولی تبیین گروه عوام، توده و مردم عادی در عین حال که باید عقلانیت را در خود داشته باشد، باید تبلیغ، حماسه، ادبیات، هنر و سینما را هدف قرار دهد، زیرا مردم عادی به این زمینه‌ها گرایش بیشتری دارند. کمتر مردم عادی به سمت اسناد گرایش دارند و به سراغ اسنادی نمی‌روند که در رژیم پهلوی بوده است و نشان می‌دهد که رضاشاه وابسته به فلان کشور خارجی بوده است. مردم این را قبول دارند، اما برای نشان دادن آن به نسل جوان و مردم عادی آثار هنری تأثیر بیشتر و بهتری خواهد داشت. در این زمینه غربی‌ها بسیار قوی هستند و کار می‌کنند و بیکار نمی‌نشینند، هم از رسانه و هم در شرایط جدید از شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند. برای همین هم وقتی شورش می‌شود و نارضایتی‌های اقتصادی به وجود می‌آید، رسانه و فضای مجازی‌شان به کار می‌افتد تا به خشونت‌ها جهت سیاسی بدهند.

### \* با این فرضیه که ما در دانش علوم انسانی متکی به چارچوب‌ها و نظریات اندیشه غربی هستیم، در چنین بستری تبیین چقدر امکان رخداد دارد؟

این‌گونه نیست که انحصار آن در دست غربی‌ها باشد، بلکه نظریات ما هم وجود دارد و این‌گونه نیست که همه‌جا را اشغال کرده باشند و ما بی‌دست و پا نشسته باشیم. در این زمینه بسیار کار شده است. همین انقلاب در چهارچوب نظریات اسلامی ما به وقوع پیوست. آن‌ها انقلاب را به این صورت تحلیل کردند که یکی بر پایه کتاب‌های دانشمندان خودشان بوده و گروه دیگری از همان‌ها در رسانه‌هایشان استفاده کردند. این در گروه‌ها و ... سرریز می‌شود. آن‌ها مدل دیگری هستند که می‌گویند انقلاب فریب بوده است و مردم اشتباه کردند. در اینجا هم ده‌ها تئوری و نظریه وجود دارد و ما ساکت نبوده‌ایم. در مقابل آن‌ها این تئوری‌ها گذاشته شده و این‌گونه نبوده که ما ساکت بمانیم. در برخی از رشته‌های دانشگاهی غلبه بر نظریات غربی است، اساتید هم بیشتر آن‌ها را تدریس می‌کنند و زاویه ذهن جوانان و دانشجویان را برای خودشان به وسیله نظریات غربی اشغال می‌کنند.

### \* در آخر اگر نکته‌ای هست، بفرمایید؟

در شرایط دهه پنجم انقلاب، باید بتوانیم دقیقاً برعکس فضای یأس و انحطاطی که تلاش می‌شود برای انقلاب ترسیم کنند، حرکت کنیم و در مقابل آن انحطاط، اطلاعات را هدف‌گذاری کنیم و در مقابل یأس به جامعه امید دهیم و نکات مثبت را بیشتر تبیین کنیم. به نظر من، جامعه‌ای که امیدش را از دست بدهد، دل‌مرده می‌شود. انقلاب با دل‌مردگی میانه‌ای ندارد. افق روشن آینده و راه سختی که تاکنون آمده‌ایم نیز را باید درست تبیین کنیم.



## مراسم گرامیداشت میلاد امام علی (ع) برگزار شد

در روز ۲۵ بهمن ماه، مراسمی به مناسبت میلاد باسعادت حضرت امیرالمؤمنین امام علی (ع) و بزرگداشت روز پدر برگزار شد. در این مراسم تالار جدید پژوهشگاه با نام «تالار حکمت» نیز به بهره‌برداری رسید.



در این مراسم پس از پخش سرود جمهوری اسلامی و قرائت آیاتی چند از قرآن مجید، دکتر نجفی، رئیس پژوهشگاه، ضمن تبریک و تهنیت ولادت امام علی (ع) و روز پدر، با اشاره به فرازی از نهج البلاغه درباره مباحث مرتبط با مدیریت گفت: می‌توان چهار نکته زیر را از منظر امیرالمؤمنین امام علی (ع) مورد توجه قرار داد که مدیریت را تضعیف می‌کند:

۱. ضایع کردن مسائل مهم؛
۲. سرگرم شدن به امور کم‌اهمیت؛
۳. به‌کار گماردن آدم‌های پست؛
۴. کنار گذاشتن آدم‌های فاضل.

دکتر نجفی تأکید کرد: رعایت این نکات در مدیریت بسیار مهم هستند و عدم توجه به این چهار نکته مهم، می‌تواند به راحتی منجر به تباهی و تخریب یک مجموعه شود. بنابراین مدیران و مسئولین مختلف کشور به‌ویژه مدیران پژوهشگاه، باید ضمن توجه به این موارد و رعایت آنها، با تفکیک امور کم‌اهمیت‌تر، ابتدا به امور مهم‌تر و اصلی پرداخته و با به‌کارگیری افراد فاضل و شایسته، از به‌کارگیری افراد نالایق در مناسبت مختلف پرهیز کنند تا در رسیدن به اهداف و مأموریت‌های خود موفق باشند.





## ضرورت الگوگیری از سیره و حیات اهل بیت(ع) در ابعاد مختلف حیات اجتماعی

رئیس پژوهشگاه در بخش دیگری از سخنان خود به بیان خاطره‌ای از علامه جعفری پرداخت و گفت: علامه جعفری نقل می‌کردند که در همایشی بین‌المللی که در آن سخنرانان، هنگام بحث از دیدگاه‌ها و نظریه‌های مختلف درباره «شخصیت انسان»؛ جملاتی از بزرگان، فیلسوفان و ادبا را برای تأکید بر اهمیت توجه به این موضوع نقل می‌کردند و من نیز این سخن را از امام علی (ع) نقل کردم که: «ارزش انسان به خواسته‌ها و آمالی است که دارد و هرچه آمال و آرزوهای انسانی متعالی‌تر باشد، ارزشش هم بیشتر است»، که مورد توجه حاضران در همایش قرار گرفت و از من درباره گوینده آن سؤال می‌پرسیدند.

رئیس پژوهشگاه با خاطرنشان ساختن برخورداری مسلمانان به‌ویژه پیروان امامت و ولایت از گنجینه معارف و علوم ائمه (ع)، بر ضرورت توجه و به‌کارگیری آموزه‌های اهل بیت(ع) به منظور داشتن آرمان‌ها و اندیشه‌های متعالی‌تر تأکید کرد.

دکتر نجفی در خاتمه سخنان خود ضمن تبریک مجدد میلاد فرخنده امام علی (ع) و افتتاح تالار حکمت، با اشاره به امکان بهره‌گیری چندمنظوره از این تالار و برگزاری جلسات دفاع از رساله‌ها و پایان‌نامه‌ها و برخی برنامه‌های مناسبی در کنار برگزاری نشست‌ها و سخنرانی‌های علمی در آن، از تلاش‌ها و زحمات واحدهای مختلف پژوهشگاه به‌ویژه اداره خدمات و پشتیبانی در ساخت و تجهیز این تالار قدردانی کرد.

در بخش پایانی این مراسم، ضمن مولودی‌خوانی و بزرگداشت ولادت امام علی (ع)، هدایایی به رسم یادبود به اعضای پژوهشگاه تقدیم شد.





یادداشت رئیس مرکز تحقیقات امام علی (ع) به مناسبت ولادت امیرالمومنین (ع)؛

## سر دلبران در حدیث دیگران

سیدمحمد رحیم ربانی زاده

عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و رئیس مرکز تحقیقات امام علی (ع)



پیرمرد برای سال‌های پایانی عمر در حومه فلسطین مزرعه‌ای تدارک دیده بود که در زمان پیری، به دور از هیاهوهای زمانه در آن‌جا روزگار سپری کند. (۱) از مال و مکنت دنیا هم آن‌قدر جمع‌آوری کرده بود که دست نیاز پیش کسی دراز نکند، تا چند صباح باقی مانده عمر را با فراغ‌بال بگذراند. (۲) اما طوفان حوادث وی را به ناکجاآبادی کشاند که البته با روحیه ناآرام و پرتلاطم و حس ماجراجویی وی هم مانوس بود. پیرمرد روزی سرزمین بزرگ فراعنه و فلسطین را فتح کرده و برای خود نام و آوازه‌ای به هم زده بود و بر آن‌جا حکم می‌راند، (۳) ولی چند صباحی پیش توسط خلیفه تازه‌درگذشته از امارت کنار گذاشته شده بود (۴) و بعد از آن کسی احوالی از وی نپرسیده بود. حالا فقط در گوشه کوچکی از آن سرزمین بزرگ در کنار خانه اشرافی خود زیر سایه یکی از درختان باغچه‌اش آرمیده بود (۵) و غور در مسوله‌ای بود که دیشب به دست وی رسیده بود و او را در حیرانی عمیق فرو برده و ذهنش را آشفته کرده بود. (۶)

در حالت خواب‌ویداری در زیر درخت باغچه‌اش دوباره نیم‌نگاهی به نامه انداخت که ناخودآگاه به گذشته پرفرازونشیب خود برگشت و خاطرات و خطرات را در ذهنش مرور کرد و به یاد آورد روزی را که به دلیل زبان‌آوری و جایگاه والایش در میان قوم و قبیله به رسولی مشرکان قریش برای عودت یاران مهاجر محمد (ص) رهسپار حبشه شده بود و با وجود زیرکی و فراست توفیقی حاصل نشده بود. گرچه به تجربه گران‌بهایی دست یافته بود. (۷)

همچنان در ایام گذشته سرگردان بود که چرخ روزگار به گونه‌ای دیگر برای وی رقم خورد. دوباره به سال هشتم هجری برگشت و شبی را مرور کرد که دچار دلهره شدیدی شده بود و مردد میان ماندن در دوراهی شرک و بت‌پرستی، تاریکی و خدام بت‌ها بودن و یا گذاشتن دل در گرو فردی که وعده روشنایی و بیداری داده است و فردای آن روز تصمیم گرفت که شک و تردید را کنار بگذارد و جهاز مختصری بر ناقه گذاشته و رهسپار مدینه شود. در بین راه ناگهان با دوست و هم‌راه قدیمی خود «خالد بن ولید» روبه‌رو شد و دوباره به شک و تردید افتاد، اما با شنیدن این جمله از خالد که «راه روشن است» آبی بر تمام آتش‌های درونش ریخت و با هم رهسپار مدینه شدند و دل در گرو بیعت با رسول الله گذاشتند. (۸)

ناگهان دوباره از خواب پرید و ذهنش درگیر مسوله تازه رسیده از جانب شام گردید و در این اندیشه بود که در این دنیای وانفسا بهتر است با نزدیکانش به شور بنشید که آن‌ها قطعاً صلاح او را در نظر می‌گیرند و خیرخواه او خواهند بود. عبدالله فرزند مهترش لب به سخن گشود و گفت: چون صلاح از من خواهی، رأی صواب آن است که گوش داری که چه می‌گویم و گذشته تقریباً افتخارآمیز پدر را مرور کرد. از هم‌راهی وی با پیامبر و رضایت خلیفه اول و دوم از ایشان گفت و ضمن اشاره به غیبتش در پیش آمده‌های اخیر ادامه داد که: «خدای هم تو را مکنتی داده که محتاج کس نیستی و نیز طمع خلافت نداری، از تو نزدیک که در پیرانه‌سر از جهت مال دنیوی خود را در رنج اندازی و در معرض دشمنی جانشین مصطفی (ص) برایی و خدمت و ملازمت «پسر هند» اختیار کنی. به سعادت در خانه خود بنشین و می‌نگر تا این کار چگونه شود و از پرده غیب چه برون آید.



رأی نزد من این است که گفتم، باقی اختیار توست» (۹).  
 فرزند کهنترش محمد سر برآورد و گفت: «تو امروز سرور و مهتر قریشی و نام و آوازه‌ای داری و از دیگران کم‌تر نیستی؛ چه نشستن در خانه کار پیرزنان و دون‌همتان باشد». مصلحت آن است که به شام روی و یکی از مشاوران ارشد امیر باشی (۱۰).

پیرمرد با نکته‌سنجی و تیزبینی خاصی که داشت سخن فرزندان را شنید و با همان طبع سودجویانه که از دوره جاهلیت هم‌زاد و همراه او بود خودش را در خدمت پیش‌آمد جدید گذاشت (۱۱). در هوای گرگ‌ومیش به غلام خود «وردان» دستور داد تا جهاز بر شتر نهد، اما در تزلزل تصمیم و اضطراب میان رفتن و ماندن مکرر بین نهادن جهاز و فرونهادن آن به‌سر می‌برد. غلام که با افکار وی بیگانه نبود و احساس می‌کرد پیرمرد در سردرگمی عجیبی فرورفته است با خودش کلنجار رفت و جسارتاً گفت: ای ابو عبدالله راستی که هذیان می‌گویی، اگر بخواهی تو را به آن‌چه در دل داری خبر دهم؟ گفت: بگو. گفت: دنیا و آخرت بر دلت عرضه شدند، پس گفتی: نزد آن یکی آخرتی است بدون دنیا و نزد این یکی دنیایی است بدون آخرت و دنیا جای آخرت را نمی‌گیرد و در انتخاب مردد شدی. گفت: آفرین، از آن‌چه در قلبم بود هیچ خطا نکردی، پس صلاح در چیست ای «وردان»؟ گفت صلاح آن است که در خانه‌ات بمانی، اگر دین‌داران پیروز شدند در سایه دینشان زندگی کن و اگر دنیاداران پیش بردند از تو بی‌نیاز نخواهد بود (۱۲).

برای پیرمردی که پایش لب‌گور بود و در هر بامداد بیم مرگ داشت تصمیم‌گرفتن بسی دشوار بود (۱۳). آرام و قرار نداشت و در حالت یأس و ناامیدی به‌سر می‌برد. مشورت با فرزندان و غلامش هم مانند نمکی بود که بر زخمش پاشیده بودند، ولی حرص و طمع دنیا و حکمرانی مجدد بر سرزمین رؤیایی فراعنه برایش چنان وسوسه‌انگیز بود که هیچ نفس گرم مسیحایی بر آهن سردش تأثیری نداشت و گویا از قبل تصمیمش را گرفته بود و گفت: ای «وردان» اکنون که عرب مرا به رفتن نزد پسر هند مشهور ساخته جهاز بر شتر نه (۱۴). پیرمرد با ترک شاه‌راه کوفه، گام در کوره‌راه شام گذاشت.

ناگهان نگهبانان خبر از ورود پیرمرد به کاخ سبز دادند. حاکم خودخوانده شام تمام‌قد به استقبال ایشان آمد







و با وی مصافحه و خوش‌وبش کرد و او را در صدر مجلس نشانند. پس از پذیرایی معمول پسر هند با پیرمرد درخصوص محتوای مرسوله‌ای که قبلاً برایش فرستاده بود وارد شور شدند و گفت: ای برادر، همان‌طور که خبر داری چند کار مهم در پیش‌روست. اول آن‌که محمد بن حذیفه درب زندان مصر را شکسته و فرار کرده است، دوم خبر آورده‌اند که قیصر، پادشاه روم، قصد شام دارد، سیوم ماجرای علی بن ابی طالب (۱۵) و ادامه داد: در میان علی و طلحه و زبیر و عایشه همان پیش‌آمدی به‌انجام رسید که از آن خبر یافته‌ای ... و جریر بن عبدالله نیز رسیده است تا برای علی بیعت بگیرد. تصمیمی نگرفتم تا نظر و رأی شما را جویا شوم. (۱۶)

پیرمرد پس از کمی تأمل و اندیشه و با نگاهی عاقل‌اندرسویه به پسر هند گفت: اگرچه هر سه موجب پریشانی و دل‌نگرانی شدید است، ولی کار محمد بن حذیفه آسان است. اگر در جنگ گرفتار شد چه بهتر و اگر بگریزد، جهان در پیش اوست، هرکجا خواهد رود گو رو و در ادامه گفت: اسرای روم را آزاد کن (۱۷) و «قیصر را به انواع هدایا و اصناف ظرایف و اجناس زرینه و سیمینه بباید فریفت» و آشتی باید کرد. (۱۸)

اما کار علی بن ابی طالب خیلی دشوار است. در فکر عمیقی فرو رفت و پس از مکثی طولانی گفت: به خدا قسم که تو قابل‌مقایسه با علی نیستی و عرب در همه امور علی را بر تو ترجیح می‌دهد. (۱۹) علی را در جنگ بهره ای است که هیچ‌یک از قریش را نیست. مگر این‌که بر او ستم کنی. پسر هند سری تکان داد و گفت راست گفتی، ولی خون عثمان را به‌گردن او می‌نهییم و به‌همین بهانه با او نبرد می‌کنیم. پیرمرد قهقهه مستانه‌ای زد و فریاد برکشید: چه رسوایی! عجب، من و تو و خون‌خواهی عثمان! لاقبل ما نامی از کشتن عثمان نبریم. گفت: وای بر تو چرا؟ گفت: تو که با همراه داشتن مردم شام دست از یاری او بازداشتی و اما من که آشکارا او را وا گذاشتم و به فلسطین گریختم. (۲۰) این‌جا بود که پسر هند چهره در هم کشید و گفت: سخن را رها کن، دست خود را پیش‌آور و با من بیعت کن. پیرمرد پس از لختی درنگ احساس کرد پسر هند موضوع را متوجه نشده است، با تأکید گفت: علی امروز یگانه عالم است در انواع فضایل و مناقب، (۲۱) و تکرار کرد علی را در جنگ بهره‌ای است که هیچ‌یک از قریش را نیست، مگر این‌که بر او ستم کنی. (۲۲)

پیرمرد تصور کرد که پسر هند سطح معامله را پایین آورده است و نمی‌داند و یا خود را به‌نادانی زده است که با چه کسی طرف است. ضمن برشمردن اوصاف گفت: علی امروز یگانه عالم است در انواع فضایل و مناقب و هیچ‌کس را آن درجه و منصب نیست در خدمت مصطفی (ص) از هجرت. قربت قرابت که او راست و سوابق حمیده و اوصاف پسندیده که حاصل دارد و مردانگی و شجاعت و فرزاندگی و بلاغت او را جمع شده است و بصر و بصیرت که در محاورت و مبارزت دست داده و حظی وافر که از اقبال روزگار و اتفاقات حسنه یافته و ... هیچ‌کس را از بزرگان وقت و اکابر میسر نبوده است و نیست. (۲۳)

پسر هند سری تکان داد و لب به‌سخن گشود که شنیدن آن شاید به‌مخيله پیرمرد خطور نمی‌کرد و خواسته یا ناخواسته بزرگ‌ترین اعتراف تاریخی را در حق حضرت علی کرد و گفت: «آن‌چه از اوصاف علی برشمردی از هزار یکی و از بسیار اندکی باشد». (۲۴)

پس از این انگار همه‌چیز برای پای‌نهادن به آغاز یک دادوستد بزرگ فراهم شده بود. پیرمرد برای معاوضه دین در مقابل به‌دست‌آوردن کالای ناچیز دنیا وارد چانه‌زنی شد: و عرض کرد: نه، به‌خدا سوگند دینم را در راه تو قربانی نمی‌کنم تا بهره خود را از دنیای تو نگیرم و این‌جا بود که مروان بن حکم که در جلسه حاضر بود و طاقتش سرآمده بود و خود را هم‌تبار و هم‌پاله پسر هند می‌دانست و بالاتر از این خود را برتر و با کمی تخفیف لاقبل هم‌شان پیرمرد می‌دید از این‌که پیرمرد را خیلی تحویل گرفته بود و به او توجهی نمی‌کرد به‌خشم آمده بود و گفت: تو را چه می‌شود که با من مشورت نمی‌کنی؟ پسر هند چهره درهم کشید و گفت: ساکت باش، سود این مشورت‌ها به تو می‌رسد. (۲۵)

پسر هند اهل معامله بود، ولی طفره می‌رفت و از دادن امتیاز به پیرمرد خودداری می‌کرد. گفت و گو هم به درازا کشیده شده بود، اما «عمرو فرزند عاص» که سرد و گرم روزگار را چشیده بود و سیاست‌مداری کهنه‌کار و مکار بود با حرکتی نمایشی، انگار که قهر و غضب وجودش را فرا گرفته، برای ترک جلسه خیز برداشت، ولی معاویه گفت: سرزمین فراغنه از آن تو. (۲۶)

عمرو عاص با ترک شاه‌راه کوفه به مصر رسید و چه نیک گفته است طه حسین مصری آن اندیشمند تیزبین و منصف: آزمندان به‌سمت معاویه و پارسایان رو به علی (ع) نهادند.

منابع:

۱) دینوری، ابوحنیفه احمد بن داود (۱۳۷۱)، اخبار الطوال، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: نشر نی، ص ۱۹۵.



- ۲) مسعودی، أبو الحسن علی بن الحسین (۱۳۷۴)، مروج الذهب و معادن الجواهر، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: علمی و فرهنگی، ج ۲، ص ۲۷.
- ۳) یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب ابن واضح (۱۳۷۱)، تاریخ یعقوبی، ترجمه محمدابراهیم آیتی، تهران: علمی و فرهنگی، ج ۲، ص ۴۲.
- ۴) بلاذری، أحمد بن یحیی بن جابر (۱۴۱۷ ق/ ۱۹۹۶)، جمل من انساب الأشراف، تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت: دار الفکر، ج ۲، ص ۲۸۲؛ چاپ زکار، ج ۳، ص ۷۰.
- ۵) ابن سعد، محمد بن سعد کاتب واقدی (۱۳۷۴)، طبقات الکبری (م ۲۳۰)، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، ج ۷، تهران: فرهنگ و اندیشه، ص ۵۰۱.
- ۶) دینوری، ابوحنیفه احمد بن داود (۱۳۷۱)، اخبار الطوال، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: نشر نی.
- ۷) طبری، محمد بن جریر (۱۳۷۵)، تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، ج ۳، تهران: اساطیر، ج ۳، ص ۸۷۷-۸۷۸.
- ۸) ابن سعد، ج ۷، ص ۴۳ و طبری، ج ۳، ص ۸۷۷-۸۷۸.
- ۹) یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب ابن واضح (۱۳۷۱)، تاریخ یعقوبی، ترجمه محمدابراهیم آیتی، تهران: علمی و فرهنگی، ج ۲، ص ۸۴؛ ابن اعثم، احمد (۱۳۷۲)، فتوح، ترجمه محمد بن احمد مستوفی هروی، تحقیق غلامرضا طباطبایی مجد، تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ص ۴۶۶.
- ۱۰) ابن اعثم کوفی، ص ۴۶۷.
- ۱۱) ابن اثیر، عزالدین علی (۱۳۷۱)، کامل تاریخ بزرگ اسلام و ایران، ترجمه ابوالقاسم حالت و عباس خلیلی، تهران: علمی، ج ۱۰، ص ۳۶.
- ۱۲) بلاذری، أحمد بن یحیی بن جابر (۱۴۱۷ ق/ ۱۹۹۶)، جمل من انساب الأشراف، تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، ج ۲، ص ۲۸۲؛ و یعقوبی، ج ۲، ص ۸۶.
- ۱۳) یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب ابن واضح (۱۳۷۱)، تاریخ یعقوبی، ترجمه محمدابراهیم آیتی، تهران: علمی و فرهنگی، ج ۲، ص ۸۵.
- ۱۴) یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب ابن واضح (۱۳۷۱)، تاریخ یعقوبی، ترجمه محمدابراهیم آیتی، تهران: علمی و فرهنگی، ج ۲، ص ۸۵.
- ۱۵) ابن اعثم، ص ۴۶۶.
- ۱۶) دینوری، ابوحنیفه احمد بن داود (۱۳۷۱)، اخبار الطوال، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: نشر نی، ص ۱۹۵.
- ۱۷) دینوری، ابوحنیفه احمد بن داود (۱۳۷۱)، اخبار الطوال، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: نشر نی، ص ۱۹۶.
- ۱۸) ابن اعثم کوفی، ص ۴۶۶.
- ۱۹) بلاذری، أحمد بن یحیی بن جابر (۱۴۱۷ ق/ ۱۹۹۶ م)، جمل من انساب الأشراف، تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، ج ۲، ص ۲۸۲؛ چاپ زکار، ج ۳، ص ۷۳.
- ۲۰) همان، ج ۲، ص ۲۸۲؛ چاپ زکار، ج ۳، ص ۷۰؛ و یعقوبی، ج ۲، ص ۸۶.
- ۲۱) ابن اعثم کوفی، ص ۴۶۷.
- ۲۲) بلاذری، أحمد بن یحیی بن جابر (۱۴۱۷ ق/ ۱۹۹۶)، جمل من انساب الأشراف، تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، ج ۲، ص ۲۸۸؛ چاپ زکار، ج ۳، ص ۷۴.
- ۲۳) ابن اعثم کوفی، ص ۴۶۷.
- ۲۴) ابن اعثم کوفی، ص ۴۶۷.
- ۲۵) یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب ابن واضح (۱۳۷۱)، تاریخ یعقوبی، ترجمه محمدابراهیم آیتی، تهران: علمی و فرهنگی، ج ۲، ص ۸۶.
- ۲۶) بلاذری، أحمد بن یحیی بن جابر (۱۴۱۷ ق/ ۱۹۹۶)، جمل من انساب الأشراف، تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، ج ۲، ص ۲۸۸؛ چاپ زکار، ج ۳، ص ۷۰.

دکتر نجفی در مصاحبه با روزنامه همشهری:

## قرار نیست «انقلاب» خود را برای افراد فدا کند

در آستانه چهل و سومین سال سالروز پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی دکتر موسی نجفی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در مصاحبه‌ای با روزنامه همشهری (شماره ۸۴۳۳، تاریخ: ۱۸ بهمن) به برخی زوایای انقلاب اسلامی پرداخت که متن کامل این مصاحبه از نظرتان می‌گذرد:



موسی نجفی، استادتمام علوم سیاسی و رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی است. او در زمینه تاریخ و فلسفه سیاسی و همچنین نظریه‌پردازی انقلاب اسلامی، کتب و مقالات متعددی را به رشته تحریر درآورده است. او در گفت‌وگو با همشهری بر عبور انقلاب از نام‌ها و عنوان‌ها به دلیل ذات تحول‌گرای انقلاب سخن به میان می‌آورد و معتقد است انقلاب خود را در زندان عقاید و نظرات برخی محصور و زندانی نکرده و نمی‌کند. نجفی در عین حال بر این عقیده است که وضعیت زندگی مردم در ایران ۱۴۰۰ بسیار بهتر از دوران پهلوی است و برای این مدعیای خود گزاره‌هایی را نیز بیان می‌کند. در این گفت‌وگو که در محل پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی انجام شد بیشتر به ماهیت انقلاب و آسیب‌شناسی آن در جواب شبهات دهه پنجم از عمر جمهوری اسلامی پرداختیم.

موسی نجفی در پاسخ به این سؤال که ۷۰ درصد جمعیت کشور، دوره قبل از انقلاب را ندیده‌اند و به دلیل بمباران خبری رسانه‌های دشمن دچار شبهه شده‌اند و این‌طور وانمود می‌شود که مردم بدون هدف انقلاب کرده‌اند، گفت: مردم برای اینکه چیزی را قبول کنند نیاز نیست که سرمنشأ آن را ببینند. صرف ندیدن دلیل بر نبودن نیست. هر رویدادی که سرمنشا داشته باشد و اصیل باشد، جریان دارد. ندیدن سرچشمه، سبب ندیدن امتداد نیست و انقلاب اسلامی ایران هم مستثنی از این موضوع نیست.

## انقلاب اسلامی، جریانی اصیل، بزرگ و دارای هویتی کاملاً مشخص است

امروز مردم اثرات انقلاب و ماهیت آن را می‌بینند. نباید این‌گونه تصور شود که انقلاب صرفاً ماهیتی مبتنی بر سرنگونی رژیم شاهنشاهی داشته است. بلکه انقلاب وجوه مفصل‌تری را در دل خود دارد که باید به واکاوی آن پرداخت. وی با اشاره به اینکه انقلاب اسلامی، جریانی اصیل، بزرگ و دارای هویتی کاملاً مشخص است که نمی‌توان آن را کتمان کرد، افزود: برخی جریان‌های معاند یا افرادی که در جریان انقلاب بودند این روزها چنین ادعا می‌کنند که مردم از سر شکم‌سیری یا تنگ‌بازی انقلاب کردند. این ادعا از اساس قابل قبول نیست چرا که انقلاب مردم نه برای سرنگونی یک رژیم بلکه برای براندازی ساختارهای غلطی به وقوع پیوست که مردم آنرا قبول نداشتند.



نجفی با بیان اینکه انقلاب اسلامی ایران، دارای ابعاد ناشناخته‌ای بود که انقلابیون در آن زمان حتی تصویری از وجود آن نداشتند، گفت: در ماجرای انقلاب فرانسه، انقلابیون نمی‌دانستند که این رخداد مبدأ اتفاقی بزرگ مانند تدوین اعلامیه جهانی حقوق بشر از دل انقلابشان خواهد شد. در انقلاب اسلامی ایران نیز شاهد چنین اتفاقی بودیم و انقلابیون نمی‌دانستند در آینده، انقلابی که برپا خواهند کرد دارای چه ابعاد جهانشمول و چه وسعتی خواهد شد. وی با تأکید بر اینکه انقلابیون و مردم در بهمن ۵۷ دنیال انقلابی بودند که فساد در دستگاه حکومت وجود نداشته باشد، اما درباره ظرفیت‌ها و ویژگی‌های انقلاب درکی نداشتند، گفت: ظرفیتی که دین آزاد کرد در دست انقلابیون نماند و این ظرفیت به گنجینه ۱۴۰۰ ساله اسلام برمی‌گردد و انقلابیون تصور نمی‌کردند این ظرفیت عظیم را بتوانند انجام دهند. بنابراین مردم عمق و ابعاد موضوع را درک نکرده بودند.

### انقلاب از ایران شروع شد اما به ایران ختم نشد

رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با بیان اینکه انقلاب اسلامی ایران مردمی است اما اینکه مردم همه ظرفیت انقلاب را درک کرده باشند یا بتوانند تمام این ظرفیت را درک کنند، افزود: اکثریت انقلابیون عظمت انقلاب را نمی‌توانستند درک کنند که انقلابشان تا آفریقا هم برسد. وی در پاسخ به این سؤال که مردم در ابتدای انقلاب دنیال جهانی شدن انقلاب نبودند، گفت: مهم نیست که مردم دنیال چه چیزی بودند بلکه مهم این بود که مردم موانع پیش روی انقلاب را بردارند و این کار را نیز انجام دادند. انقلاب از ایران شروع شد اما به ایران ختم نشد و این ویژگی انقلاب اسلامی بود.

وی به این شائبه که با گذشت ۴۳ سال از پیروزی انقلاب اسلامی، این احساس در بخشی از مردم ایجاد شده که انقلاب از مسیر و آرمان‌هایی که برای آن ایجاد شده فاصله گرفته است و اکنون کمتر سهمی در انقلاب دارند، با تأکید بر اینکه چنین احساسی در جامعه به شکل انبوه دیده نمی‌شود، گفت: با وقوع هرانقلابی قرار نیست افراد از آن سهم‌خواهی کنند. هر نظام سیاسی برای خود قواعد و قوانینی دارد. امکانات محدود است و باید همه امکانات به عدالت در بین مردم توزیع شود.

نجفی ادامه داد: دولت کنونی وارث مخروبه‌ای است که دولت قبل آن را تحویل داده است و کار زیادی از سوی این دولت باید انجام شود تا ویرانی‌های قبل برداشته شود. اما این به این معنا نیست که دولت باید همه مردم را تک تک از خود راضی کند. این کار عملی نیست. اما این را باید در نظر گرفت که ایران دهه پنجم انقلاب با ایران دهه اول انقلاب کاملاً متفاوت شده است. وی توضیح داد: عمق انقلاب در دهه پنجم عمر خود افزایش یافته و رشد جدی پیدا کرده و به شکل عمیق‌تر با سلطه جهانی در حال درگیر شدن است که این خود نشان‌دهنده آن است که شعارهای ابتدای دوره انقلاب به ثمر نشسته است. جمعیت ایران از ۳۵ میلیون نفر به ۸۵ میلیون نفر افزایش یافته است. به‌عنوان مثال، در ابتدای انقلاب مردم مطالبه بانکداری اسلامی نداشتند اما الان این مطالبه را به شکل جدی مطرح می‌کنند. همین مطالبه در روزهای ابتدای انقلاب هم مطرح بود اما نه عمق داشت و نه کسی درباره آن چیزی می‌دانست اما اکنون این مطالبه انقلاب دارای ابعاد علمی و عمیق‌تری شده است.

رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با طرح به هم ریختگی ساختارهای اول انقلاب، گفت: در سال‌های ۵۶ و ۵۷ به ظاهر مسائل اقتصادی مرتب بود و کسی هم مشکلی نداشت اما آن ساختار دارای مشکلاتی بود. ایران قبل از وقوع انقلاب حکم بیماری را داشت که برای درمان یک بیماری دیگر نزد پزشک رفته و با معاینه پزشک متوجه غده سرطانی شده است. اگر این غده درمان نمی‌شد می‌توانست منجر به مرگ بیمار شود اما با جراحی انقلاب، آن غده سرطانی از بدن ایران خارج شده است.

### غده وابستگی به بیگانگان خارج شد

نجفی افزود: کسانی که تصور می‌کنند وضعیت کشور قبل از سال ۵۷ و وقوع انقلاب بهتر از وضعیت کنونی بود، حکم افرادی را دارند که از بیماری و عمق آن خبر نداشتند چون دردی ناشی از بیماری حس نکرده بودند. این افراد این‌گونه تصور می‌کنند که قبل از انقلاب زندگی بهتری داشته‌اند در حالی که ادامه آن روند می‌توانست به مرگ فرد آن هم بدون درد منجر شود.





وی با بیان اینکه غده وابستگی به خارج از ایران (بیگانگان) خارج شده و با این اتفاق، سطح زندگی مردم رشد چشمگیری پیدا کرده است تأکید کرد: وضعیت معیشت مردم نسبت به سال‌های قبل از انقلاب اسلامی بهتر شده است. آمارها نشان می‌دهد بسیاری از مردم تهران قبل از انقلاب گاز نداشتند و در روستاها نیز بحث برخورداری از گاز تقریباً صفر بوده است اما الان بسیاری از روستاییان ما خانه‌هایی مانند شهرنشینان دارند و روستایی‌ها همان چیزی که دنیای مدرن به شهرنشینان داده است در اختیار دارند. این سطح پیشرفت زندگی را در ایران بعد از وقوع انقلاب نشان می‌دهد و نمی‌توان به سادگی از کنار این پیشرفت‌ها گذشت.

### خاطرات «هایزر» را بخوانید و ببینید که او با شاه چگونه مانند یک نوکر برخورد می‌کند

این استاد دانشگاه، با بیان اینکه نباید یک واحد یا یک رویداد را با یک رویداد دیگر مقایسه کرد و باید یک مجموعه را با یک مجموعه مقایسه کرد، با بیان اینکه معاندین این شائبه را ترویج می‌کنند که با گذشت زمان اگر رژیم پهلوی در مصدر امور بود می‌توانست خدمات بیشتری به کشور نسبت به انقلاب ارائه کند، گفت: خاطرات هایزر را بخوانید و ببینید که او با شاه چگونه مانند یک نوکر برخورد می‌کند و این را با امامی که اجازه خواندن پیام نخست‌وزیر ژاپن را نمی‌دهد ببینید. این برای ایرانی که مستقل است بدون هزینه نیست. می‌خواهند سیاه‌نمایی کنند. این حرف‌ها اثری بر واقعیت ندارد.

نجفی امنیت پایدار را محصول انقلاب دانست و با بیان اینکه برخی دنبال این هستند که احساس ناامنی را در جامعه ترویج کنند و اشتباهاتی که در برخی حوزه‌ها از سوی مدیران رخ داده است را گردن انقلاب بیندازند، گفت: جامعه امروز از امنیت نسبی خوبی برخوردار است که در هیچ کدام از کشورهای منطقه شاهد آن نیستیم. ممکن است در کشور سوءمدیریت‌هایی وجود داشته باشد اما ضعف‌ها و مشکلاتی که داریم را نباید پای ذات انقلاب گذاشت چرا که ضعف‌های افراد ارتباطی به دین و انقلاب ندارد.

او ذات انقلاب اسلامی را ذاتی تحولگرا دانست و گفت: لازم نیست انقلابی از درون انقلاب دربیاید. انقلاب مدام در حال تازه شدن است و این موضوع به این دلیل است که برهه‌هایی از زمان شاهد این هستیم که انقلاب از عده‌ای عبور می‌کند. این عبور کردن از نام‌ها و افراد خود تصدیقی برای تحولگرا بودن انقلاب است.

### مردم اگر از چیزی عبور کنند، دیگر به گذشته بر نمی‌گردند

رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، در ادامه در پاسخ به این سؤال که در سال‌های بعد از انقلاب اسلامی رؤسای جمهوری با شعارهای انقلابی بر سرکار آمدند اما در نهایت از قطار انقلاب پیاده شدند این اتفاق را طبیعی خواند و گفت: انقلاب مانند خودروبی است که هر یک از رؤسای جمهور بعد از انقلاب غیر از بنی‌صدر، به شکل مؤثری آن را به سمت جلو هل دادند. این خودرو حرکت کرده است و این افراد تا زمانی که در خدمت انقلاب و اصالت آن بودند همراه آن بودند اما هر وقت خودخواهی کردند و اجتهاد خود را داشتند زمین خوردند و انقلاب از آنان عبور کرد. قرار نیست انقلاب خود را برای این افراد حالا هر عنوان یا سمتی که داشته باشند فدا کند و برای آنان بایستند. قرار نیست انقلاب در عقاید و ایده‌های این افراد زندانی شود. نجفی با بیان اینکه این افراد ممکن است طرفدارانی داشته باشند اما اسلام برای این افراد و طرفداران آنها متوقف نمی‌شود، گفت: این افراد می‌توانند زاویه نگاه خود را به کل بیان کنند اما قرار نیست کل به این افراد محدود شود. مردم اگر از چیزی عبور کنند حتی اگر از آن هم به نیکی یاد کنند دیگر به گذشته بر نمی‌گردند. مردم اگر چیزی را بخواهند انجام می‌دهند. در موضوع بنزین مردم ناراحت شدند نه اینکه در این ماجرا گروهی بیاید و بخواهد به سرنگونی نظام فکر کند.

وی توضیح داد: مردم هر مقداری که از نظام شاهنشاهی عبور کردند، کرده‌اند و اگر می‌خواستند نظام شاهنشاهی برگردد این کار را تا الان انجام داده بودند و کسی هم نمی‌تواند جلوی مردم را بگیرد. اگر مردم از هاشمی عبور کردند و به خاتمی رأی دادند یعنی از هاشمی عبور کردند و اگر از خاتمی به احمدی‌نژاد رسیدند و به او رأی دادند یعنی از خاتمی عبور کرده‌اند. وقتی هم احمدی‌نژاد رد صلاحیت شد، آب از آب تکان نخورد و اتفاقی را ندیدیم. الان این وضع برای روحانی تکرار شده است و مردم هم از این فرد عبور کرده‌اند. این به آن معنا نیست که این افراد آدم‌های حتماً بدی هستند اما به این معناست که مردم دیگر اینها را نمی‌خواهند. این عبورها از نظر من مثبت است و این تکامل انقلاب و مردم و نشانه آگاه شدن مردم است.

حمیدرضا بوجاریان - روزنامه همشهری.

میزگرد روزنامه ایران با استادان پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی:

## چرا انقلاب ایران «اسلامی» شد؟

روزنامه ایران در شماره ۷۸۴۴، تاریخ ۱۸ بهمن، درباره اینکه چرا در ایران انقلاب شد و چرا انقلاب ایران «اسلامی» شد، میزگردی با حضور دکتر موسی نجفی (دکترای اندیشه سیاسی و رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)، دکتر یحیی فوزی (دکترای علوم سیاسی و استاد دانشگاه و پژوهشگر تحولات سیاسی و فکری ایران معاصر)، دکتر سیدجواد میری (جامعه‌شناس و عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی) و دکتر محمدعلی فتح‌الهی (دکترای علوم سیاسی و پژوهشگر تحولات سیاسی ایران)، تشکیل داد. در این میزگرد ریشه‌های هویتی انقلاب ایران و سهم آن در ساخت تمدن نوین اسلامی مورد بحث و بررسی قرار گرفت که ماحصل آن پیش‌روی شماست:

روزنامه ایران: وقتی دلایل و ریشه‌های بروز انقلاب اسلامی ایران را بررسی می‌کنیم از سوی انقلاب‌پژوهان داخلی و حتی تحلیلگران بین‌المللی، مجموعه‌ای از عوامل ذکر می‌شود که اغلب هم علل سیاسی-اجتماعی و اقتصادی مورد اشاره قرار می‌گیرد. اما کمتر، انقلاب ما به‌عنوان پاسخی به دغدغه «هویتی- فرهنگی و تمدنی» ایرانیان، مورد مذاقه قرار گرفته است. طرفداران این نظریه معتقدند انقلاب ایران اساساً از رهگذر خصلت فرهنگی و هویتی‌اش از سایر انقلاب‌ها اعم از انقلاب فرانسه و روسیه متمایز می‌شود. به تعبیری «ایرانیت» و «اسلامیت» انقلاب ما از رهگذر «ساحت هویتی» قابل بررسی است.

این دیدگاه را در میزگردی با حضور دکتر موسی نجفی، دکترای اندیشه سیاسی و رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، دکتر یحیی فوزی، دکترای علوم سیاسی و استاد دانشگاه و پژوهشگر تحولات سیاسی و فکری ایران معاصر، دکتر سیدجواد میری، جامعه‌شناس و عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و دکتر محمدعلی فتح‌الهی، دکترای علوم سیاسی و پژوهشگر تحولات سیاسی ایران، به بحث گذاشتیم. در این نشست، ریشه‌های هویتی انقلاب ایران و سهم آن در ساخت تمدن نوین اسلامی مورد بررسی قرار گرفت که ماحصل آن پیش‌روی شماست.

## چرا انقلاب شد؟ و چرا انقلاب ایران «اسلامی» شد؟



**ایرانیت**  
 در گفت‌وگو با میزبانان میزگرد، دکتر موسی نجفی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، با اشاره به ساحت هویتی انقلاب ایران، گفت: «انقلاب ایران، انقلابی است که ریشه‌های آن در ساحت هویتی ایرانیان است. این انقلاب، پاسخی است به دغدغه هویتی-تمدنی ایرانیان است. در حالی که سایر انقلاب‌ها، اغلب از منافع مادی و اقتصادی متولد می‌شوند، انقلاب ایران، از منافع فرهنگی و هویتی متولد می‌شود. این انقلاب، انقلابی است که ریشه‌های آن در ساحت هویتی ایرانیان است. این انقلاب، پاسخی است به دغدغه هویتی-تمدنی ایرانیان است. در حالی که سایر انقلاب‌ها، اغلب از منافع مادی و اقتصادی متولد می‌شوند، انقلاب ایران، از منافع فرهنگی و هویتی متولد می‌شود.»

«**اسلامیت**»  
 دکتر یحیی فوزی، دکترای علوم سیاسی و استاد دانشگاه، در پاسخ به سؤالی از میزبانان، گفت: «انقلاب ایران، انقلابی است که ریشه‌های آن در ساحت هویتی ایرانیان است. این انقلاب، پاسخی است به دغدغه هویتی-تمدنی ایرانیان است. در حالی که سایر انقلاب‌ها، اغلب از منافع مادی و اقتصادی متولد می‌شوند، انقلاب ایران، از منافع فرهنگی و هویتی متولد می‌شود.»

دکتر سیدجواد میری، جامعه‌شناس و عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، در پاسخ به سؤالی از میزبانان، گفت: «انقلاب ایران، انقلابی است که ریشه‌های آن در ساحت هویتی ایرانیان است. این انقلاب، پاسخی است به دغدغه هویتی-تمدنی ایرانیان است. در حالی که سایر انقلاب‌ها، اغلب از منافع مادی و اقتصادی متولد می‌شوند، انقلاب ایران، از منافع فرهنگی و هویتی متولد می‌شود.»



### \* چقدر می‌توان انقلاب اسلامی ایران را در راستای پاسخ به یک دغدغه هویتی ایرانیان دانست؟

**دکتر یحیی فوزی:** انقلاب اسلامی ایران، ریشه‌ها و دلایل وقوع آن، از موضوعات مورد بحث انقلاب‌پژوهان



در دنیا بوده و هست. دلیل آن هم این است که ایران، در آن دوره زمانی خاص، اصلاً شرایط انقلاب نداشت تا آنجا که حتی کارتر در سفری که به ایران داشت، از آن با عنوان جزیره ثبات سخن گفته بود. همچنین سازمان سیا گزارشی را سه ماه قبل از انقلاب ایران ارائه داد و در آن تأکید کرده بود که اصلاً در ایران زمینه انقلاب وجود ندارد. منظور هم این بود که انقلاب، زمینه، بستر و کنشگر می‌خواهد و نیروهای کنشگر در ایران وجود ندارند؛ کمونیست‌ها همه یا زندانی یا تحت‌نظر بودند، نیروهای مذهبی فعال همه دستگیر شده بودند، مابقی هم تبعید و تحت‌نظر ساواک بودند، یکسری از رهبران مخالف همچون امام خمینی (ره) نیز در خارج از کشور بودند اما، با وجود همه این مسائل به یکباره انقلاب در ایران طی مدت بسیار کوتاهی (۱۳-۱۲ ماه) به پیروزی رسید. این نکته که چرا در جامعه‌ای که جزیره ثبات قلمداد می‌شد، انقلاب رخ داد؟ برای بسیاری از تحلیلگران به‌عنوان یک پرسش جدی مطرح شد.

تحلیل‌های مختلفی در این راستا صورت گرفت، برخی زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و علل کارگزاری یا ساختاری را مطرح کرده‌اند که در تبیین انقلاب هر یک به تنهایی ناکافی است؛ از جمله این تحلیل‌ها به قرار زیر است؛ گروهی بر این باورند که توسعه ناموزون شاه و ناهماهنگی بخش‌های مختلف آن زمینه بروز انقلاب شد. برخی بر استبداد نفتی شاه تأکید می‌کنند به این معنا که چون استبداد شاه متکی بر رانت نفت بود، شکافی را بین «جامعه» و «دولت» به وجود آورد و این شکاف در نهایت منجر به بروز انقلاب شد. گروهی بر تحلیل‌های سیاسی انگشت گذاشتند و معتقد بودند که اپوزیسیون‌ها بخوبی توانستند، با هم ائتلاف انقلابی شکل دهند. برخی حتی عوامل روانشناختی را دخیل می‌دانند و بر بالارفتن انتظارات و برآورده نشدن آن تأکید می‌کنند و معتقدند شاه با بالا رفتن قیمت نفت، انتظاراتی را در جامعه ایجاد کرد و در عمل نتوانست این انتظارات را برآورده کند. این فاصله منجر به اعتراض شد و انقلاب رقم خورد. همچنین بعضی از بیماری شاه و کم شدن اراده او برای مقابله حرف می‌زنند و عده‌ای نیز بر شخصیت کاریزماتیک حضرت امام خمینی (ره) تأکید می‌گذارند و... اما اگر بخواهیم به شکل جامع‌تری به موضوع علل شکل‌گیری انقلاب اسلامی نگاه کنیم می‌توان بر سه سطح عوامل؛ کوتاه‌مدت و لایه روئین، عوامل میان‌مدت و بلندمدت در دو لایه زیرین آن تأکید کرد. در لایه نخست، باید بر نقش کارگزاران انقلاب مثل نقش رهبری امام خمینی (ره) و ایدئولوژی و بسیج مردمی به‌عنوان علل کوتاه‌مدت یا شتاب‌زای انقلاب اشاره کرد. در لایه دوم، باید بر عوامل میان‌مدت همچون چالش‌های ساختار سیاسی، اقتصادی و فرهنگی تأکید کرد؛ چراکه محققان بر این باورند که ساختار ایران، یک ساختار استبدادی بوده و این ساختار به دوران شاه محدود نمی‌شد و از دو‌یست سال گذشته تا دوران انقلاب تداوم داشته است. بنابراین، اعتراض‌ها در جریان انقلاب، ادامه ساختار استبدادی طولانی‌مدت در ایران بوده است یا برخی از وابستگی اقتصادی حرف می‌زنند و معتقدند که بعد از جنگ‌های ایران و روس، وابستگی‌هایی به تدریج در ایران شکل گرفت و بسیاری از جنبش‌های اجتماعی به‌خاطر وابستگی اقتصادی بوده است، حتی زمان قاجار و مشروطه عمدتاً تم اصلی قیام، مبارزه با وابستگی ایران بوده است.

در کنار این دو سطح کوتاه‌مدت و میان‌مدت، لایه و سطح سوم بلندمدتی هم وجود دارد که از اهمیت بسیاری برخوردار است تا آنجا که حتی کارگزاران و ساختارها را باید براساس آن تفسیر کرد و آن «لایه تمدنی، هویتی و فرهنگی» است. هویت و فرهنگ است که به ساختارها و کارگزاران شکل می‌دهد، اینکه چرا اساساً مردم از بین رهبران مخالف، حضرت امام خمینی (ره) را به‌عنوان رهبر انتخاب کردند؟ چون رهبر برآورده کننده خواست و نیاز مردم است. چرا انقلاب ایران «اسلامی» شد؟ چرا کمونیستی یا لیبرالیستی نشد؟ همه اینها به لایه سوم یعنی بحث هویت و فرهنگ برمی‌گردد. یا چرا مردم وضعیت اقتصادی را نامطلوب می‌دانستند، مطلوب یا نامطلوب بودن به تصور ذهنی آدم‌ها برمی‌گردد، مثلاً برنامه توسعه شاه از نظر خیلی‌ها مطلوب بود و ایران به سمت مدرنیسم پیش می‌رفت، اما چرا برخی آن را نامطلوب دانسته و به وابستگی اقتصادی اعتراض داشتند؟ چون یکسری ارزش‌ها برای آنان اولویت داشت و این ارزش‌ها را در این برنامه توسعه‌ای نمی‌دیدند. خوبی و بدی، مطلوب بودن و نبودن به تصور ذهنی، فرهنگ، جهان‌بینی و هویت افراد برمی‌گردد.



بنابراین، این لایه سوم، لایه بسیار مهمی است. اساساً تصور از مشکلات ساختاری و همچنین پذیرش کارگزاران انقلاب در راستای هویت و فرهنگ غالب شکل گرفت و کارگزاران در شیارهایی که هویت ایجاد کرده بود، جاری شدند. کسی در ایران براساس شعارهای کمونیستی نمی‌توانست انقلاب کند چون شیار و بستر آن فراهم نبود. غیر از حضرت امام خمینی (ره) کسی نمی‌توانست رهبری انقلاب را به دست گیرد. حضرت امام خمینی (ره) و انقلاب ایران به صورتی طبیعی از این شیار و این هویت و فرهنگ دینی متولد و سخنگوی خواست اکثریت جامعه شدند.

## \* انقلاب اسلامی ما آیا انقلابی محدود به ایران است یا انقلابی در حوزه تمدن بشری به شمار می‌رود؟

**دکتر سیدجواد میری:** ما باید سه مفهوم «انقلاب»، «انقلاب اسلامی» و «جمهوری اسلامی» را از هم تمیز دهیم. بحث‌هایی که در فضای عمومی شکل می‌گیرد اغلب ناخواسته این سه مفهوم را مترادف به کار می‌برند. معتقدم نخست باید درباره مفهوم «انقلاب» صحبت کنیم. اولین نکته‌ای که در مورد انقلاب ایران گفته می‌شود این است که «انقلاب ایران اسلامی بود» بعد می‌گویند «پایه‌های این انقلاب برآمده از تشیع بود» و در ایران هم که بعدها تاریخ‌نویسی انقلاب انجام می‌دهیم، به پژوهش‌ها ارجاع می‌دهیم و فکر می‌کنیم که اینها ریشه‌های انقلاب ما را بخوبی بررسی کرده‌اند.

واقعیت این است که ما سه انقلاب بزرگ داریم؛ انقلاب فرانسه، انقلاب روسیه و انقلاب ایران. در تاریخ‌نگاری انقلاب، انقلاب فرانسه، انقلابی برای بشریت شناخته می‌شود که دستاوردهای آن صرفاً به فرانسه و اروپا محدود نمی‌شود. انقلاب روسیه هم تا حدودی همین وضعیت را دارد اما انقلاب ایران مشخصاً برای اسقاط رژیم پهلوی یا انقلابی برای مردم ایران قلمداد می‌شود. اگر بخواهند این دایره اثرگذاری را گسترده‌تر ببینند، آن را انقلابی در حوزه تمدنی شیعه و نهایتاً آن را انقلابی برای جهان اسلام می‌دانند و اساساً بین انقلاب ایران، فرانسه و روسیه هیچ ربط و ارتباطی نمی‌بینند و معتقدند که برای مرزهای بیرون از جهان اسلام هیچ دستاوردی نداشته است. اما آیا واقعاً چنین بوده است؟

واقعیت این است که انقلاب یک مفهوم مبتنی بر سوژه است. «سوژه» به انسانی اطلاق می‌شود که خودآگاهی تاریخی و اراده دارد؛ اراده برای تغییر و تحول وضع موجود. به عبارتی، رعیت نمی‌تواند انقلاب کند. اگر هزار سال پیش بطور آسان انقلاب شد، آن قیام و شورش است حتی در زبان علمای اسلام گاهی به چنین حرکت‌هایی فننه هم گفته می‌شد. اینها انقلاب نیست، «انقلاب» زمانی شکل می‌گیرد که انسان به خودآگاهی می‌رسد که می‌تواند روند تحولات بشری را تغییر دهد؛ انقلاب ایران هم در ذیل این مفهوم قابل بررسی است. حال آیا بین انقلاب ایران، فرانسه و روسیه ارتباطی هست؟ به نظر من، انقلاب ایران در چهارچوب سه شعار محوری «برادری»، «برابری» و «آزادی» قرار می‌گیرد. در نوشته دنی دیدرو، مارکی دو کندورسه و بسیاری از تحلیلگران دیگر، در انقلاب‌ها ایده‌آل‌هایی شکل می‌گیرد که صرفاً مبتنی بر هویت فرانسوی یا اروپایی نبوده است بلکه برآمده از تغییر و تحولات بشری است که حداقل برخی پنج هزار، ده هزار و برخی چهل هزار سال پیش تدوین شده‌اند. اما این ایده‌آل‌ها چه بود؟

در طول تاریخ بشر، انسان‌ها به دنبال ایده‌آل‌هایی بودند که از مهم‌ترین آنها حریت و آزادی، عدالت و برادری بوده است. منظور از برادری، وحدت نوع بشری است؛ بدین معنا که انسان‌ها یک سرچشمه دارند. این ایده‌آل‌ها تنها برآمده از هویت فرانسوی نیست بلکه برآمده از ایده‌آل‌های نوع بشر است که تنها در انقلاب فرانسه به منصفه ظهور می‌رسد و با وقوع انقلاب فرانسه، این نگرش در اروپا شکل می‌گیرد که آزادی مهم‌ترین پایه و اساس یک جامعه مطلوب است. اینجا مکتب لیبرالیسم (البته آشخور آن در قرن ۱۶ و ۱۷ بوده) آرام آرام به صورت مفهومی و دقیق صورتبندی نظری می‌شود. به زعم آنان برای اینکه یک جامعه مطلوب داشته باشیم، اصل باید «آزادی» باشد و طبق آن عدالت و وحدت نوع بشری هم خواهد آمد. اما شکل‌گیری این مفاهیم در فرانسه و اروپا با ظهور استعمار همزمان شد؛ یعنی دقیقاً نظام که شکل می‌گیرد در پس آن اروپایی‌ها قائل به این می‌شوند که آفریقا، آسیا و هرجا غیر از مرزهای تمدنی اروپا آزادی، عدالت و برادری نه ضرورتی دارد و نه موضوعیتی. اینجاست که نژادپرستی به مثابه یک «ایدئولوژی» تئوریزه می‌شود و یک علامت سؤالی شکل می‌گیرد و آن، این است که با صرف حاکمیت آزادی می‌توان به تحقق عدالت و وحدت نوع بشری رسید؟ برخی در این گزاره تردید کرده و این جایگاه را به عدالت دادند.

به همین دلیل، در روسیه «عدالت» محور قرار گرفت و آنان معتقد بودند که اگر عدالت بیاید، آزادی و وحدت نوع بشر محقق می‌شود، ولی آنجا هم این آرمان‌ها محقق نمی‌شود. اما در ایران، این پرسش پیش می‌آید که «عدالت» یا «آزادی» کدامیک باید اساس یک جامعه باشد؟ اگر بسیاری از نوشته‌ها و کتاب‌ها را بین دهه چهل و حتی دو سه سال بعد از انقلاب نگاه کنیم، می‌بینیم که همه پسوند «توحید» دارند، مثل اقتصاد توحیدی، سیاست توحیدی، جهان‌بینی توحیدی و... این «توحید» به معنای یگانگی خداوند نبود بلکه بدین معنا بود که برای رسیدن به یک جامعه مطلوب و ایده‌آل باید «وحدت نوع بشری» بر جامعه حاکم شود. همه ما در نوع بشریت‌مان یک وحدتی داریم، اگر این امر در جامعه لحاظ شود و تبعیض نباشد، امکان عدالت و آزادی رخ می‌دهد. اگر از این منظر نگاه کنیم انقلابی که در ایران رخ می‌دهد صرفاً برای ایرانیان نبوده بلکه انقلابی در حوزه تمدن بشری بوده است.



### دکتر محمدعلی فتح‌اللهی: انقلاب اسلامی را به‌عنوان مرحله انتقال

از «تمدن اسلامی» به «تمدن نوین اسلامی» معنا می‌کنیم. تمدن پر افتخار اسلامی که در حوزه‌های مختلفی رشد و تداوم داشته است، پس از ۱۴۰۰ سال و در مواجهه با تمدن‌های دیگر، در مرحله انتقال به تمدن نوین اسلامی قرار گرفته است. اهمیت این انتقال از تمدن اسلامی به تمدن نوین اسلامی به اندازه‌ای است که محتاج یک انقلاب است. ماهیت انقلابی این انتقال به این معنی است که حرکت‌های بطنی و آرام جوابگو نبوده و نیاز به جهش حرکتی توأم با نقد جدی گذشته وجود داشته است. از ویژگی‌های تمدن نوین اسلامی آن است که اعتماد مستحکمی به «حرکت عمومی جامعه» پیدا می‌شود و در واقع، اعتماد به سرنوشت کلی عالم رقم می‌خورد. این اعتماد در تمدن گذشته اسلامی وجود نداشت و افراد متناسب با داشته‌هایشان و با تکیه بر آنها عمل می‌کردند، اما به مرحله‌ای رسیده‌ایم که احساس می‌کنیم باید خود را در اختیار حوادث قرار دهیم و به آن اعتماد کنیم. این «اعتماد به سرنوشت» در واقع در پس «اعتماد به آینده» شکل می‌گیرد و اینکه آینده بهتر از گذشته خواهد بود. این نگرش، تولد یک انسان جدید را نوید می‌دهد. انسان قدیم «اعتماد به آینده» را در این سطح نداشت. انقلاب اسلامی عبارت از تولد انسان‌های جدیدی بود که دل به دریای حوادث می‌زدند و وارد معرکه‌ها می‌شدند و اعتماد به آینده داشتند. ادراک می‌کردند که آینده آنان را هدایت کرده و پیش می‌برد و انقلاب بدون پیشرو داشتن یک افق و جامعه آرمانی، به هم‌ریختگی بیش نیست.

سردار شهید قاسم سلیمانی که در گوشه گوشه حوادث منطقه اثرگذار بوده است، مثال بارزی برای این حقیقت است. او کار خود در منطقه را صرفاً با تکیه بر داشته‌هایش شروع نکرد. اگر فقط ملاحظه داشته‌هایش را می‌کرد، شاید نمی‌توانست این کار عظیم را شروع کند، ولی مطمئن بود که دست غیبی او را کمک خواهد کرد، لذا وارد معرکه شد و کارنامه درخشانی را به یادگار گذاشت. پرسش این است که او با بضاعت اندکی که داشت چگونه این سطح از کار را پیش برد؟ واقعیت این است که شهید سلیمانی خود را در اختیار حوادث و آینده قرار داد و کمک و مساعدت عوامل غیبی را به دست آورد. چنین فرهنگی به این شکل در گذشته تمدن اسلامی حضور جدی ندارد و انسان‌ها با توجه و با تکیه به داشته‌هایشان عمل می‌کردند، اما اینکه بدون بضاعت لازم و کافی و با امید و اطمینان به آینده عمل شود، مرهون انقلاب است. این انسان جدید با انقلاب متولد شد و او است که می‌تواند «تمدن نوین اسلامی» را پایه‌ریزی کند.

«تمدن نوین اسلامی» ویژگی فراملی دارد، اما «تمدن اسلامی» یک ویژگی ملی داشت. انتقال از ویژگی «ملی» به وضعیت «فراملی» نیاز به یک انقلاب داشت. انقلاب باعث شد تا در افق‌های فراملی تأمل شود. در انقلاب اسلامی ادراک شد که می‌توان در عین حفظ ملیت خود، زندگی در افق بالاتر فراملی را هم تجربه کرد. تعبیر مختلف حضرت امام خمینی (ره) مثل پیروزی مستضعفان عالم، صلح جهانی یا به اهتزاز در آمدن پرچم لا اله الا الله بر همه جهان و طرح این دغدغه‌ها از سوی ایشان، افق‌های فراملی را در برابر انسان انقلابی ایرانی قرار می‌داد. بنابراین فراملی شدن در تمدن نوین اسلامی با انقلاب اسلامی رقم می‌خورد. علاوه بر اینها، در جریان انقلاب اسلامی، یک خودیابی و درک هویتی جدیدی برای انسان ایرانی حاصل شد.



انسان ایرانی با انقلاب اسلامی توانست پلی مستقیم و از ورای تاریخ بر فراز و نشیب گذشته به صدر اسلام بزند. انقلاب اسلامی هم یک عقبه تاریخی ۱۴۰۰ ساله دارد و بر نردبان چهارده قرن گذشته بالا رفته است و هم ارتباط مستقیم، نوین و بلاواسطه‌ای را با صدر اسلام و پیام بعثت برقرار کرده است. از طرف دیگر افق آینده و جامعه آرمانی مهدوی را پیش روی خود احساس می‌کند و خود را در گرو آن قرار داده است. بر این اساس و از رهگذر انقلاب اسلامی، هویت جدید انسان ایرانی در نسبت توأمان با مهدویت در افق آینده و پیام بعثت در صدر اسلام شکل می‌گیرد که به نوبه خود «تمدن نوین اسلامی» را رقم می‌زند.



**دکتر موسی نجفی:** در خصوص بحث‌هایی که طرح شد، یک جاهایی نقد و جاهایی تکمله دارم. اگر انقلاب را به مثابه درختی ریشه‌دار در نظر بگیریم، اغلب مخالفان چون از میوه و ثمرات آن خوششان نمی‌آید، در بحث‌هایی که در مورد انقلاب طرح می‌کنند، اساساً کل درخت و ریشه را انکار می‌کنند. برخی از این هم فراتر رفته (پرواند آبراهامیان در کتاب «ایران بین دو انقلاب») و می‌گویند چرا درخت این‌گونه شد؟ و در نهایت می‌کوشند تا انقلاب را به‌عنوان یک فریب نشان دهند. از این‌رو، ضروری می‌دانم که به سه پرسش بنیادی در مورد انقلاب اسلامی ایران پردازم؛ نخست آنکه، چرا اسلام؟ چرا در ایران؟ و چرا انقلاب؟ می‌گوییم «انقلاب اسلامی ایران» ولی هر کدام از این سه مؤلفه «انقلاب»، «ایران» و «اسلام» را ساده می‌گیریم. می‌توانست انقلابی نشود بلکه تحولی اسلامی - ایرانی باشد، کما اینکه در مشروطه هم به‌همین شکل پیش رفت. می‌توانست ایرانی

باشد، انقلابی باشد اما اسلامی نباشد. می‌توانست انقلاب اسلامی باشد و در ایران نباشد، این سه باید به هم یک ربطی داشته باشند.

هر کدام از استادان به یکی از این ابعاد پرداختند اما نقدی که من بر صحبت‌های دکتر فوزی دارم این است که چرا وقتی در مورد انقلاب حرف می‌زنیم، بحث را به رژیم شاه گره می‌زنیم. به نظر من، ما اساساً جای علت و معلول را اشتباه می‌گیریم، چون این دو واقعه از نظر زمانی، طوری پیش رفته‌اند که نخست رژیم پهلوی سرنگون شده و بعد جمهوری اسلامی استقرار پیدا کرده است. بنابراین، این دو را با هم مرتبط می‌بینیم. در صورتی که به اعتقاد من، اینها به هم ارتباطی ندارند. ارتباط نداشتش هم به‌خاطر عظمت این انقلاب است؛ مثل اینکه ما ابوسفیان را در مکه بگیریم و اسلام به این عظمت را به ظلم ابوسفیان نسبت دهیم، این در حالی است که ابوسفیان تنها یک مانع کوچک بود.

معتقدم، دو واقعه «سرنگونی رژیم شاه» و «وقوع انقلاب» با هم اتفاق افتاده است و اگر بخواهیم نگاهی علی به این موضوع داشته باشیم، اتفاقاً، وجود انقلاب اسلامی بود که شاه را سرنگون کرد نه اینکه رژیم شاه و کارهای او علت وقوع انقلاب اسلامی ایران شده باشد. این همان طرح نظریه «هویت انقلابی» و «انقلاب هویتی» من است. معتقدم، این «هویت انقلابی» از قبل وجود داشته است، حال در سیر «شدن»ش از صدر اسلام به صفویه و بعد به مشروطه رسیده است، نهایتاً در دوران انقلاب بود که نظام سیاسی (رژیم پهلوی) را به‌عنوان یک مانع در مسیر خود دید. به تعبیری، هویت انقلابی و اسلامی همچون رودخانه‌ای است که رژیم پهلوی تنها مانع جریان یافتن این رودخانه بود، چون رژیم پهلوی دقیقاً ضد این جریان هویتی عمل می‌کرد به‌خاطر همین هم از ریشه کنده شد. بنابراین، رانیر بودن شاه، وابستگی اقتصادی و... تنها کاتالیزوری برای وقوع انقلاب است و علت تامه وجودی انقلاب نیست.

«هویت» بیشتر از آنکه جنبه انفعال داشته باشد، جنبه فعال دارد. اینکه دکتر فتح‌اللهی به تمدن اشاره می‌کند، نکته درستی است. اگر ما انقلاب را به مبارزه با رژیم پهلوی فرو بکاهیم به انقلاب وجهی انفعالی داده‌ایم در صورتی که انقلاب طرح یک عالم و تمدن جدید است. بنابراین، در پاسخ به این پرسش که چرا انقلاب «اسلامی» بود؟ باید گفت چون آبشخوری هویتی داشت. اما چرا در «ایران» اتفاق افتاد؟ اینجا به بحث دکتر میری و شباهتی که میان انقلاب ایران، روسیه و فرانسه قائل شدند، گریز می‌زنم. معتقدم، اینها در ظاهر شبیه هستند ولی در باطن انقلاب اسلامی عمیق‌تر است. هر سه اینها ادعای طرح یک عالم جدید را دارند. در خصوص انقلاب فرانسه هم نمی‌توانیم نظام پادشاهی فرانسه را علت انقلاب فرانسه در نظر بگیریم؛ آنها مانع بودند.



باید به ولتر، رنسانس و... برگردیم مجموعه این داشته‌ها و عقبه‌های فکری جمع شده و هویتی را شکل داده و نهایتاً در فرانسه سردرآورده است، اما چرا فرانسه؟ چرا انگلیس و آلمان بستر این انقلاب نشد که این هم قابل تحلیل است ولی موضوع ما در این بحث نیست. می‌خواهم بگویم انقلاب فرانسه مشخصاً کار فرانسوی‌ها نیست، تفکر و هویتی از قبل شکل گرفته و فرانسه تنها منزلگاه این هویت شده است، روسیه هم همین‌طور است.

انقلاب اسلامی هم کاری به ایران ندارد، هویتی بوده که از زمان صدر اسلام شکل گرفته تا به ایران رسیده است. هر سه این انقلاب‌ها شعارشان جهانی است و به‌دنبال طرح یک عالم جدید هستند و هر سه هم یک منزل می‌خواستند. حال اینکه چرا فرانسه و روسیه منزلگاه آن هویت انقلابی شدند محل بحث من نیست و مسئله من ایران است. چرا ایران محل وقوع انقلاب اسلامی شد؟ چون قرائت خاصی از اسلام در ایران حاکم است و آن اسلام اصیل ولایی یا به تعبیری، تشیع است. اصیل‌ترین میوه درخت هویتی ما «تشیع» است. حال چرا «انقلاب» کردیم؟ چون عالم و زمانه ما سکولار شده است. هویت ذاتاً دینی است؛ «هویت دینی» وقتی در مقابل عالم غیردینی قرار می‌گیرد، طبیعتاً واکنش انقلابی می‌شود. در هیچ‌کدام از این سه مقوله «پروژه» ای در کار نیست. یک «پروژه» کاملاً منطقی دارد، وقتی یک جریان عمیق دینی و الهی در مقابل یک عالم سکولار شده و غیرقدسی قرار می‌گیرد، واکنش انقلابی می‌شود. لذا همان‌طور که شاه را کنار می‌زند با سلطه جهانی و نظام سکولار جهانی چه لیبرالیستی و چه کمونیستی سرناسازگاری دارد و به‌دنبال تغییر عالم است. نکته‌ای که دکتر فتح‌اللهی عنوان کردند که از رهگذر انقلاب از تمدن اسلامی به تمدن نوین اسلامی پل زدیم هم به‌همین عقبه هویتی اشاره دارد.

### اگر بخواهیم از عالم سستی وارد تمدن نوین شویم، این نوین بودن واجد چه ویژگی‌هایی است؟

**دکتر نجفی:** همان‌طور که اشاره کردید، «تمدن نوین اسلامی» باید چیزی اضافه‌تر از «تمدن اسلامی» داشته باشد و گرنه نوین نیست و تنها احیای تمدن گذشته است. تمدن نوین اسلامی چیزی بیشتر و اضافه‌تر از احیای تمدن اسلامی است و به اعتقاد من، آن «خود عالم مدرن» است. اگر دوره صفویه، قبل از رنسانس و قبل از انقلاب صنعتی، این اتفاق رخ می‌داد، این انقلاب شکل دیگری پیدا می‌کرد اما در عالمی که سکولاریسم و مدرنیسم حاکم است، باید تکلیف اینها روشن شود چرا که ما نمی‌توانیم چهارصد سال را نادیده بگیریم. تمدن نوین همان رودخانه‌ای است که از قبل جریان داشته و امروز با یک عالم جدید مواجه شده است.

### نسبت به این عالم جدید چه مواجهه‌ای باید داشت؟

**نجفی:** تمدن‌ها دو بعد دارند؛ یک جنس و یک فصل. جنس تمدن‌ها می‌تواند مشترک باشد مثل قانونمندی، عقلانیت، ابتکار و... همه تمدن‌ها می‌توانند در آن سهیم باشند، اما تمدن‌ها یک فصل هم دارند که مختص خودشان است و اتفاقاً این «فصل» است که تمدن‌ها را جلو می‌برد. تمدنی می‌تواند تمدن دیگری را ببیند که قدرت هاضمه داشته باشد. «تمدن اسلامی» با یک انقلاب بزرگ، به یک «تمدن نوین» منتقل می‌شود، به این معنی که ویژگی‌های تمدن غربی را هم با خود منتقل می‌کند و تنها به‌دنبال نفی تمدن غربی نیست و می‌کوشد تا سنتی هاضمه‌ای نه التقاطی را صورت دهد؛ کاری که حضرت امام خمینی (ره) در جمهوری اسلامی انجام داد. جمهوری‌یتی را پذیرفت که غربی‌ها هم پذیرفته بودند اما ولایت فقیه نظریه سستی و کهنی بود که ظرفیت بالایی داشت. این ظرفیت قبلاً دیده نمی‌شد، حضرت امام خمینی (ره) در برخورد با دنیا و فلسفه سیاسی مدرن، توانست این هاضمه را ایجاد کند. در تمدن نوین اسلامی هم مجدداً این هاضمه باید رقم بخورد.

**فوزی:** در مورد صحبت‌های دکتر نجفی عرض کنم که انقلاب علل کوتاه‌مدت، میان‌مدت و دراز مدت دارد. بنابراین اشاره به رژیم شاه و مشکلات آن و همچنین مشکلات ساختاری در ایران در ۲۰۰ سال گذشته اشاره به علل کوتاه مدت و میان مدت بود. اما بنده نیز در صحبت‌های قبلی اشاره کردم که علل دراز مدت شکل‌گیری انقلاب اسلامی در ایران، «هویتی» و «فرهنگی» است و اینکه در مقطع خاصی (نه قبل و نه بعد) «انقلاب» اتفاق می‌افتد، به‌دلیل تلاقی این مجموعه علل با یکدیگر است که این تلاقی در این مقطع زمانی، انقلاب را فعلیت بخشید.



برخی بر این باورند که ما در مبانی موفق عمل کردیم اما در «نظام‌سازی»، «دولت‌سازی» و «جامعه‌سازی» توفقی طولانی داشتیم. چقدر با این اظهار نظر موافق هستید؟

**فوزی:** انقلاب یک مرحله اولیه است و به تعبیری «نه» به وضع موجود است. بعد از «نه»، جنبه اثباتی قضیه که «نظام‌سازی» است، شکل می‌گیرد که اتفاقاً در این راستا انقلاب ایران نیز پیش‌تاز بود یعنی با سرعت و بعد از حدود دو ماه رفراندوم نوع نظام برگزار و سپس قانون‌اساسی را تصویب و انتخابات مختلف را برگزار کرد و برای نظام‌سازی حرکت کرد. در این دوران، برخی جریان‌های سیاسی رویکرد مثبتی به نظام‌سازی نداشتند و آن را حرکتی در مسیر محافظه‌کاری در انقلاب و عبور از وضعیت انقلابی و خاموش شدن آرمان‌ها و شعارهای انقلابی می‌دانستند. در مقابل، جریان سیاسی دیگری بودند که رویکرد مثبتی به تداوم وضعیت انقلابی نداشتند و معتقد بودند که باید با سرعت از دوران انقلابی گذر کرد و در قالب «نظام‌نرمال و معمولی» عمل کنیم. آنان «تداوم روحیه انقلابی» را با «نظام‌سازی» در تعارض می‌دیدند. این رویکرد، انقلاب‌ها را نوعی حرکت احساسی و غیرعقلانی که همراه با تندروی است، می‌دانند و معتقدند که این وضعیت باید به سرعت متوقف و «وضعیت نرمال» شود و لذا در این قالب نمی‌توان «وضعیت انقلابی» و «نظام‌سازی» را جمع کرد.

اما در مقابل این دو جریان، حضرت امام خمینی (ره) و بخش مهمی از رهبران مذهبی انقلاب «تداوم روحیه انقلابی» در «قالب نظام» را معارض هم نمی‌دانستند و لذا ضمن تأکید بر «نظام‌سازی» از ضرورت «حفظ روحیه انقلابی» سخن می‌گفتند. آنان انقلاب را اقدامی عقلانی و برای پیشبرد اهداف مشخص تعریف می‌کردند. بنابراین بر ضرورت تأسیس نظام انقلابی اصرار داشتند. به این معنا که نظام‌سازی با اراده مردم انجام شود و روحیه، آرمان‌ها و اهداف انقلاب نیز به عنوان خواست مردم در این نظام جدید فراموش نشود و تداوم یابد. بر این اساس، رهبران انقلاب همواره دولت‌ها را به حفظ و تداوم شعارها و اهداف انقلاب توصیه می‌کردند و نسبت به دورشدن از اهداف انقلاب تذکر می‌دادند. بنابراین انقلاب به مرحله «نظام‌سازی» وارد شده و نظام قدرتمند و مستقلی را بر پایه آرای عمومی و اسلامی شکل داده است و به تدریج با تلاش برای ایجاد تغییرات مهم و بسترهای سخت‌افزاری و برنامه‌ریزی برای تقویت نرم‌افزاری در سبک زندگی و اسلامی‌سازی فرهنگی اجتماعی، برنامه‌ها و سیاست‌هایی را مطرح کرده است.

این سیاست‌ها در اسناد بالادستی منعکس شده و دولت‌ها نیز حداقل در سیاست‌های کلان به دنبال آن بوده‌اند و با وجود چالش‌ها و موانع، قدم‌های مهمی نیز در این راستا برداشته‌اند هرچند این روند هنوز ناکافی است و با وضعیت مطلوب فاصله دارد.

**نجفی:** دکتر فوزی گفتند که برخی از جریان‌های سیاسی معتقد بودند که باید با سرعت از دوران انقلابی گذر کرد و در قالب «نظام نرمال» عمل کنیم. نرمال به چه معنا؟ دعوا بر سر چیست؟ اگر «طرح عالم جدید» نشود، که انقلاب ایران، روسیه و فرانسه همه یکی است. همه از دل عالم جدید برآمده‌اند که از اروپا شروع شده است. آیت‌الله شهید مطهری، بحثی را در فلسفه تاریخ دارد و عنوان می‌کند که وقتی حرکت تاریخ را دینی تحلیل کنیم، باید این حرکت را در «علت غایی» ببینیم یا «علت فاعلی»؟ ایشان معتقدند که این حرکت را اتفاقاً باید در «علت غایی» دنبال کرد. این در حالی است که همه، حرکت را در علت فاعلی دنبال می‌کنند. اگر از زاویه علت غایی به این حرکت نگاه کنیم، قضیه خیلی عمیق‌تر می‌شود، حتی جایگاه و نقش دین عوض می‌شود. هر چند دین در علت فاعلی تحولات تاریخ اثرگذار بوده است اما حرکت تاریخ را باید در «علت غایی» دید. شهید مطهری معتقد است که تاریخ نسبت به حق و باطل، عدالت و ظلم و... بی‌طرف نیست اگر طرف عدالت حرکت کنیم، چرخ دنده‌های تاریخ به نفع ما خواهد بود و اگر ظلم کنیم، خود تاریخ و هستی واکنش می‌دهد.

**فوزی:** در حقیقت شهید مطهری، برخلاف کسانی که مبتنی بر دوگانه «سنت» و «مدرنیسم» و با رویکردی یکسان‌انگارانه، یکتانگارانه یا در قالب دور، مسیر تاریخ را تبیین می‌کنند، مسیر تاریخ را به سمت یک غایت تکاملی و معنوی و الهی می‌دانند و از مهدویت سخن می‌گویند. ایشان معتقدند که تاریخ، حرکتی به سمت غربی شدن نیست، حرکت تاریخ فراز و نشیب دارد اما روح کلی آن به سمت «عقلانی‌شدن بشر» و «حکومت صالحان» است. وقتی به مسیر چنین نگاه می‌کنند، به انقلاب به عنوان یک امر غیرعقلانی نگاه نمی‌کنند چون انقلاب در نگاه نخست یک کار غیرعقلانی و تخریب‌گر به نظر می‌رسد اما در این نگرش، انقلاب نه تنها غیرعقلانی و تخریب‌گر نیست که بخشی از روند است. در واقع، انقلاب، شبیه کاری است که پیامبر اکرم (ص) انجام داد؛ یعنی گذر از وضعیت جاهلی جامعه به سمت یک وضعیت مطلوب‌تر.



### نجفی: بر این اساس، انقلاب روسیه و فرانسه هم روند طبیعی تاریخ است؟

**فوزی:** از دیدگاه اسلامی، بخشی از آن که در مسیر سنت‌های الهی همچون حاکمیت عدالت و تحقق حق فطری حاکمیت بشر بر سرنوشت خود است، در روند طبیعی تاریخ قرار می‌گیرد هر چند بخشی نیز خلاف این جهت تفسیر می‌شود.

**نجفی:** «آزادی» و «عدالت» فطرت انسان‌هاست. برای همین هم هست که رشد کرده است والا جهانی نمی‌شد. اما چرا توقف کرده است؟ توقف به خاطر تفسیر غلطشان از مطالباتشان یعنی آزادی و عدالت است. فوزی: بنابراین، انقلابی‌گری به معنای جنبشی اجتماعی است که بر اساس حرکت طبیعی تاریخ و برای رسیدن به اهداف خاص آغاز شده است. بنابراین، این گونه نیست که وقتی نظام شکل می‌گیرد، این حرکت متوقف شود، زیرا هدف از انقلاب رسیدن به آرمان‌ها است و شکل‌گیری نظام پساانقلابی وسیله‌ای برای پیش‌برد آن آرمان‌ها است. از این دیدگاه، انقلابی‌گری به معنای غیرعقلانی عمل کردن و تخریب‌گری نیست، اتفاقاً با نوعی عقلانیت ممزوج است. از این جهت، دوره «نظام‌سازی» در تداوم و مکمل دوران «انقلابی‌گری» است بنابراین می‌توان از «نظام انقلابی» سخن گفت.

**فتح‌اللهی:** تذکر بسیار مهمی را دکتر نجفی عنوان کردند که انقلاب را نباید با سقوط شاه یکی گرفت. برخی پیروزی انقلاب را با سقوط شاه تعریف می‌کنند، در صورتی که انقلاب پی‌ریزی عالم و انسان جدیدی است که نیازمند نظام‌سازی و کار مداوم و سنگینی است. انقلاب اسلامی تمام نشده است و راه‌های نرفته زیادی دارد. تنظیم نوینی از «رابطه دولت و مردم» از جمله این راه‌ها است که انقلاب اسلامی باید تحول اساسی در این رابطه به وجود آورد. شکل دادن به «دولت مردمی» که مردم اداره امور را به عهده گیرند و دولت نقش برطرف کننده موانع و تسهیل‌کننده فعالیت‌های مردم را داشته باشد.

چنین نظام سیاسی و اداری در دنیای امروز تجربه نشده است و در همه کشورها دیوار بین دولت و مردم را به گونه‌ای شاهدیم. برداشتن این دیوار بین مردم و دولت یک تجربه جدید است و تلاشی ۴۰ ساله را پشت سر دارد. هرچند که پیشرفت‌های قابل توجهی حاصل شده است ولی هنوز هم در مسیر تحقق آن هستیم.

**نجفی:** ما از یک جنبه‌ای با انقلاب روسیه، شباهت و تفاوت داریم؛ در شوروی و چین اتفاقی که افتاد این بود که هضم نظام لیبرال جهانی شدند. به نظر من این اتفاق کاملاً طبیعی بوده است؛ چون از اول کمونیسم چیزی غیر از لیبرالیسم نبود. آنها فقط می‌خواستند مناسبات اقتصادی را تغییر دهند، نمی‌خواستند عالم را تغییر دهند. اگر با دید خودمان نگاه کنیم، هر دو ناسوتی هستند، انقلاب‌های قدسی نیستند، بشر را روی زمین قرار می‌دهند؛ چه عدالت‌شان و چه آزادی‌شان هر دو ناسوتی است، لذا هر دو (روسیه و چین) به خاستگاه اولیه‌شان برگشتند. در اینجا روس‌ها تلاش‌هایی را هم صورت دادند که خنده‌دار است. آنان برای اینکه خود را متفاوت نشان دهند، کوشیدند تا برای تفسیر عالم، وضع جامعه و انقلاب خودشان یکسری واژه جعل کنند که بگویند ما از آنها متفاوت هستیم. انقلاب اسلامی دقیقاً عکس این است. واقعاً می‌خواهد عالم را عوض کند اما هنوز وقتی که می‌خواهیم راجع به آن صحبت کنیم، جعل واژه نکردیم و با همین واژه‌های مدرن حرف می‌زنیم. وقتی می‌خواهیم در مورد انقلاب و مطالبات آن یعنی آزادی و عدالت و... حرف بزنیم، به سراغ واژه‌های مشترکی می‌رویم که در دنیای لیبرالیسم مفهوم‌سازی شده است.

انقلاب اسلامی، چون ذاتاً ادعای طرح عالم جدید داشته است در این طرح تصرف کرده است. یکی از اولین برخوردهای انقلاب با عالم جدید، برخلاف اینکه برخورد با ظلم، مناسبات سیاسی، اقتصادی و حتی دینی تلقی می‌شود، برخورد با سکولاریسم است. در واقع، انقلاب اسلامی برخورد با جنبه غیرقدسی و ناسوتی عالم جدید است. بنابراین چون در مسیر حرکت از «تمدن اسلامی» به «تمدن نوین» است، این واژه انقلاب را باید با خود حمل کند، اما آرام‌آرام در خود انقلاب هم تصرف می‌کند. به اعتقاد من، انقلاب اسلامی هر چند که واژه انقلاب را به خدمت گرفته است اما در خود واژه انقلاب هم تصرف کرده است، حتی در واژه جمهوریت هم در حال تصرف است. جمهوریت را می‌گیرد اما در عین حال، در آن هم تصرف می‌کند. این «شدن» مرتب در استمرار است. یک دفعه‌ای نمی‌شود، هر چقدر ظرفیتش عمیق‌تر شود، این تصرف عمیق‌تر می‌شود. اسم این تصرف و هاضمه «تمدن» است.



**میری:** مسیر بحث من، قدری متفاوت است. من بر این عقیده هستم که باید بین مفهوم «انقلاب» و «نظام» تمایز قائل شد. آن چیزی که اکنون ما در آن به سر می‌بریم «نظام» است و «انقلاب» نیست. انقلاب رخدادی است معطوف به یک ساحت ایده‌ال. یعنی جامعه انسانی به این می‌اندیشیده که می‌تواند عدالت، آزادی، توحید یا وحدت نوع انسانی را در جامعه‌ای بدون تبعیض، فشار و سرکوب روی کره زمین محقق کند. در انقلاب فرانسه، روسیه و ایران هم همین‌طور بود. حال تفسیرهایی که بر اینها گذاشته می‌شود، تفسیرهای انقلاب فرانسه، روسیه و ... نیست بلکه تفاسیری است که در «نظام» صورت می‌گیرد. رخداد انقلاب معطوف به «ساحت ایده‌ال» رخ می‌دهد اما نظام معطوف به «ساحت امر واقع» است. یعنی، نظام وقتی شکل می‌گیرد، دیگر دغدغه‌های حفظ خودش را دارد. وقتی می‌گوییم ما وارث انقلاب هستیم و تفسیر انقلابی این است در ظاهر فکر می‌کنیم دقیقاً «این همانی» انجام داده‌ایم اما آن چیزی که ما در آن واقع شدیم «نظام» است.

**نجفی:** در این فضا، ایرانی بودن، فرانسوی بودن و روسی بودن این انقلاب‌ها را چگونه تفسیر می‌کنید؟ شما نگفتید انقلاب لیبرال فرانسه، انقلاب کمونیست روسیه یا انقلاب اسلامی ایران.

**چه چیز انقلاب ما «ایرانی» است. لطفاً این را توضیح دهید؟**



**میری:** «انقلاب» وقتی رخ می‌دهد، صفت ایرانی، روسی و فرانسوی ندارد بلکه سوژه خودآگاه از نوع انسان به دنبال داشتن قسط، آزادی و عدالت برمی‌آید. این مطالبات، خود را در انقلاب فرانسه نشان می‌دهد، اما شکست می‌خورد چون در پس انقلاب نظامی شکل گرفت که از قضا برای خود مقتضیاتی داشت. می‌کوشید خود را حفظ کرده و استمرار دهد. اینجاست که رنگ و بوی فرانسوی، روسی و ایرانی می‌گیرد. در ایران هم وقتی انقلاب رخ می‌دهد، یعنی آدم‌ها به دنبال این هستند که آن ایده‌آل‌ها را محقق کنند اگر ما انقلاب را مساوی با نظام بگیریم، اینجا یک اتفاقی می‌افتد و ما فکر می‌کنیم که انقلاب شکست خورده است، در حالی که انقلاب هیچ‌وقت شکست نمی‌خورد، چون انقلاب یعنی آدمیزاد به دنبال آزادی است.

اگر کسی بگوید من ضدانقلاب هستم یعنی ضد فطرت خودش است، ضد انسانیت خودش است، افراد و اپوزیسیون‌ها می‌توانند ضد نظام باشند، اما ضد انقلاب خیر. حال، اینجا چه باید کرد که بتوانیم هم به آن میراث، خودمان را نزدیک کنیم و هم بتوانیم نظام را حفظ کنیم. باید فضایی ایجاد شود که یک تمایز تئوریک و نظری بین رخداد انقلاب و واقعیت نظام شکل گیرد که در این فضا بتوانیم دائم از نقطه نظر انقلاب، نظام را نقد کنیم تا نظام بتواند خود را اصلاح کند و نگوید من تجسم انقلاب هستم. وقتی گفته می‌شود که نظام، تجسم انقلاب است یعنی «امر ایده‌آل» محقق شده است. در حالی که امر ایده‌آل نمی‌تواند محقق شود و این یکی از پارادوکس‌های وضع انسانی است.

**نجفی:** اجازه دهید من اینجا به صحبت‌های شما دو نقد را داشته باشم؛ نخست اینکه شما چگونه با این واژه‌های مدرن هم «انقلاب» را بررسی می‌کنید و هم «نظام» را نقد می‌کنید. در صورتی که خود شما معتقد هستید که ذات این انقلاب «مدرن» نیست. از عالم مدرن نیامده و ضد عالم مدرن است. چه‌طور در تفسیر آن واژه‌هایی به کار می‌برید که همه مدرن است. دوم اینکه نتیجه‌ای که از انقلاب فرانسه و روسیه گرفته می‌شود کاملاً بشر را از عالم قدسی دور می‌کند. این در حالی است که انقلاب ایران بشر را به این عالم قدسی برمی‌گرداند، اینها چه‌طور می‌تواند ایده‌ها و آرمان‌های یکسانی داشته باشند؟

**میری:** خود شما هم عنوان کردید که چون واژه جعل نکردیم، وقتی بحث می‌کنیم ناگزیر هستیم مفاهیم را در قالب مدرنش به کار بگیریم. اجازه دهید من هم نقدی به مفهوم «سکولار» که در صحبت‌های شما بسامد بالایی داشت، داشته باشم.



در ایران بسیاری از متفکران و نظریه‌پردازان، مفهوم سکولار را با مفهوم «ضددینی» و «غیردینی» مترادف می‌گیرند و بعضاً هم حتی سکولار را به «عرف» تفسیر می‌کنند و معتقدند که سکولاریسم یک «نگاه عرفی» است. اما واقعیت این است که مفهوم سکولار، اصلاً به معنای ضددینی یا غیردینی نیست. مسیحیان کاتولیک عالم را به دو بخش «اسپریتوال» و «سکولار» تقسیم می‌کردند؛ اسپریتوال‌ها کسانی بودند که به عالم معنا وصل بودند. اینها روحانیونی بودند که خود را وقف کلیسای مسیح می‌کردند؛ به این معنا که نه ازدواج می‌کردند و نه کار. مدارجی هم داشتند که بالاترین آنان پاپ بود. در پایین‌ترین مرتبه این مدارج، مردم عادی بودند که در کلیسا حضور نداشتند و نمی‌توانستند خود را وقف کلیسا کنند. روحانیون به این افراد «لائیک» می‌گفتند. فرد لائیک، باور به مسیح داشت اما نمی‌توانست خود را ۲۴ ساعته وقف کلیسا کند. روحانیون کاتولیک هم به این افراد «کافر» نمی‌گفتند؛ اما چرا به اینها «لائیک» می‌گفتند؟ چون اینها کارهای سکولار می‌کردند، یعنی ازدواج، کار و تجارت می‌کردند. مسیحیت کاتولیک به این کارها «کارهای سکولار» می‌گفتند.

جالب این است که کاتولیک‌ها، حضرت رسول اکرم (ص) و دین اسلام را سکولار می‌بینند و آن را بدعت مسیحی می‌دانند. مفهوم سکولار در جهان معنای کاتولیک، یک معنای دینی دارد و اصلاً به معنای ضددینی نیست. حال، من از شما می‌پرسم که ما چرا باید انقلاب و جهان معنای خودمان را براساس یک مفهوم کاتولیکی تفسیر کنیم؟ چرا نمی‌گوییم منظر اسلام این است و چرا از این منظر حرف نمی‌زنیم؟ در این راستا، احمد فردید می‌گوید: «صدر تاریخ ما ذیل تاریخ غرب است». این بدان معناست که چون ذیل تاریخ غرب قرار گرفتیم با همان مفاهیم حرف می‌زنیم و این گریزناپذیر است.

**نجفی:** من مفهوم سکولار را که برای انقلاب اسلامی به کار نبردم، من در مورد فرانسه و روسیه از مفهوم سکولار استفاده کردم؛ چون در مورد آن فضای گفتمانی حرف می‌زنم، اما در مورد انقلاب ایران از «امر قدسی» حرف زدم. ایراد من به شما این بود که نباید از مفاهیم مدرن و غربی برای تفسیر مسائل خودمان استفاده کنید. به نظر می‌رسد که گره کار به نکته‌ای که دکتر نجفی پیش‌تر هم عنوان کردند، یعنی «جعل واژه» برمی‌گردد و این کاری است که ما انجام ندادیم. اولاً جعل واژه به چه معنا است؟ آیا بدین معنا است که ما نتوانستیم مفهوم‌سازی کنیم؟ پرسش دیگری که در ذیل همین پرسش قرار می‌گیرد این است اگر نتوانستیم مفاهیم و واژه‌های خودمان را تولید کنیم چگونه می‌توانیم «بینش و خودآگاهی انقلابی» را که یکی از پیش‌شرط‌های نظام‌سازی و جامعه‌سازی است در بدنه جامعه ایجاد کنیم؟

**نجفی:** ضعف ما در «واژه‌سازی» به دلیل هژمونی عالم مدرن است. این هژمونی به راحتی این اجازه را نمی‌دهد که ما مفاهیم خودمان و نگاهی که به هستی داریم را جا بیاوریم. اکثر اهرم‌های قدرت جهان سیاست، فرهنگ و اقتصاد هم در دست آن‌هاست. فوکو در مقاله فیگارو خود می‌گوید، این انقلاب می‌خواهد چیزی را به ما غربی‌ها یادآوری کند که ۶۰۰ سال است از زندگی ما رخت بر بسته و آن «ورود معنویت به متن زندگی است». انقلاب در پی آن است که مجدداً این معنویت را بازسازی کند.

واقعیت این است که دنیای مدرن بر مادیت خاصی بنا شده است. بنابراین، این عالم مدرن به راحتی اجازه ساخت مفاهیم برآمده از انقلاب را نمی‌دهد. جعل واژه امری است که باید به‌طور عادی به آن رسید. موفق بودن یا نبودن به جعل واژه نیست، موفق بودن و نبودن به عظمت کار و عظمت انقلاب است. خود این نگاه جدید به عالم و عالم را در برابر خود قرار دادن، کار بزرگی است. مثل ماهی می‌ماند که خود را از آب به بیرون پرت می‌کند تا بتواند کل دریا را ببیند؛ چرا که مادامی که ماهی در آب و در آن مختصات قرار دارد، نمی‌تواند به درکی از دریا برسد، باید به خشکی بیاید و از خشکی به دریا نگاه کند. نسبت این انقلاب به عالم مدرن، مثل نسبت آب به خشکی است، با اقتضائات آب، نمی‌توان به سراغ خشکی رفت. ما چون با اقتضائات آن آب و زندگی ماهی‌گونه انس پیدا کردیم، خیلی برایمان سخت است که با یک نگاه و زاویه دید دیگری به این کلیت نگاه کنیم. لذا، اکثر اشتباه‌های ما در انقلاب در حوزه توسعه و ... در همین فضا است. فضایی از آب بر آب است. در صورتی که فضای انقلاب، فضایی از خشکی به آب است و این دو نگاه را می‌طلبد.

**فتح‌اللهی:** واژه‌سازی‌های ترکیبی کمک‌کننده است و می‌تواند بعضی از پیام‌ها را منتقل کند. هرچند که ممکن است بتوان واژه‌های جدیدتری را پیدا کرد که مقصود پیام را بهتر منتقل کند. به‌طور مثال مفهوم «نظام انقلابی» نشان می‌دهد که تقابل بین «انقلاب» و «نظام» موضوعیت ندارد.



**فتح الهی:** درست است که انقلاب یک رخداد است و براساس آن نظام سیاسی ساخته می‌شود، اما در نظام انقلابی، انقلاب دائمی وجود دارد و نظام هم حالتی انقلابی دارد. «نظام انقلابی» به‌طور دائم خود را بازسازی می‌کند. حیات تمدن نوین اسلامی هم توأم با انقلاب خواهد بود و این یکی دیگر از تفاوت‌های تمدن نوین اسلامی با تمدن اسلامی گذشته است. تمدن نوین اسلامی یک «تمدن انقلابی» است.

**نجفی:** انقلاب تمام نمی‌شود، چون هویت تمام نمی‌شود. مثل بچه‌ای که دوره کودکی، نوجوانی و بلوغ را سپری می‌کند. «نظام» بلوغ آن بچه است. کما اینکه ولایت همان نبوت است در یک قالب جدیدتر. اگر نظام، نظام صالح و درستی باشد و به پختگی برسد، مرحله بلوغ آن انقلاب است و «تمدن» بلوغ نظام است. فوزی: انقلاب اسلامی در عرصه نام‌گذاری، رویکرد ساختارشکنانه در مقابل قالب‌ها و الگوهای پیشین دارد و همواره تلاش می‌کند خود را در بین دو طیف و بین‌الامرینی و مبتنی بر «امه وسطا» تعریف کند. در عرصه سیاسی از الگوی میانه‌ای بین دموکراسی و تئوکراسی دفاع می‌کند و تلاش می‌کند جمهوریت و اسلامیت را با هم پیوند بزند و با تصرف در آنها مدل جدید و میانه اما با هویت تازه‌ای را در قالب مردم‌سالاری دینی تعریف کند. در عرصه اقتصادی با نقد لیبرالیسم و سوسیالیسم به‌دنبال پیوند بین آزادی و عدالت توأمان است و الگوی میانه‌ای را در بین این دو مدل جهانی جست‌وجو می‌کند که آن را «اقتصاد اسلامی» می‌نامد.

در عرصه اجتماعی و فرهنگی نیز ضمن نقد توأمان سنت‌گرایی و مدرنیسم تلاش می‌کند ابعاد مثبت آنها را بگیرد و مدل میانه‌ای را با تصرف در هر دو ایجاد کند که نه سنت‌گرایی ناب است و نه مدرنیستی غربی و تقابل کاملی نیز با آنها ندارد بلکه الگوی جدیدی را با اخذ عناصری از سنت و مدرنیسم و تصرف در آنها انجام داده است و الگویی معطوف به هویت و فرهنگ و سنت‌های دینی اما متناسب با شرایط زمان و مکان و دنیای معاصر را مطرح ساخته است. بنابراین معتقد است که ما دنبال بازگشت بشر به گذشته نیستیم و در عین حال به سنت هم پایبندیم و سعی می‌کنند اینها را به هم نزدیک کنند. بنابراین این مدل‌ها و نامگذاری‌های ساختارشکنانه و بینابینی جزو ویژگی‌های ادبیات و گفتمان انقلاب اسلامی است.

این وضعیت ضمن اینکه پیام تازه و نویی را برای همه سرخوردگان از مکاتب مادی و مکاتب موجود جهانی به همراه دارد و راه تازه‌ای را برای تفکر و حرکت می‌گشاید اما در عین حال می‌توان تفاسیر مختلفی را نیز از آنها ارائه داد که این تفاسیر مختلف سیاستگذاری‌های مختلفی را به‌دنبال خواهد داشت؛ همان اتفاقی که در چهار دهه گذشته افتاده است و اگر به ادبیات راست و چپ دقت کنید، می‌بینید که تقریباً واژه‌ها مشترک هستند ولی یک بستر و چند رؤیا است و هر کسی تلقی و نگاه خاصی به این واژه‌ها دارد از این جهت دعوا بر سر واژه‌ها و مفاهیم، دعوی مهمی در انقلاب اسلامی است. بنابراین علی‌رغم تازگی و سختی کار نیازمند تنوریزه شدن و تثبیت گفتمانی و اجماع‌سازی گفتمانی است.

**میری:** «جعل واژه» نکته بسیار مهمی است و به این معنا نیست که ما از فرهنگستان زبان و ادب بخواهیم واژه‌سازی کند، بلکه به جوهر عالمیت جدید برمی‌گردد و مقصود تصرف در این عالم است. انقلاب در ایران حداقل در خوانشی که من دارم، مبتنی بر «سوژه» است؛ یعنی سوژه باید قدرت تصرف در عالم را داشته باشد، این آن بعدی است که ما آن را خیلی جدی نگرفته‌ایم، نبض تپنده عالمیت جدید در «ساینس» و «تکنولوژی» خود را نشان داده است و قدرت سوژه در این است که چگونه در این عالم تصرف می‌کند. وقتی این را جدی گرفتیم آن زمان می‌توانیم زیست جهان معنایی خودمان را به جای اینکه مثلاً از ادبیات فرانسوی، امریکایی یا اروپایی بگیریم، از زیست جهان و نظام معنایی خودمان می‌گیریم. به عبارت دیگر، پاشنه آشیل ما بحث «زبانی» نیست، بحث «تفکر» است.

**فتح الهی:** به هر حال نسل‌های جدید قدرت واژه‌سازی بیشتری دارند و باید منتظر آنان برای واژه‌سازی‌های مناسب و انتقال مفاهیم بود.

## نیم نگاه

دکتر یحیی فوزی: هویت و فرهنگ است که به ساختارها و کارگزاران شکل می‌دهد، اینکه چرا اساساً مردم از بین رهبران مخالف رژیم شاه، حضرت امام خمینی (ره) را به عنوان رهبر انتخاب کردند؟ چرا انقلاب ایران «اسلامی» شد؟ چرا کمونیستی یا لیبرالیستی نشد؟ چرا مردم وضعیت اقتصادی را نامطلوب می‌دانستند؟ چرا برنامه توسعه شاه از نظر خیلی‌ها مطلوب بود اما برخی برنامه توسعه شاه را نامطلوب دانسته و به وابستگی

اقتصادی ایران اعتراض داشتند؟ همه اینها به بحث هویت و فرهنگ برمی‌گردد. خوبی و بدی، مطلوب بودن و نبودن به تصور ذهنی، فرهنگ، جهان‌بینی و هویت افراد برمی‌گردد. با خواست هویتی و تمنای فرهنگی که ما ایرانیان داشتیم انتخاب‌هایی را رقم زدیم که منجر به انقلاب شد. بنابراین می‌توان گفت که انقلاب ما یک انقلاب فرهنگی و هویتی و البته تمدنی بود.

### نیم نگاه

دکتر محمدعلی فتح‌اللهی: انقلاب اسلامی ایران را به عنوان مرحله انتقال از «تمدن اسلامی» به «تمدن نوین اسلامی» معنا می‌کنیم. «تمدن نوین اسلامی» ویژگی فراملی دارد، اما «تمدن اسلامی» یک ویژگی ملی داشت. انتقال از ویژگی «ملی» به وضعیت «فراملی» نیاز به یک انقلاب داشت. به این معنی که حرکت‌های بطنی و آرام جویگو نبوده و نیاز به جهش حرکتی توأم با نقد جدی گذشته وجود داشته است. از ویژگی‌های تمدن نوین اسلامی آن است که اعتماد مستحکمی به «حرکت عمومی جامعه» پیدا می‌شود و در واقع، اعتماد به سرنوشت کلی عالم رقم می‌خورد. این نگرش، تولد یک انسان جدید را نوید می‌دهد. انسان قدیم اعتماد به آینده را در این سطح نداشت. انقلاب اسلامی عبارت از تولد انسان‌های جدیدی بود که دل به دریای حوادث می‌زدند و وارد معرکه‌ها می‌شدند.

### نیم نگاه

دکتر موسی نجفی: می‌گوییم «انقلاب اسلامی ایران» ولی هر کدام از این سه مؤلفه «انقلاب»، «ایران» و «اسلام» را ساده می‌گیریم. چرا اسلام؟ چرا در ایران؟ و چرا انقلاب؟ می‌توانست انقلابی نشود بلکه تحولی اسلامی-ایرانی باشد، کما اینکه در مشروطه هم به همین شکل پیش رفت. می‌توانست ایرانی باشد، انقلابی باشد اما اسلامی نباشد. می‌توانست انقلاب اسلامی باشد و در ایران نباشد. این سه باید به هم یک ربطی داشته باشند. دو واقعه «سرنگونی رژیم شاه» و «وقوع انقلاب» با هم اتفاق افتاده است و اگر بخواهیم نگاهی درست به این موضوع داشته باشیم، اتفاقاً، وجود انقلاب اسلامی بود که شاه را سرنگون کرد نه اینکه رژیم شاه و کارهای او علت وقوع انقلاب اسلامی ایران شده باشد. این همان نظریه «هویت انقلابی» و «انقلاب هویتی» من است.

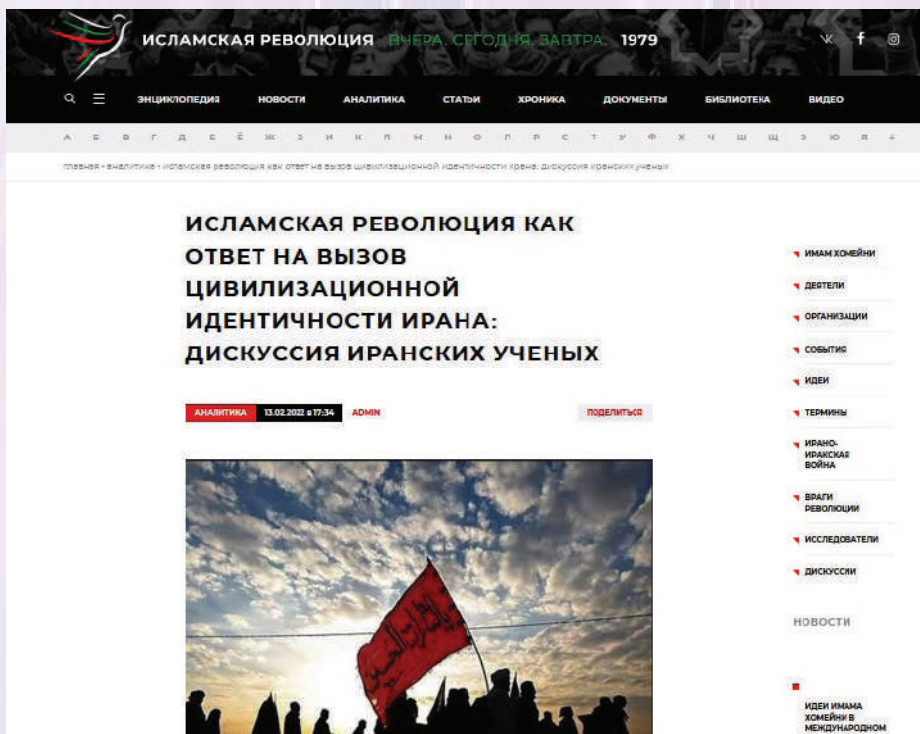
### نیم نگاه

دکتر سیدجواد میری: انقلاب یک مفهوم مبتنی بر سوژه است. «سوژه» به انسانی اطلاق می‌شود که خودآگاهی تاریخی و اراده برای تغییر و تحول وضع موجود دارد. بنابراین رعیت نمی‌تواند انقلاب کند. در انقلاب ایران، این پرسش مطرح بود که «عدالت» یا «آزادی» کدام یک باید اساس یک جامعه باشد؟ در بسیاری از نوشته‌های دهه چهل تا حتی دو سه سال بعد از انقلاب می‌بینیم که همه پسوند «توحید» دارند مثل اقتصاد توحیدی، سیاست توحیدی،

جهان‌بینی توحیدی و ...

این «توحید» به معنای یگانگی خداوند نبود بلکه بدین معنا بود که برای رسیدن به یک جامعه مطلوب و ایده‌آل باید «وحدت نوع بشری» بر جامعه حاکم شود تا امکان عدالت و آزادی محقق شود. اگر از این منظر نگاه کنیم انقلابی که در ایران رخ می‌دهد صرفاً برای ایرانیان نبوده بلکه انقلابی در حوزه تمدن بشری بوده است.

مهسا رمضانی،  
خبرنگار روزنامه ایران





## دکتر نجفی در گفت‌وگوی اختصاصی با صدای حوزه: آیت‌الله صافی گلپایگانی از بازوان توانمند نظام بود

دکتر موسی نجفی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، آیت‌الله صافی گلپایگانی را فقیه‌ی سیاسی و اجتماعی توصیف کرد و گفت: ایشان از بازوان توانمند نظام بود و همیشه در عین توجه به مسائل نظام و کشور، استقلال رأی داشته و استقلال ایشان در راستای کمک به نظام بود. به گزارش خبرنگار صدای حوزه، دکتر نجفی طی مصاحبه‌ای گفت: آیت‌الله لطف الله صافی گلپایگانی از مراجع معظم تقلید و روحانیون مبارزی است که پیوند محکمی با انقلاب اسلامی دارد ایشان از معتمدان به امام خمینی محسوب می‌شود، عالمی که عمر با برکت خود را در مسیر نهضت اسلام و خدمت به اسلام و انقلاب اسلامی مصروف داشت.



وی متولد سال ۱۲۹۷ و تحصیل کرده در حوزه علمیه گلپایگان از توابع شهر اصفهان، حوزه علمیه نجف و حوزه علمیه قم بودند که از جمله شاگردان برجسته مرحوم آیت‌الله بروجردی محسوب می‌شدند. عضویت در مجلس خبرگان قانون اساسی و عضویت و دبیری شورای نگهبان از جمله مناصب سیاسی مرحوم آیت‌الله شیخ لطف الله صافی گلپایگانی است. این عالم وارسته پس از عمری با برکت در دوازدهم بهمن ماه سال ۱۴۰۰ دارفانی را وداع گفت.

در خصوص شخصیت علمی و سیاسی و تاریخی ایشان، خبرنگار صدای حوزه گفت‌وگویی با دکتر موسی نجفی، استاد و پژوهشگر برجسته تاریخ معاصر و رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، داشته چرا که ایشان از افرادی هستند که نزدیک به ۳۵ سال مراد به آیت‌الله صافی گلپایگانی داشته اند و خاطرات مهمی از ایشان دارند که مهمترین نکات آن در ادامه در اختیار شما قرار گرفته است:

### صدای حوزه - آشنایی و ارتباط شما با آیت‌الله صافی گلپایگانی از چه زمانی آغاز شد؟

از سال ۶۵ که در مجلس شورای اسلامی در دایره حقوقی مجلس کار می‌کردم و آیت‌الله صافی گلپایگانی دبیر شورای نگهبان بودند و آن زمان کتابی را راجع به نهضت مرحوم حاج آقا نورالله اصفهانی نوشته بودم، با ایشان در خصوص کتاب تماس گرفتم و فرمودند که به شورای نگهبان رفته و کتاب را ملاحظه کردند و خیلی خوششان آمد و استقبال کردند از کتاب بنده و همین موضوع باعث شد مراد بنده با ایشان آغاز بشود و ادامه داشته باشد. پس از اینکه به قم هجرت کردند نیز در قم خدمت ایشان می‌رسیدم و همواره با ایشان در ارتباط بودم حتی زمانی که در بیت آیت‌الله گلپایگانی بودند، گاهی نیز آیت‌الله صافی با بنده تماس می‌گرفتند هم جویای احوال بنده می‌شدند هم اگر کتابی را نیاز داشتند از من سراغ می‌گرفتند، یکی از علت‌های ارتباط بنده با ایشان و لطفی که به من داشتند این بود که به پدر بزرگوارشان مرحوم آیت‌الله حاج شیخ محمدجواد صافی بسیار علاقه داشتند و تأکید داشتند که القاب و عناوین ایشان در کتاب‌هایی که می‌نویسم به خوبی محفوظ بماند.



پدر آیت‌الله گلپایگانی از شاگردان خاص مرحوم جد ما آقا نورالله نجفی بودند. هم آیت‌الله ملامحمدجواد صافی گلپایگانی، هم مرحوم ثقه الاسلام (تبریزی که در تبریز اعدام شدند) و هم مرحوم آقا نجفی به مرحوم آیت‌الله صافی گلپایگانی اجازه داده بودند و من اینها را در کتابم چاپ کردم و تابلویی هم از این اجازه‌ها درست کردم و به آیت‌الله صافی هدیه دادم و ایشان تابلو را خیلی دوست داشتند.

در زمان برگزاری کنگره مرحوم آیت‌الله حاج آقا نورالله در سال ۸۴ و کنگره مرحوم آقانجفی در سال ۹۰ آیت‌الله صافی گلپایگانی پیام کتبی ارسال کردند و سخنرانی هم داشتند و همیشه زمانی که راجع به بزرگان برنامه‌ای داشتیم ایشان مشوق ما بودند و به همه صورت ما را راهنمود می‌دادند.

یکی از اهدافی که جد ما داشتند مبارزه با بهائیت بود و آیت‌الله صافی گلپایگانی به این حوزه توجه بسیار داشتند و مراقبت می‌کردند، ایشان همانطور که رهبر معظم انقلاب در پیام تسلیت خود فرمودند انسانی واقعا بصیر بودند و حافظه تاریخی بسیار خوبی هم داشتند و به ویژه از پدرشان در خصوص مشروطیت اطلاعاتی کسب کرده بودند که کسی نمی‌دانست و مسائلی را نقل می‌کردند که بسیار ناب و خاص بود و کسی مطلع نبود.

مرحوم آیت‌الله صافی گلپایگانی نسبت به برخی اشخاص که از رجال بودند و مطرح شده بودند آگاهی و شناختی داشتند که کسی از آن اطلاع نداشتند و به من نسبت به برخی افراد هشدار می‌دادند و من را آگاه می‌کردند، که فلان فرد شرب خمر هم داشته و اینها را روشنفکران نقل نمی‌کنند، حتی گاهی شبهاتی در خصوص برخی افراد مشروطه داشتم با ایشان مطرح می‌کردم و ایشان با دقت بسیار نسبت به آن نکات آگاه بودند و من را آگاهی می‌دادند و در خصوص مسائلی که ما با ضرب تحقیق و سختی بسیار کسب کرده بودیم ایشان آگاهی کاملی داشتند.

آیت‌الله صافی گلپایگانی برخی مسائل تاریخی را تجربی دیده بودند و در زمینه تاریخ نظیر ایشان تنها رهبر معظم انقلاب را سراغ دارم اگرچه آیت‌الله صافی گلپایگانی برخی مسائل را تجربی دیده بودند، آیت‌الله صافی در مسئله تاریخ و بصیرت سیاسی بسیار فوق العاده بودند و بصیرت سیاسی ایشان برخاسته از بصیرت تاریخی ایشان بوده است. یکی از مراکز بهائیت در استان اصفهان در نزدیکی گلپایگان بوده است و مرحوم آیت‌الله صافی گلپایگانی حساسیت ویژه‌ای به این موضوع داشتند و مرحوم پدر ایشان خیلی علیه بهائیت کار کرده بودند. رژیم طاغوت و دربار شاه نیز پر بود از بهائیان و آیت‌الله صافی نیز که از سال ۴۱ به بعد مبارزه با رژیم پهلوی را آغاز کرده بودند و در این زمینه اقدامات بسیار مؤثر و جدی داشتند. آیت‌الله صافی هم انقلاب اسلامی را خوب دیده بود و هم امام خمینی را خوب درک کرده بودند و هم آیت‌الله گلپایگانی را مرتب در خدمتشان بودند و لذا هر زمان که سؤالی در خصوص نظر آیت‌الله گلپایگانی در این موارد داشتم بنده از ایشان می‌پرسیدم و ایشان از مواضع اطلاع و آگاهی بالایی که داشتند پاسخ می‌داند همچنین به واسطه حضور در مناسبتی نظیر شورای نگهبان احاطه دقیقی به مسائل حقوقی و قوانین کشور و نهادهایی نظیر مجلس شورای اسلامی داشتند.

آیت‌الله صافی گلپایگانی شخصیت پر مطالعه‌ای بودند و مجلات و نوشته‌ها و کتاب‌های همه جریاناتی که به دست ایشان می‌رسید را مطالعه می‌کردند و به‌همین واسطه آگاهی دقیقی از مسائل جامعه و کشور هم داشتند. ایشان در جریان شناسی و شناخت برخی افراد هم به ویژه شخصیت‌هایی که در دوران انقلاب اسلامی و یا مشروطه مطرح بودند و از اسرار این دوران‌ها به خوبی اطلاع داشتند و ما را هم راهنمایی می‌کردند. مثلاً ایشان گزارش‌های نظمی را بررسی کرده بودند و متوجه شده بودند فلان شخص که اسمش در گزارش نیامده و انسان ظاهرالصلاحی در آن زمان بوده و در بیوت مراجع رفت و آمد داشت ولی در حقیقت مشغول ارائه اطلاعات و آمار به نظمی بوده است ایشان آن فرد را تطبیق داده بودند که چه کسی است. گاهی در برخی کتاب از افراد اسم برده بودم ایشان می‌گفتند این شخص جاسوس بوده و به نظمی پهلوی یا رضاخانی گزارش بیوت مراجع را می‌داده است و این توجه ایشان نشان دهنده دقت و علمیت و حافظه تاریخی ایشان بود و اکنون پس از سالها ما در بررسی اسناد به صحت و دقت نظرات ایشان پی برده‌ایم.

آیت‌الله صافی گلپایگانی بسیار انسان منصف و دقیقی در موضع‌گیری در خصوص افراد بودند حتی در دشمن شناسی هم انصاف داشتند و معتقد بودند در قضاوت افراد در تاریخ باید دقت نظر و انصاف داشت و نکات مثبت افراد را هم در نظر گرفت و مثلاً نباید شاه‌های قاجار را که مبارزه با بهائیت داشتند با شاه پهلوی که سر تا پایش وابسته به بهائیت بود یکی کرد. ایشان حافظه دقیق و عمیقی در مباحث تاریخی داشتند و حتی کتابی که ۸۰ سال قبل را مطالعه کرده بودند را با جزئیات در خصوص مطالب و نویسندگان و مسائل مربوط به آن به‌خاطر داشتند و اینکه رهبر معظم انقلاب در پیام تسلیت خود به حافظه تاریخی ایشان اشاره کردند نکته بسیار درست و دقیقی است.



### صدای حوزه - به نظر شما کنش‌های سیاسی آیت‌الله صافی گلپایگانی با دیگر علما متفاوت بود؟

ایشان اواخر عمرشان نکته‌ای را مطرح کردند که بعضی جناح‌های سیاسی این‌گونه تعبیر کردند که ما با دنیا قهریم ولی این موضوع درست نبود، زمانی که ایشان موضع‌گیری در خصوص ارتباط با دنیا داشتند حدود دو ماه از دولت آقای رئیسی می‌گذشت. فرمایشات ایشان مصداقی داشت که به دولت قبل مربوط بود و در دیدگاه ایشان دولتی که چندماه قبل بر سر کار بوده است مقصر نبود بلکه مقصر دولتی بود که ۸ سال بر سر کار بوده است اما برخی با بازی‌های رسانه‌ای تلاش کردند آیت‌الله صافی را در مقابل نظام و دولت قرار بدهند. حتی اگر بگوییم دولت ما با دنیا قهر بوده است آیت‌الله رئیسی همواره مشغول سفر به کشورهای مختلف هستند و مشخصاً قهری با دنیا در کار نیست، اما برخی جریان‌های سیاسی از رویکرد فعال آقای رئیسی در دیپلماسی بین‌المللی ناراضی و ناراحت هستند و مشخص است موضع‌گیری و جریان‌سازی که در خصوص فرمایشات آیت‌الله صافی گلپایگانی داشتند تلاشی برای انتقام‌گیری سیاسی از ایشان بوده است، آیت‌الله صافی همیشه از بازوان توانمند و خیرخواه نظام مقدس اسلامی بودند و البته مانند همه مراجع موضع مستقل داشتند و این‌طور نبود که به صورت مطلق همه چیز را تأیید کرده و مشکلات را نبینند.

زمانی روزنامه همشهری مطلبی از آقای جمالزاده منتشر کرده بود که آقای صافی نسبت به این موضوع حساسیت ویژه‌ای داشتند، چرا که جمالزاده کتابهایی داشت که قابل تأیید نبود و بسیار زننده و ناصحیح بودند، ایشان می‌گفتند چرا روزنامه همشهری به این سادگی این افراد و نوشته‌ها را ترویج می‌کند و بسیار نسبت به این جریان‌ها دقت داشتند. اینکه یک جناح سیاسی بخواهد حرف آیت‌الله صافی گلپایگانی را مصادره و تحریف بکند قطعاً حافظه تاریخی درستی ندارد، ایشان همیشه علیه جریان سکولار و غربگرا موضع‌گیری داشتند و نمی‌شود کسی ایشان را مقابل نظام اسلامی قرار بدهد و تلاش کند تاریخ را تحریف کند. مرحوم آیت‌الله صافی گلپایگانی یک مرجعی بودند که همیشه همراه نظام بودند و همیشه ایشان از امام خمینی با همین لفظ امام خمینی یاد می‌کردند در حالی که برخی علما می‌گویند آقای خمینی یا آیت‌الله خمینی ولی ایشان همیشه می‌گفتند امام خمینی و همیشه با احترام از امام و رهبری یاد می‌کردند در حالی که از برخی مسائل اجرایی و قوانین هم به وضوح و صراحت نقد می‌کردند و حساسیت درستی نسبت به موضوعات داشتند. ایشان همیشه با رهبر معظم انقلاب مراد خوبی داشتند و با احترام از ایشان و امام خمینی یاد می‌کردند و هرگز مقابل نظام و رهبری و امام خمینی قرار نگرفتند.

### صدای حوزه - خاطره‌ای هم از آیت‌الله صافی گلپایگانی در دوران حضور ایشان در شورای نگهبان دارید؟

گاهی نوشته‌هایی چاپ می‌شد از سوی محافل مشکوک و جریان‌هایی یا مطالبی علیه روحانیت منتشر می‌شد که آیت‌الله صافی با دقت و حساسیت پیگیر این مسائل بودند، یک نمونه مثلاً در موردی کنگره‌ای برای امام خمینی گرفته شد مطلبی بود من برای آیت‌الله صافی بردم که به دست امام خمینی برسانند، بعداً از ایشان نتیجه را پیگیر شدم که گفتند خدمت امام رفتم اما اوقات ایشان تلخ بود و صلاح ندیدم بیشتر از این خاطر ایشان را مکدر کنم. مدتی بعد گفتند خدمت امام رفتم آقای اردبیلی، هاشمی و خامنه‌ای هم بودند جلوی آنها گفتم و نسبت به چاپ این مطالب در کشور اعتراض کردم و امام خمینی نیز دستور دادند با چاپ چنین مطالبی مخالفت شده و از آن جلوگیری بشود.

### صدای حوزه - به نظر شما مطالبی که در سالروز صدسالگی حوزه علمیه مطرح شد و نسبت‌هایی که به آیت‌الله

#### عبدالکریم حائری و آیت‌الله بروجردی نسبت داده شد اینها با مواضع ایشان تناسب داشت؟

من در مطلبی نوشتم مرحوم آیت‌الله حائری و آقا نورالله دو سیاست با یک هدف بودند، یعنی در مقابل یکدیگر نبودند بلکه یکی به دنبال حفظ حوزه علمیه و دیگری در مسیر مبارزه مستقیم با رضاخان بوده و هر دو در حال مبارزه بودند، لازم نیست مبارزه حتماً شکل مستقیم باشد بلکه گاهی مبارزه برای کسب هویت می‌تواند باشد، مبارزه برای مبارزه یک نظریه مارکسیستی است اما مبارزه برای کسب هویت یک مبنای شیعی دارد، روحانیت شیعه همیشه مبارزه مستقیم نمی‌کرده است، سازش نیز در دستور کار روحانیت شیعه نبوده است، موضع روحانیت شیعه همیشه استقلال بوده و گاهی مبارزه مستقیم، گاهی حفظ حوزه علمیه و گاهی نوشتن کتاب رویکرد روحانیت شیعه در مسیر مبارزه بوده است. اینکه یک روحانی علیه بهائیت کار می‌کند کار سیاسی است، کتاب نوشتن و حفظ حوزه علمیه هم مبارزه سیاسی محسوب می‌شود، اینکه عده‌ای در صد سالگی حوزه علمیه حفظ حوزه علمیه که محل ترویج معارف اسلامی است را در مقابل رضاخان‌ها که در حال تلاش برای حذف دین و ترویج سکولاریسم است، مبارزه سیاسی ندانند اشتباه است چون حتماً مبارزه نباید به شکل نواب و یا آیت‌الله کاشانی باشد.



آیت‌الله صافی گلپایگانی عالمی نبوده است که گوشه‌نشین باشد، بلکه فعالیت‌های فرهنگی داشتند، کتاب‌های مهمی در خصوص مهدویت داشتند و نشان می‌دهد که ایشان هدفمند اقدام می‌کردند و نقطه‌زن بودند و مانعی مهم در برابر مسیر انحرافات بودند. خاطریم هست زمانی بتازگی از بیمارستان مرخص شده بودند و می‌گفتند مطلبی به دست من رسیده است که انحرافات داشته و من کلاً بیماری خود را فراموش کردم و لازم است که به این نوشته‌ها و مواضع غلط مقابله و موضع‌گیری بشود و حتی از من نیز خواستند که جواب بدهم علیه آن مطالب و این درحالی بود که ایشان در حدود صد سالگی و در دوره مرضی بودند که باید دوره نقاهت خود را سپری می‌کرد. نمی‌توان گفت، آیت‌الله صافی گلپایگانی سیاسی نبود بلکه ایشان کاملاً پیگیر مسائل بودند و همیشه نسبت به موضوعات کشور و جامعه حساسیت داشته و رصد داشتند و موضع‌گیری می‌کردند. و نکته دیگری که در آیت‌الله صافی گلپایگانی بود علیه صوفیه موضوعی داشتند ولی ایشان اهل انزوا و گوشه‌نشینی هم نبود و تأکید داشت که لازم است مراجع و فقها به عنوان بزرگان جامعه در نظر گرفته شوند، آیت‌الله صافی می‌گفتند من عالمی که قیام کرده و کشته شده و شهید است را بالاتر از دیگرانی که منزوی بودند بالاتر می‌دانم. ایشان عالمی که نهضتی داشته و بدعتی را از میان برداشته است را دارای جایگاهی ویژه می‌دانستند.

### صدای حوزه - نکته مهمی وجود دارد که باید در خصوص آیت‌الله صافی گلپایگانی مطرح کنید؟

مرحوم آیت‌الله صافی گلپایگانی زمانی در شورای نگهبان بودند و به عنوان یک مجتهد خیلی صریح نظرات خود را بیان می‌کردند حتی اگر همسو با امام خمینی نبود ایشان با شجاعت و صراحت نظرات خود را مطرح می‌کردند، استقلال رأی و شخصیت داشتند ولی این استقلال هرگز باعث نشد موضعی علیه نظام یا ولایت فقیه داشته باشند، حتی اگر موضعی را قبول نداشتند موضع‌گیری علیه نظام نمی‌کردند.

ایشان در مسائل سیاسی اولویت‌ها را می‌شناختند و استقلال ایشان در مرجعیت علیه نظام نبود بلکه استقلال در راستای حمایت از نظام و کمک به نظام و رهبری بود و منجر به تقابل با نظام نمی‌شد، ایشان هرکجا باید ورود می‌کردند و تذکر می‌دادند ورود می‌کردند و رویکرد ایشان با نق زدن‌های روشنفکرانه و سکولار تفاوت بسیار زیادی داشت، ایشان در مسیر اصلاح امور و تلاش برای دینی شدن مسائل بودند و این متفاوت از تلاش برخی جریانات برای سکولاریزه و غیردینی کردن کشور است. اینکه گفتند با دنیا قهر نکنید برای حل مشکلات کشور و برداشته شدن فشار از روی مردم و تثبیت نظام بوده است اما کسی که از این موضع‌گیری ایشان می‌خواهد سوء استفاده کند به دنبال افزودن بر تحریم‌ها و مشکلات کشور و ساقط کردن نظام اسلامی و افزودن فشار بر مردم است. استقلال مرجعیت بسیار مهم است و برای نظام یک فرصت است و البته باید این موضوع را باید به درستی نگاه کرد. بصیرت سیاسی آیت‌الله صافی گلپایگانی که رهبر معظم انقلاب هم به آن اشاره کردند برخاسته از بصیرت و آگاهی تاریخی ایشان است.

آیت‌الله صافی گلپایگانی به امام خمینی علاقمند بودند و در عین حال استقلال فقهی و اجتهاد خود را هم حفظ می‌کردند و این شجاعت در محافل علمی ارزش است اما زمانی که ایشان حرف‌های خود را مطرح می‌کردند همین کسانی که امروز ضد انقلاب و امام خمینی و لیبرال هستند آن زمان انقلابی‌های تندرو بودند و مواضع آیت‌الله صافی را ضد امام تلقی می‌کردند و درک درستی از استقلال رأی یک مجتهد نداشتند و حتی می‌گفتند شورای نگهبان ضد امام خمینی است و همین افراد امروز می‌خواهند از دیدگاه‌های ایشان استفاده ابزاری داشته باشند.

### صدای حوزه - آیا آیت‌الله صافی گلپایگانی شما یا دیگران را به تقلید از خودشان دعوت کردند؟

من از ایشان مسئله می‌پرسیدم اما هرگز چنین کاری نکردند که بخواهند من از ایشان تقلید کنم یا وقتی سؤال می‌کردم بپرسند که آیا مقلد ایشان هستم یا خیر، حتی یکبار و اصلاً چنین رویه‌ای نداشتند و در عین حال پاسخگوی سؤالات شرعی من و دیگران بودند و نیت و خودمحموری در ایشان راه نداشت.

### صدای حوزه - رابطه امام و آیت‌الله سید محمد رضا گلپایگانی از نظر ایشان چه طور بود؟

وقتی آیت‌الله سید محمد رضا گلپایگانی فوت کردند رهبر انقلاب پیام دادند که ایشان یکی از موفق‌ترین مراجع در امر مرجعیت بودند من فکر می‌کنم یکی از علت‌هایی که بیت آیت‌الله گلپایگانی دچار حواشی نشد و موفق بود و حامی انقلاب و امام خمینی (ره) در عین استقلال بود، همین حضور ایشان بود.



سردار کریم پور:

## انقلاب اسلامی از دست غیب پشتیبانی دارد

به مناسبت چهل و سومین سالروز پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی، مرکز مقاومت بسیج کارکنان وزارت علوم، تحقیقات و فناوری با همکاری پایگاه مقاومت بسیج کارکنان پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، بیست و هفتمین نشست از سلسله نشست‌های نهضت بصیرت‌افزایی را برگزار کرد.

در این نشست که ۱۹ بهمن‌ماه برگزار شد، سردار سرتیپ پاسدار دکتر احمد کریم‌پور با موضوع «آینده انقلاب اسلامی با بررسی نقش بسیج در اجرای مفاد بیانیه گام دوم انقلاب» سخنرانی خود را به صورت غیرحضوری (اسکایپی) ارائه کرد و نکات مورد نظرش را با بسیجیان و فرماندهان بسیجی دانشگاه‌ها، مراکز آموزش عالی و ... در میان گذاشت.

سردار کریم‌پور در ابتدای سخنانش با تبریک فرارسیدن دهه مبارک فجر گفت: ما باید تحقیق کنیم چرا دهه فجر با این عظمت رخ می‌دهد و چرا چنین فجری طلوع می‌کند و این فجر همان نور الهی است که آشکار شده است. وی با اشاره اینکه نیاز است جوانان بسیجی به تبیین تاریخ بپردازند که چه‌طور قبل از ظهور اسلام در جهان تاریکی مطلق حاکم بود که متأسفانه کم‌کم اسلام فراموش می‌شد تا انقلاب اسلامی رخ داد و جهان را تکان داد.

سردار کریم‌پور که در زمان ورود تاریخی امام خمینی (ره) به کشور مسئول یگان پیاده‌نظام بود، به‌خاطرات و برخی معجزات حضور امام (ره) در فرودگاه و سپس در بهشت زهرا (س) اشاره کرد و گفت: واقعا ما با چشمان خودمان دیدیم که امدادها و نیروهای الهی پشتیبان امام (ره) بودند. حتی زمان تبعید امام نیز برخی دشمنان قصد داشتند با تصادف ساختگی، شهادت بنیان‌گذار جمهوری اسلامی را رقم بزنند اما بر همگان ثابت شد، انقلاب اسلامی از دست غیب پشتیبانی دارد و این انقلاب بی‌صاحب نیست و آن کسی که انقلاب را هدایت می‌کند، حضرت مهدی (عج) است که اکنون نیز رهبری معظم انقلاب را مدد می‌رسانند.

شاید برخی نشنیده باشید اما دشمنان قصد داشتند همان ماجرای که بر سر امام موسی صدر آورده بودند را بر سر امام (ره) هم بیاورند اما امدادهای الهی باعث شد امام خمینی (ره) زنده بمانند و این انقلاب مردمی پیروز شود.

دکتر کریم‌پور با اشاره به گام دوم انقلاب و اینکه هشت سال دفاع مقدس به یکی از بالاترین نمونه‌های مقاومت در جهان تبدیل شده است، گفت: حالا امام راحل از دنیا رفتند و این انقلاب را تحویل مقام معظم رهبری دادند که در ادامه ما باید روی «تمدن اسلامی» تمرکز کنیم و مقام معظم رهبری نیز روی آن تأکید دارند. در این راه ما برای رسیدن به اهداف عالی انقلاب باید قدرتمند باشیم که واقعا پیشرفت‌های موشکی ما و کاهش خطاهای موشکی ما به ده متر آن هم با سه‌هزار کیلومتر برد، موجب هراس دشمنان تاریخی اسلام و انقلاب شده است. ما می‌توانیم با تکیه بر بصیرت جوانان بسیجی و اخلاص آنها در گام دوم انقلاب هم موفق شویم.

سردار کریم‌پور در خاتمه سخنانش با تشکر از دکتر حسین نصیرزاده، فرمانده مرکز مقاومت بسیج کارکنان دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی و قدردانی از زحمات منوچهر صابر فرمانده پایگاه مقاومت بسیج کارکنان پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به تقویت هرچه بیشتر هیأت‌های اندیشه‌ورز بسیج تأکید کرد. در بخش پایانی این سخنرانی نیز جلسه پرسش و پاسخ برگزار شد.



### دکتر صداقت ثمر به عنوان مدیریت امور پژوهشی و ارزشیابی «سمت» منصوب شد

حجت‌الاسلام دکتر داود مهدوی‌زادگان، سرپرست سازمان مطالعه و تدوین (سمت)، دکتر کامیار صداقت‌ثمر حسینی را به‌عنوان سرپرست مدیریت امور پژوهشی و ارزشیابی این سازمان، منصوب کرد.



به گزارش روابط عمومی «سمت»، بر اساس حکم صادره از سوی حجت‌الاسلام دکتر داود مهدوی‌زادگان، کامیار صداقت‌ثمر حسینی، عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، به‌عنوان سرپرست مدیریت امور پژوهشی و ارزشیابی سازمان مطالعه و تدوین کتب دانشگاهی در علوم اسلامی و انسانی منصوب شد.

در متن حکم صادره از سوی سرپرست سازمان «سمت» آمده است:

با عنایت به تعهد و شایستگی‌های فردی، توان علمی و تخصصی، بنا به پیشنهاد معاون محترم پژوهشی، به موجب این ابلاغ از تاریخ ۲۵/۱۰/۱۴۰۰ شما را به‌عنوان سرپرست مدیریت امور پژوهشی و ارزشیابی سازمان منصوب می‌نمایم.

توفیق روز افزون جناب‌عالی را در خدمت به جامعه دانشگاهی و میهن اسلامی از درگاه خداوند متعال مسئلت نموده و امید است با توجه به تجارب ارزنده و با سعی و اهتمام حضرت‌عالی گام‌های مؤثری در تدوین آثار علمی و طرح‌های ملی برداشته شود.

### برگزاری اولین جلسه هیأت امنای پژوهشگاه

اولین جلسه هیأت امنای پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در دوره جدید مدیریتی برگزار شد. اولین نشست از دوره پنجم هیأت امنای پژوهشگاه، پنجم بهمن‌ماه، در مرکز هیأت امنای و هیأت ممیزه وزارت علوم، تحقیقات و فناوری با حضور دکتر محمد سلیمانی (قائم مقام محترم وزیر و رئیس مرکز هیأت‌های امنای و هیأت‌های ممیزه)، دکتر عبدالحسین کلانتری، (رئیس کمیسیون دائمی)، دکتر موسی نجفی (رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی) و تعدادی از اعضای هیأت امناء به‌صورت حضوری- مجازی برگزار شد.

در این جلسه، دستور کارهای مربوط به حوزه‌های مختلف پژوهشگاه از جمله: بخشنامه وزارتی، گزارش حسابرس منتخب هیأت امنای درباره عملکرد مالی سال ۱۳۹۹ پژوهشگاه، موارد مربوط به امور اداری و پرسنلی اعضای هیأت علمی و غیر هیأت علمی پژوهشگاه مورد بحث و بررسی اعضا قرار گرفت و مقرر شد، مصوبات جلسه پس از تأیید وزیر علوم، تحقیقات و فناوری، جهت اجرا به پژوهشگاه ابلاغ شود. لازم به ذکر است اعضای حقیقی پیشنهادی پژوهشگاه جهت عضویت در کمیسیون دائمی هیأت امنای پژوهشگاه در این جلسه مطرح و به تصویب رسید.

### راه‌اندازی وبگاه پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانش‌آموختگان

وبگاه پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانش‌آموختگان پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی راه‌اندازی شد. به همت همکاران مدیریت تحصیلات تکمیلی و مدیریت ترویج دستاوردهای پژوهشی، اداره پرتال و سامانه‌ها، «وبگاه پایان‌نامه‌ها و رساله‌های فارغ‌التحصیلان پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی» راه‌اندازی شد. علاقه‌مندان می‌توانند با مراجعه به نشانی:

<https://www.iics.ac.ir/graduate/fa/page/3365>

یا با مراجعه به صفحه اصلی وبگاه پژوهشگاه بخش «خدمات فناوری اطلاعات» در انتهای صفحه اصلی به این بخش دسترسی یابند.



## معرفی سامانه «تاک» پژوهشگاه در نشست جامعه و صنعت

سامانه «تاک» پژوهشگاه به عنوان سامانه برگزیده در سومین رویداد الگوها و راهکارهای نوین در همکاری دانشگاه با جامعه و صنعت وزارت علوم انتخاب و معرفی شد. سومین رویداد الگوها و راهکارهای نوین در همکاری دانشگاه با جامعه و صنعت وزارت علوم تحقیقات و فناوری، در تاریخ ۲۶ دی ماه، به صورت غیرحضوری برگزار شد و از ایده‌های برگزیده دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها قدردانی شد. محورهای اصلی این رویداد عبارت بود از: ایده‌های خلاقانه در توسعه همکاری‌ها، اثربخشی و مسئولیت اجتماعی، مأموریت‌های استانی و منطقه‌ای، همکاری‌های بین‌المللی کاربردی، مراکز تحقیق و توسعه مشترک، فرصت‌های مطالعاتی در جامعه و صنعت و پایان‌نامه‌های تقاضا محور. در ابتدای نشست دکتر محمدسعید سیف، مدیر کل دفتر ارتباط با جامعه و صنعت، عنوان کرد: یکی از مهم‌ترین فعالیت‌هایی که در سال‌های اخیر در وزارت علوم پیگیری شده است طرح تحول در همکاری‌های دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی با جامعه و صنعت بوده است. در این دوره بیش از ۱۰۰ ایده دریافت و در کمیته‌های داوری بررسی شدند که ۱۰ مورد از آنان برای ارائه انتخاب شد و بقیه در قالب «کتاب سومین رویداد الگوها و راهکارهای نوین در همکاری دانشگاه با جامعه و صنعت وزارت» به دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها اطلاع‌رسانی خواهد شد. گفتنی است، طرح سامانه تاک (سامانه تعاملی احصای پژوهش‌های کاربردی) که توسط مدیریت نوآوری و کاربردی‌سازی معاونت کاربردی‌سازی علوم انسانی و فرهنگی پژوهشگاه طراحی شده است، نیز در میان طرح‌های برگزیده بود. سامانه تاک به همت مدیریت نوآوری و کاربردی‌سازی پژوهشگاه علوم انسانی و با همکاری سپهر شمسایی (کارشناس مدیریت) طراحی شده است. سامانه تاک سامانه تعاملی احصای پژوهش‌های کاربردی است که در آن برای همه اعضای هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی صفحه‌ای شخصی برای تعامل با دیگر اعضا، به‌روزرسانی سوابق، آشنایی با سازمان‌ها و نهادهای مرتبط با حوزه پژوهشی خود و نیز اطلاع از آخرین فراخوان‌های پژوهشی و فرصت‌های مطالعاتی جامعه و صنعت ایجاد شده است.



## طرح پژوهشگاه

### ایده برگزیده حوزه علوم انسانی در توسعه همکاری با «جامعه و صنعت» شد

طرح «ارائه الگویی برای ارزیابی سطح آمادگی پژوهش‌های علوم انسانی و اجتماعی» طرح ارائه‌شده از سوی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، به عنوان تنها ایده برگزیده حوزه علوم انسانی و اجتماعی در نشست «تجارب و الگوهای موفق دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌های کشور در توسعه همکاری با جامعه و صنعت» معرفی شد. دفتر ارتباط با جامعه و صنعت وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در راستای تحقق شعار سال و تقویت ارتباط مؤثر با جامعه و صنعت، هر ساله رویدادی با عنوان «تجارب و الگوهای موفق دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌های کشور در توسعه همکاری با جامعه و صنعت» را رقم می‌زند که نشست سال جاری آن به صورت غیرحضوری، سوم بهمن ماه، برگزار شد.

در این نشست محورهایی از قبیل؛ ارائه تجارب الگوهای موفق دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌های کشور، بررسی روش و راهکارهای بهبود و توسعه الگوهای موفق در دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌های کشور، مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفت. در ابتدای نشست دکتر محمدسعید سیف، مدیر کل دفتر ارتباط با جامعه و صنعت، هدف از برگزاری این نشست را ارائه تجارب و الگوهای موفق دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌های کشور در توسعه همکاری با جامعه و صنعت بیان کرد. وی گفت: برای این منظور در هفته پژوهش و فناوری از دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها خواسته شد تا تجارب خود را در اختیار دفتر ارتباط با جامعه و صنعت قرار دهند. ۱۲۰ ایده دریافت و در کمیته‌های داوری بررسی شدند. ۷۷ طرح جهت نشر در کتاب الگوهای ارتباط دانشگاه با جامعه و صنعت انتخاب و از میان ۷۷ الگوی موفق ۱۰ طرح ارائه شد. طرح «ارائه الگویی برای ارزیابی سطح آمادگی پژوهش‌های علوم انسانی و اجتماعی» از پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی که توسط دکتر فرزانه میرشاه‌ولایتی و دکتر الهام ابراهیمی ارائه شد، یکی از الگوهای موفق بود که در این نشست ارائه شد. هدف از این طرح، تعریف شاخص‌های معتبر و جامع برای ارزیابی پژوهش‌های علوم انسانی اجتماعی است.

دکتر ابراهیمی در معرفی این طرح عنوان کرد: اخیراً پژوهش‌های علوم انسانی و اجتماعی به تاسی از پژوهش‌های علوم پایه، مهندسی و پزشکی به سوی کاربردی‌سازی متمایل شده‌اند که جامعه دانشگاهی باید به دنبال حفظ توازن میان هر دو نوع تحقیقات نظری و کاربردی و به‌ویژه تعریف صحیح کاربردپذیری در پژوهش‌های حوزه علوم انسانی و اجتماعی باشد. وی تأکید کرد: کاربردی‌سازی در علوم انسانی، خود یک حرکت فناورانه است، زیرا حرکت از نظریه و تئوری دانشی به سمت کاربست علم در صحنه عمل تلقی می‌شود و یک فعالیت غیرخطی و چرخه‌ای است که ما را از عمل مجدداً به تئوری ارجاع می‌دهد تا نظریه‌ها مطابق مقتضیات و ارزش‌ها شکل بگیرد. در حوزه علوم انسانی و اجتماعی، هنگامی که صحبت از کاربردی‌سازی به میان می‌آید، می‌توان مفهومی مشابه سطح آمادگی فناوری TRL را به عنوان یک مفهوم و ابزار قابل استفاده برای ارزیابی، مدیریت هر چه بهتر و کاهش خطرات مورد توجه و استفاده قرار داد، مثال آنچه که در آیین‌نامه‌های بالادستی مانند آیین‌نامه ارتقای اعضای هیأت علمی عملاً رخ می‌دهد. با این حال باید توجه داشت خط‌کش TRL تنها معیار و حتی بهترین معیار برای سنجش سطح آمادگی پژوهش‌های علوم انسانی و اجتماعی برای ورود به منصفه عمل نیست. برای رفع این خلأ مدتی است که تلاش‌هایی صورت گرفته است که تلاش‌های صورت گرفته برای شاخص‌سازی را می‌توان در قالب سه گروه تقسیم کرد: ۱- رویکرد معادل‌سازی، ۲- رویکرد نقش‌پذیری ۳- شاخص‌سازی با رویکرد متفاوت، اما درنهایت آنچه که می‌تواند به ما کمک کند «شاخص‌سازی با رویکرد متفاوت» است. یعنی متناسب با مقتضیات علوم انسانی و اجتماعی، «معیار» تعریف کنیم. معیاری که شاید بتواند از TRL وام بگیرد، اما قطعاً اقتضات علوم انسانی و اجتماعی را دربر می‌گیرد.

ابراهیمی شرح داد: شاخص‌های تعیین سطح بلوغ پژوهش‌های علوم انسانی و اجتماعی ابعاد مختلفی را شامل می‌شود، از جمله: بعد سیاستی (تغییر در رویه‌های سیاستی، عضویت در اتاق‌های فکر و...)، بعد اجتماعی (تولید آثار رسانه‌ای، استفاده از دستاوردهای پژوهش برای آگاهی‌بخشی عمومی و...)، بعد فرهنگی (ترویج یافته‌های پژوهشی در شبکه‌های جمعی، کمک به توسعه محصولات فرهنگی و...)، بعد اقتصادی (خلق درآمد، کاهش مخارج و...)، بعد علمی (همکاری بین رشته‌ای، ارجاعات، جوایز علمی و...)، بعد آموزشی (توسعه منابع انسانی، آموزش‌های همگانی و...)، از دیگر طرح‌های برگزیده در این نشست، طرح «استاد، پژوهشگر و همکار» از دانشگاه صنعتی امیرکبیر، طرح «الگوی ارائه سرویس‌های صنعتی» از دانشگاه علم و صنعت ایران و طرح «اجرای سامانه‌های تولیدی و توانمندی خدماتی» از دانشگاه تربیت مدرس بودند.



گزارش هفتمین جلسه شورای پژوهشی پژوهشگاه:

## پژوهش‌های علوم انسانی و چشم‌انداز تمدنی انقلاب اسلامی

هفتمین جلسه شورای پژوهشی پژوهشگاه، دوشنبه ۱۱ بهمن‌ماه، در سالن اندیشه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با حضور اعضای شورا برگزار شد.

در آغاز این جلسه دکتر موسی نجفی، رئیس پژوهشگاه، با درود بر پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) و ضمن تبریک ایام... دهه مبارک فجر و سالگرد پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی، به ابعاد مختلف برگزاری مراسم تودیع و معارفه ریاست پژوهشگاه با حضور دکتر محمدعلی زلفی‌گل (مقام عالی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری) اشاره و اظهار امیدواری کرد که بتوان از این پس مسائل مختلف پژوهشگاه را در افق جدیدی پیگیری کرد.

رئیس پژوهشگاه حضور مقام عالی وزارت پس از ۳۰ سال در مراسم تودیع و معارفه رئیس پژوهشگاه را از چند جهت حائز اهمیت و استثنائی دانست که از جمله آنها توجه به جایگاه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در میان مراکز پژوهشی از یکسو و توجه و اهمیت آن در دوره جدید وزارت علوم و نگاه عمیق و جدی شکل‌گرفته به علوم انسانی به‌طورکلی، از سوی دیگر است.

### ضرورت توجه به اهداف متعالی انقلاب از سوی پژوهشگران در سرآغاز دهه پنجم انقلاب

دکتر نجفی در ادامه سخنان خود، با تشریح ابعاد مختلف و اهمیت انقلاب اسلامی، بر ضرورت توجه به اهداف متعالی انقلاب از سوی پژوهشگران در دهه پنجم انقلاب و لزوم ایفای نقش آنان به لحاظ علمی در پژوهش‌های مرتبط با انقلاب و بارورسازی فکر انقلابی در کشور تأکید کرد. رئیس پژوهشگاه نسبت انقلاب اسلامی به ایران را همانند نسبت انقلاب فرانسه به کشور فرانسه معرفی کرد و گفت: انقلاب فرانسه اگرچه در فرانسه روی داد اما فرانسوی نبود. به‌نحوی مشابه، انقلاب اسلامی هم انقلاب ایرانی نبود، بلکه انقلابی است که در ایران روی داد؛ همان‌طور که انقلاب فرانسه به این کشور یک بعد بین‌المللی داد، انقلاب اسلامی هم، هرچند نشان‌دهنده عظمت ایران است، به ایران یک وجهه بین‌المللی و جهانی اعطاء کرد تا علاوه بر ظرفیت‌ها و استعدادهایی که فرهنگ ایرانی در طول تاریخ کهن خود برای ارتباط با سایر کشورها در درون خود داشت، کشور ما با انقلاب اسلامی توانست قدرتمندتر و با شکوه و جایگاه بالاتری در مجامع بین‌المللی ظاهر شده و نقش تأثیرگذارتری در عرصه بین‌المللی ایفا کند، چنان‌که تأثیرگذاری در کشورهای مختلف مثل نیجریه و ارتباط با شیخ زکراکی، رهبر شیعیان آن کشور یا سایر کشورها و رهبران آنها، یکی از نمونه‌های برجسته تأثیرگذاری انقلاب اسلامی است.



دکتر نجفی یکی از مأموریت‌ها و رسالت‌های اصلی مسئولین پژوهشگاه را وسیع‌تر کردن چشم‌انداز تمدنی انقلاب اسلامی در نگاه و پژوهش‌های پیش‌روی پژوهشگران پژوهشگاه و حمایت از انجام پژوهش‌ها در تراز تمدن نوین اسلامی، از یک طرف و جهت‌دهی به پژوهش‌های پژوهشگران به سمت اهداف، برنامه‌ها و چشم‌انداز تمدنی انقلاب اسلامی و توجه به مسائل و ابعاد مختلف آن از طرف دیگر برشمرد و پژوهش در ابعاد مختلف بین‌المللی انقلاب اسلامی را به اندازه تحقیقات در زمینه دیگر ابعاد فرهنگی، تاریخی و سیاسی آن حائز اهمیت دانست.

رئیس پژوهشگاه با اشاره مجدد به طرح تحول در پژوهش و چابک‌سازی فرایندهای مرتبط با پژوهش‌های اعضای هیأت علمی پژوهشگاه، فراهم کردن امکانات مختلف و چابک‌سازی سخت‌افزاری و فراهم کردن شرایط درخور شأن اعضای پژوهشگاه را نیز در همین چارچوب ارزیابی و بازطراحی تالار تمدن و ساخت تالاری جدید در پژوهشگاه به منظور برگزاری شایسته جلسات پژوهشکده‌ها و مراکز، برنامه‌های سخنرانی، نشست، همایش و سایر مراسم‌ها را در همین راستا توصیف کرد.

### خونش فرهنگ و علوم انسانی در نسبت با گفتمان انقلاب اسلامی

در ادامه جلسه، دکتر یحیی فوزی، معاون پژوهشی و تحصیلات تکمیلی نیز با تبریک دهه مبارک فجر و ابراز امیدواری برای پیشبرد هرچه بهتر امور پس از تثبیت جایگاه رئیس پژوهشگاه، انقلاب اسلامی ایران را پدیده‌ای زنده و موضوعی قابل توجه و مهم در جهان به‌ویژه در عرصه علوم انسانی معرفی کرد که پس از گذشت چند دهه از آن، همچنان کتاب‌ها، مقاله‌ها، رساله‌ها و آثار مختلفی در دنیا درباره آن نوشته می‌شود.

دکتر فوزی انقلاب اسلامی را صرفاً یک تغییر در سیاست یا مباحث اقتصادی ندانست بلکه انقلاب را تحولی معرفی کرد که دارای پشتوانه و اثرگذاری در عرصه بین‌المللی است. معاون پژوهشی و تحصیلات تکمیلی پژوهشگاه با اشاره به اهمیت تحقیق و توجه به سؤالات مختلف درباره انقلاب از جمله اینکه چرا یک انقلاب صورت می‌گیرد؟ چرا انقلاب در برخی مناطق و کشورها روی می‌دهد؟ و اینکه آیا انقلاب متأثر از مسائل اقتصادی یا سیاسی است؟ و ... اظهار کرد: ریشه وقوع انقلاب در ایران را نمی‌توان صرفاً سیاسی یا اقتصادی دانست چراکه در کشورهای دیگری که وضعیت اقتصادی یا سیاسی نابسامان‌تری داشتند، انقلابی اتفاق نیفتاد، از این‌رو توجه به ابعاد مختلف و ریشه‌های انقلاب مهم است.





دکتر فوزی با اشاره به توجه اندیشمندان مختلف به مباحث مختلف انقلاب مانند ریشه‌های انقلاب، نظریات انقلاب، روند انقلاب و پیامدهای آن، نگاه آینده‌نگرانه به انقلاب را از مهم‌ترین نیازهای فعلی در پژوهش‌های کشور برشمرد و گفت: انقلاب در یک سطح مواجهه مردم با شاه بود، اما در سطح و لایه‌های عمیق آن ریشه در اتفاقات و حوادث چند قرن گذشته تاریخ ایران از جمله وابستگی به انگلیس و سایر کشورها در طول سالیان متمادی و به‌ویژه ریشه در مسائل هویتی داشت که پژوهشکده‌ها و مراکز مختلف پژوهشگاه می‌توانند با انجام پژوهش‌ها در این زمینه، درباره ابعاد هویتی و سهم آن در وقوع انقلاب پژوهش کرده و نتایج و یافته‌های خود را در جامعه علمی کشور ارائه دهند.

### دعوت به مشارکت پژوهشگاه علوم انسانی در سیاست‌پژوهی و سیاست‌گذاری مسائل زنان و خانواده

در ادامه جلسه دکتر لیل‌اسادات زعفرانچی، معاون بررسی‌های راهبردی معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری، با تبریک ایام مبارک دهه فجر و پیروزی انقلاب اسلامی و همچنین انتصاب دکتر نجفی به ریاست پژوهشگاه، به تجارب ارزنده سفرهای استانی ریاست جمهوری اشاره کرد که علاوه بر ایجاد زمینه‌ای برای درک درست وضعیت مردم و آشنایی با نیازها و مشکلات آنان، فرصتی برای فهم مسائل و نیازهای پژوهشی مختلف کشور را نیز فراهم کرده است.

دکتر زعفرانچی فاصله گرفتن از پایتخت و سفر به مناطق و استان‌های مختلف کشور را از عوامل مهم در آشنایی با دغدغه‌ها و اولویت‌های مردم دانست که یکی از رسالت‌های معاونت بررسی‌های راهبردی معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری ایجاد رابطه میان نیازهای مردم به‌ویژه زنان و بانوان کشور با پژوهش‌ها از یک طرف و یاری‌رسانی تحقیق و پژوهش در جهت رفع نیازهای آنان از سوی دیگر است. معاون بررسی‌های راهبردی معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری مردم را ولی نعمتان واقعی انقلاب معرفی کرد که با وجود گذشت چند دهه از انقلاب، در برخی مناطق هنوز صدای آنان به گوش مسئولان نرسیده است.

دکتر زعفرانچی اظهار امیدواری کرد: پژوهشگران مختلف دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی مختلف کشور به‌ویژه پژوهشگاه، یاری‌رسان این معاونت در باز کردن گره‌ها و مشکلات مردم باشند. وی با اشاره به ضرورت انجام پژوهش‌ها در مورد نیازها و مشکلات قشرهای مختلف مردم به‌ویژه در ارتباط با مسائل زنان و خانواده، از حمایت این معاونت از انجام طرح‌های پژوهشی پژوهشگران حوزه علوم انسانی در این حوزه‌ها در قالب‌های مختلف ایجاد شده برای انجام پژوهش به‌ویژه فرصت مطالعاتی در «جامعه و صنعت» خبر داد.

### شیوه نامه جامع فرآیندهای پژوهشی در راه است

سپس دکتر مسعود رضایی، مدیر نظارت، ارزیابی و تضمین کیفیت پژوهشگاه، با تشریح فرآیند تدوین شیوه‌نامه پژوهشی پیشنهادی این مدیریت مبتنی بر آیین‌نامه بالادستی نظیر آیین‌نامه جامع مدیریت دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی، پژوهشی و فناوری؛ آیین‌نامه استخدامی اعضای هیأت علمی؛ آیین‌نامه ارتقاء مرتبه و ...؛ اظهار امیدواری کرد: این امر بتواند منجر به ساماندهی و ارتقای کیفیت فعالیت‌های پژوهشی اعضای هیأت علمی پژوهشگاه متناسب با رشته‌های تخصصی آنان در جهت دستیابی به نتایج مطلوب از پژوهش‌های در دست انجام آنان شده و نگرانی‌ها و چالش‌های مختلف آنان را رفع کند.

دکتر رضایی با تشریح صورت‌های مختلف در نظر گرفته شده برای انجام در قالب برنامه پژوهشی طرح‌محور و برنامه پژوهشی غیر طرح‌محور که به لحاظ زمانی به سه شکل کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت و به صورت فردی یا جمعی قابل اجرا هستند؛ اظهار امیدواری کرد: با مشارکت و دریافت نظر اعضای شورا، بتوان ابعاد و جنبه‌های مختلف اجرای برنامه‌های پژوهشی اعضای هیأت علمی پژوهشگاه را مدنظر قرار داد و شیوه‌نامه‌ای جامع در زمینه فرآیندهای مرتبط با ارائه، تصویب، اجرا و ارزیابی برنامه‌های پژوهشی تدوین کرد.

در بخش پایانی جلسه، اعضای شورا به بحث و تبادل نظر درباره مسائل مختلف مطرح شده در این شیوه‌نامه از جمله اهمیت توجه به تفاوت روش پژوهش در علوم انسانی با علوم پایه، مهندسی و پزشکی و ...، به‌ویژه مسائل و چالش‌های پدیدآمده برای استادان و پژوهشگران حوزه علوم انسانی ناظر به آیین‌نامه‌های مختلف فراسازمانی از جمله شیوه‌نامه ابلاغی فرصت مطالعاتی در جامعه و صنعت پرداختند و مقرر شد در جلسه بعدی شورا، بررسی این شیوه‌نامه ادامه یابد.

## بررسی و ارائه نحوه بازنویسی بازی‌های سنتی و رایج به شکل بازی‌های فکری\_فلسفی

طرح پژوهشی «بررسی و ارائه نحوه بازنویسی بازی‌های سنتی و رایج به شکل بازی‌های فکری\_فلسفی و تهیه نمونه‌ها و راهنمایی‌هایی برای کلاس‌های فلسفه برای کودکان؛ فاز دوم» در سال ۱۴۰۰ توسط دکتر سعید ناجی عضو هیأت علمی پژوهشکده اخلاق و تربیت در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به اتمام رسید.



دکتر سعید ناجی در چهار فصل به تدوین گزارش طرح حاضر پرداخته است. فصل اول شامل مقدمه، مسئله اصلی طرح و اهداف، اهمیت و ضرورت استفاده از بازی‌های سنتی / رایج و تبدیل آنها به بازی‌های فکری\_فلسفی، روش تحقیق و روش کار، چارچوب نظری تحقیق، و پیشینه تحقیق در داخل و خارج از کشور است. در فصل دوم همه ملاک‌های مربوط به ویژگی فکری / فلسفی بازی‌ها و نیز ویژگی بازیابی بازی‌ها از فاز اول این طرح استخراج شده است. از جمله ویژگی‌ها جنبه بازی‌گونه و جذاب بودن بازی‌ها (از جمله جذابیت فرایند بازی و داشتن انگیزه توسط بازیکنان، شرکت فعالانه بازیکنان، داشتن عنصر تخیل و...)، جنبه فلسفی بودن (کسب مهارت‌های مورد نظر فیک)، تناسب روان‌شناختی. همچنین در بازی‌های فکری\_فلسفی باید سه مقوله تفکر مراقبتی، تفکر انتقادی و تفکر خلاق در نظر گرفته شود. برای ارائه و طراحی بازی‌های فکری مناسب کلاس‌های فلسفه برای کودکان نیاز است این سه ویژگی لحاظ شود تا کارکردهای لازم بازی‌های فکری\_فلسفی را دارا باشد، لذا در این فصل با توجه با ویژگی‌های فوق به استخراج بازی‌های سنتی / رایج مناسب از میان منابع مختلف مکتوب پرداخته شده است.

از این رو بازی مورد انتخاب این طرح اول، باید از میان بازی‌های بومی محلی رایج در ایران می‌بود به نحوی که در حال حاضر هم به گونه‌ای در شهرهای مختلف ایران رواج داشته و دست کم قابل اجرا با فضای کنونی متناسب با درخواست‌ها و علایق و سلیقه‌های کودکان معاصر باشد؛ دوم اینکه یا سه ویژگی بازی‌های فکری فلسفی استخراج شده از فاز اول یا قابلیت کسب این سه ویژگی را داشته باشند. بر اساس این ویژگی‌ها بازی‌ها مورد نظر استخراج شده و در فصل دوم نمونه‌هایی از بازی‌های مورد بررسی و بازی‌های انتخاب شده/نشده ارائه شده است. دلیل کنار گذاشتن برخی از بازی‌های سنتی بررسی می‌گردد و مهمتر از همه نحوه استعمال ملاک‌ها برای خواننده توضیح داده می‌شود. در فصل سوم تعدادی از بازی‌هایی که در پروپوزال مورد توجه بود بازنویسی شده‌اند. پس از اینکه این بازی‌ها که تا حد ممکن به لحاظ جذابیت و قابل اجرا بودن در کلاس‌های کودکان امتحان شدند دوباره تغییرات لازم بر روی آنها اعمال می‌شود. برای این کار بازی‌های رد نشده بر اساس ملاک‌های استخراج شده در فاز اول بررسی شده و دلیل انتخاب آنها مورد تحلیل قرار گرفته است. مجری سپس به بازنویسی این بازی‌ها و وارد کردن عناصر فکری\_فلسفی موجود در منابع اصلی فلسفه برای کودکان پرداخته است. همچنین عناصر گفت‌وگویی/کندوکاوی به آنها اضافه شده و برای بازنویسی عناصر بازیابی و روان‌شناختی (تناسب سنی یا پایه‌ای) هم لحاظ شده است.

دکتر ناجی در فصل چهارم تلاش کرده بر اساس جداول، نحوه و روش انتخاب و اصول انتخاب بازی‌ها از میان بازی‌های بومی/محلی را معرفی کند. همچنین نحوه بازنویسی بازی‌های انتخاب شده و تغییراتی که در آنها اعمال شده بر اساس جداول و توضیحات مشخص شود. همچنین بر اساس ویژگی‌های اولیه بازی‌های فکری\_فلسفی، غنای فلسفی و بازیابی و تناسب روان‌شناختی آنها بررسی شود. این کار می‌تواند الگو و قواعدی برای نویسندگان بعدی فراهم آورد تا بتوانند بر اساس آن به تبدیل بازی‌های سنتی به بازی‌های فکری فلسفی پردازند.



## نشست «لکنت و دوزبانگی» برگزار شد

نشست «لکنت و دوزبانگی» ۱۷ بهمن، به صورت غیرحضوری و به همت پژوهشکده زبان‌شناسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد.

در این نشست دکتر حوریه احدی، عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و ابراهیم برزگر، دانشجوی دکترای تخصص گفتاردرمانی دانشگاه علوم توانبخشی و سلامت اجتماعی، سخنرانی کردند. در ابتدای این نشست، دکتر احدی ضمن بیان این نکته که دوزبانگی (به‌طور کلی‌تر، چندزبانگی) یک واقعیت اصلی زندگی در جهان امروز است، گفت: حدود ۵۰۰۰ زبان جهان در ۲۰۰ کشور مستقل جهان (۲۵ زبان در هر ایالت) صحبت می‌شود، بنابراین ارتباط بین شهروندان بسیاری از کشورهای جهان به‌وضوح مستلزم دو یا چند زبان است. «دیوید کریستال» (۱۹۹۷) تخمین می‌زند که دو سوم کودکان جهان در یک محیط دو زبانه بزرگ می‌شوند. شاید تعجب‌آور نباشد که تحقیقات در مورد دوزبانگی، خواه مبتنی بر تئوری و خواه عملی، در سال‌های اخیر از نظر کمیت، کیفیت و وسعت رشد چشمگیری داشته است.



### دوزبانگی را نمی‌توان علت تأخیر در شروع تکلم کودکان دانست

در ادامه دکتر احدی ضمن تعریف زبان، به مسئله قراردادی بودن نشانه‌های زبانی پرداخت و گفت: کودکان دوزبانه برای هر مصداق دو نشانه آوایی دارند، به‌عبارت دیگر برای هر مصداق در معرض دو نمود آوایی قرار می‌گیرند و این می‌تواند یکی از دلایلی باشد که برای تأخیر شروع تکلم در دوزبانه‌ها مطرح شده است. با این وجود، بنابر مطالعات تجربی انجام شده و به‌دلیل وجود تأخیر در تک‌زبان‌ها، نمی‌توان دوزبانگی را علت تأخیر در شروع تکلم کودکان دانست و باید سایر مؤلفه‌های دخیل در یادگیری زبان، همچون هوش، میزان تحریکات زبانی، مهارت‌های حسی-حرکتی کودک و ... را نیز مورد بررسی قرار داد.

### تفاوت بررسی دوزبانگی در سطح فردی و اجتماعی

وی در ادامه به تفاوت بررسی دوزبانگی در سطح فردی و اجتماعی پرداخت و گفت: توانش زبانی در بیش از یک زبان را می‌توان در هر دو سطح فردی و اجتماعی مورد بررسی قرار داد، و این‌ها نباید آن‌طور که در ابتدا تصور می‌شود، به‌هم مرتبط باشند. درست است که کشوری پر از مردم چندزبانه خود به معنای آشکار چندزبانه است، با این وجود ممکن است فقط یک یا دو نوع را به‌عنوان زبان رسمی بشناسد. برعکس، یک کشور ممکن است رسماً دوزبانه یا چندزبانه باشد و در عین حال اکثر شهروندان آن فقط توانش تک‌زبانی داشته باشند. برای مثال، بسیاری از ایالت‌های آفریقا دارای دو زبان رسمی هستند (معمولاً یک نوع بومی قوی و یک زبان اروپایی مهم) برای جمعیت‌های بسیار ناهمگون و چند زبانه. از سوی دیگر، کشورهایی مانند سوئیس (که در آن چهار زبان به رسمیت شناخته می‌شود) یا کانادا (که دو زبان را به‌طور رسمی تحریم می‌کند) به‌سختی به محیط‌های غنی و متنوع آفریقا از نظر زبانی شبیه هستند. البته هر دو مظاهر فردی و اجتماعی دوزبانگی مهم هستند، اما باید توجه داشت که تأکیدات آن کاملاً متفاوت است.

### توانش فرد دوزبانه در دو زبان کامل نیست و دارای درجه‌بندی است

احدی در ادامه ضمن تعریف دوزبانگی، گفت: در تعاریف اولیه مربوط به دوزبانگی، فرد دوزبانه را فردی می‌دانستند که توانایی یکسان و کاملی در دو زبان داشته باشد، اما به مرور این دیدگاه تغییر یافت و تقسیم‌بندی‌های مختلفی در مورد دوزبانگی مطرح شد. فراگیری زبان دوم به‌صورت همزمان یا متوالی از تقسیم‌بندی‌های اصلی مطرح در این حوزه است. اولی قرار گرفتن در معرض بیش از یک نوع را از شروع گفتار یا حداقل از سنین بسیار پایین توصیف می‌کند (برخی از مفسران سه یا چهار سالگی را به عنوان یک برش نسبتاً دلخواه پیشنهاد کرده‌اند) در حالی که دومی به یادگیری زبان دوم در سنین بعد، یعنی بعد از یادگیری زبان اول اشاره دارد. در تقسیم‌بندی مهم دیگری افراد دوزبانه از نظر توانش زبانی به دو نوع متوازن و نامتوازن (همسان یا ناهمسان) تقسیم‌بندی می‌شوند. در نوع همسان توانش زبانی فرد در هر دو زبان یکسان است و در نوع ناهمسان توانش فرد در دو زبان متفاوت است. بنابراین می‌توان گفت توانایی فرد دوزبانه در دو زبان دارای درجه‌بندی است.

### پیامدهای منفی دوزبانگی معمولاً ناشی از عوامل اجتماعی، شخصی، فرهنگی یا عوامل دیگر است

دکتر احدی در ادامه به اثرات مثبت و منفی مطرح شده درباره دوزبانگی پرداخت و گفت: در مورد دوزبانگی در اذهان عمومی و همچنین در نوشته‌های متخصصان مشهور همچون فرث و یسپرسن رشد کلی زبانی و ذهنی تحت تأثیر منفی قرار نمی‌گیرد. تربیت دوزبانه کودکان نیازمند ریسک اندکی است. علاوه بر این، پیامدهای منفی مشاهده شده، معمولاً ناشی از عوامل اجتماعی، شخصی، فرهنگی یا عوامل دیگر است و نه خود فرآیند دوزبانگی. در واقع، بیشتر ناظران به مزایای توانش دوزبانگی زود هنگام اشاره می‌کنند. اینها بیش از همه، منعکس کننده سهولت نسبی یادگیری اولیه و سطوح بالاتر تسلط، واژگان و غیره هستند. در مورد اینکه چه زمانی دوزبانگی در سنین اولیه زندگی بهتر است (از بدو تولد، از سن سه سالگی) سؤال وجود دارد، اما دوران کودکی به‌طور کلی بهتر از هر چیز دیگری است (به‌ویژه، شاید، برای توانایی تلفظ بومی). گاهی اوقات استدلال می‌شود که مغز افراد جوان نسبت به مغز بزرگترها «انعطاف‌پذیری» بیشتری دارد. از سوی دیگر، تأکید بیش از حد بر اکتساب اولیه و انعطاف‌پذیری مغز، و این ایده که «دوره بحرانی» زبان‌آموزی برای افزودن زبان دیگری قابل انتقاد است. یادگیرندگان مسن‌تر دارای تجربه شناختی هستند که در کودکان کوچک وجود ندارد و با انگیزه کافی، اغلب می‌توانند یادگیرندگان بهتری باشند. اگر بتوانیم بلوغ و ضرورت بیان شده بزرگترها را با تأثیرپذیری، تقلید، خودانگیختگی و خودآگاهی کوچکترها ترکیب کنیم، مطمئناً دستورالعملی برای فراگیری سریع و ماهرانه دوزبانه خواهیم داشت.

### ارتباط دوزبانگی و هوش

دکتر احدی در ادامه سخنانش شرح داد: به‌طور کلی، مطالعات اولیه تمایل داشتند دوزبانگی را با هوش پایین مرتبط کنند، و جای تعجب نیست که بسیاری از آنها در آمریکا، در زمان نگرانی شدید با سیل مهاجران از اروپا (تقریباً ۱۹۰۰-۱۹۲۰) انجام شده‌اند. در چنین فضایی به‌راحتی می‌توان دریافت که مهاجران به‌دلیل زبان‌شان ناتوان بودند و هر چه بیشتر از زبان انگلیسی استفاده کنند، هوش اندازه‌گیری شده آنها بالاتر می‌رود. برای مثال، در یک مطالعه معروف بیان شده است که «استفاده از یک زبان خارجی در خانه یکی از عوامل اصلی در ایجاد عقب ماندگی ذهنی است».

علاوه بر این ارتباط منفی بین دوزبانگی و هوش که تا حدودی به‌طور غیرمستقیم ناشی از ترس اجتماعی مهاجران نیز بود. برخی مطالعات نیز به‌دلیل کنترل‌های ناکافی در روش‌های آزمایشی خود دارای نقص بودند. به‌عنوان مثال، یک مطالعه معمولی تفاوت ضریب هوشی بین افراد تک‌زبانه و دوزبانه شهری را نشان نمی‌دهد، اما تفاوت قابل توجهی را برای کودکان روستایی نشان می‌دهد و با این حال تفاوت‌های آشکار ارتباط اجتماعی بین ساکنان شهر و روستا یا شغل و اجتماعی را در نظر گرفته نشده است. تحقیقات بعدی اساساً هیچ رابطه‌ای را بین هوش و دوزبانگی نشان نمی‌دهد، زیرا کنترل متغیرهای مخدوش‌کننده عموماً با دقت بیشتری نسبت به مطالعات قبلی انجام شده است. کنترل جنسیت، سن و تفاوت‌های طبقاتی اجتماعی به روشی رایج تبدیل شد، زیرا فقدان چنین کنترلی به‌طور فزاینده‌ای باعث ایجاد ارتباط منفی در کارهای قبلی می‌شد. چیزی که برخی آن را نقطه عطف می‌دانستند، در اوایل دهه ۱۹۶۰ رخ داد، زمانی که یافته‌های مربوط به رابطه مثبت بین هوش و دوزبانگی ظاهر شد. در مونترال، پیل و لامبرت (۱۹۶۲/۱۹۷۲) با دقت بیشتری متغیرهای مربوطه را در بررسی افراد ده ساله دوزبانه، کنترل کردند. پس از مطالعه پیل و لامبرت، پژوهش‌های بسیار دیگری از ارتباط مثبت بین دوزبانگی و هوش حمایت کردند.



پژوهش‌ها نشان داده است افراد دوزبانه در برخی از مهارت‌های شناختی همچون کنترل و تقسیم توجه و ... مهارت بیشتری دارند.

احدی در خاتمه سخنانش به انواع روش‌های آموزش زبان دوم پرداخت و توضیح داد: روش‌های رسمی بسیاری برای آموزش زبان وجود دارد. در گذشته بیشتر تمایل بر حفظ قواعد دستوری و واژگان به صورت مطالعه کتبی داشتند و توجه کمتری به زبان گفتاری شده است. در محیط‌های مدارس امروزی، روش آموزش تغییر کرده است و تمایل به گفت‌وگو بیشتر و بیشتر شده است و دانش‌آموزان تشویق می‌شوند قبل از یادگیری دستور زبان، به صورت رسمی صحبت کنند و به‌طور خلاصه، فراگیری زبان دوم، شبیه یادگیری زبان اول شده است.

### لکنت و ماهیت آن

در ادامه جلسه، برزگر ابتدا به لکنت و ماهیت آن پرداخت و گفت: لکنت، اختلالی است که در آن هماهنگی حرکات گفتاری ضعیف است یا به خوبی طرح‌ریزی نمی‌شود و به لحاظ زمان‌بندی متناسب نیست یا کند است. علاوه بر این، سازمان‌بندی شناختی، فرمول‌سازی گفتار و زبان بر تولید گفتار آرام، بدون تقلا و تلاش اثر می‌گذارد. در سرتاسر دوران کودکی، کودکان ظرفیت و توانایی لازم برای گفتار روان را به دست می‌آورند. این ظرفیت‌ها شامل کنترل حرکتی گفتار، ایجاد و شکل‌گیری زبان، بلوغ عاطفی-اجتماعی و توانایی شناختی است. همچنین تقاضاهای اعمال شده روی کودکان از سوی شنوندگان یا خود کودک نیز مدام روبه افزایش است. زمانی که این ظرفیت‌ها و تقاضاها همزمان توسعه یابند، کودک می‌تواند به صورت طبیعی روان صحبت کند. هر زمان که این تقاضاها فراتر از ظرفیت‌های کودک باشد، لکنت به وقوع می‌پیوندد.



### هر چه پیچیدگی زبانی افزایش یابد لکنت بیشتر می‌شود

وی در ادامه با اشاره به ظرفیت‌های مربوط به تولید گفتار روان، گفت: برای گفتار پیوسته، سریع، و بدون تلاش بچه‌ها باید دارای ظرفیت‌های مختلفی باشند که اولین آنها کنترل حرکتی گفتار است و شامل سرعت تولید هجاها، حرکت دادن سریع گروهی از عضلات و زمان‌بندی حرکات است. تحقیقات نشان می‌دهند که ظرفیت کودک برای گفتار سریع و پیوسته همراه با رشد کودک توسعه می‌یابد، یعنی یک کودک دو ساله آهسته‌تر صحبت می‌کند و نسبت به بچه‌های پنج‌ساله، پیوستگی کمتری در گفتار دارد. همچنین ظرفیت کودک برای کنترل ریتم و هماهنگی و زمان‌بندی گفتار، به تدریج رشد می‌یابد.

ظرفیت دوم، «زبان» است. زبان شامل، بازیابی کلمات و یادگرفتن دستور زبان برای تولید جملات طولانی و پیچیده، استفاده از زبان برای اهداف مختلف و هم‌چنین تعامل و مکالمه است. وقتی طول جملات افزایش می‌یابد، سرعت گفتار کودکان پیش‌دبستانی نیز زیاد می‌شود. افزایش سرعت می‌تواند برای کودکان دچار لکنت، نوعی اختلال در امر روانی گفتارشان شود. در تحقیقات متعددی، رابطه بین ظرفیت زبان و لکنت، ارزیابی شده است و کودکانی که دچار لکنت هستند، غالباً در مقایسه با گروه کنترل، نمره زبانی کمتری می‌گیرند. در تحقیقی دیگر گفته شد، هر چه پیچیدگی زبانی افزایش یابد لکنت بیشتر می‌شود. زمانی که تقاضاهای زبانی افزایش می‌یابد، تعداد دفعات تولید ناروان بیشتر می‌شود. ظرفیت‌های شناختی و اجتماعی-عاطفی احتمالاً باعث گفتار روان می‌شوند هر چند شواهد وجود این رابطه چندان زیاد نیست.

برزگر با اشاره به موضوع تقاضاهای روانی گفتار، گفت: فاکتورهای محیطی برای تشویق کودک جهت «سریع حرف زدن» با تعداد مکث‌های کمتر، نوعی تقاضای حرکتی بر سیستم روانی کلام کودک محسوب می‌شوند. برای مثال رفتار گفتاری افراد خاص در زندگی کودک ممکن است باعث افزایش تقاضای حرکتی شود. مثلاً، اگر کودک قرار است به یک سؤال پیچیده‌تر جواب دهد، یک جمله را که درست بیان نشده است دوباره تکرار کند، یک جمله را بلند بگوید، در آن صورت ممکن است کودک تحت فشار زمانی قرار گیرد. نیاز برای گفتار سریع و پیوسته احتمالاً باعث افزایش لکنت در کودکان می‌شود که مستعد لکنت هستند. علاوه بر این، گیتار و همکارانش (۱۹۹۲) متوجه شدند که لکنت کودک با سرعت گفتار والدین در ارتباط است. زمانی که مادر آهسته‌تر صحبت می‌کند، لکنت کودک کاهش می‌یابد.

تقاضاهای زبانی، شناختی و شخصیتی می‌تواند روانی گفتار را تحت تأثیر قرار دهند. وقتی والدین مدام از کودکان سؤالاتی می‌پرسند که به پاسخ‌های بلندتر نیاز دارند، لکنت آنها افزایش می‌یابد. در چندین بررسی نشان داده شد که پیچیدگی زبان مادر با پایداری لکنت کودک مرتبط بوده است. مادرانی که از زبان پیچیده‌تری استفاده می‌کنند یا جملات طولانی‌تری با کلمات مشکل‌تر تولید می‌کنند احتمالاً کودکانشان از لکنت به مدت چندین سال رنج می‌برد.

### لکنت در دوزبانه‌ها شایع‌تر از تک‌زبانه‌هاست

این دانشجوی دکتری تخصص گفتاردرمانی دانشگاه علوم توانبخشی و سلامت اجتماعی در ادامه به مبحث لکنت و دوزبانگی پرداخت و گفت: لکنت در همه زبان‌ها اتفاق می‌افتد. تحقیقات نشان داده است که لکنت در دو زبانه‌ها شایع‌تر از تک‌زبانه‌هاست. در یک تحقیق نشان داده شد که سن شروع لکنت ۲۶ درصد از افراد دارای لکنت دو زبانه با شروع استفاده از زبان دوم مصادف بوده است. البته ارتباط واضحی بین لکنت و دو زبانه‌گی وجود ندارد و فقط می‌توان گفت، استفاده از دو زبان بار زبان‌شناختی بیشتری برای کودک دو زبانه دارد. همچنین افراد دو زبانه به منابع شناختی بیشتری برای استفاده از زبان نیاز دارند. تسلط روی زبان اول و دوم می‌تواند روی بسامد، توزیع و ماهیت لکنت اثر بگذارد. افراد دارای لکنت در زبانی که روی آن تسلط دارند، لکنت کمتری می‌کنند. تسلط کم روی زبان دوم، پیچیدگی وازگانی و نحوی باعث اختلال در کنترل حرکتی گفتار می‌شوند. تقاضاهای شناختی و زبان‌شناختی مرتبط با زبانی که تسلط کمتری روی آن دارند، می‌تواند فشار بیشتری روی سیستم حرکتی گفتار وارد کند.

### تعویق‌اندازی آموزش زبان دوم

برزگر در خاتمه سخنانش شرح داد: الگوهای لکنت در زبان‌های مختلف به دلیل تفاوت‌های زبان‌شناختی (مثل تفاوت در طول کلمه، الگوهای استرس و مشخصات واج‌شناختی) که در زبان‌های مختلف وجود دارد، ممکن است متفاوت باشد. به تعویق انداختن یادگیری زبان دوم می‌تواند شانس بروز لکنت را کاهش دهد و همچنین شانس بهبودی را افزایش دهد. نتایج یک مطالعه نشان داد که اگر از یک زبان تا سن پنج‌سالگی استفاده شود، شانس شروع لکنت کاهش و سرعت بهبودی افزایش می‌یابد. در مطالعه دیگری نشان داده شد که به تعویق‌اندازی آموزش زبان دوم تا زمانی که کودک کنترل خوبی روی زبان اول به دست آورد، شانس شروع لکنت را کاهش می‌دهد. در زمینه درمان لکنت در کودکان دو زبانه مطالعات محدودی انجام گرفته است. در یک مطالعه از درمان‌های مبتنی بر بازسازی گفتار برای درمان لکنت در نوجوانان استفاده و تمرینات درمانی همزمان روی دو زبان انجام شد که لکنت در هر دو زبان کاهش یافت. همچنین در افراد دوزبانه اگر برنامه درمان لکنت برای یک زبان ارائه شود، می‌تواند به صورت خودانگیخته به زبان دیگر تعمیم یابد. شواهد نشان می‌دهد که افراد دارای لکنت دوزبانه می‌توانند درمان موفق‌تری را تجربه کنند.

دانشگاه علوم سلامت تهران  
پژوهشگاه زبان‌شناسی و مطالعات فرهنگی

پژوهشگاه زبان‌شناسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار می‌کند

## لکنت و دوزبانگی

دکتر حوریه احدی  
(عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)

ابراهیم یوزگر  
(دانشجوی دکتری تخصصی گفتار درمانی دانشکده علوم توانبخشی و سلامت اجتماعی)

یکشنبه ۱۷ بهمن ماه ۱۴۰۰ ساعت ۹ الی ۱۲:۳۰

لینک ورود رایگان:  
<https://webinar.ihcs.ac.ir/b/ihc-bu5-rut-swu>



## صناعت، سرمایه انسانی و کارافرینی

نهمین پیش‌نشست همایش ملی «بازشناسی چالش‌های رشد اقتصادی در ایران؛ تبیین موانع تولید و به‌سازی راهبردها و سیاست‌ها»، با عنوان «صناعت، سرمایه انسانی و کارافرینی» به همت پژوهشکده اقتصاد و گروه پژوهشی مدیریت، اول آذرماه به‌صورت غیرحضوری (برخط) برگزار شد. سخنرانان این پیش‌نشست، دکتر فاطمه براتلو، دکتر فرزانه میرشاه‌ولایتی، دکتر الهام ابراهیمی، دکتر مژگان روشن‌نژاد، دکتر نادر سیدکلالی (دبیر علمی نشست)، اعضای هیأت علمی گروه پژوهشی مدیریت بودند که سخنان خود را ارائه کردند.

### فلسفه صنعت در تاریخ و پیام‌های آن برای دانش مدیریت



نخستین سخنرانی پیش‌نشست با عنوان «فلسفه صنعت در تاریخ و پیام‌های آن برای دانش مدیریت» توسط دکتر فاطمه براتلو، عضو هیأت علمی گروه پژوهشی مدیریت پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ارائه شد. براتلو در ابتدای ارائه خود مطرح کرد: اگر فلسفه را علم به مبادی و مبانی بدانیم، آنگاه «فلسفه صنعت» نوعی تأمل درباره مبادی صنعت خواهد بود. ذیل این رویکرد می‌توان به مفهوم صنعت در تاریخ لوگوس‌نگاهی داشت. مبتنی بر این مفروض که آنچه در عمل رخ می‌نماید، بی‌ربط با این ساحات اندیشه نیست، از این‌رو با لحاظ تأثیر تفکر یا جهان‌بینی بر هستی‌صنعت/صناعت و تفاوت‌هایی که در زایش این مفهوم و طی مسیر رشد و بالندگی‌اش وجود دارد، شاید بتوان به‌عنوان مثال از چرایی شکست ایده‌هایی چون خصوصی‌سازی در فرهنگ این سرزمین سخن گفت.

وی در ادامه بحث به مفهوم صنعت در یونان باستان پرداخته و گفت: مفهوم ساختن و صنعت نزد یونانیان با کار و فعالیتی در ارتباط است که توأم با رنج و درد ذاتی است. افلاطون در تبیین نظریه مثل دو معنای الهی و انسانی را در مفهوم ساختن و صنعت تفکیک کرد. او بر همین مبنا، صنعتگری و به‌طور کلی آنچه به دست انسان ساخته می‌شود را، امری ثانوی و تحقیرآمیز می‌دید. اما «اپیستمه» و تخرن از مفاهیم مهم نزد ارسطوست، کلمه یونانی پوئیسس به معنای «ساختن» و «ابداع کردن» ساختی از وجود انسان در فلسفه ارسطو است که معطوف به صنعت یعنی تخرن است. واژه تخرن از ابتدا تا زمان افلاطون با کلمه اپیستمه مرتبط بود و هر دو واژه، بر شناخت به معنای وسیع کلمه دلالت داشت. ارسطو صنعت را نوعی از دانایی می‌داند. شناخت و صنعت برای آدمی از رهگذر تجربه حاصل می‌شود. به‌نظر می‌رسد، تجربه بسیار شبیه شناخت و صنعت است. صنعت وقتی پیدا می‌شود که از تصورات متعدد به‌دست آمده از تجربه حکمی کلی درباره امور یک جنس، پدیدآید. از نگاه ارسطو فصل‌میز انسان از سایر حیوانات تجربه‌متمدی است که آگاهانه موجب کشف شباهت بین تجربیات مفرد می‌شود و این نوعی استدلال و برهان است. ارسطو این شناخت را نوعی «اپیستمه» می‌داند. می‌بینیم که معنای تخرن و کاربرد آن نزد یونانیان قدیم، چشم‌اندازی از مفهوم صنعت را فرارو قرار می‌دهد. براتلو افزود: درباره مفهوم صنعت در قرون وسطی به‌عنوان نمونه می‌توان به استدلال سنت آگوستین اشاره داشت که تنها پیشرفت حقیقی، پیشرفت به‌سوی رستگاری را تأسیس شهر خدایی می‌دانست که گرچه مانند مدینه افلاطونی در عالم قابل تحقق نیست، اما حرکت به سمت آن می‌بایست سرلوحه زندگی آدمی باشد؛ صناعات و علم و پیشرفت چیزی است که به شکل‌گیری این شهر خدا مدد رساند و به‌همین دلیل واجد اهمیت است.

براتلو در ادامه به مفهوم صنعت در عصر رنسانس و در هنگامه گذار به دوران جدید اشاره کرده و گفت: عقل‌گرایی و انسان‌محوری عصر رنسانس را از گذشته خود جدا کرد. اختراعاتی چون باروت، قطب‌نما، تلسکوپ ... به‌ویژه صنعت چاپ انسان را بر آن داشت تا آینده‌اش را مستقل از اراده‌های مافوق بشری بسازد. وی همچنین به مفهوم صنعت در تفکر مدرن پرداخت و تصریح کرد: عصر مدرن، عصر غلبه تکنیک و صنعت است. تفکر مدرن مبتنی بر اصل کوگیتوی دکارتی تعریف جدیدی از انسان و جهان ارائه داد که بر آن اساس،

تکنولوژی و صنعت تکنولوژیک امری ضروری و قطعی بود. تحت تأثیر سنت دکارتی، شکاف میان «درون» و «برون» یا «سوژه» و «ابژه»، که از دکارت آغاز شده، انسان تنها موجودی است که در کنار خودآگاهی و قوه ناطقه توان فهم خود و طبیعت را دارد. در حقیقت یگانه سوژه فکرکننده حقیقی است و همه موجودات، در حکم بازمودها و ابژه‌های این من انسانی اندیشمندند. انسان به‌مثابه یگانه سوژه معنابخش، اصل و اساس تکنولوژی جدید و صنعتی تکنولوژیک است که به‌دنبال سلطه بر طبیعت و بسط سوژکتیویته می‌کوشد تا جهان خارج را مطابق میل و خواست سوژه سازد.

براتلو در ادامه ارائه خود، به طرح مفهوم صنعت در وضعیت پست مدرن پرداخت و گفت: به‌دنبال فروریختن خوش‌خیالی‌های مدرنیته که شاید سرآغاز آن به نیچه و نقد رادیکال او به علم و جهان‌مدرن بازمی‌گردد که هر معرفتی حتی فیزیک را نوعی تفسیر از جهان می‌شمارد، راه برای یک نگاه انتقادی به مدرنیته در تفکر فیلسوفانی مانند «هیدگر» باز می‌شود. هیدگر در بسیاری از رساله‌ها و آثار خود به علم و تکنولوژی پرداخته ولی شاید دو رساله ۱- «عصر تصویر جهان» ۲- «پرسش از تکنولوژی» مهم‌ترین آنها باشند. او بر این باور است که عصر جدید و علم جدید، جهان را به‌مثابه تصویر می‌فهمد و این، رخداد بنیادی عصر جدید و فتح جهان است. هیدگر ظهور تکنولوژی را محصول تفکر مدرن می‌داند و در پرسش از چیستی تکنولوژی می‌کوشد تا نشان دهد امر تکنولوژیک غیر از ماهیت تکنولوژی است و دیگر اینکه این‌که بر خلاف تصور غالب و رایج، تکنولوژی ابزار نیست. او می‌گوید، تکنولوژی در قلمرویی حضور می‌یابد که انکشاف و عدم استتار در آن رخ می‌دهد، انکشاف حاکم در تکنولوژی جدید نوعی تعرض به طبیعت است. تعرضی که خصلت اساسی تکنولوژی جدید و صنایع مدرن به‌شمار می‌رود، حال آن‌که پیش از آن صنعت و تکنیک توأم با تیمارداری و مراقبت از زمین و طبیعت بود، بی‌آن‌که انسان به‌مثابه سوژه مطلق و جز انسان چون ابژه‌ای در مقابل او باشد. البته ماهیت تکنولوژی جدید از جهت تاریخی بر تحول تقویمی آن مقدم است و ذهنیتی از انسان‌محوری مابعدالطبیعی زمینه ظهور آن را فراهم آورده است.

وی در پایان سخنانش با اشاره به مفهوم صنعت نزد مسلمانان و حکمای اسلامی گفت: مسلمانان اساساً «صنع» را یکی از صفات و صنایع از اسماء الهی و مفهومی دینی و الهی می‌دانستند، خوب آموزه‌های قرآنی، احادیث و روایات منقول درباره صنعت و صناعت در کنار تعالیم یونانیان، نظر متفکران اسلامی را به خود جلب کرد. ناصر خسرو، فارابی، اخوان الصفا، ابن خلدون، خواجه نصیرالدین طوسی و دیگر اندیشمندان مسلمان با ابتناء به‌همین دو منبع (آموزه‌های دینی و حکمت یونانی) مبانی روشن و مستغلی برای صنعت و صناعت طرح کردند. به‌عنوان نمونه یکی از فیلسوفانی که به صنعت و صناعت پرداخته، «میرفندرسکی» است. او در رساله‌ای با عنوان «رساله صنایع» صناعت را قوه‌ای فاعله برمی‌شمارد که اثری از او صادر می‌شود که با شعور و معرفت همراه است. میرفندرسکی در ادامه به منافع صنایع پرداخته و از تعاون و همکاری سخن می‌گوید و معتقد است مدنیت و حسن تعاونی که در فتوت‌نامه‌ها ذکر شده، باید احیاء شود. به اعتقاد وی صنعت انسانی باید به تحقق عدل بینجامد اما ملحدان، فاسقان و بدکاران، قلندران و تن‌آسایان در تحقق این عدل اخلال ایجاد می‌کنند. او در ادامه نتیجه می‌گیرد که هر کس باید در صناعتی بکوشد. از نظر میرفندرسکی اکثر اغراض افراد مربوط به اصلاح حال خود است و اصلاح حال شرکاء موردنظر نیست (او می‌گوید شرکاء و نه دیگران چرا که از نگاه او غیری وجود ندارد). او آنها را به سه دسته تقسیم می‌کند؛ گروهی مانند چارپایان به دیگران سود می‌رسانند، گروهی مانند حیوانات درنده هرچه قوی‌تر شوند، ضرر بیشتری خواهند داشت و گروه سوم گاه سود می‌رسانند و گاه سبب فساد می‌شوند مانند؛ بوزینگان و طوطیان... در بین متصوفه و عرفای اسلامی هم صنعت و صناعت مورد توجه بوده و رساله‌های متعددی در آداب کسب‌وکار نوشته شده است. این رساله‌ها که گاه در قالب «فتوت‌نامه» هستند، به آداب خاص هر پیشه و صنعت اختصاص دارند. سخن آخر این‌که مفهوم صنعت/صناعت بر پیشینه‌ای استوار است و احصاء آنها در زیست‌بوم‌های فرهنگی-تمدنی حاوی نکات ظریفی است، نمی‌توان بی‌اعتنا به آن پیشینه، به حکمرانی صنعت پرداخت. می‌توان از نوعی عقلانیت صنعتی در ظرف فرهنگ‌ها و البته با ابتناء بر پیشینه‌ای تمدنی سخن گفته و روزآمدانه به رشد و توسعه صنعت در جهان معاصر هم اندیشید.

### روندهای آینده نیروی انسانی و انقلاب صنعتی چهارم

دومین ارائه این پیش‌نشدت با عنوان «روندهای آینده نیروی انسانی و انقلاب صنعتی چهارم» توسط دکتر فرزانه میرشاه‌ولایتی؛ عضو هیأت علمی گروه پژوهشی مدیریت پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی انجام شد. وی سخنرانی خود را حول سه محور اصلی سازماندهی و به شرح ذیل ارائه کرد:

۱- مفهوم آینده پژوهی ۲- نیروی انسانی و منابع انسانی ۳- انقلاب صنعتی چهارم



میرشاه ولایتی در توضیح بخش اول ارائه خود به بررسی مفهوم آینده پژوهی با این توضیح پرداخت که با توجه به اینکه آینده در فرهنگ‌های مختلف وجود داشته از دوران کهن و شاید همپایه عمر بشر بر روی زمین، می‌توانیم



بحث نگاه و توجه به آینده، میل به شناخت آینده و اطلاع از آینده را همپایه عمر انسان ارزیابی کنیم، اما در رویکرد پارادایم جدید آینده و تلاش شناخت آینده، مفهومی به نام آینده پژوهی، مطرح شده است که به عنوان یک دانش کاربردی، دانش مضاف بر رشته‌های دیگر سوار می‌شود و به عنوان یک تلاش نظام‌مند برای شناخت و تحلیل و خلق آینده‌های بلندمدت در عرصه‌های مختلف تعریف می‌شود. به خصوص در قرن حاضر و هرچه جلوتر می‌رویم، دنیا با موضوعی با عنوان آینده مواجه است که بی‌ثباتی، فقدان قطعیت، پیچیدگی و ابهام، ویژگی‌های قابل تعریف آن هستند. پس شاهد این هستیم که نگاه به موضوعات مختلف مثل بحث‌های بهداشتی، سیاسی و اجتماعی یا

اقتصادی در سطوح مختلف اعم از فردی یا سازمانی یا ملی و به طور کل در همه این ابعاد به شکل روزافزون از عینک آینده پژوهی استفاده می‌شود. انتظار می‌رود با عینک ژوهی ما یکسری اقدامات سلبی داشته باشیم و پروژه‌های بدآتیه را که به نظر می‌رسد در آینده اثر چندانی نداشته باشد، متوقف کنیم و یکسری اقدامات ایجابی داشته باشیم و بازنگری در مدل‌های کسب و کار و همچنین در ارائه مجموعه خدمات و محصولات و در عین حال بازنگری در راهبردها و مدیریت عدم قطعیت داشته باشیم. در مفهوم آینده پژوهی ما موضوعی تحت عنوان هشدار پیش‌دستانه داریم که به دنبال شناخت و مدیریت عدم قطعیت‌هاست و انتظاراتی که داریم با آینده پژوهی محقق شود، همچنین بتوانیم دیگران را هم در حرکت به سمت آینده مطلوب جهت‌دهی کنیم.

میرشاه ولایتی در ادامه و بخش دوم سخنانش موضوع راهبردی روندهای آینده منابع انسانی را با این مضمون مطرح کرد که با توجه به ویژگی‌هایی که از آینده پژوهی سراغ داریم، سه رکن این حوزه عبارتند از: وزن گذشته، فشار حال و کشش آینده. با توجه به این فلسفه، اولین مفهومی که برای تصویرسازی از مدیریت منابع انسانی در آینده به آن پردازیم، تحولاتی است که تاکنون مفهوم منابع انسانی گذرانده است. منابع انسانی زاینده دوران انقلاب صنعتی است، زمانی که کارخانه‌ها به سرپرست احتیاج داشتند تا به نتایج قابل اطمینان و استاندارد مورد نظر برسند و بعد از آن مفهوم سرپرستی و اداره امور کارکنان به بحث مدیریت پرسنلی، آموزش کارکنان و روابط صنعتی تبدیل شد.

عضو هیأت علمی گروه پژوهشی مدیریت افزود: بعد از دهه ۷۰ تا اواخر دهه ۹۰ منابع انسانی به عنوان منبع راهبردی و نه «بزار» نگاه شد و بالاخره از نسل چهارم منابع انسانی نسلی است که با عنوان حکمرانی و رهبری مطرح می‌شود و به نوعی مأموریت و وظیفه خودش را آماده‌سازی افراد برای آینده می‌داند. به عبارتی اگر بخواهیم سیر تحولات نگاه منابع انسانی به مدیریت منابع انسانی و به انسان را طی این ادوار بررسی کنیم، می‌بینیم که از انسان در اسارت سازمان به انسان تحت کنترل شدید، به انسان تحت مدیریت و به انسان تحت راهنمایی راهبری تبدیل شد و الان به نظر می‌رسد که کم‌کم باید وارد عصر یا دوره‌ای شویم که انسان «خودمختار محور» است. وظیفه مدیریت منابع انسانی پرورش چنین منابعی است. به عبارتی در عصر اطلاعات و توسعه سایبر و دیجیتال دیگرکارهای روتین برعهده فناوری است که قبلاً از منابع انسانی انتظار داشتیم و حال نقش منابع انسانی کاملاً متفاوت شده است. اینجاست که ما به دنبال این هستیم که نیروی انسانی چهار نقش اصلی داشته باشد: ۱- بهره‌بردار اطلاعات و دانش ۲- تحلیلگر (کلیدواژه مهم نسل چهارم)، ۳- نقش آفرینی به عنوان یکی از ارکان تحقق اهداف راهبردی ۴- نوآوری به خصوص از نوع شالوده‌شکن.

میرشاه ولایتی افزود: می‌دانیم که تحولات منابع انسانی تابعی است از تحولات محیط راهبردی، شرایط اقتصادی، سیاسی، زیستی، فناورانه و همچنین تغییر در گفتار سازمان، تغییراتی که فرهنگ سازمانی، مقررات، مأموریت و ماهیت سازمان‌ها اتفاق می‌افتد. یکی از این تغییرات موضوع کرونا بود که به تبع آن دورکاری اتفاق افتاد و برای منابع انسانی خیلی مفهوم داشت. بحث تغییر در سبب محصولات و خدمات بود یا بحث تأمین‌کنندگان و مشتریان و کاربران و ذی‌نفعان که کاملاً تحت تأثیر قرار داده و دائم در حال تغییر و دگرگونی جامعه و افراد است و روندهای جدیدی را شکل می‌دهد. اگر قرار باشد روندهای جهانی درخصوص آینده منابع انسانی را



دسته‌بندی کنیم، به چند موضوع کلان تقسیم می‌شود: روند جهانی شدن و افزایش تحرک نیروی کار، ظهور ضرورت قابلیت‌های جدید، تغییرات به شدت زیاد در عرصه فرهنگی و اجتماعی نیروی کار، موازنه بین کار و زندگی، بحث مسئولیت تربیت فرزندان و ...، تغییر در محیط کار به دلیل چالش توسعه تکنولوژی‌ها، جدید است. باید منابع انسانی در رهبری خودش تحول ایجاد کند و در اختصاص مزایا به افراد به دنبال شفاف‌سازی باشد. از واژه‌های استفاده‌شده که امروزه در منابع انسانی مطرح است، می‌بایست استخدام هدفمند را داشته باشد و ابزارهای جدیدی برایش تعریف شود، مثل تحلیل رسانه‌های اجتماعی و ارزیابی شناختی. بالاخره اهرم‌سازی و استفاده از قابلیت تحلیل‌گری کارکنان و نوآوری آنها برای بهبود عملکرد سازمانی که این به معنی بازتعریف در مدیریت منابع انسانی است. نمونه این اتفاقات در بحث همه‌گیری کرونا و دورکاری است که ما شاهد این هستیم که این اتفاقات به شدت بر خلاف آن چیزی که انتظار می‌رفت، بسیاری از کشورها حتی با رفع دورکاری همچنان به دنبال آن برای کارکنان خود هستند.

وی در بحث سوم از عنوان سخنرانی خود تصریح کرد: ما وارد مقوله انقلاب صنعتی می‌شویم که بر مبنای سیستم‌های سایبر فیزیکی است، چنین انقلاب صنعتی روندهایی را رقم زده؛ مثل کلان‌داده‌ها یا اتصال پیوسته، امکان ارتباط من و مدیرم، امکان ارتباط من و همکارانم به شکل پیوسته در هر ساعت شبانه‌روز یا در حد فاصل مکانی، ابرهوش مصنوعی، تحویل‌گری ارتباط انسان با ماشین و مفاهیمی از این قبیل برای ما پیامدهایی داشته است، مثل تغییر در نحوه کار یا تغییر در شیوه خلق ارزش‌ها و ضرورتی که ایجاد می‌کند این است که من باید مشاغل را منطبق با تغییرات جدید داشته باشم و به همین خاطر است که ما نه فقط در حوزه منابع انسانی، بلکه در بحث دفاع ما دفاع نسل چهارم، در اقتصاد ما اقتصاد نسل چهارم، در بحث آموزش ما آموزش نسل چهارم داریم و مشابه این مفاهیم ما منابع انسانی نسل چهارم را داریم که می‌گوید، ما باید خلق ارزش کنیم. بر این اساس تمرکزمان باید روی فعالیت‌هایی باشد که ارزش افزوده بالایی داشته باشد. می‌بایست به شکل برخط (آنلاین) همکاری‌های راهبردی و تصمیم‌گیری منابع انسانی داشته باشیم، دنبال خلق مشاغل جدیدی متناسب با تحولات محیطی باشیم، حفظ شایستگی و پایش مستمر مهارت کارکنان را داشته باشیم، نقش اهرمی نوآوری را دست‌کم نگیریم و بالاخره اینکه فرایندهای اداری را باید چابک‌سازی کنیم. بر این اساس و مبنای مطالعات زیادی صورت گرفته، به‌طور مثال؛ بر اساس احساس مؤلفه‌ها و پیش‌رانه‌ها به این نتیجه رسیدند که منابع انسانی آینده مهارت‌ها و شایستگی‌هایی غیر از مهارت‌ها و شایستگی‌های متعارف موجود داشته باشند و بر این مبنای لازم است که چیدمان جدیدی در رویکرد منابع انسانی و مدیریت منابع انسانی داشته باشیم، لذا می‌توانیم رویکردهای مختلفی در قبال آینده‌پژوهی داشته باشیم از جمله در حوزه منابع انسانی از غفلت و غافلگیری تا ابتکار و نوآوری و اینکه ما دورنما و چشم‌اندازی فراتر از آن چیزی را که تا الان به آن فکر می‌شد، داشته باشیم. میرشاه ولایتی در پایان ارائه خود گفت: اگر قرار باشد جمع‌بندی کنیم پنج نقطه رکن یا نقطه اهرمی در خصوص منابع انسانی در آینده با توجه به استلزاماتی که نسل چهار صنعت می‌طلبد، بحث‌هایی مثل هویت (توجه به اهداف و ارزش‌ها)، فناوری (چه‌طور از این اهرم می‌شود برای منابع انسانی استفاده کرد)، استعدادهای برتر، چابک‌فرایندها و تعالی‌پذیری است. بر این مبنای اگر بخواهیم شش راهبرد را برای ایجاد قابلیت‌های جدید و بحث نیروی انسانی تحلیل‌گر نوآور اشاره کنیم: ۱- تنوع‌بخشی به نیروی کار ۲- ایجاد معیارهای جدید برای ارزیابی منابع انسانی ۳- مدیریت ادغام فناوری در محیط کار ۴- ارتقاء تجربه‌کارمندان از محیط کار ۵- ایجاد فرهنگ یادگیری چابک‌سازی و شخصی‌سازی آموزش ۶- نظام عادلانه در عین حال شخصی‌شده برای جبران خدمات و پاداش‌ها.

### بررسی موانع بلوغ نظام‌های مدیریت منابع انسانی

سخنرانی سوم با عنوان «بررسی موانع بلوغ نظام‌های مدیریت منابع انسانی» توسط دکتر الهام ابراهیمی؛ عضو هیأت علمی گروه پژوهشی مدیریت پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ارائه شد. ابراهیمی بحث خود را در سه محور ارائه کرد: محور نخست، به چستی مدل‌های بلوغ مدیریت منابع انسانی اشاره داشت. در محور بعد با ارائه یک مطالعه موردی، کلان‌تصویری از وضعیت سازمان‌ها و شرکت‌های ایرانی در نیل به بلوغ به نظام‌های مدیریت منابع انسانی، به صورت خاص در چهار سال اخیر ارائه کرد. در نهایت در محور سوم، موانع بلوغ نظام‌های مدیریت منابع انسانی مطرح شد.

دکتر ابراهیمی در بخش اول سخنرانی خود گفت: ما از هر مدل بلوغ مدیریت منابع انسانی که استفاده کنیم، قاعدتاً با بحث فرایندهای منابع انسانی مواجه هستیم. فرآیندهایی از جنس جذب، آموزش، جبران خدمات و مدیریت عملکرد فرایندهای بودند که به صورت سنتی در حوزه مدیریت منابع انسانی وجود داشتند.



این فرایندها با تحول حوزه مدیریت منابع انسانی و حرکت آن به سمت سرمایه‌های انسانی فرایندها هم بالغ‌تر شدند و به‌همین جهت با طیف گسترده‌ای از فرایندهای مدیریت منابع انسانی مواجه هستیم. در مدل‌های مختلف بلوغ با سطوح چندگانه‌ای از بلوغ نیز مواجه هستیم. سطوح مختلف نشان‌دهنده این است که ما انتظار داریم یک سازمان، رشد سلسله‌مراتبی در بهبود فرآیندها داشته باشد. نکته‌ای که بسیار اهمیت دارد، بحث رشد متوازن است. ما در بلوغ به‌صورت خاص در سازمان‌ها به دنبال رشد متوازن هستیم. در نهایت آن چیزی که مدل‌های بلوغ به ما نشان می‌دهند یک نقشه راه است. باید بدانیم که یک سازمان یا شرکت باید چه مسیری را طی کند و فرایندهای خود را به چه ترتیبی غنی نماید تا بتواند به تعادل و رشد متوازن برسد.



ابراهیمی در محور دوم با اشاره به مدل بلوغ ۳۴۰۰۰ منابع انسانی گفت: در ایران از این مدل بلوغ، برای سنجش سطح بلوغ فرایندهای منابع انسانی استفاده گسترده‌ای شده است. وی سپس به نتایج مطالعه موردی حدود ۳۰۰ سازمان دولتی و خصوصی که از سال ۱۳۹۶ تا ۱۳۹۹ بر اساس این مدل بلوغ سنجش شده‌اند، اشاره کرد و گفت: سازمان‌هایی که در این مدل مشارکت کردند، سازمانهای بزرگ دولتی و حتی دانشگاه‌ها و سازمان‌های پژوهشی و شرکت‌های کوچک خصوصی را شامل می‌شدند. نتایجی که به‌دست آمد، نشان می‌دهد با وجود پیشرفت‌های موردی، به‌لحاظ سطح بلوغ، بسیاری از فرایندهای منابع انسانی در این سازمان‌ها به ۵۰ درصد امتیاز مدل هم دست پیدا نکرده‌اند. جالب است که در سال ۱۳۹۹ موضوع روابط کار و سلامت جامع منابع انسانی به‌صورت ویژه در سازمان‌ها امتیاز بالایی گرفت. البته این‌ها همه می‌تواند علل بیرونی و هم دلایل بیرونی هم داشته باشد. بحث کرونا خیلی تأثیرگذار بود و اقدامات سازمان‌ها در این زمینه در بحث HSE نیز قابل توجه بود. اما وضعیتی که ما شاهد آن هستیم، وضعیتی نیست که از حداقل قابل قبولی طی این سال‌ها برخوردار باشد. به‌همین ترتیب در سال ۱۳۹۸، ۱۷۴ سازمان دولتی و شرکت خصوصی بر این اساس ارزیابی شدند. بسیاری از سازمان‌ها به‌دنبال اقدامات پراکنده بودند. چون حداقل‌ها را برای سازمان‌ها فراهم می‌کند و قاعدتاً در سطوح بلوغ جایگاهی ندارد. در سال ۱۳۹۷، ۱۶۲ سازمان دولتی و شرکت خصوصی و در نهایت در سال ۱۳۹۶، ۱۵۷ سازمان دولتی و شرکت خصوصی در این فرآیند مشارکت داشتند. در این چهار سال متوالی روند امتیاز تفاوت قابل ملاحظه‌ای نداشته، ضمن اینکه فرایندها فاصله نسبتاً زیادی از سطح بلوغ داشته‌اند. ابراهیمی در توضیح محور سوم افزود: به‌نظر می‌رسد موانعی که باعث شده سازمان‌ها و شرکت‌هایی که به‌زعم خودشان سرمایه‌گذاری‌های زیادی در راستای بلوغ نظام‌های مدیریت منابع انسانی داشته‌اند، نتوانند به سطح بلوغ لازم برسند تحت سه سرفصل کلی قابل دسته‌بندی است: موانع محتوایی، موانع ساختاری یا بافتاری و موانع نگرشی. در سرفصل محتوایی، عدم هم‌راستایی افقی و عمودی فرایندهای منابع انسانی، بازاریابی داخلی و در نظر نگرفتن افق زمانی مناسب برای بلوغ، اهم موانع هستند. درخصوص موانع ساختاری می‌توان به هم‌شکلی تقلیدی، نهادی و نیز عدم هم‌افزایی سیستمی فرایندها اشاره کرد. در نهایت در موانع نگرشی، عدم اعتقاد یا حمایت مدیریت ارشد، توجه به واحد منابع انسانی به‌مثابه مرکز هزینه و عطش بلوغ کاغذی از موانع اصلی نیل به بلوغ واقعی در حوزه مدیریت منابع انسانی هستند.

### چالش‌های مدیریت منابع انسانی در شرکت‌های دانش بنیان

سخنرانی بعدی با عنوان «چالش‌های مدیریت منابع انسانی در شرکت‌های دانش بنیان» توسط دکتر مژگان روشن‌نژاد، عضو هیأت علمی گروه پژوهشی مدیریت پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ارائه شد. روشن‌نژاد در ابتدا، سخنان خود را با بررسی دلایل و عواملی که منجر به پیدایش این ساختارها شدند، آغاز کرد. سپس با مروری به ویژگی‌های این ساختارها به بحث چالش‌های مدیریت منابع انسانی پرداخت و گفت: عصری که ما در آن قرار داریم عصر تغییرات سریع است و اصطلاحاً با انقلاب صنعتی چهارم یا انقلاب فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی شناخته می‌شود. «پیتر دراگر» در سال ۲۰۰۲ پیش‌بینی کرده است که دنیا به‌شدت در حال تغییر و پیچیده‌تر شدن و در نتیجه نامطمئن‌تر شدن است، لذا مفاهیم سنتی سازمان و مدیریت در چنین عصری اعتبار خود را از دست می‌دهند.



چهار عامل عمده در پیدایش ساختارهای کوچک مجازی در عصر جدید نقش دارند: ۱- تغییرات جمعیت‌شناختی که از سال‌های ۱۹۹۰ به این طرف شدت پیدا کرده است. تغییر توزیع سنی نیروی کار، تغییر ارزش‌ها و انتظارات کاری و تنوع کارکنان باعث تغییرات در سازمان‌ها شده است. ۲- تکنولوژی و فناوری که به سرعت در حال تغییر است، نحوه انجام کارها و دقت و سرعت در انجام کارها را تغییر داده است. ۳- جهانی شدن که خود ناشی از تغییرات تکنولوژیک می‌باشد. دسترسی به بازارهای محلی را راحت کرده و هزینه ورود به بازارها را کم کرده، هزینه انتقال اطلاعات کم شده است و همین‌طور محدودیت‌های سیاسی، فرهنگی از بین رفته است. لذا سازمان‌ها می‌توانند به راحتی به

نیروی کار در سراسر دنیا دسترسی داشته باشند یا بازارهای فروش محصولات مخصوص خودشان را در جاهای مختلف دنیا پیدا کنند. ۴- تغییر بازارها، که ناشی از موارد قبلی است. در واقع مفاهیم اقتصادی تغییر کرده است. قبلاً اقتصاد بر مبنای تولید انبوه بود، اما الان اقتصاد مشتری‌مدار انبوه مطرح شده است. یعنی امکان ارائه خدمات در هر زمان و هر مکان و متناسب با سلیقه و تقاضای مشتری در کمترین زمان فراهم شده است. این عوامل باعث شده است تا سازمان‌ها به سمت ساختارهای کوچک و منعطف، گرایش پیدا کنند تا چابکی مورد نیاز برای پاسخ به شرایط نامطمئن بیرونی را دارا باشند.

این عضو هیأت علمی پژوهشگاه در رابطه با ساختارهای کوچک مجازی (شرکت‌های دانش بنیان) گفت: عوامل ذکر شده، باعث شد که از سال‌های ۱۹۹۰ این نوع ساختارها که با عنوان ساختارهای کوچک مجازی از آن یاد می‌کنیم، به وجود آیند. این نوع سازمان‌ها هسته کوچکی دارند متشکل از کارکنان متخصص و به اصطلاح دانشی که در بازارهای جدید و نابالغ فعالیت می‌کنند و شدیداً متکی به فناوری هستند. این ساختارها دارای هویت خاص بوده، عموماً چارت سازمانی رسمی ندارند و روابط کارکنان حالت نیمه‌ثابت را دارد. شکل‌گیری روابط مبتنی بر اعتماد متقابل است. در این ساختارها اشتراک در مالکیت دانش و اطلاعات وجود دارد و دسترسی به اطلاعات سریع و آسان است. افراد، متکی به منابع خودشان هستند. دانش، مهارت و تخصص‌هایی که دارد و این منابع در سازمان عنصر مهم تلقی می‌شود. از نظر جغرافیایی پراکندگی دارند. عمدتاً فعالیت‌های سازمان به فراسوی مرزها، مرزهایی که بسیار مبهم است امتداد می‌یابد. به شدت مشتری‌مدار هستند. توسعه مهارت‌ها و توانمندی‌های فردی این سازمان‌ها بسیار اهمیت دارد.

روشن‌نژاد درباره تقسیم‌بندی چالش‌های این ساختارها گفت: چالش‌های این ساختارها را می‌توان در سه سطح فردی، سازمانی و جامعه طبقه‌بندی کرد. احساس انزوای افراد، ایجاد ابهام و سوء تفاهم از چالش‌های فردی؛ هزینه به‌کارگیری فناوری‌های جدید از چالش‌های در سطح سازمانی و انزوای عمومی افراد از چالش‌های سطح جامعه است.

وی ادامه داد: مدیریت منابع انسانی نیز در سال‌های اخیر تحت تأثیر تغییرات فناوری و همچنین تغییر ساختارها، قرار گرفته است و در اهداف، نقش‌ها و کارکردهای مدیریت منابع انسانی خود را نشان داده است:

۱- تغییر در اهداف مدیریت منابع انسانی: انتظار می‌رود که مدیریت منابع انسانی کاملاً استراتژیک عمل کنند. یعنی در طراحی استراتژی و اجرای آن سهم باشد. اقدامات و برنامه‌هایی خود را به گونه‌ای طراحی کند که هدف استراتژیک سازمان را تأمین کند، که به اجرا در می‌آورد. از مدیریت منابع انسانی انتظار می‌رود که هم‌زمان اهداف متناقضی را دنبال کند.

۲- تغییر در نقش‌های مدیریت منابع انسانی: انتظار می‌رود مدیریت منابع انسانی خیلی فعال‌تر عمل کند. یعنی از موضع منفعلانه به سوی موضع فعال و مشاوره‌ای و استراتژیک سوق پیدا کند. از مدیریت منابع انسانی انتظار می‌رود که موجبات بالابردن انگیزه و تعهد کارکنان را فراهم کند. خود را به سرعت با تغییرات هماهنگ کند و تغییرات فرهنگی را اداره کند.

۳- تغییر کارکردها: تأثیر تغییرات در کارکردها از سه جنبه قابل بررسی است: الف - جنبه عملیاتی: فناوری‌های جدید، امکان انجام خودکار و اتوماتیک کارها را فراهم کرده‌اند و انجام کارها به تعداد کمتری نیروی انسانی نیاز دارد. البته خودکار شدن عمدتاً در حوزه کارهای روزمره و ساده است و به نوعی جنبه‌های عملیاتی مدیریت منابع انسانی را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد.



ب- جنبه ارتباطی: در ساختارهای کوچک مجازی، اطلاعات به سرعت در سازمان منتشر می‌شود و کارکنان زیادی در مورد بخش‌های مختلف از جمله بخش‌های تولیدی و اداری دارند که می‌تواند کیفیت خدمات را بهتر کند و جنبه‌های ارتباطی منابع انسانی را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. ج- جنبه تحول‌آفرینی: فناوری جدید امکان دسترسی به منابع انسانی در سطح گسترده‌تر جغرافیایی و بین‌المللی را فراهم کرده و مرزهای سیاسی و جغرافیایی را درهم نوردیده است. لذا مدیریت منابع انسانی با فرهنگ‌های مختلف روبه‌رو می‌شود که می‌تواند به خلاقیت و نوآوری در سازمان منجر شود. در این جا جنبه تحول‌آفرینی مدیریت منابع انسانی تحت تأثیر قرار می‌گیرد.

عضو هیأت علمی گروه مدیریت پژوهشگاه در نهایت چالش‌های پیش‌روی مدیریت منابع انسانی در ساختارهای کوچک مجازی با همان شرکت‌های دانش بنیان را به سه دسته چالش‌های رقابتی، چالش‌های منابع انسانی و چالش‌های مرتبط با کارکنان یا علائق کارکنان دسته‌بندی کرد. دسته اول، چالش‌های رقابتی ناشی از فناوری و جهانی شدن است. از جمله مواجهه با تفاوت‌های فرهنگی، رقابت شدیدتر، تغییرات فناوری و هزینه آن؛ پاسخ‌دهی به تغییرات است. دسته دوم، چالش‌های منابع انسانی است که عمدتاً مرتبط با کارکردهای مدیریت منابع انسانی می‌شود و اینکه اقدامات و برنامه‌های مدیریت منابع انسانی در حوزه کارکردهای آن مثل جذب و به‌کارگیری افراد، آموزش و توسعه، مدیریت عملکرد، حفظ و نگهداری و... چگونه تدوین و اجرا شوند تا با تغییرات و هدف استراتژیک سازمان هماهنگ باشند. دسته سوم چالش‌های مرتبط با علائق کارکنان است که به‌نوعی دغدغه کارکنان محسوب می‌شود و مدیریت منابع انسانی باید در راستای برطرف کردن آن تلاش کند. از جمله این چالش‌ها، حفظ محرمانه‌بودن اطلاعات کارکنان و چگونگی موازنه بین کار و زندگی شخصی، در این نوع ساختارهای مجازی است که دسترسی به اطلاعات در آن سریع و آسان بوده و مرزهای زمانی و مکانی و به‌تبع آن مرزهای بین کار و خانواده درهم می‌شکند.

### مدیران رده بالا و بنیان‌های شناختی کارآفرینی و نوآوری

سخنرانی پایانی این پیش‌نشست با عنوان «مدیران رده بالا و بنیان‌های شناختی کارآفرینی و نوآوری» توسط دکتر نادر سیدکلالی، عضو هیأت علمی گروه پژوهشی مدیریت پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، انجام گرفت. سیدکلالی که دبیر نشست نیز بود ضمن جمع‌بندی مباحث طرح شده توسط سخنرانان پیشین، سخنرانی مستقلی هم داشت. وی در ابتدای ارائه خود گفت: همان‌طور که واقف هستید امروزه وقتی در مورد رشد و توسعه اقتصادی صحبت می‌شود، نمی‌توان به کارآفرینی و نوآوری نپرداخت. در واقع موتور محرکه رشد اقتصادی امروز در کشورهای توسعه‌یافته کارآفرینی و نوآوری است. قدمت بحث‌های علمی و دانشگاهی کارآفرینی یا Entrepreneurship در دوران معاصر عمدتاً به مکتوبات و آثار شومپتر، اقتصاددان اتریشی برمی‌گردد که به نقش کارآفرینی در اقتصاد پرداخت. اکنون عصر کارآفرینی و نوآوری است و در دنیای رقابت و کسب‌وکار هر سازمانی برای موفقیت ضروریست کارآفرین و نوآور باشد.



همان‌طور که مستحضرید، امروزه این سازمان‌ها هستند که شکل‌دهنده اقتصاد کشورها و اهمیت سازمان‌ها بسیار زیاد شده است، به‌طوری‌که شرکت‌هایی در دنیا مثل وال مارت، اپل و گوگل و سایر شرکت‌های موفق که هر روز اسمشان به گوشمان می‌خورد اهمیت اقتصادی و حتی غیر اقتصادی بیشتری از بسیاری از دولت‌ها در جهان پیدا کرده‌اند. درآمدهای برخی از این شرکت‌ها از ده‌ها کشور در دنیا بیشتر است و تأثیرات اجتماعی و فرهنگی آن‌ها، اگر بیشتر از بسیاری از کشورها نباشد کمتر نیست. بنابراین طی چند دهه اخیر سازمان‌ها شدیداً به این فکر افتاده‌اند که در مسیر کارآفرینی و نوآور شدن یا کارآفرین‌تر شدن و نوآورتر شدن قدم بردارند، اما چه‌طور می‌شود فهمید که یک سازمان به معنای عام یا یک شرکت به معنای خاص، کارآفرین هست یا نه؟ بحثی که در اینجا مطرح می‌شود بحث عملکرد هست. باید دید که شرکت‌ها و سازمان‌های مختلف از لحاظ عملکرد یا Performance به چه صورت هستند. Performance را می‌شود در چند طبقه دسته‌بندی کرد. در گذشته صرفاً به عملکرد مالی یا Financial Performance توجه می‌شد و مشخصاً سود سازمان‌ها ملاک قرار می‌گرفت.

طبیعتاً سود بیشتر به معنای عملکرد بهتر بود. البته در اینجا تأکید ما بر شرکت‌های خصوصی هست و نه بخش عمومی. در ادامه به عملکرد بازاری هم پرداختند. به این معنا که صرفاً سود مهم نیست بلکه سهم بازار و درآمد هم اهمیت دارد. برخی اوقات اهداف توسعه بازار می‌تواند اهمیت بیشتری از اهداف سودمحور پیدا کند. سیدکلایی در ادامه سخنانش گفت: محققان به عملکرد کارآفرینی و نوآوری پرداختند و گفتند که سازمان‌های ما اگر از لحاظ عملکرد مالی و بازاری سطح بالا هستند، باید از لحاظ عملکرد کارآفرینی و نوآوری هم ارتقا پیدا کنند و اینجا بود که متغیرهای کارآفرینی و نوآوری به‌طور مستقیم در شاخص‌های ارزیابی عملکرد سازمان‌ها جای گرفت، اما مقصود از کارآفرینی و نوآوری در سازمان‌های امروزی چیست؟ تعاریف مختلفی شده است. کوین و اسلویین که دو تن از محققان برجسته حوزه کارآفرینی هستند، کارآفرینی را برآیند سه ویژگی رفتاری همزمان دانستند: نوآوری‌جویی، ریسک‌پذیری و پیش‌نگری.

نوآوری می‌تواند یک محصول یا خدمت جدید باشد یا می‌تواند به شکل نو شدن در فرآیندهای سازمانی باشد یا می‌تواند نو شدن در مدل کسب‌وکار سازمان باشد. ما نیازمند این هستیم که عملکرد کارآفرینی و نوآوری را در سازمان‌های خود بهبود ببخشیم: کسب و کارهای جدید و مدل‌های کسب‌وکار نو ایجاد کنیم، فرایندهای قدیمی را بازنگری و به‌روز کنیم، شرکت‌های اقماری جدید ایجاد و محصولات یا خدمات جدیدی ارائه کنیم. این‌ها مسائلی هستند که اهمیت بسیار زیادی در دنیای رقابتی پیدا کرده‌اند، به‌خصوص در صنایعی که ماهیت فناورانه دارند.

این عضو هیأت علمی گروه مدیریت پژوهشگاه علوم انسانی توضیح داد: حال چه‌طور می‌شود به کارآفرینی و نوآوری دست پیدا کرد؟ عواملی موجب کارآفرینی و نوآوری هستند. از دیدگاه نظریه‌های مختلف، بحث‌های گوناگونی شده ولی از منظر قابلیت‌محور می‌گوییم که ریشه عملکرد بهتر کارآفرینانه و نوآورانه در قابلیت‌ها و استراتژی‌های سازمان است. بنابراین به تناسب اینکه سازمان قابلیت‌های بیشتر و کیفی‌تر و استراتژی‌های مناسب‌تری داشته باشد، احتمال دستیابی به عملکرد بهتر کارآفرینی و نوآوری بیشتر خواهد شد. این قابلیت‌ها چه می‌توانند باشند؟ این قابلیت‌ها از صنعتی به صنعت دیگر و از سازمانی به سازمان دیگر ممکن است متفاوت باشند، مثلاً یک قابلیت خیلی مهم قابلیت فرصت‌شناسی هست که باید در سازمان، به‌شکل معمول و فرایندهای سازمانی و دستورالعمل‌ها و آئین‌نامه‌ها و رویه‌ها ایجاد شود. هر سازمانی باید بتواند به‌شکلی فرصت‌های محیطی را رصد کند؛ مثلاً پست‌های سازمانی برای رصد این فرصت‌ها وجود داشته باشد، همکاری‌های بین‌سازمانی داشته باشد و قابلیت‌های دیگری مثل ظرفیت سرمایه‌گذاری ایجاد و تقویت شود. به جز قابلیت‌ها، استراتژی‌ها و جهت‌گیری‌های استراتژیک سازمانی نیز بسیار مؤثر هستند؛ مثل جهت‌گیری بازاری یا گرایش به بلندمدت. مثلاً سازمانی که به بلندمدت گرایش دارد، بهتر از رقبا می‌تواند بر نوآوری‌های رادیکال و نوآوری‌هایی که به زمان احتیاج دارند سرمایه‌گذاری کند.

نادر سیدکلایی افزود: مسئله اینجاست که آیا می‌توانیم فقط به این قابلیت‌ها و استراتژی‌ها اکتفا کنیم، یا اینکه مدیران ما هم از اهمیت برخوردارند. اتفاقاً مدیران و قابلیت‌های آن‌ها Microfoundationهای اصلی هستند؛ اینکه مدیران ما از لحاظ رفتاری و شناختی قادر هستند که سازمان را به سمت قابلیت‌های استراتژیک هدایت کنند، یا خیر؟ از بین ویژگی‌های فردی مدیران یکی بحث توانمندی‌های شناختی مطرح می‌شود. براساس رویکرد شناختی ریشه رفتارهای انسانی در شناخت افراد است و طبیعتاً این رفتارهای برآمده از شناخت هستند که به عملکردهای فردی و سازمانی جهت می‌بخشند. مدت‌هاست که محققان علوم شناختی، مدیریت شناختی و Organizational Neuroscience که در زبان فارسی با عنوان علمی اعصاب سازمانی خوانده می‌شود، در این زمینه‌ها تحقیق می‌کنند و کتاب و مقاله می‌نویسند؛ از جمله تحقیقی که بنده اخیراً انجام داده‌ام و به‌زودی منتشر خواهد شد. این پژوهش درخصوص برخی از ویژگی‌های شناختی مدیران است که می‌توانند نوآوری را در سازمان‌ها تقویت کنند. در این پژوهش این پرسش را مطرح کرده‌ام که مدیران عامل و اعضای هیأت مدیره شرکت‌ها باید چه ویژگی‌های شناختی داشته باشند تا بتوانند سازمان‌ها را به سمت کارآفرینی و نوآوری پیش ببرند. مهم اینجاست که این افراد به فریم‌ها و فرآیندهای شناختی ویژه مجهز باشند. فریم شناختی به معنای لُنزی هست که مدیران به چشمانشان می‌زنند، مثل عینکی که شما با آن به دنیا نگاه می‌کنید. آیا نگاه همراه با تعصب و برآمده از ایدئولوژی هست؟

فرایندهای شناختی همان پردازش‌هایی هست که در ذهن شما اتفاق می‌افتد و در کنار فریمی که دارید، تصمیم‌گیری را امکان‌پذیر می‌کند. بنابراین ما هم فریم شناختی داریم و هم فرایند شناختی. هرچقدر فرایندهای شناختی یک فرد قوی‌تر باشد قطعاً تصمیم‌گیری‌های او می‌تواند منتج به نتایج بهتری شود.



مثلاً مهم هست که در زمینه فریم‌های شناختی تمایز داشته باشیم یعنی تعدد لنز داشته باشیم و بتوانیم با لنزهای مختلف به دنیا نگاه کنیم، نه اینکه مدیر فقط مجهز به یک لنز باشد و به همه پدیده‌ها و اتفاقات و اخبار و رخدادها با همین یک لنز بنگرد؛ چنین مدیری طبیعتاً نمی‌تواند در جهان به‌شدت پیچیده و رقابتی ما، که درک آن روزبه‌روز دشوارتر می‌شود، موفق شود.

در ادامه سیدکلالی درخصوص چستی این فریم‌ها توضیح داد: مثلاً نوع خاصی از این فریم‌ها در رابطه با آینده‌گرایی هست، به این معنا که نگاه مدیران موفق به آینده‌گرایی از کوتاه‌مدت‌گرایی و بلندمدت‌گرایی است؛ یعنی نسبتی میان آینده نزدیک و دور برقرار می‌کنند. البته این نگاه متناسب با نوع موضوعات متفاوت است. اکنون در بسیاری از سازمان‌ها می‌بینید که مثلاً تصمیمی که از دل کمیته سرمایه‌گذاری بیرون می‌آید، براساس نگاه محدود و کوتاه‌نظرانه است و طبیعتاً نتیجه خوبی عاید سازمان نخواهد شد. ویژگی شناختی دیگر، سبک شناختی مدیران است. در پژوهش‌ها به سیستم یک و سیستم دو اشاره شده است.

سیستم یک بیشتر بر حالت حیوانی انسان دلالت دارد، یعنی تصمیماتی که مبتنی بر شهود است. در فرایند تکاملی انسان، ابتدا سیستم یک در مغز انسان رشد کرده است. سیستم دو همان قدرت تجزیه و تحلیل است. مدیران موفق، مدیرانی هستند که میان سیستم یک و دو تناسب برقرار می‌کنند. البته توجه کنید که مقصود ما از شهود، کشف و شهود عارفانه نیست بلکه مقصودمان نوع خاصی از شهود است که به آن شهود برآمده از تخصص یا تجربه می‌گویند، یعنی فردی که در زمینه‌ای سال‌ها تجربه و تخصص دارد و گمانه‌زنی‌هایش برآمده از تجزیه و تحلیل‌هایی است که در گذشته انجام داده است. ویژگی بعدی دوسوگرایی هیجانی است. به این معنا که مدیران موفق ما، فقط نیمه خالی لیوان را نمی‌بینند حتی فقط نیمه پر لیوان رو هم نمی‌بینند، بلکه همزمان به هر دو توجه دارند و در دل تهدیدها فرصت‌ها را جست‌وجو می‌کنند و در دل فرصت‌ها، تهدیدها را. این‌گونه نیست که شرایط را فقط تهدیدزا ببینند یا فقط فرصت‌زا چون بعداً حتماً از تصمیم خودشان پشیمان خواهند شد، به‌خصوص در محیط‌هایی که تغییرات بیشتر است، چه محیط صنعت، چه محیط عمومی کسب و کار و چه محیط ملی. بنابراین دوسوگرایی هیجانی هم برای تقویت عملکرد کارآفرینی و نوآوری اهمیت دارد. سیدکلالی گفت: بحثی را از گذشته داشته‌ایم با عنوان «تفکر استراتژیک». تلاش من این بوده که کمی فراتر از تفکر استراتژیک بروم و تفکر استراتژیک را با نگاه‌های کارآفرینانه و نوآورانه پیوند بزنم. به این ترتیب از تفکر پیچیده‌تری سخن بگویم. البته این بحثی است که محققان زیادی در جهان به آن می‌پردازند و بنده هم به سهم خودم تحقیقاتی را در این زمینه انجام داده و می‌دهم.

وی در پایان صحبت‌هایش به مقاله‌ای از پروفیسور «ونکاترامان» اشاره کرد و گفت: ونکاترامان در این مقاله ارزشمند بحثی را براساس نمایشنامه رومئو و ژولیت شکسپیر، که یکی از مهم‌ترین آثار تاریخ ادبیات و نمایشنامه‌نویسی جهان است، طرح کرده است. این نمایشنامه در رابطه با عشق دو جوان به همدیگر است، عشقی تراژیک. در یکی از صحنه‌های پرده دوم از نمایشنامه، ژولیت بر بالکن هست و رومئو در باغ رومئو صحبت‌های ژولیت با خودش را می‌شنود و سپس رخ می‌نماید. این صحنه از نمایشنامه واقعاً شورانگیز است. خواندنش یا مشاهده تئاتر یا فیلم‌هایی که از آن ساخته شده، خالی از لطف نیست. پروفیسور ونکاترامان با اشاراتی که به این ماجرا دارد، سعی می‌کند به زبان استعاری پیوندی میان کارآفرینی و استراتژی برقرار کند و می‌گوید که مدیریت استراتژیک، بالکن بدون «رومئو» است. دیوارهای باغ نشان‌دهنده محدودیت‌ها در وصال این دو عاشق و معشوقند. دیوارها اتفاقاً خیلی هم بلند هستند که نشان‌دهنده دشواری ارتباط است. بالکن در واقع همان استراتژی است و اگر سازمان بتواند از شر دیوارهای بلند رهایی پیدا کند البته که خوب و لازم است چرا که در اکثر سازمان‌ها، ما گرفتار دیوارهای مرتفع هستیم. این سازمان‌ها هنوز حتی به استراتژی و بالکن هم دسترسی پیدا نکرده‌اند. اگر هم بتوانند به استراتژی و بالکن دسترسی پیدا بکنند، تازه آن وقت نیاز به رومئویی خواهد بود.

در نتیجه بالکن خالی کفایت نمی‌کند و اینجاست که «ونکاترامان» به کارآفرینی اشاره می‌کند و می‌گوید: کارآفرینی رومئو بدون بالکن است. بنابراین سازمان‌های دوران جدید به پیوند زدن استراتژی و کارآفرینی نیاز دارند، که امروزه تحت عنوان کارآفرینی استراتژیک شناخته می‌شود و به عنوان قلمرویی نوظهور مطرح شده است. در ایران آینده به مدیرانی احتیاج خواهیم داشت که از یک سو سازمان‌هایی استراتژیک خلق کنند و از سوی دیگر رفتارهای کارآفرینانه داشته باشند؛ یعنی رومئو‌هایی باشند در بالکن‌های سازمانی تا به امید خدا راه‌های جدیدی باز شود و رهایی از این حصارها و دیوارها ممکن شود.

گزارش اولین نشست همایش

## بازشناسی چالش‌های رشد اقتصادی در ایران؛ تبیین موانع تولید و به‌سازی راهبردها و سیاست‌ها

اولین نشست همایش ملی «بازشناسی چالش‌های رشد اقتصادی در ایران؛ تبیین موانع تولید و به‌سازی راهبردها و سیاست‌ها»، به همت پژوهشکده اقتصاد، ۱۱ بهمن‌ماه با دبیری دکتر ناهید پوررستمی؛ استادیار دانشگاه تهران دانشکده مطالعات جهان برگزار شد.

این همایش با سخنرانی دکتر یحیی فوزی (معاون پژوهشی و تحصیلات تکمیلی پژوهشگاه) آغاز شد. فوزی در ابتدای سخنان خود بیان کرد:



موجب افتخار است که به‌عنوان معاون پژوهشی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، در ابتدای این همایش مطالب مختصری درباره اهمیت این همایش و ارتباط موضوع آن با مأموریت‌های پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی مطرح می‌کنم. در ابتدا دهه فجر و سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی را گرامی داشته و به همه ایرانیان تبریک می‌گویم. حوزه اقتصاد یکی از حوزه‌های بحث‌برانگیز در دوران انقلاب و سال‌های بعد از انقلاب اسلامی بوده است. انقلابیون در دوران مبارزه با رژیم پهلوی، با طرح مسائلی همچون نابرابری، فقر، استثمار و استضعاف و نقد ایدئولوژی‌های سرمایه‌داری و

سوسیالیستی، خواستار تحول در اقتصاد و تغییر در مناسبات اقتصادی معطوف به مبانی دینی و فرهنگی و شرایط و نیازهای جامعه ایران بودند. با پیروزی انقلاب اسلامی، این مباحث به شکل ایجابی و ارائه راهبردهای بدیل مطرح شد و در نهایت، برآیند این مباحث در قانون اساسی آمد و به تأیید آرای عمومی رسید و دولت‌های بعد از انقلاب نیز تلاش کردند آن را محقق کنند که محورهای آن در قانون اساسی و سپس در اسناد بالادستی نظام منعکس شده است که مؤلفه‌های آن: تداوم رشد بالای اقتصادی مبتنی بر مشارکت مردمی، تحقق توأمان عدالت اقتصادی و اجتماعی، مقابله با فساد، ربا و استثمار اقتصادی، نظارت دولت برای پیشبرد این امور و بسترسازی برای تعالی معنوی جامعه بود، اما با وجود تأکید اسناد بالادستی بر این رویکردها، در چهار دهه گذشته، عرصه اقتصاد با مشکلات جدی مواجه بوده است.

دکتر فوزی ادامه داد: باوجود این‌که همه دولت‌ها در سال‌های بعد از انقلاب مخصوصاً دولت‌های بعد از جنگ بر کلیت ضرورت تحول ساختاری در اقتصاد ایران اجماع داشته و بر اصولی همچون اصلاح ساختار تولید، تقویت و ثبات در رشد اقتصادی، گسترش عدالت اجتماعی، خصوصی‌سازی، اصلاح نظام بانکی، ارزی، مالیاتی، نظارت و مقابله با مفاسد اقتصادی و ... تأکید می‌کردند، اما اگر از دولت‌های دوران گذار و دولت زمان جنگ بگذریم که به‌دلیل مشکلات خاص انقلابی و جنگ نتوانستند تحول ساختاری مهمی را در عرصه اقتصادی کشور برجای بگذارند، دولت‌های بعد از جنگ نیز باوجود برخی موفقیت‌ها نتوانستند این اصلاحات را به‌صورت جامع پیش برده و جامعه عمل ببوشانند، لذا روند فراز و نشیب و عدم ثبات شاخص‌های اقتصادی در این ۴۰ سال به‌عنوان یک روند مسلط در عرصه اقتصادی کاملاً مشهود است. روند رشد اقتصادی کشور روند مداوم صعودی نداشته و از ثبات برخوردار نبوده و همواره دارای فراز و فرودهای مختلفی بوده است. تغییرات نرخ تورم، نرخ بیکاری و ضریب جینی نیز وضعیت باثبات و مثبتی را در بسیاری از مقاطع مختلف تجربه نکرده است و با فراز و فرود همراه بوده است که نشان‌دهنده آن است که حرکت به‌سوی عدالت اقتصادی با آرمان‌های مورد نظر انقلاب فاصله بسیار دارد، و در این راستا همواره مورد نقد رهبری معظم انقلاب قرار داشته‌اند.

وی تأکید کرد: طی این سال‌ها هر چند بحث تغییر در ساختارهای اقتصادی موجود (ساختار بانکی، ارزی، گمرکی، مالیاتی، و یارانه‌ها و ...) و ایجاد اقتصادی مستقل از درآمدهای نفتی همواره تداوم یافته است، اما باعث نشد یک برنامه جامع و تحول‌آفرین در عرصه اقتصادی کشور شکل گیرد. لذا قصه تکراری رشد تورم و نقدینگی و رشد قیمت ارز و بورس‌بازی در سکه و خودرو در مقاطع مختلف و ادواری و مخصوصاً در دومین دوره دولت‌ها ... زندگی مردم را دچار مشکل ساخته و نگرانی و اضطراب و احساس ناامنی از آینده و دغدغه



معیشت را در بین اقشار مختلف همواره طی سال‌های مختلف تداوم بخشیده است. علاوه بر این زمینه تهدیدات و فشارهای بیرونی علیه امنیت ملی کشور را نیز افزایش داده است. اصولاً تداوم تحریم‌ها و فشارهای بین‌المللی بر اقتصاد کشور نیز یکی از روندهای مستمر در چهار دهه گذشته بوده است که تأثیرات محدودکننده‌ای بر دسترسی آسان ایران به بازارهای بین‌المللی و تبادل مالی به‌جای گذارده و بر روند رشد اقتصادی تأثیر زیادی نهاده، اما بدیهی است که در صورت تداوم روند گذشته و عدم اصلاحات ساختاری، رفع تحریم‌ها نیز هر چند ممکن است گشایش‌های کوتاه‌مدتی را ایجاد کند، اما نمی‌تواند تحول مهمی را در شاخص‌ها در بلندمدت و میان‌مدت به‌وجود آورد، و عدم پیگیری و عملیاتی شدن اصلاحات ساختاری نمی‌تواند به پایهریزی یک اقتصاد قدرتمند و رضایت‌بخش در داخل و مقاوم در مقابل تکانه‌های بیرونی منجر شود. تداوم این وضعیت باعث شده است تا موفقیت‌های اقتصادی دولت‌ها به‌شدت تحت‌الشعاع این ضعف‌ها قرار گیرد. با این‌که اقتصاد ایران یکی از اقتصادهای بزرگ در منطقه و جهان است و ظرفیت بالایی برای رشد دارد، اما این مشکلات و عدم پیشبرد اصلاحات اقتصادی موجب شده است، تا شیرینی موفقیت‌های دولت‌ها در عرصه رشد و توسعه و سازندگی کشور، در غبار تورم و نابرابری‌های اقتصادی گم شود و همواره از آن به‌عنوان وجه مهم آسیب‌پذیر انقلاب یاد شود.

### آینده اقتدار انقلاب اسلامی ایران تا حد زیادی وابسته به انجام اصلاحات بنیادین و همه‌جانبه در حوزه اقتصاد است

استاد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی تصریح کرد: با نگاهی به روندهای چهار دهه گذشته می‌توان گفت، آینده اقتدار انقلاب اسلامی ایران تا حد زیادی وابسته به انجام اصلاحات بنیادین و همه‌جانبه در حوزه اقتصاد است و اصلاحات بنیادین اقتصادی نیز نیازمند یک اراده سیاسی و ملی برای اصلاح وضع موجود با استفاده از نظر اندیشمندان و نخبگان کشور است. برنامه‌ای که در یک سو، نیاز به استفاده از مدیران و کارگزاران قوی، عالم، توسعه‌گرا، سالم و فسادستیزی است که کمتر تحت تأثیر نفوذ و منافع باندهای نوکیسه اقتصادی قرار می‌گیرند و از سوی دیگر، استفاده مداوم از نظرات اندیشمندان و نخبگان علمی و اقتصادی کشور و ایجاد اتاق فکر اقتصادی با مشارکت اندیشمندان مذکور و تقویت ارتباط مراکز سیاست‌گذاری و اجرایی اقتصادی با این مراکز علمی، اندیشکده‌ها و پژوهشکده‌هاست. این اقدامات می‌تواند کشور را به سوی اقتصادی پویا، قوی و مقاوم در برابر تکانه‌های بیرونی رهنمون کند.

دکتر فوزی در خاتمه سخنانش یادآور شد: پژوهشگاه علوم انسانی به‌عنوان بزرگترین پژوهشگاه علوم انسانی کشور مبتنی بر مأموریت‌های محوله در اساسنامه خود، تلاش خواهد کرد با استفاده از ظرفیت پژوهشکده‌ها و نیروهای متخصص خود به این چالش‌ها جدی‌تری وارد شده و در قالب طرح‌های پژوهشی، برگزاری نشست‌های تخصصی و همایش‌ها به ارائه تبیین دقیق‌تر و عالمانه از علل این چالش‌ها و ارائه راهبرد به مراکز سیاست‌گذاری و اجرایی در کشور کمک کند. در این راستا، این همایش با تأکید بر محوریت جست‌وجوی علل فراز و نشیب‌ها و نوسان‌های رشد اقتصادی در ایران تلاش کرده تا به یکی از این مباحث مهم، که از دید برگزارکنندگان همایش علت‌العلل این مشکلات و چالش‌هاست، پردازد؛ و امید است بتواند با استفاده از نظرات اندیشمندان و مشارکت‌کنندگان به اهداف مورد نظر خود برسد و در تعمیق و گسترش دانش و به‌صورت خاص ارائه آخرین دستاوردهای محققان در حوزه علت‌شناسی چالش‌های اقتصاد ایران مخصوصاً در زمینه علت‌یابی چالش‌های رشد باثبات اقتصادی و همچنین ارائه توصیه‌های راهبردی و سیاستی و کمک به سیاست‌گذاران و مجریان اقتصادی کشور قدم‌های مؤثری را بردارد.

### رشد اقتصادی مهم‌ترین رکن توسعه و شرط اساسی توسعه است

سخنرانی دیگر گشایش همایش توسط دکتر ابراهیم التجائی، دانشیار پژوهشکده اقتصاد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و دبیر علمی همایش، انجام شد.

دکتر التجائی گفت: رشد اقتصادی ظاهراً یک مفهوم کمی است که دلالت بر رشد تولید ناخالص (داخلی یا ملی) دارد. رشد GDP همزمان با رشد جمعیت، رشد درآمد سرانه را رقم می‌زند که یک معیار مهم برای سنجش سطح رفاه و توسعه ملت‌ها و جوامع است. ولی آیا رشد اقتصادی را می‌توان در همین مفهوم به ظاهر کمی خلاصه کرد و به سادگی از کنار آن گذشت؟ با کمی دقت در ماهیت و الزامات رشد متوجه می‌شویم که مسئله به این سادگی نیست.

تودارو (۱۹۸۹: ۶۲۲) رشد اقتصادی را این‌گونه تعریف می‌کند: «فرایندی پایدار که در اثر آن، ظرفیت تولید، طی زمان، افزایش می‌یابد و سبب افزایش سطح درآمد ملی می‌شود». این تعریف به مفاهیم مهمی اشاره دارد: داشتن فرایند، پایداری، افزایش ظرفیت تولید و افزایش سطح درآمد سرانه. بنابراین به جرأت می‌توان ادعا کرد که رشد اقتصادی به هیچ‌روی یک مفهوم تک‌بعدی و صرفاً کمی نیست. حتی اگر از بُعد کمی هم به رشد اقتصادی بنگریم، این رشد مهم‌ترین رکن توسعه و شرط اساسی توسعه است. مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۷، رشد اقتصادی پایدار را برای توسعه اقتصادی و اجتماعی همه کشورهای به‌ویژه کشورهای در حال توسعه بسیار ضروری دانسته است. از طریق چنین رشدی، که باید به‌طور گسترده به‌نفع همه مردم باشد، کشورها قادر خواهند بود استانداردهای زندگی مردم خود را از طریق ریشه‌کنی فقر، گرسنگی، بیماری و بی‌سوادی و فراهم کردن سرپناه کافی و اشتغال مطمئن و حفظ پایداری محیط زیست بهبود بخشند (مجمع عمومی سازمان ملل متحد، ۱۹۹۷: ۲).

در طول نیم‌قرن گذشته بسیاری از کشورهای که درآمد سرانه‌ای تقریباً برابر با ایران یا حتی بسیار کمتر داشته‌اند، رشد اقتصادی قابل توجهی را تجربه کرده و توانسته‌اند درآمد سرانه (و در نتیجه، رفاه و توسعه اقتصادی) خود را به سطح بالایی برسانند. در ایران، با وجود پتانسیل‌های بالایی از منظر گوناگون و تأکید برنامه‌های متعدد توسعه اقتصادی-اجتماعی و سایر اسناد بالادستی بر دستیابی به نرخ‌های رشد اقتصادی بالا و پایدار، میانگین رشد اقتصادی بلندمدت بسیار اندکی به‌دست آمده و در نتیجه، درآمد سرانه در سطحی پایین قرار گرفته است. این میانگین بسیار پایین رشد اقتصادی ایران در دوره‌ای بلند، موجب شکاف‌های قابل توجهی در درآمد سرانه با کشورهای در حال توسعه و هم‌ردیف ایران و حتی کشورهای همسایه ایران شده است. البته در این دوره فراز و نشیب‌هایی وجود داشته و در برخی از زیردوره‌ها رشد اقتصادی ایران شرایط نسبتاً بهتری را تجربه کرده است، اما در بلندمدت،

میانگین رشد اقتصاد بسیار پایین بوده است.

التجائی در خاتمه سخنانش تصریح کرد: اختلاف قابل توجه بین میانگین رشد GDP سرانه ایران و جهان در ۴۵ سال گذشته باعث شده که، درآمد سرانه ایران اکنون به کسری از درآمد سرانه جهان کاهش پیدا کند. این فاصله و شکاف اگر بخواهد در آینده باقی بماند یا گسترش یابد، پیامدهای آن از حوزه اقتصاد فراتر خواهد رفت و در حوزه‌های سیاسی و امنیتی عواقب نامطلوبی خواهد داشت. پایین بودن رشد اقتصادی بلند مدت ایران، در داخل کشور نیز پیامدهای اقتصادی گسترده‌ای داشته است. از بیکاری و تورم تا فقر و مهاجرت و سرمایه‌گذاری خصوصی اندک و پیامدهای نامطلوب دیگر. در یک جمله می‌توان گفت که این رشد اقتصادی اندک، توسعه را دچار بحران کرده است. از این رو، به جرأت می‌توان ادعا کرد که مهم‌ترین مسئله اقتصادی، حتی سیاسی و اجتماعی ایران در حال حاضر، پایین بودن رشد اقتصادی کشور است.



### رشد اقتصادی ایران در افق بلندمدت: مسئله ما چیست؟ نظریه‌ها چه می‌گویند؟

سپس در نشست اول این همایش، اولین سخنرانی با عنوان «رشد اقتصادی ایران در افق بلندمدت: مسئله ما چیست؟ نظریه‌ها چه می‌گویند؟» توسط دکتر کاظم یاورى؛ استاد دانشکده اقتصاد، مدیریت و حسابداری دانشگاه یزد ارائه شد.

یاورى گفت: چند درصد رشد بیشتر در درازمدت دلالت‌های بسیار مهمی بر رفاه جامعه خواهد داشت. کشوری که به‌طور متوسط ۲ درصد رشد درآمد سرانه دارد، ۳۵ سال باید منتظر بماند تا این درآمد دو برابر شود. ولی کشوری که ۵ درصد رشد درآمد سرانه دارد، بعد از ۱۴ سال شاهد دو برابر شدن درآمد سرانه خودش خواهد بود.



البته رشد اقتصادی یک هدف غایی نیست، ولی بدون دستیابی به یک نرخ رشد اقتصادی پایدار و البته قابل قبول، رسیدن به سایر اهداف توسعه اقتصادی اگر غیرممکن نباشد، بسیار دشوار خواهد بود. بهداشت، آموزش، رفاه، سلامت روح و روان جامعه و ... مستلزم داشتن درآمد کافی است. فرمایش حضرت علی (ع) «کاد الفقر ان یکون کفرا» کفایت می‌کند.

وی افزود: اگر یک نگاه اندیشمندانه و تعقلانه به همه نظریه‌ها و مدل‌هایی که در زمینه رشد اقتصادی و عوامل آن در ادبیات علم اقتصاد ارائه شده است، ببینیم و همه آن‌ها را اعم از مدل‌های بدون مبانی خرد، مدل‌های مبتنی بر مبانی خرد، مدل‌های درون‌زا و نیمه‌درون‌زا و کاملاً درون‌زا و ... به صورت یک مجموعه در نظر بگیریم، به این نتیجه می‌رسیم که تقریباً کمتر عامل یا پارامتری بوده که به لحاظ نظری تأثیرش بر سطح درآمد سرانه و رشد آن مغفول مانده است. انباشت سرمایه فیزیکی، انباشت سرمایه انسانی (اعم از فزونی دانش عمومی و تخصصی و فراگیری ضمن عمل و آثار برون‌زایی و سرریز آن)، رشد فن‌آوری، سهم عوامل تولید در بخش تحقیق و توسعه، رشد جمعیت و ساختار هرم سنی جمعیت، و صرفه‌های مقیاس، محیط نهادی به انضمام پارامترهایی نظیر درجه ریسک‌گریزی، نرخ ترجیح زمانی، نرخ پس‌انداز و نرخ استهلاک و ... می‌تواند سطح درآمد سرانه یا رشد اقتصادی یا هر دو را تحت تأثیر قرار بدهد. به این نظریه‌ها و مدل‌های رشد باید اضافه کرد همه ایده‌ها و نظریه‌هایی که در خصوص توسعه اقتصادی به تدریج در تاریخ علم اقتصاد و به ویژه بعد از جنگ جهانی دوم شکل گرفت و نمو کرد؛ چون به باور متخصصان توسعه همه عواملی که فرآیند توسعه اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهند، به یقین بر رشد بلندمدت اقتصادی اثر خواهند گذاشت و البته بالعکس. قطعاً تأثیر یا عدم تأثیر همه این عوامل و پارامترها را می‌توانیم در مورد اقتصاد ایران زیر ذره‌بین پژوهش قرار دهیم و حتی می‌توان ساعت‌ها هم در خصوص فروض مدل‌های رشد و محدودیت‌های آن‌ها و این‌که با شرایط و وضعیت اقتصادی کشور منطبق است یا خیر بحث کرد. آیا انباشت سرمایه فیزیکی در کشور ما به حدی کافی بوده است؟ آیا ده‌ها هزار پروژه نیمه‌تمام در کشور همان انباشت سرمایه فیزیکی است؟ آیا کارخانه مدرک لیسانس و فوق لیسانس و دکتری راه‌انداختن همان انباشت سرمایه انسانی است؟ آیا واقعاً سرمایه انسانی در تولید کشور نقشی دارد؟ آیا ساختار انگیزه‌ها در جهت رشد اقتصادی است یا فعالیت‌های رانت‌جویانه؟ آیا ما شاهد رشد فن‌آوری به معنای واقعی در صنایع مختلف بوده و هستیم؟ آیا استراتژی جایگزینی واردات کمکی به رشد اقتصادی کشور نموده است؟ و ده‌ها سؤال دیگر.

دکتر یآوری ادامه داد: اگر در یک افق بسیار طولانی به وضعیت رشد اقتصادی کشور نگاه کنیم، به یک مسئله‌ای دیگر در کنار سایر مسائل رشد پی خواهیم برد که به نظر می‌رسد مهم‌ترین مسئله کنونی نیز باشد. این مسئله پدیده سقوط‌های شدید و مکرر رشد اقتصادی کشور در یک افق زمانی طولانی است؛ که انتظار تکرار آن در آینده نیز دور از ذهن عالمان اقتصاد و دور از واقعیت‌های جامعه نیست. این وضعیت کمابیش مانند جاده‌ای است که هر ۵۰ کیلومتر یک چاله‌ای عمیق در آن به وجود آمده است که باعث شده رانندگان سایر مسایل و مشکلات جاده را به فراموشی بسپارند و دغدغه و نگرانی اصلی آن‌ها وجود این چاله‌ها باشد که در صورت افتادن در آن‌ها اگر حتی سالم بمانند، یقیناً جلوبندی اتومبیل‌ها خرد خواهد شد و زمان زیادی طول خواهد کشید تا آن‌ها را تعمیر کنند. وضعیت اقتصادی کشور در یک افق بلندمدت همین‌گونه بوده است.

با توجه به حوادثی که در یک افق بلندمدت در کشور اتفاق افتاده و سقوطهای شدید رشد اقتصادی از تبعات آن‌ها بوده است، دیگر نمی‌توان به این سقوطها به‌عنوان عوامل برون‌زا نگاه کرد، بلکه تکرار آن‌ها دلیلی است بر درون‌زا شدن آن‌ها. بدین معنی که زاییده خود نظام سیاسی اقتصادی کشور است و مهم‌ترین پیامد آن‌ها گرفتار شدن اقتصاد کشور در تله متوسط رشد پایین اقتصادی است.

اگر در ادامه حیات اقتصادی کشور از بروز چنین سقوطهایی جلوگیری نشود، تبعات اقتصادی و سیاسی و امنیتی ناگواری می‌تواند به‌دنبال داشته باشد. شاید نفت یکی از مهم‌ترین عوامل بروز چنین سقوطها باشد، ولی سایر عوامل سیاسی و منطقه‌ای و قرار گرفتن در منطقه خاص جغرافیایی و نیز اتخاذ راهبردهای مغلوب و وقوع تنش‌های مزمن‌شده با غرب و نیز فشار بیگانگان در ایجاد چنین چاله‌هایی در مسیر اقتصاد کشور بی‌تأثیر نبوده است. امید است این دولت بتواند قطار اقتصاد کشور را در مسیری هموارتر و قابل پیش‌بینی‌تر قرار دهد، تا مانع سقوطهای شدید رشد در آینده شود و البته بر تمامی مسئولین و سیاست‌گذاران اقتصادی است که سایر موانع رشد اقتصادی را نیز به تدریج مرتفع کنند. در این خصوص استفاده از تجارب تلخ و شیرین سایر کشورهای در حال توسعه که بعد از جنگ جهانی دوم تاکنون به‌دست آمده است توصیه می‌شود.

### آسیب‌شناسی چالش‌های رشد اقتصادی ایران با رویکرد HRV

دومین سخنرانی به ارائه مقاله مشترک «آسیب‌شناسی چالش‌های رشد اقتصادی ایران با رویکرد HRV» توسط دکتر یدالله دادگر؛ استاد اقتصاد دانشکده اقتصاد دانشگاه بهشتی انجام شد.

دادگر در ابتدا بیان کرد: این مقاله به بررسی آسیب‌شناسی رشد اقتصادی ایران در مقایسه با کشورهای منتخب نفتی می‌پردازد. براین‌اساس رشد اقتصادی کشورها، به‌ویژه کشورهای کمتر توسعه‌یافته یکی از موضوعات کلیدی است. بررسی روند رشد اقتصادی در دهه‌های اخیر نشان‌گر وجود چالش‌های جدی در اقتصاد ایران است که یکی از آن، پایین‌بودن رشد اقتصادی است. رشد اقتصادی پایین آثار خود را بر متغیرهای کلان کشور مانند بیکاری دو رقمی، تورم دو رقمی، درآمد سرانه پایین، شاخص فلاکت و توزیع نابرابر نشان داده است.

وی ادامه داد: بر اساس عملکرد رشد اقتصادی ایران سؤالات زیادی قابل طرح است. این‌که چرا اقتصاد ایران باوجود هدف‌گذاری رشد اقتصادی به نرخ‌های مورد نظر نمی‌رسد؟ چه موانعی برای رشد اقتصادی ایران وجود دارد و آیا راه‌کاری برای برون‌رفت از وضع یادشده وجود دارد؟



### مقدمه



dadgar -

❖ **رشد اقتصادی** کشورها، به ویژه کمتر توسعه‌یافته‌ها، موضوع کلیدی کلان... و دهه‌های اخیر چالش **پایین بودن رشد اقتصاد ایران**...

❖ **رشد اقتصادی** پایین آثار نامناسب بر متغیرهای کلان... در ایران **بیکاری** دو رقمی، **تورم** دو رقمی، **درآمد سرانه پایین**، **توزیع نابرابر**، رفاه پایین و...

❖ **عملکرد رشد اقتصادی ایران** با سؤالات زیاد، چرا علی‌رغم **هدف‌گذاری رشد** در همه برنامه‌ها عدم رسیدن به نرخ مورد نظر...؟ و چرا **مواردی** از رشد اما...؟ **راهکارهای برون‌رفت** از وضع یادشده...؟



در این مقاله از رویکرد آسیب‌شناسی رشد اچ آر وی برای کنکاشی در این رابطه استفاده شده است. این رویکرد دنبال شناسایی محدودیت رشد اقتصادی و تعیین عوامل آن است. در مورد یک اقتصاد کم‌رشد، قبل از تعریف نسخه توسعه، بایستی نسبت به آن رویکرد آسیب‌شناسی اعمال کرد. آسیب‌شناسی رشد کمک می‌کند تا سیاست‌ها و برنامه‌هایی طراحی شوند که با در نظر گرفتن شرایط اقتصادی و نهادی کشور مورد نظر به رفع محدودیت‌های شناسایی شده، اقدام شده و اصلاحات مورد نیاز را بر اساس آن‌ها مشخص کند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد ساختارهای نهادی و حکمرانی ضعیف، چالش اصلی رشد اقتصادی ایران هستند.

### نامتوازی‌های سیستم مالی و مسئله رشد اقتصادی پایین در ایران: رویکرد HRV

سومین سخنرانی، با ارائه مقاله مشترک «نامتوازی‌های سیستم مالی و مسئله رشد اقتصادی پایین در ایران: رویکرد HRV» توسط دکتر محمدعلی ابوترابی، استادیار پژوهشکده اقتصاد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی انجام شد.

ابوترابی بیان داشت: متوسط رشد اقتصادی سالانه اقتصاد ایران در سال‌های بعد از انقلاب ۱/۷ درصد و در دهه اخیر ۰/۴ بوده است. بنابراین اصلاح سیستم‌ها و ساختارهای مانع رشد برای دستیابی هرچه سریع‌تر به سطوح بالاتر درآمد سرانه و جبران فرصت‌های از دست‌رفته ضروری است. این پژوهش با پیروی از رهیافت درخت تصمیم‌گیری هاسمن، رودریک و ولاسکو (۲۰۰۵) بر علل «پایین بودن تأمین مالی» در اقتصاد ایران متمرکز می‌شود و توضیح می‌دهد که چگونه سیستم مالی نامتوازن و ساختار مالی نامتوازن مانع رشد اقتصادی ایران شده‌اند. شواهد اقتصاد ایران (وضعیت موجود، دیدگاه‌های سیاستمداران و سیاست‌ها) در قالب یک استراتژی بquamحور قابل فهم هستند، در حالی که بهبود وضعیت رفاهی کشور نیازمند یک استراتژی رشدمحور است. انتظار این است که تلاش برای «ساختار مالی متوازن» و «توسعه مالی متوازن» به انتقال از استراتژی بquamحور کنونی به استراتژی رشدمحور کمک کند.



**نامتوازی‌های سیستم مالی و مسئله رشد اقتصادی پایین در ایران: رویکرد HRV**

**Financial System Unbalances and the Problem of Low Economic Growth in Iran: A HRV Approach**

**محمدعلی ابوترابی و مهدی حاج امینی**

همایش ملی بازشناسی چالش‌های رشد اقتصادی در ایران؛ تبیین موانع تولید و بهسازی راهبردها و سیاست‌ها پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی؛ پژوهشکده اقتصاد

۱۴۰۰/۱۱/۱۱

### پی‌ریزی تحقق رشد اقتصادی پایدار در برهه‌های سرنوشت‌ساز

سخنرانی پایانی این نشست با ارائه مقاله مشترک «پی‌ریزی تحقق رشد اقتصادی پایدار در برهه‌های سرنوشت‌ساز: فهم علل ناکامی ایران (۱۳۶۸-۱۴۰۰)» توسط دکتر کامران ربیعی، استادیار دانشگاه تربیت مدرس انجام شد.



وی اظهار داشت: رشد اقتصادی یکی از مهم‌ترین معیارها برای دستیابی به سطح رفاه عمومی بالا، توزیع عادلانه درآمد و در نهایت، توسعه اقتصادی کشورها است. رشد اقتصادی در یک تعریف عام و رایج برابر است با افزایش تولید ناخالص داخلی یک کشور نسبت به دوره قبل. در مقاله حاضر رشد اقتصادی پایدار در چارچوب نهادگرایی جدید مورد مطالعه قرار گرفته می‌شود. از همین‌رو، تأکید بر تغییرات نهادی به منظور دستیابی به رشد اقتصادی پایدار عملاً پدیدآورنده توسعه در کشورها است.

دکتر ربیعی ادامه داد: سؤال پژوهش این است که چرا ایران پس از جنگ هشت ساله نتوانست به یک رشد پایدار و مستمر که لازمه توسعه اقتصادی و نیل به یک اقتصاد توسعه‌یافته است برسد؟ بر این اساس، هدف مقاله حاضر این است که از طریق مفهوم برهه سرنوشت‌ساز می‌خواهد نشان دهد که ایران در مسیر رشد اقتصادی خود فرصت‌سوزی کرده و به‌جای چرخه‌های تکاملی، وارد چرخه‌های شوم شده است. برای پاسخ به پرسش اصلی این پژوهش، از دستگاه نظری نورث و همکاران درباره شاخص‌های یک دولت توسعه‌گرا و از نظریه عجم‌اوغلو و رایبسون در خصوص برهه‌های سرنوشت‌ساز تاریخی استفاده شده است.

وی افزود: مطالعه حاضر بر اساس روش تفسیر تاریخی و تکنیک تحلیل روایتی انجام شده است. بر اساس یافته‌های پژوهش، به نظر می‌رسد که در سال ۱۳۷۶ برهه سرنوشت‌ساز در اثر تغییر موضع غرب نسبت به دولت منتخب و تغییر فضای داخلی شکل گرفته بود. در این برهه، گفتمان غالب در جهان گفتمان دموکراسی و حقوق بشر بود و رئیس‌جمهور منتخب با همان گفتمان سخن می‌گفت و آزادی، مردم‌سالاری، جامعه مدنی و حقوق بشر در کانون توجه او بود و به‌لحاظ گفتمانی گفتمان اصلاحات حول همین موضوعات بود. از این‌رو، دست دادن این گفتمان به گفتمان غالب جهانی آن دوره موجب شکل‌گیری برهه سرنوشت‌ساز پس از انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶ شد که سبب شده بود کشور در مسیر چرخه‌های تکاملی حرکت کند. در یک ارزیابی کلی به نظر می‌رسد که عملاً ایران نتوانست از این فرصت و موقعیت در راه دستیابی به رشد اقتصادی پایدار استفاده کند؛ چرا که کشور به مرور وارد مرحله‌ای شد که روندهای طی شده در آن هم‌سو با توسعه و رشد اقتصادی نبود. این روندها و رویدادها تأثیرات ساختاری منفی بر اقتصاد کشور اعمال کردند، به‌نحوی که یک دهه بعد ایران در شرایطی قرار گرفت که سازماندهی جامعه دیگر توسعه‌ای نبود.



گزارش دومین نشست همایش

## بازشناسی چالش‌های رشد اقتصادی در ایران؛ تبیین موانع تولید و به‌سازی راهبردها و سیاست‌ها

دومین نشست همایش ملی «بازشناسی چالش‌های رشد اقتصادی در ایران؛ تبیین موانع تولید و به‌سازی راهبردها و سیاست‌ها»، به همت پژوهشکده اقتصاد، ۱۱ بهمن‌ماه با دبیری دکتر سیدکامل طیبی؛ استاد دانشگاه اصفهان، گروه اقتصاد دانشکده علوم اداری و اقتصاد، مطابق جدول زیر به‌صورت مجازی برگزار شد.

### مروری بر چالش‌های رشد اقتصادی ایران با تأکید بر بخش خارجی



سخنرانی اول نشست دوم همایش با ارائه مقاله مشترک «مروری بر چالش‌های رشد اقتصادی ایران با تأکید بر بخش خارجی» توسط دکتر ابوالقاسم مهدوی، دانشیار دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران، ارائه شد.

دکتر مهدوی در ابتدای سخنانش گفت: سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی FDI و تأثیر آن بر رشد و توسعه اقتصادی کشورها به‌لحاظ نظری و تجربی همواره مورد توجه بوده است. امروزه بسیاری از تحلیلگران از FDI به‌عنوان عامل اصلی ادغام بازارهای مالی در فعالیت‌های اقتصادی جهان یاد می‌کنند و آن را به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی جهانی‌شدن برمی‌شمارند و معتقدند FDI می‌تواند نقش مؤثری در حل مشکلات اقتصادی کشورهای در حال توسعه ایفا کند. علاوه بر FDI، صادرات نیز از جمله ارکان بخش خارجی هر کشوری محسوب می‌شود. به‌طوری‌که بسیاری از کشورها از استراتژی توسعه صادرات در سرعت‌بخشیدن به رشد اقتصادی خود بهره می‌گیرند. در این مقاله با توجه به نقش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و صادرات در رشد اقتصادی، به مقایسه‌ی تطبیقی وضعیت این دو متغیر مهم در ایران با کشورهای پیرامون پرداخته‌ایم

که با عنایت به موارد مذکور در مقاله امکان مقایسه با ایران را دارند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد باوجود سابقه بیشتر ایران در تدوین برنامه‌های توسعه و نهادسازی، بخش خارجی ایران در قیاس با کشورهای در حال توسعه‌ای که استراتژی‌های توسعه و بستر نهادی آن‌ها مؤخر بر ایران بوده، دارای عملکرد مطلوبی نیست.

### آیا تحقق رشد شتابان اقتصادی از طریق توسعه صادرات غیرنفتی بدون الحاق به WTO ممکن است؟

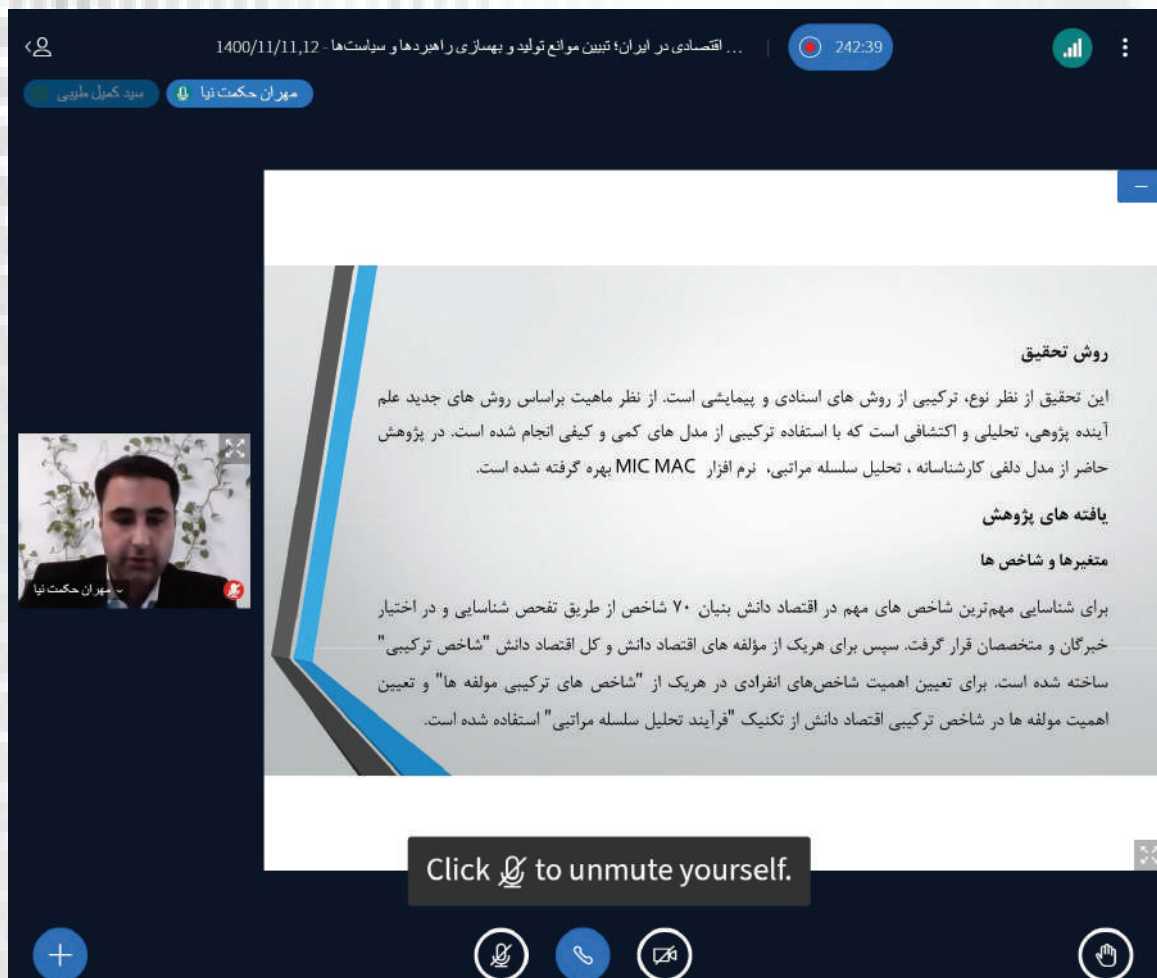
دومین سخنرانی با ارائه مقاله «آیا تحقق رشد شتابان اقتصادی از طریق توسعه صادرات غیرنفتی بدون الحاق به WTO ممکن است؟» توسط دکتر محمدحسن زارع، استادیار دانشکده اقتصاد، مدیریت و حسابداری دانشگاه یزد، انجام شد.

دکتر زارع بیان کرد: در سند چشم‌انداز بیست ساله کشور که در سال ۱۳۸۲ برای افق ۱۴۰۴ ابلاغ شد، تأکید شده که ایران باید به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری منطقه آسیای جنوب غربی دست یابد و با رشد پرشتاب و مستمر اقتصادی و ارتقاء نسبی سطح درآمد سرانه به اشتغال کامل برسد. از همان زمان، تمامی مقامات کشور بر این امر اتفاق نظر داشتند که تحقق این هدف بدون اتخاذ راهبرد توسعه صادرات غیرنفتی و رهایی از اقتصاد متکی به نفت امکان‌پذیر نیست. هدف این مقاله پاسخ به این پرسش است که آیا اصولاً موفقیت راهبرد توسعه صادرات و به‌دنبال آن تحقق اهداف مطرح‌شده در سند چشم‌انداز، بدون عضویت در تنها سازمان بین‌المللی متولی امور تجارت جهانی، یعنی سازمان جهانی تجارت (با ۱۶۵ کشور عضو)، امکان‌پذیر است؟ به این منظور، با روش توصیفی-تحلیلی، مهمترین اصول و مقررات سازمان جهانی تجارت، با الزامات راهبرد توسعه صادرات تطبیق داده شد. نتایج این مطالعه نشان داد که از یک‌سو، با توجه به این‌که تنها کشورهای عضو سازمان، مشمول اصل عدم تبعیض در روابط تجاری خود با یکدیگر هستند.

از سوی دیگر، به‌خاطر الزامات شفافیت و اطلاع‌رسانی، تعهد کشور عضو به کاهش و تثبیت تعرفه‌ها و عدم تغییر مکرر مقررات تجاری داخلی، رعایت حقوق مالکیت فکری (در هر دو حوزه مالکیت ادبی و صنعتی) و امکان طرح شکایت از کشور نقض‌کننده الزامات سازمان از طریق نظام فیصله اختلافات تجاری، این سازمان نقش بی‌بدیلی در فراهم‌کردن زمینه لازم برای کامیابی اعضای خود در راهبرد توسعه صادرات و جذب سرمایه‌گذاری خارجی دارد؛ به‌طوری‌که هیچ ترتیبات تجاری دیگری نمی‌تواند جایگزین آن شود. با این همه، عضویت در این سازمان شرط لازم برای تحقق رشد اقتصادی پرشتاب از طریق توسعه صادرات است، اما کافی نیست. مطالعات مختلف نشان می‌دهد کشورهای در حال توسعه توانسته‌اند از ظرفیت این سازمان به‌خوبی بهره‌مند شوند و همزمان، اصلاحات اقتصاد داخلی را از طریق اجرای الزامات نظام اقتصاد بازار به‌طور جدی دنبال کرده‌اند.

### شناسایی پیشران‌های اقتصاد دانش‌بنیان در ایران

سومین سخنرانی، با ارائه مقاله مشترک «شناسایی پیشران‌های اقتصاد دانش‌بنیان در ایران» توسط دکتر مهران حکمت‌نیا، دکتری اقتصاد کشاورزی، انجام شد. دکتر حکمت‌نیا گفت: شرکت‌های دانش‌بنیان جهت تبدیل ایده‌ها و نوآوری‌ها به محصول، تجاری‌سازی پژوهش‌ها، هم‌افزایی علم، ثروت، توانمندسازی و هدایت دانش‌آموختگان جهت ورود به فضای کسب‌وکار ایجاد می‌شوند. هدف پژوهش حاضر، شناسایی پیشران‌های اقتصاد دانش‌بنیان است؛ که ابتدا به شناسایی و تحلیل عوامل پیشران کلیدی پرداخته شده و سپس رتبه‌بندی شاخص‌های اقتصاد دانش‌بنیان در ایران را تدوین می‌کند. چارچوب نظری این تحقیق، پارادایم هنجاری و برنامه‌ریزی با رویکرد وفادارانه به اسناد بالادستی است.



1400/11/11,12 ... اقتصادی در ایران؛ تبیین موانع تولید و بهسازی راهبردها و سیاست‌ها - 742:39

مید کمال طویلی | مهران حکمت‌نیا


#### روش تحقیق

این تحقیق از نظر نوع، ترکیبی از روش‌های استنادی و پیمایشی است. از نظر ماهیت براساس روش‌های جدید علم آینده پژوهی، تحلیلی و اکتشافی است که با استفاده ترکیبی از مدل‌های کمی و کیفی انجام شده است. در پژوهش حاضر از مدل دلفی کارشناسانه، تحلیل سلسله مراتبی، نرم افزار MIC MAC بهره گرفته شده است.

#### یافته‌های پژوهش

#### متغیرها و شاخص‌ها

برای شناسایی مهم‌ترین شاخص‌های مهم در اقتصاد دانش‌بنیان ۷۰ شاخص از طریق تفحص شناسایی و در اختیار خبرگان و متخصصان قرار گرفت. سپس برای هر یک از مؤلفه‌های اقتصاد دانش و کل اقتصاد دانش "شاخص ترکیبی" ساخته شده است. برای تعیین اهمیت شاخص‌های انفرادی در هر یک از "شاخص‌های ترکیبی مؤلفه‌ها" و تعیین اهمیت مؤلفه‌ها در شاخص ترکیبی اقتصاد دانش از تکنیک "فرآیند تحلیل سلسله مراتبی" استفاده شده است.

Click  to unmute yourself.



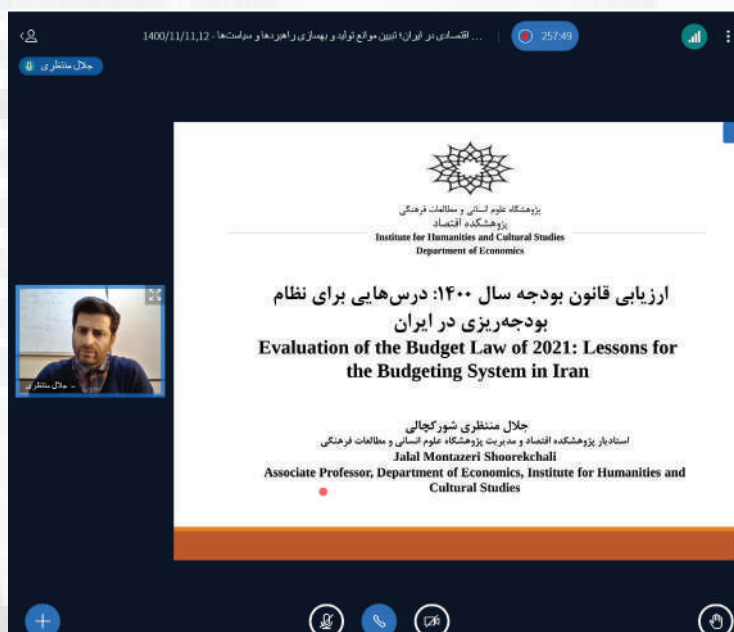
افق زمانی تحقیق حاضر سال ۱۴۰۴ هجری شمسی است. داده‌های اولیه تحقیق با استفاده از پیشینه‌های تحقیق و پرسش‌نامه از محققان ملی و بین‌المللی جمع‌آوری و با استفاده از تحلیل سلسله مراتبی و نمودار MIC MAC تجزیه و تحلیل شده‌اند. در نهایت، نتایج حاصل از به‌کارگیری روش تحلیل تأثیرات متقاطع حاکی از آن بود که ۱۴ عامل کلیدی از میان عوامل ۳۲ گانه شناسایی شده بیشترین تأثیر را در آینده اقتصاد دانش‌بنیان دارد.

### ارزیابی قانون بودجه سال ۱۴۰۰: درس‌هایی برای نظام بودجه‌ریزی در ایران

سخنرانی پایانی این نشست با ارائه مقاله «ارزیابی قانون بودجه سال ۱۴۰۰: درس‌هایی برای نظام بودجه‌ریزی در ایران» توسط دکتر جلال منتظری شورکچالی، استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، انجام شد. دکتر منتظری گفت: امروزه بودجه تنها یک سند حسابداری ساده که منابع و مصارف مالی دولت را نشان می‌دهد، نیست و یک ابزار سیاست‌گذاری قوی برای تحقق اهداف کلان اقتصادی محسوب می‌شود. در بطن بودجه‌ریزی جدید شناسایی راهبردهای رشد و توسعه اقتصادی کشورها و پیگیری اهداف کلان اقتصادی از جمله رشد اقتصادی سریع و پایدار مشهود است. با این وجود و برخلاف اهمیت ذاتی بودجه و کارکرد بی‌بدیل بودجه و سیاست‌های بودجه‌ای در جهت ایجاد ثبات و هدایت اقتصاد به سمت اهداف ترسیمی، همچنان مسائل و مصائب بودجه و بودجه‌ریزی در اقتصاد ایران بی‌شمار هستند.

وی افزود: مطالعه حاضر تلاش می‌کند تا با استفاده از شاخص‌های عملکردی مختلف، قانون بودجه سال ۱۴۰۰ کشور مورد ارزیابی قرار دهد. بر اساس بررسی‌های انجام گرفته: (۱) افزایش ۴۷/۷ درصدی منابع و مصارف بودجه عمومی دولت در مرحله تصویب قانون بدون توجه به شرایط تحریمی و بحران کووید-۱۹؛ (۲) تشدید کسری تراز عملیاتی؛ (۳) پیش‌بینی خوش‌بینانه از درآمدهای نفتی؛ (۴) کاهش سهم درآمدهای مالیاتی از منابع عمومی دولت؛ (۵) سهم ۳۳/۴۵ درصدی واگذاری دارایی‌های مالی از منابع عمومی دولت؛ (۶) شاخص پوشش مالیاتی پایین و تشدید ضعف مدیریت هزینه؛ (۶) افزایش نگران‌کننده خالص واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای؛ و (۷) ترکیب غیربهینه و کاهش سهم تملک دارایی‌های سرمایه‌ای از مصارف عمومی دولت، مهم‌ترین عارضه‌های شناسایی شده مربوط به قانون بودجه سال ۱۴۰۰ هستند.

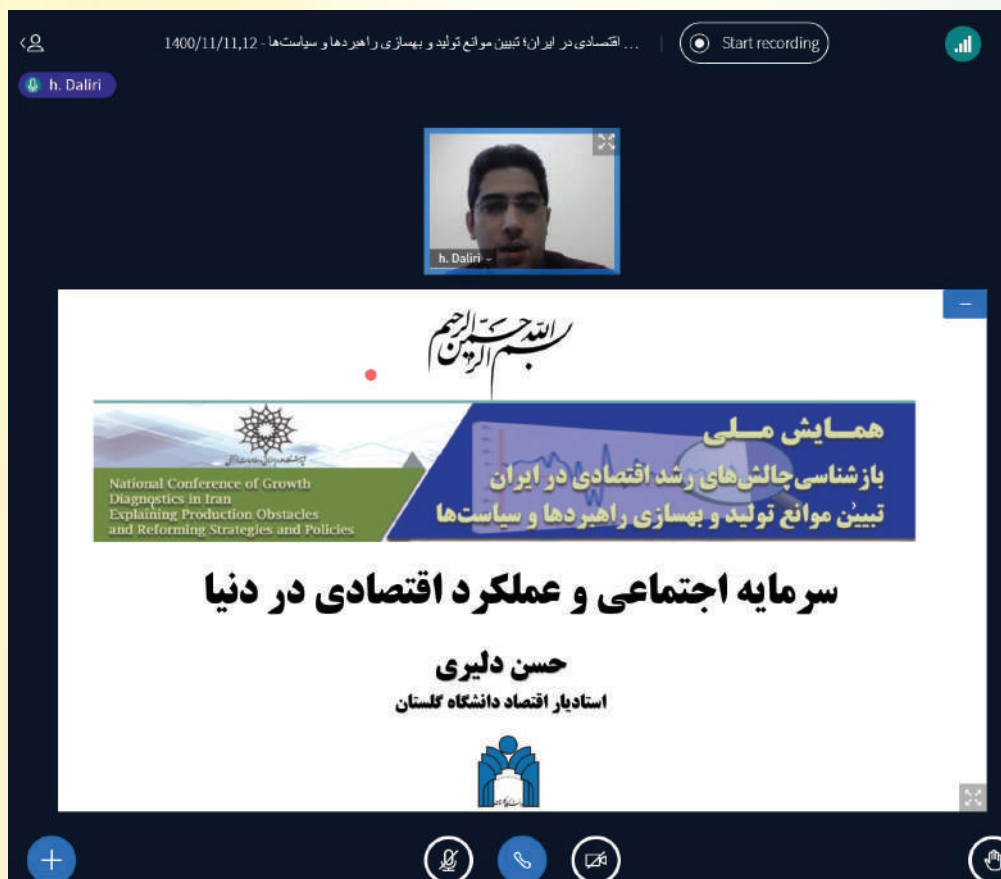
دکتر منتظری در خاتمه سخنانش تأکید کرد: به‌نظر می‌رسد مشکلات و معضلات قابل ملاحظه ساختار بودجه و فرآیند بودجه‌ریزی در کشور به این واقعیت برمی‌گردد که در تدوین بودجه سالانه کشور هیچ استاندارد علمی-قانونی وجود ندارد و سلیقه‌ها در تدوین قوانین بودجه سالانه کشور بسیار اثرگذار هستند. بنابراین، تعریف یک سری استانداردها برای نظام بودجه‌ریزی کشور و تبدیل آن‌ها به قوانین حاکم بر نظام بودجه‌ریزی کشور و پایش این استانداردها توسط یک نهاد مستقل و غیروابسته به دولت و مجلس، مهم‌ترین توصیه سیاستی این مطالعه خواهد بود.



## گزارش سومین نشست همایش ملی بازشناسی چالش‌های رشد اقتصادی در ایران؛ تبیین موانع تولید و به‌سازی راهبردها و سیاست‌ها

سومین نشست همایش ملی «بازشناسی چالش‌های رشد اقتصادی در ایران؛ تبیین موانع تولید و به‌سازی راهبردها و سیاست‌ها»، به همت پژوهشکده اقتصاد، ۱۲ بهمن‌ماه با دبیری دکتر امیرحسین مزینی؛ دانشیار دانشگاه تربیت مدرس، به‌صورت غیرحضوری (برخط) برگزار شد.

در ابتدای این نشست دکتر حسن دلیری، استادیار اقتصاد دانشگاه گلستان، مقاله خود را با عنوان «بررسی ارتباط سرمایه اجتماعی و رشد اقتصادی در کشورهای دنیا» ارائه کرد. دکتر دلیری گفت: این مطالعه به بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر تولید سرانه و رشد اقتصادی در ۱۸۰ کشورهای دنیا می‌پردازد. به‌منظور شناسایی اهمیت سطوح درآمد بر ارتباط بین سرمایه اجتماعی و رشد اقتصادی، کشورهای دنیا در چهار دسته درآمدی کم‌درآمد، بالاتر و پایین‌تر از متوسط و کشورهای پردرآمد دسته‌بندی شدند. علاوه بر این، کشورها بر اساس پتانسیل سرمایه اجتماعی نیز، در دو دسته سرمایه اجتماعی بالاتر از متوسط و پایین‌تر از متوسط قرار گرفته و برای هر یک از آن‌ها با بهره‌گیری از مدل رگرسیون باثبات، اثر سرمایه اجتماعی بر تولید سرانه ارزیابی شد. نتایج برآورد در سطوح مختلف درآمدی کشورها نشان از آن دارد که سرمایه اجتماعی بر تولید سرانه کشورهای کم‌درآمد و پردرآمد اثر مثبت داشته، اما در بین کشورهای با درآمد متوسط، این اثرگذاری معنی‌دار نبود. نتایج نشان از آن دارد که در دسته کشورهای با سرمایه اجتماعی بالا، اثر سرمایه اجتماعی بر تولید سرانه بسیار مهم بوده است، حال آن‌که در کشورهایی با سرمایه اجتماعی پایین، سرمایه اجتماعی اثر معنی‌دار بر تولید سرانه و رشد اقتصادی کشور ندارد.



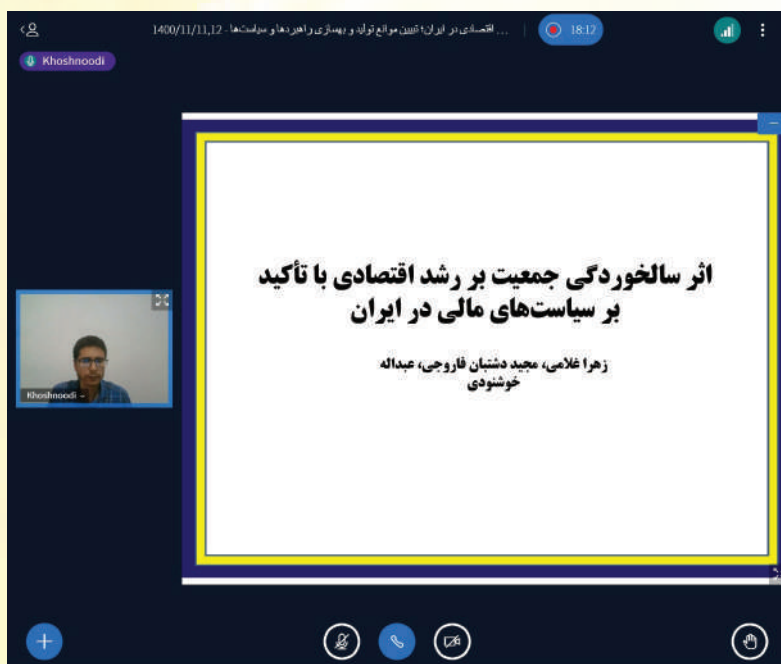


## اثر سالخوردگی جمعیت بر رشد اقتصادی با تأکید بر سیاست‌های مالی در ایران

دومین سخنرانی با ارائه مقاله مشترک «اثر سالخوردگی جمعیت بر رشد اقتصادی با تأکید بر سیاست‌های مالی در ایران» توسط دکتر عبدالله خوشنودی، استادیار اقتصاد دانشگاه بجنورد، انجام شد.

دکتر خوشنودی بیان کرد: هدف این مقاله بررسی اثر سالخوردگی جمعیت بر رشد اقتصادی با تأکید بر سیاست‌های مالی در ایران است. برای این منظور، الگوی نسل‌های هم‌پوشان دو دوره‌ای برای اقتصاد ایران با استفاده از نرم‌افزار متمتیکا، کالیبره شد.

وی افزود: طی گذار جمعیتی، یعنی در مسیر رسیدن از وضعیت یکنواخت اولیه (جوانی جمعیت) به وضعیت یکنواخت جدید (سالخوردگی جمعیت)، نرخ مالیات ترجیحی رأی‌دهنده میانی کاهش می‌یابد. نتایج نشان می‌دهد سالخوردگی جمعیت در هر دو وضعیت سیاست مالی درون‌زا و بیرون‌زا اثر مثبت بر رشد اقتصادی دارد، منتها این اثر مثبت سالخوردگی جمعیت بر رشد اقتصادی کشور ایران در وضعیت سیاست مالی بیرون‌زا بیش‌تر از سیاست مالی درون‌زا است.



## اقتصاد سیاسی صلح و توسعه: چرا بدون صلح، توسعه ناممکن است؟

سومین سخنرانی، با عنوان «اقتصاد سیاسی صلح و توسعه: چرا بدون صلح، توسعه ناممکن است؟» توسط دکتر سعید عطار، دانشیار دانشگاه یزد انجام شد. دکتر عطار گفت: بروز کشمکش و نزاع، واقعیت بشری است، اما جوامعی که توانسته‌اند تعارضات درون و بیرون از کشور خود را به رقابت‌های مؤثر تبدیل کنند (صلح‌سازی)، امکان‌های زیادی برای رشد و توسعه اقتصادی پیدا کرده‌اند. گزارش‌ها نشان می‌دهند که از سال ۲۰۰۷ به این سو، تعداد مردمانی که در مناطق پرتنش زندگی می‌کنند ۲ برابر افزایش یافته است؛ به طوری که در خاورمیانه و شمال آفریقا، از هر ۵ نفر، ۱ نفر در مناطق بسیار پرتنش و مرگبار زندگی می‌کند.

با توجه به گزارش شاخص جهانی صلح در سال ۲۰۱۸، منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا، در پایین‌ترین سطح بهره‌مندی از صلح قرار داشته و هزینه مستقیم و غیرمستقیم خشونت و ناامنی برای کشورهای این منطقه، ۱،۷۹ تریلیون دلار بوده است. در طول دو دهه اخیر، ۹ کشور از ۱۸ کشور منطقه خاورمیانه درگیر کشمکش‌ها یا بی‌ثباتی‌های ژئوپولیتیکی بوده‌اند و ۱۷۵ میلیارد دلار به تولید ناخالص داخلی این ۹ کشور خسارت وارد شده است. این عوامل به همراه پیامدهای جدیدترین بحران، یعنی بحران کووید-۱۹، زمینه لازم برای کشمکش‌ها و نزاع‌های خشونت‌آمیز را در بسیاری از کشورهای منطقه از جمله کشور ما فراهم کرده است. بانک جهانی در گزارشی پیش‌بینی کرده که کشمکش و خشونت تا سال ۲۰۳۰، زندگی مردم دو سوم کشورها با درآمد کم و متوسط را شدیداً تحت تأثیر قرار خواهد داد. به دلیل این وضعیت، اتفاقی نیست که این منطقه پرتنش، یکی از مناطق کمتر توسعه‌یافته جهان نیز بوده است.

وی ادامه داد: با وجود اهمیت مسئله صلح‌سازی، این موضوع در مطالعات توسعه کمتر مورد توجه قرار گرفته است. در این سخنرانی، این موضوع را به بحث می‌گذاریم که صلح، فقط یک ایده انتزاعی نیست، بلکه کالایی توأمان خصوصی، عمومی و مشترک است که در فقدان آن، رشد و توسعه اقتصادی در مضیقه قرار می‌گیرد.

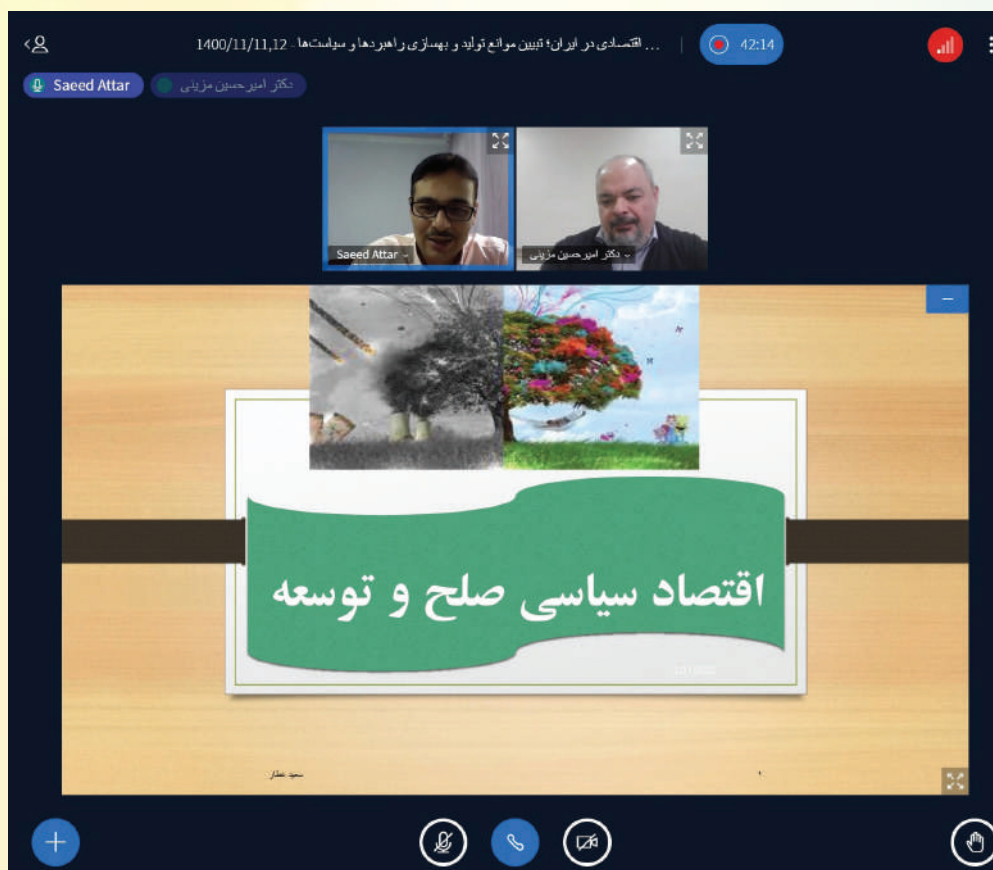
با بررسی وضعیت کنونی توسعه در ایران و گیر افتادن اقتصاد کشور در تله‌های مختلف، بحث خواهیم کرد که برای خروج از وضعیت کنونی، نیاز به دگرگونی در درک سیاست‌گذاران و تغییر یا اصلاح برخی قوانین است. مطالعات مربوط به پیامدهای صلح‌سازی برای توسعه کشورها نشان می‌دهند که باید صلح‌سازی، متغیر اصلی مسیر جدید باشد؛ چرا که بدون تولید حد قابل قبولی از این کالا (صلح)، تحقق رشد مستمر اقتصادی و دست‌یابی به توسعه اگر نه ناممکن، حداقل بسیار دشوار خواهد بود.

دکتر عطار در ادامه، با طرح مفهوم «توسعه صلح‌محور» به این پرسش پاسخ داد که در ایران، چگونه می‌توان توسعه صلح‌محور ساخت. هر چند پاسخ به پرسش چگونگی، مبحثی پیچیده و چندحوزه‌ای است، با این حال، تلاش شد با تمرکز بر برخی از متغیرها، مختصات توسعه صلح‌محور در ایران مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

### پیش‌درآمدی بر سنجش زیرساخت‌های اجتماعی ایران برای تحقق رشد پایدار

پایان این نشست با سخنرانی «پیش‌درآمدی بر سنجش زیرساخت‌های اجتماعی ایران برای تحقق رشد پایدار» توسط دکتر ناصر الهی، دانشیار دانشگاه مفید و عضو هیأت مدیره انجمن علمی اقتصاد اسلامی ایران، انجام شد.

دکتر الهی گفت: یکی از پرسش‌های اساسی اقتصاد رشد در حوزه بین‌کشوری، چگونگی و ریشه‌یابی شکل‌گیری فاصله کشورها از بُعد اقتصادی است. سولو کشف کرد که اختلاف رشد درآمد سرانه کشورهای مختلف، صرفاً به حجم سرانه سرمایه برگشت نمی‌کند و به عامل ناشناخته و برون‌زایی به نام پیشرفت فنی بستگی دارد، که به صورت کارافزا تابع تولید سرانه مؤثر را دست‌خوش تحول و تغییر می‌کند و پسماند سولو انعکاسی از آن است. او فقط توانست آن را شناسایی کند، اما بستر و زمینه خیزش آن، پویش و دینامیک آن و عوامل محیطی مؤثر بر آن در هاله‌ای از ابهام باقی ماند؛ تا اینکه در اقتصاد رشد درون‌زا، تحلیل‌های جدیدی به این پرسش‌های اساسی معطوف گشت.



وی ادامه داد: در این ادبیات نوپدید، عوامل و بسترهای متعددی از قبیل سرمایه انسانی، جغرافیا و عوامل زیست‌بومی، ساختار نهادی، کیفیت آموزش، سرمایه اجتماعی مورد تجزیه و تحلیل اقتصادی قرار می‌گیرند و مقوله رشد اقتصادی به کیفیت تعامل انسان با نظام اجتماعی و مناسبات او با محیط پیرامونی گره می‌خورد. یکی از رویکردهای پیشرو در این زمینه، عطف توجه جدی‌ای است که توسط اولسون (۱۹۶۵ و ۱۹۸۲)، بامول (۱۹۹۰)، نورث (۱۹۹۰)، گریف و کندل (۱۹۹۵) و وینگست به رفتارهای اجتماعی صورت گرفت که در نهایت، هال و جونز (۱۹۹۹) توانستند نشان دهند که زیرساخت‌های اجتماعی می‌تواند مدخلی قابل توجه برای درک بهتر رشد درون‌زا باشد. بر اساس دیدگاه هال و جونز، اگر کشوری زیرساخت‌های اجتماعی خود را به گونه‌ای تحکیم کند که جذابیت تولید از یک‌سو و هزینه‌های رانت‌جویی و چپاول از دیگر سو برای کنشگران اقتصادی افزایش یابد، این کشور در مسیر رشد پایدار مطلوبی قرار می‌گیرد. در غیر این صورت، اقتصاد با دو پیامد وخیم زیر به صورت هم‌زمان روبه‌رو می‌شود:

الف. اتلاف منابع کمیاب اقتصادی: چون در چنین اقتصادی، رانت‌جویی و یغماگری predatory از جذابیت بیشتری برخوردار است، بخشی از منابع کمیاب تولید تا آن‌جا که تولید نهایی بخش یغماگری با بخش تولیدی برابر شود، به یغماگری می‌پردازد؛ ب. انحراف تولید از کالاهای و خدمات مولد به کالاهای و خدمات حفاظتی: در این اقتصاد حتی منابع اقتصادی‌ای که به بخش تولید تخصیص داده می‌شوند، نمی‌توانند تمام توان خود را صرف تولید production کنند، بلکه باید بخشی از توان خود را صرف حفاظت protection کنند تا دست‌رنج و دستاوردهای آنان به چپاول یغماگران نرود.

دکتر الهی تصریح کرد: فقر زیرساختاری در شکل‌گیری ذخیره سرمایه اجتماعی را می‌توان با مقایسه سهم کالاهای و خدمات حفاظتی در تولیدات اقتصاد مورد مطالعه و سهم چنین کالاهایی با اقتصاد کشور تراز اندازه گرفت. گرچه دامنه کالاهای حفاظتی در اقتصاد، بسیار گسترده و متنوع است و دایره شمول آن زیاد است و می‌توان حجم قفل و دزدگیر تعبیه شده در منازل و خودروها را مصداقی از آن دانست، یا حجم و منابع مازادی را که برای تابلوهای راهنمایی و رانندگی و نرده‌ها و امکانات فیزیکی‌ای برای جداسازی مسیر رفت و برگشت خیابان‌های شهری جوامع فقیر تلف می‌شود را در مقایسه سنجید، اما خدمات انتظامی و خدمات قضایی بهترین متغیر نماینده برای شناسایی تولیدات حفاظتی به‌شمار می‌رود و می‌توان فقر زیرساختاری را با مقایسه حجم و رشد این خدمات با کشورهای دیگر که در اثر انباشت ذخیره سرمایه اجتماعی، پلیس را از جامعه حذف کرده‌اند و نیاز به خدمات قضایی را کاهش داده‌اند، اندازه‌گیری کرد.





گزارش چهارمین نشست همایش ملی

## بازشناسی چالش‌های رشد اقتصادی در ایران؛ تبیین موانع تولید و به‌سازی راهبردها و سیاست‌ها

چهارمین نشست همایش ملی «بازشناسی چالش‌های رشد اقتصادی در ایران؛ تبیین موانع تولید و به‌سازی راهبردها و سیاست‌ها»، با عنوان «بحث و گفت‌وگو در چالش‌های رشد اقتصادی ایران» به همت پژوهشکده اقتصاد، ۱۲ بهمن‌ماه به‌صورت غیرحضوری (برخط) برگزار شد. در این نشست شماری از استادان اقتصاد شامل دکتر عباس شاکری، دکتر سیداحمدرضا جلالی نائینی، دکتر ناهید پوررستمی، دکتر سیدکمیل طیبی، دکتر امیرحسین مزینی، دکتر حسن طائی، دکتر ابوالقاسم مهدوی و دکتر ابراهیم التجائی به بحث پیرامون موضوع رشد اقتصادی ایران پرداختند. دبیری این نشست بر عهده دکتر سیدکمیل طیبی؛ استاد اقتصاد دانشگاه اصفهان بود.



### در سیاست‌گذاری اقتصادی انسجام‌یابی یک رویکرد و ابزار است

اولین سخنران نشست چهارم همایش دکتر حسن طائی؛ دانشیار دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی بود. وی گفت: سیاست‌گذاری به‌معنای طراحی سازوکاری مبتنی بر دانش نظری، نظام داده و اطلاعات قوی، خرد مدیریتی و تجربه‌کارشناسی برای ایجاد فضا برای حرکت کارگزاران اقتصادی و بازیگران اجتماعی به سمت وضعیت مطلوب یا همان برنامه مورد نظر مدیران و رهبران جامعه است. در سیاست‌گذاری اقتصادی و برنامه‌ریزی اقتصادی در واقع ما «نه گفتن» را آغاز و از بسیاری اهداف و آرزوها و آرمان‌ها چشم‌پوشی می‌کنیم. اصولاً در عرصه علم، خصوصاً در عرصه علم اقتصاد هیچ جادو و معجزه‌ای در کار نیست. گام‌ها و برنامه‌های جاه طلبانه عموماً با شکست مواجه می‌شوند. تمام کسانی که در حوزه سیاست‌گذاری می‌خواهند عملی داشته باشند باید پیرو این Incrementalism باشند. یعنی سیاست‌گذاری برای تغییرات کوچک و تدریجی که امکان تحقق اهداف و موفقیت را بالا ببرد و پله‌پله، گام‌به‌گام، ذره‌ذره، باید در جست‌وجوی تحولات پس‌پس‌پس‌پس باشیم.

دکتر طائی افزود: در سیاست‌گذاری اقتصادی انسجام‌یابی یک رویکرد و ابزار است. انسجام اقتصادی چند مقوله را با هم ادغام می‌کند. مسائل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زیست محیطی و سیاسی، در سطوح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی. در چرخه سیاست‌گذاری وقتی راجع به انسجام‌یابی صحبت می‌کنیم سه مرحله حائز اهمیت هستند:

اول تعیین و اولویت‌بندی اهداف که شرط لازم است. شرط کافی عنصر سازنده آن یعنی سیاست و تعهد سیاستی است. دوم، سیاست هماهنگی و اجرا. سیاست هماهنگی و اجرا شرط لازم است. عنصر سازنده طراحی سازگارهای هماهنگی سیاستی است. سومین مرحله سیاست‌گذاری، حتماً مهم‌تر از دو مورد قبلی است، نظارت، گزارش‌گیری و تحلیل است. این نیز شرط لازم است، شرط کافی یا عنصر سازنده، نظام‌هایی برای نظارت، گزارش‌گیری، تحلیل، اصلاح و تعدیل مستمر سیاست است.

در باب چالش‌های رشد اقتصادی در دهه‌های اخیر که به‌طور جدی مانع سیاست‌گذاری و به‌مثابه عوامل رشدزا بوده‌اند موارد زیر را می‌توان برشمرد:

#### الف) کاستی‌های نهادی و دیرپای اقتصادی

• نظام تفکر نا منسجم برای حکمروایی مطلوب، پائین بودن ظرفیت جذب سرمایه‌گذاری، فقدان بازارکار مدیران و شایسته سالاری، بی اعتمادی بین کارگزاران اقتصادی و بازیگران اجتماعی، کند و بطئی بودن پدیده انباشت اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، عدم شفافیت و پاسخ‌گویی اقتصادی و اجتماعی، کارگریزی و کار نامولد (امتناع از کار).

ب) همایی چالش‌ها در دهه نود

از رشد ماندگی اقتصاد، کمبود سرمایه‌گذاری و ناکارایی آن، کسری بودجه، بیداری مجدد تورم خفته در اقتصاد ایران، صندوق‌های بانک‌داری، نظام بانکی، محیط زیست، منابع آبی، سلامت و بهداشت، بیکاری.

ج) مسائل محیطی در دهه نود

اوج‌گیری بی‌سابقه حاکمیت دوگانه، افزایش تنش‌های داخلی، مداخله خارج از کنترل ذی‌نفعان اقتصادی در بازارهای اقتصادی، حضور گسترده مستشاری و ... در مناقشات منطقه‌ای، تقابل جدی با نظام بین‌الملل، برقراری بی‌سابقه تحریم‌های اقتصادی.

د) مسائل اقتصادی در دهه نود

عدم انسجام سیاستی، سرمایه‌گذاری اندک، بودجه عمرانی در حداقل، محیط کسب‌وکار به شدت متزلزل افزایش روزافزون هزینه‌های مبادله، افزایش فساد مالی و اداری و گسترش رانت‌جویی، تعمیق شکاف بین ثروت و درآمد دهک‌های اقتصادی جامعه، رشد اقتصادی نزدیک به صفر، ایجاد اشتغال بدون افزایش بهره‌وری.



در ادامه این نشست، دکتر ناهید پوررستمی؛ استادیار دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران و دکتر امیرحسین مزینی، دانشیار دانشگاه تربیت مدرس که دبیران دو نشست پیشین همایش بودند، توضیحات اجمالی از مباحث مطرح شده در نشست‌ها ارائه کردند. همچنین دکتر سیدکامیل طیبی خلاصه مباحث نشست دوم را بیان کرد و اظهار کرد: این درست است که تجارت موتور رشد است، اما بایستی نگاه جدیدی به تجارت به وجود آید. الگوهای نوین تجاری امروزه در قالب تجارت درون‌صنعتی است و نه تجارت بین‌صنعتی و بین‌بخشی. زیرا تجارت نوین درون‌صنعتی و درون‌بخشی رقابت‌پذیری و سرریزی‌های تکنولوژی و فناوری را رونق می‌بخشد، که خود از عوامل تعیین‌کننده رشد اقتصادی است.

#### در روند تشکیل سرمایه ثابت در اقتصاد ایران و اثر آن بر رشد بالقوه اقتصادی، دو دوره قابل تفکیک است

سخنران بعدی دکتر احمدرضا جلالی نایینی؛ استاد مؤسسه عالی آموزش و پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه بود. وی در شروع سخنانش گفت: در خصوص روند تشکیل سرمایه ثابت در اقتصاد ایران و اثر آن بر رشد بالقوه اقتصادی به طور کلی می‌توانیم دو دوره را از هم تفکیک کنیم: یک دوره که وفور نسبی درآمدهای نفتی داشتیم و دوره دیگر خصوصاً در دهه ۱۳۹۰ که در آن محدودیت منابع را کاملاً ملاحظه می‌کنیم، اما حتی در دوره‌هایی که رشد، نسبتاً بالا بوده هرگز ظرفیت رشد بالقوه به آن هدفی که در برنامه‌های پنج‌ساله مدنظر بوده، دست نیافتیم.

وی ادامه داد: عملکرد رشد ما در این سال‌ها قابل قبول نبوده و این مسئله باعث شده چشم‌انداز ۱۴۰۴ که بنا بود در منطقه اقتصاد اول را داشته باشیم، نه تنها به آن هدف نرسیدیم، بلکه فاصله ما با رتبه اول هم در طی زمان بیشتر شده است. صرف‌نظر از مقوله بهره‌وری، یکی از عواملی که به طور مؤثر بر نرخ رشد اقتصادی ایران در افق آینده (افق برنامه هفتم) مانع ایجاد کرده، نرخ تشکیل سرمایه ثابت است. لذا یکی از مشکلات ما غیر از بهره‌وری پایین عوامل تولید نیست که منابع کافی در اقتصاد خرج نکردیم. بنابراین نیاز به یک جهش در سرمایه‌گذاری داریم تا بتوانیم در مسیر رشد قرار بگیریم.

الگوهای تعامل چندگانه نشان داده که اگر به عللی انباشت سرمایه و نسبت سرمایه به نیروی کار کاهش پیدا کند، دینامیک سیستم‌های اقتصادی، اقتصاد را از حالت تعادل بلندمدت و دست بالا به تعادل بلندمدت دست پایین که اصطلاحاً «تله فقر» نامیده می‌شود، می‌رساند. راهکار این حالت این است که از منابع سرمایه‌گذاری یا از طریق تجهیزات منابع داخلی یا منابع خارجی استفاده کنیم، اما در اینجا این سؤال مطرح است که چگونه می‌توانیم جذب سرمایه‌های مولد داشته باشیم؟ برای پاسخ به این سؤال باید دو مطلب را در نظر گرفت: اول اینکه، چه موانع و مخاطراتی در بخش سرمایه‌گذاری بخش خصوصی وجود دارد؟ دوم اینکه، چگونه می‌شود این موانع را رفع کرد؟

دکتر جلالی نایینی شرح داد: می‌توان این موانع را به دو دسته تقسیم کرد: ۱- موانع زیرساختی که شامل محیط سیاسی، حقوقی و کیفیت حکمرانی است که این موضوع ناظر بر اینست که تصمیم‌گیری برای سرمایه‌گذاری در صورت وجود نااطمینانی مشکل را پیچیده‌تر خواهد کرد. چون به علت عدم آگاهی به آینده و فقدان معیارهای کمی، چارچوبی برای پیش‌بینی و تحلیل ریسک و زیان آینده وجود ندارد. ۲- ضعیف و سست تفسیر شدن حقوق مالکیت، تعدد رویه‌های اقتصادی، تغییرات ناگهانی در سیاست‌های اقتصادی و مالیات‌ها، مشکلات روابط سیاسی منطقه‌ای و جهانی و تغییرات سریع در قوانین و تعرفه‌های گمرکی و ... عواملی هستند که نااطمینانی را افزایش داده و رغبت به سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهند. همچنین این زیرساخت‌های محیط سیاسی و حقوقی و محیط نامناسب حکمرانی مثل: موانع اداری، قوانین و فرایندهای دست‌وپاگیر، فقدان شایسته‌سالاری و وجود مونوپولی‌ها فضای نااطمینانی کسب‌وکار را افزایش داده است.

### برای پرداختن به بحث اقتصاد، به مطالعه فلسفه اجتماعی و تاریخ اندیشه نیز نیاز داریم



سخنرانی بعدی توسط دکتر عباس شاکری؛ استاد اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی انجام شد. شاکری بیان کرد: از آنجایی که اقتصاد یکی از شاخه‌های علوم اجتماعی است، بنابراین باید به روش‌شناسی این حوزه دقت داشته باشیم، لذا برای پرداختن به بحث اقتصاد، به مطالعه چندوجهی یعنی فلسفه اجتماعی و تاریخ اندیشه نیز نیاز داریم. در دسته‌بندی مشکلات این حوزه باید گفت: ۱- ابتدا ما مشکل نگرش توسعه و برنامه‌ریزی توسعه داریم.

به عبارتی ایده توسعه، یعنی این که متناسب با منابع، استعدادها و جایگاه کشورمان در سطح بین‌الملل و همچنین با آمایش و پیمایش‌های صحیح در افق زمان و در پهنه مکان

هدف‌گذاری کنیم. سپس الزاماتی که برای رسیدن به این اهداف لازم است مورد توجه قرار گیرد و دولت‌ها، مردم و نخبگان به آن پایبند باشند و برنامه‌های کوتاه‌مدت، برنامه‌های پنج‌ساله، بودجه‌های سالانه و تمام مسائل باید در این راستا حرکت کند. ۲- مشکل ریل‌گذاری از قبل تعیین شده توسط تعدیل‌گزینشی و بعد همراهی رانت‌جویان از تحریم با آنها را نیز داریم. به عبارتی مشکل اصلی ما مشکل توسعه نیافتگی است که در دل آن مشکل ایده اصلی و عمیق توسعه‌ای، برنامه‌ریزی توسعه و رانت‌جویی‌هایی که محرک فعالیت‌های اقتصادی شده است، وجود دارد.

### اهمیت عوامل غیراقتصادی

سخنران بعدی نشست، دکتر ابوالقاسم مهدوی، دانشیار دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران بود. مهدوی ابراز داشت: در توسعه اقتصادی قائل به جست‌وجو در ریشه‌ها هستیم. واکاوی‌های فلسفی، حکمی، تاریخی، فرهنگی و سیاسی در کنار کاویدن مسائل اقتصادی و اجتماعی شرط دقت در اظهارات مربوط به توسعه است. حتی همین که رشد اقتصادی که پیش‌نیاز توسعه اقتصادی است و با اندازه و کمیت متغیرهای کلان اقتصادی، مثل تولید ناخالص داخلی، سرانه آن و سرمایه‌گذاری و غیره سر و کار دارد، در کشورهایی اتفاق می‌افتد و در جوامعی اتفاق نمی‌افتد، حاکی از این است که باید عوامل زیادی را در نظر گرفت و به یک عامل اکتفا نکرد. چه رسد به توسعه که ابعاد غیرکمی آن اهمیت دارد و با کیفیت‌ها سروکار دارد.





دکتر مهدوی ادامه داد: این پرسش مطرح است که چرا ما بالغ بر ۱۵۰ سال و به یک معنی از نهضت مشروطیت به بعد، به فکر پیوستن به حلقه توسعه مدرن بوده‌ایم، به بعدسازی‌های مدرن از دولت و پارلمان و عدلیه کرده‌ایم، راه‌آهن و راه و دانشگاه و نهاد برنامه‌ریزی و وزارتخانه و غیره درست کرده‌ایم و هنوز به توسعه دست نیافته‌ایم. مشروطیت و نهضت ملی شدن حاکی از تحول طبقه متوسط بود. اهل فکر و دانشگاهیان، دانشجویان، استادان، معلمان، و گروه‌های مرجع از دانشگاهیان و روحانیت نسبت به استبداد، بدون دیدن ابعاد پیچیده‌ای که در اتفاق توسعه مطرح است، نظر داشتند. این سؤالات توسعه‌دان‌ها و اقتصاددانان توسعه را به طرف اهمیت

عوامل غیر اقتصادی توسعه می‌کشاند. در حوزه اقتصاد کسانی همچون استیگلیتز و نورث و رودریک و بسیاری از دیگران ایشان و از جمله مهم‌ترین مکتب دگراندیش اقتصادی، یعنی نهادگرایی، به فلسفه و تاریخ و سیاست و نقش دولت‌ها و لاجرم حکمرانی روی آورده‌اند. کار توجه به عوامل غیراقتصادی در توسعه اقتصادی تا جایی پیش رفت که اجماع و اشنگتنی ابتدا جای خود را به سیاست‌های دوستی با بازار داد و سپس «دانیل کوفمن» از سوی بانک جهانی شاخص‌های شش‌گانه حکمرانی را مطرح کرد و حتی تخصیص وام‌های بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول که قبلاً در قالب سیاست‌های تعدیل پرداخت می‌شد، تأثیراتی پذیرفت و رعایت شاخص‌های حکمرانی در ارتباط با درحال توسعه‌ها از سوی این نهادها مورد ملاحظه قرار گرفت. نهادی که نماینده فیزیکی و فکری جهانی شدن است، یعنی بانک جهانی، حتی عنوان گزارش سالانه سال ۲۰۱۷ خود را قانون و حکمرانی Law and Governance نام‌گذاری کرد.

### سرمایه همچنان شرط لازم است، گرچه شرط کافی نیست

دکتر مهدوی تأکید کرد: این همه نکاتی است که اقتصاددانان را از نحله‌های مختلف فکری و نهادهای بین‌المللی به سمت اهمیت عوامل غیراقتصادی کشاند تا حکمرانی و قانون، علاوه بر تاریخ و فرهنگ بر تعیین‌کننده‌های توسعه افزوده شود. اگر به قول «نورث» توسعه وابسته به مسیر نبود، شاهد این همه مکث و سقوط در مسیر رشد و توسعه جوامع نبودیم. این است که اندیشمندانی در حوزه اقتصاد و سایر علوم اجتماعی را بر آن داشته که شکست‌ها و سقوط‌ها را نهادینه بینگارند و بر درونی بودن این سقوط‌ها پافشاری کنند. خلاصه آنکه به قول عجم اوغلو و رابینسون دالان یا کریدور توسعه از بسیاری از جریان‌های پستی و بلندی‌ها عبور می‌کند. ملاحظه کنید که ما در رژیم شاه سرمایه داشتیم. درواقع به یک معنی سرمایه فیزیکی و وفور آن در قالب چهار برابر شدن درآمدهای نفتی، نه تنها موجب موفقیت آن رژیم نشد، بلکه مقدمات سقوط آنرا فراهم آورد. به‌همین علت است که در کتب اقتصادی به‌نظریه‌های هارود دومار و سولو از آن‌رو که سرمایه را اساسی‌ترین عامل توسعه می‌دانستند، نقد می‌شود. البته دوران بنیادگرایی سرمایه به معنی تنها عامل، به سرآمده اما سرمایه همچنان شرط لازم است، گرچه شرط کافی نیست.

وی ادامه داد: در نشست روز گذشته طی مقاله‌ای که ارائه شد، بر اهمیت بخش خارجی اقتصاد ایران تأکید کردم، از آن‌رو که اجزای ارکستر توسعه باید نقد و تحلیل شود، باید موانع، بلکه امتناعاتی را که در حد بحران وجود دارد، مطرح کنیم. یکی از اجزای ارکستر توسعه بخش خارجی در دو قالب سرمایه‌گذاری خارجی و تجارت خارجی است. اهمیت مسائل و موانع غیر اقتصادی مانع از بررسی دقیق و نشان دادن چهره نادرست بخش خارجی اقتصاد ایران نمی‌شود. وقتی سال‌ها تولیدکننده و مصرف‌کننده بوی خودرو خارجی را نمی‌تواند استشمام کند و درعین حال، با زور از انگشت‌شمار شرکت‌هایی حمایت می‌شود، این به ضرر مصرف‌کننده و تولیدکننده به‌طور همزمان است. نتیجه این تصمیم، چهل سال صنعت به‌اصطلاح نوزادی می‌شود که سرانجام در ۱۳۸۴ توسط وزیر وقت صنعت و معدن به موزه می‌رود و هنوز درحالی‌که با کره جنوبی شروع کرده بودیم، دهه‌ها پشت‌سر آنها قرار داریم و جنس بی‌کیفیت را با قیمت بالا به مردم می‌فروشیم. هیچ‌کس و هیچ‌بنگاهی هم حساب پس نمی‌دهد. این‌هاست که وقتی جمع شود توسعه نیافتگی را به عینه نشان می‌دهد. صنعت نوزاد که در ادبیات اقتصادی نیز آمده، حد زمانی دارد. تا کی صنعت نوزاد، تا کی نظام تعرفه‌ای و تا کی محدودیت‌های غیر تعرفه‌ای؟ زمان مطرح است.

مهدوی در پایان سخنرانی خود گفت: این مقدار «بسته عمل کردن» اقتصاد، آموزش و مهارت را به تأخیر می‌اندازد. به جای مهارت‌زایی، مهارت‌زدایی می‌شود. اساس حرکت توسعه به قول نورث و بسیاری دیگر از اندیشمندان بر آموزش است. یادگیری ضمن کار learning by doing و دانش ضمنی tacit knowledge با این حد از بسته بودن، از بین می‌رود. در رقابت‌پذیری کالاهای صادراتی یادگیری مطرح است. یادگیری برای صادرکننده شدن و یادگیری در حین صادرات بسیار مهم است. این هر دو با تعامل و باز بودن منطقی اقتصاد به وجود می‌آید. مقیاس فکری مسئولان و صنعتگران و تجار و کارگران در گرو تعامل با دنیاست. تمرکز زیاده از حد در کالاهای صادراتی، تمرکز بر شرکا و مقاصد صادراتی قلیل و محدود، فکر ما را محدود می‌کند. تعامل با خبرگان دنیا خلاقیت و آفرینش می‌آورد. باید بر این حد از بستگی و تمرکز فائق آییم. دالان توسعه، دالان عبور از دولت محلی و گشایش بین‌المللی است. هرچند راهی دشوار و صعب باشد، گریزی از آن نیست.



### ماهیت و الزامات رشد اقتصادی

سخنرانی پایانی نشست توسط دکتر ابراهیم التجائی، دانشیار پژوهشگاه اقتصاد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و دبیر علمی همایش انجام شد. وی با تأکید مجدد بر اهمیت رشد اقتصادی چند واقعیت را در زمینه رشد اقتصادی ایران را بیان کرد و توجه به آنها را بسیار ضروری دانست. از جمله این‌که رشد اقتصادی اگرچه ظاهراً یک مفهوم کمی است، ولی با کمی دقت در ماهیت و الزامات رشد متوجه می‌شویم که الزامات رشد اقتصادی، آن را چندبُعدی می‌کند. با توجه به این‌که لازمه رشد اقتصادی اتفاق افتادن آن طی یک فرایند مداوم و پایدار طی زمان است، به جرات می‌توان ادعا کرد، رشد اقتصادی به هیچ روی یک مفهوم تک‌بُعدی و صرفاً کمی نیست. حتی اگر از بُعد کمی هم به رشد اقتصادی بنگریم، رشد مهمترین رکن توسعه و شرط اساسی توسعه است.

همچنان که مجمع عمومی سازمان ملل متحد (۱۹۹۷) نیز رشد اقتصادی پایدار برای توسعه اقتصادی و اجتماعی همه کشورها به‌ویژه کشورهای در حال توسعه را بسیار ضروری دانسته است. دیگر این‌که کشور ایران، پتانسیل‌های بالایی از مناظر گوناگون برای رشد اقتصادی دارد، اما متأسفانه هیچ تناسبی بین این پتانسیل‌ها و وضعیت بالفعل اقتصاد وجود ندارد. رشد اقتصادی در ایران در بلندمدت، بسیار پرنوسان و دارای میانگین بسیار پایین بوده که در نتیجه آن، درآمد سرانه در سطحی پایین قرار گرفته است. این مسئله، باعث شده تا اقتصاد ایران شکاف درآمدی عمیقی با کشورهای توسعه یافته و نیز کشورهای در حال توسعه و حتی کشورهای همسایه پیدا کند. این فاصله و شکاف اگر بخواهد در آینده باقی بماند یا گسترش یابد، پیامدهای آن از حوزه اقتصاد فراتر خواهد رفت و در حوزه‌های سیاسی و امنیتی عواقب نامطلوبی خواهد داشت.

دکتر التجائی در پایان سخنانش با اشاره به اهداف برگزاری این همایش گفت: پژوهشگاه اقتصاد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ایده برگزاری همایش‌های دوره‌ای پیرامون رشد اقتصادی را با این امید مطرح کرد که این موضوع و مسئله بسیار مهم در کانون توجه اندیشمندان و سیاست‌گذاران قرار گیرد و به حل و رفع مشکلات اقتصادی کشور کمک کند.

## نشست «نقد و بررسی واژه‌نامه فرهنگ‌نویسی» برگزار شد

نشست نقد و بررسی، ۱۷ بهمن ماه، به همت کارگروه تخصصی انجمن زبان‌شناسی ایران و پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و با همکاری انتشارات بهار به صورت غیرحضوری (برخط) برگزار شد.

در این نشست کتاب «واژه‌نامه فرهنگ‌نویسی» به تألیف دکتر ساغر شریفی و احمد خندان که اخیراً توسط انتشارات کتاب بهار به چاپ رسیده است، با حضور استادان حوزه فرهنگ‌نویسی دکتر حسین سامعی (عضو دانشگاه اموری، امریکا)، دکتر امید طیب‌زاده (عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)، دکتر محمدرضا رضوی (عضو هیأت علمی فرهنگستان زبان و ادب فارسی) و دکتر فریبا قطره (عضو هیأت علمی دانشگاه الزهراء) مورد بررسی قرار گرفت.

در ابتدای جلسه دکتر سامعی، از استادان برجسته فرهنگ‌نویسی، ضمن قدردانی از مؤلفان این اثر برای تدوین این واژه‌نامه، کتاب حاضر را اولین نمونه فارسی در نوع خود دانسته و به اهمیت و جایگاه چنین تألیفاتی برای فرهنگ‌نویسان و پژوهشگران فرهنگ‌نویسی اشاره کرد. سپس ساختار کتاب را که متشکل از سه بخش مقدمه، واژه‌نامه انگلیسی-فارسی و واژه‌نامه فارسی-انگلیسی است، واکاوی کرد.

وی در این بررسی به موضوعاتی نظیر لزوم درک تمایز «واژه‌نامه» و «فرهنگ»، آرایش مدخل‌ها، اهمیت توجه به کاربران فرهنگ، چالش درج حوزه‌های معنایی در فرهنگ‌لغت، پایبندی به اصول موضوعه در تألیف فرهنگ‌ها و .. اشاره کرد.

دکتر امید طیب‌زاده نیز ضمن قدردانی از مجموعه زحمات مهندس خندان در خدمت به زبان‌شناسی و فرهنگ‌نویسی، «واژه‌نامه فرهنگ‌نویسی» را اثری درخور توجه در این حوزه ارزیابی و پیشنهادهایی را در راستای بهبود کیفیت این اثر در ویرایش‌های بعدی ارائه کرد. از مهم‌ترین مواردی که وی به آن تأکید داشت، یک‌دست

شدن شیوه تنظیم واژه‌ها (حرف‌به حرف، کلمه‌به‌کلمه و ترکیبی)، توجه به ارجاع صحیح و رعایت اصول موضوعه (به‌ویژه به منظور ارائه به برنامه‌نویسان و خدمت به ترجمه ماشینی) بود.

در ادامه دکتر محمدرضا رضوی نیز ضمن تشکر از مؤلفان این واژه‌نامه پیشنهاداتی را برای ویرایش‌های بعدی این اثر مطرح کرد. بازبینی برخی از برابرهادهای فارسی، مترادف‌ها و ارجاعات، فهرست واژگان پایه از جمله مواردی بود که توسط وی طرح مسئله شد.

آخرین سخنرانی این نشست به دکتر فریبا قطره اختصاص داشت. وی با تأکید بر دشواری این پروژه و چالش‌های محتمل پیش‌روی مؤلفان در تهیه این واژه‌نامه، نمونه حاضر را منبع مفیدی برای دانشجویان و پژوهشگران این حوزه مطالعاتی دانست و در ادامه، سؤالاتی را خطاب به مؤلفان اثر مطرح کرد.

در پایان نشست نیز دکتر شریفی، یکی از نویسندگان اثر، ضمن پرداختن به معرفی دیدگاه‌های اصلی نگارندگان در تهیه این واژه‌نامه، به پرسش‌های مطرح شده توسط سخنرانان پاسخ داده و موضوعات عنوان‌شده را شفاف‌سازی کردند.

کتاب بهار با همکاری انجمن زبان‌شناسی ایران و پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار می‌کند

**نشست نقد و بررسی**

**واژه‌نامه فرهنگ‌نویسی**

یکشنبه، ۱۷ بهمن ۱۴۰۰ ساعت ۱۸

تألیف ساغر شریفی، احمد خندان

مبدا: ورود به جلسه  
<https://webinar.beyh.ac.ir/join/94-431-431>



## برگزاری پیش‌نشست «همایش بین‌المللی دوسالانه فرهنگ و زبان‌های باستانی»

پیش‌نشست همایش بین‌المللی دو سالانه فرهنگ و زبان‌های باستانی، ۲۸ دی‌ماه، به‌همت پژوهشکده زبان‌شناسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به‌صورت غیرحضوری برگزار شد.

در این پیش‌همایش سیزده نفر از پژوهشگران و استادان به ارائه مقاله و سخنرانی پرداختند. در ابتدای این نشست رئیس پژوهشکده زبان‌شناسی طی سخنانی گفت: پژوهشکده زبان‌شناسی بسیار مفتخر است که میزبان سومین همایش دوسالانه فرهنگ و زبان‌های باستانی است. دو همایش پیشین به‌صورت داخلی در دانشگاه شهید بهشتی و دانشگاه تهران برگزار شد. سومین همایش دوسالانه به‌صورت بین‌المللی در پژوهشکده زبان‌شناسی تصویب شد. پژوهشکده زبان‌شناسی سابقه‌ای ۵۰ ساله در پژوهش و مطالعه زبان‌های ایران باستان و زبان‌شناسی و گویش‌های ایرانی دارد و همچنین افزون بر ۳۰ سال فعالیت آموزشی در دو زبان‌های باستانی و زبان‌شناسی همگانی در مقطع ارشد و دکتری دارد که با این پشتوانه توانسته این همایش مهم را به‌صورت بین‌المللی پیش ببرد.

دکتر نصراله‌زاده ادامه داد: نخستین تجلیات اندیشه ایرانی به‌صورت شعر ظهور یافت که مبتنی بر عمیق‌ترین دیدگاه در خصوص خیر و شر بود. این سرودها که نامش گاهان است، به یک تعبیر مربوط به حدود ۱۲۰۰ سال پیش از میلاد است؛ این اندیشه ایرانی تأثیری مهم در اندیشه جهان آن روز داشته است. با مهاجرت



ایرانیان، زبان اینان، به‌صورت شفاهی، گسترش یافت تا این‌که در زمان داریوش هخامنشی و در کتیبه بیستون یک زبان ایرانی، مشهور به فارسی باستان، به کتابت درآمد. از این زمان و با تأسیس دو سلسله دیگر ایرانی، یعنی اشکانیان و ساسانیان، دو گروه زبانی پهلوی اشکانی و فارسی میانه ساسانی در قلمرو این دو سلسله توسعه یافت. پس از رفتن ساسانیان و آغاز دوره تازه، که موسوم به دوره فارسی نو است، در نبود سلسله‌ای مسلط ایرانی، زبان فارسی، با فارسی دری، سامان یافت و قدرتمند شد و توانست افزون بر هزار سال زبان، ادب و فرهنگ حکومت‌های متنوع غیرایرانی شود. زبان فارسی نو با قدرت فقیهان ایرانی خراسان بزرگ توانست در جایگاه زبان دین نیز بنشیند. در این دوره باز شاعری دیگر، فردوسی و شاهنامه او، در استحکام این زبان و نوشتن

تاریخ به زبان شعری نقشی مهم داشت. این دوره نو تاکنون با قدرت ادامه یافته و این پیوستار زبانی در طول تاریخ ایران نقشی مهم در تداوم هویت ایرانی داشته است. در همراهی با زبان، تاریخ ایرانی هم از همین پیوستاری و پیوستگی در درازای زمان و تا اکنون برخوردار بوده است.

وی شرح داد: کهن‌ترین اشاره به تاریخ ایرانیان در یشت‌های اوستا است و ذکر نام ایران و جغرافیای ایرانی؛ با روی کار آمدن هخامنشیان باز این کتیبه بیستون است که نخستین تاریخ‌نگاری ما در آن نوشته شده است. با ظهور اشکانیان و ساسانیان تاریخ فرهنگ و تمدن ایرانی جلوه‌های تازه یافت. در اواخر دوره ساسانی به سبب شرایط خاص سیاسی، در غرب روم و در شرق هجوم بیابانگردان مخرب که دلاوری و سلحشوری اشکانیان و ساسانیان در برابر این دو، ساحت ایران را نگه داشت، موجب تاریخ‌نگاری تازه‌ای از سوی ساسانیان شد که «خدای‌نامه» نام گرفت. این شکل تاریخ‌نگاری، که در شاهنامه هم انعکاس یافته، مبتنی است بر پیشدادیان و کیانیان و اندکی اشکانیان و ساسانیان. این تصور از تاریخ که علت خاصی داشته و خبری از ماد و هخامنشی یا تفصیل اشکانیان نیست تا دوره معاصر ادامه یافته و مبنای فهم ایرانیان از گذشته تاریخی بود. در دروه قاجار به‌سبب شرایط خاص جهانی و توسعه قدرت‌های استعماری، تصرف هند و غیره و قرائت کتیبه‌های تخت‌جمشید و بیستون و کتیبه‌های ساسانی و کشفیات باستان‌شناسی و اطلاعات منابع یونانی و رومی از ایران، دریچه‌ای تازه به گذشته ایران گشوده شد و عیلام، ماد، هخامنشی و اشکانی به‌صورت وسیع‌تر ساسانیان رخ نمودند. از این زمان به بعد فهم ما از گذشته دیگرگون گشت. در این مواجهه تازه نسلی از ایرانیان از همان آغاز شروع به آموختن زبان‌های ایرانی کردند و این دانش مهم در شناخت فرهنگ و تمدن ایرانی را تا بدین‌جا رساندند. امیدواریم با برگزاری این نوع همایش‌ها در گسترش مطالعات ایرانی در تمامی طول تاریخ، این تاریخ بلند و گرامی را بهتر بشناسیم و بشناسانیم.

دکتر نصراله‌زاده در خاتمه سخنانش گفت: درود می‌فرستم به روان آن بزرگان و استادانی که این رشته را تأسیس کردند و به آن پروبال دادند و برای استادان حاضر آرزوی تندرستی و شادی افزون دارم. به امید دیدار همه دوستان در همایش ۴ و ۵ بهمن‌ماه.

### فعل اخباری در بندهای شرطی اوستا

در ادامه دکتر مه‌لقا مرتضایی در مورد «فعل اخباری در بندهای شرطی اوستا» سخنانشان را ارائه کرد و گفت: فعل در بندهای شرط و جواب شرط زبان اوستایی، بر اساس بافت و مقصود آنها غالباً در وجه التزامی یا تمنایی آمده است. گاهی، هم در بند شرط و هم در جواب شرط فعل اخباری به‌کار رفته است. این امر موجب شده که برخی از پژوهشگران در این بافت‌ها کاربرد فعل اخباری را مناسب ندانند، مثلاً در بند ۱۳ خورشید نیایش، فعل بند شرط و جواب شرط مضارع اخباری است و برخی با توجه به نمونه‌هایی که از دیگر بخش‌های اوستا نقل کرده، فعل تمنایی را در این جمله مناسب‌تر دانسته‌اند؛ حال آنکه علاوه بر این، جمله‌های دیگری در اوستا آمده که در بند شرط و جواب شرط فعل مضارع اخباری به‌کار رفته است، مانند جمله‌های ۱۸ و ۲۱ مهریشت. دکتر مرتضایی تأکید کرد: در این سخنرانی درباره کاربرد هر یک از انواع وجه‌های فعلی در جملات شرطی سخن به‌میان می‌آید. در جملات شرطی، فعل بر اساس مقصود و منظور نویسنده در وجه التزامی، تمنایی و خبری به‌کار رفته است. در جملات شرطی که مضارع اخباری به‌کار رفته، مقصود نویسنده یا گوینده بیان خبر است، نه درخواست و احتمال یا بیان فرض.

### بررسی ساختاری دستگاه فعل در گویش وزوانی

در ادامه دکتر راضیه باصفا سخنان خود را با عنوان «بررسی ساختاری دستگاه فعل در گویش وزوانی» ارائه کرد و در مورد جمع‌آوری داده به وسیله مصاحبه و پرسش‌نامه و بررسی ساختاری دستگاه فعل در گویش

وزوان گفت: زبان‌ها و گویش‌های ایرانی نو که شمارشان به صدها می‌رسد، بر پایه قرابت‌های ساختاری و جغرافیایی به دو گروه غربی و شرقی تقسیم می‌شوند. بر اساس تقسیم‌بندی ویندفور، گویش وزوانی به گروه وسیع گویش‌های شمال مرکزی تعلق دارد که مرکز آن منطقه کاشان است. گویش‌هایی مثل آران‌بیدگلی، دلجانی، ابوزیدآبادی، قهرودی، جوشقانی، میمه‌ای، و گویش‌هایی از مناطق دورتر مثل ایبانه‌ای، یارندی، نطنزی، بادی، و طرقی در آن جای می‌گیرند. با توجه به موقعیت جغرافیایی و شباهت و نزدیکی گویش وزوان به گویش‌های میمه‌ای و جوشقانی، این گویش به دسته گویش‌های اطراف کاشان تعلق دارد.

دکتر باصفا درباره گویش‌های جوشقانی و میمه‌ای و گویش یهودیان کاشان یادآور شد: پژوهش‌های مستقلی هم در مورد دستور زبان و هم واژگان انجام شده است و واژه‌های بعضی از این گویش‌ها مثل جوشقانی به فرهنگ‌های جامع‌تر گویش‌های ایرانی نو مثل فرهنگ گویش‌های حسن‌دوست راه یافته است، اما جای چنین تحقیقاتی درباره گویش وزوانی خالی است. وی دلیل این غفلت را به احتمال نزدیکی و شباهت فوق‌العاده این گویش با گویش میمه‌ای دانستند.





## داستان سغدی سه ماهی

سخنران سوم نشست نخست سمیه مشایخ بود که سخنرانی خود را با عنوان «داستان سغدی سه ماهی» ارائه کرد و گفت: مانویان که مترجمان هوشمند و زبردستی بودند، از هیچ فرصتی برای انتقال فرهنگ از طریق نوشتار غافل نشدند. در کفالا، مانی به جای واژه «آموزه» از کلمه «خرد» استفاده می‌کند. پس ایشان که آموزه پیشوای خود را «خرد» می‌نامند، برآند تا داستان‌های حکمت‌آمیز سایر فرهنگ‌ها را به زبان خود برگردانند. در میان متون سغدی مانوی دیده می‌شود که برخی از این متون برگرفته یا ترجمه‌ای از متون سانسکریت باشند. در این میان داستان «سه ماهی» که هنینگ در مجموعه «داستان‌های سغدی» آنرا منتشر کرده و ترجمه فارسی متن سغدی و داستان سانسکریت توسط استاد ارجمند دکتر زرشناس به چاپ رسیده که، قطعه بسیار موجز سغدی مانوی است. بنابراین تحقیق هنینگ اصل آن برگرفته از کتاب پنجه تتره است. در داستان چهاردهم از کتاب اول پنجه تتره با عنوان «آبگیر سه ماهی»، دو ماهی باهوش آزادی‌شوند، درحالی‌که ماهی نادان گرفتار می‌شود. در داستان ششم از کتاب پنجم، دو ماهی گرفتار می‌شوند و ماهی نادان رهایی می‌یابد. داستان سغدی با دومین داستان هم خواناست که بنابه عقیده «بن فی بی» تردید از ملحقات بعدی به داستان پنجه تتره است. وی برای اولین بار آوانویسی متن سغدی و سانسکریت را به‌همراه ترجمه ارائه کرد.

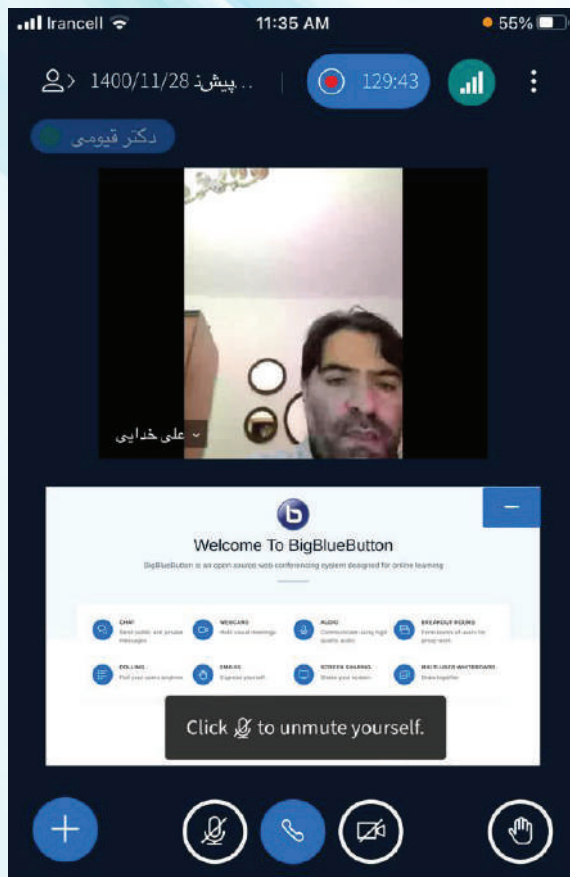
## نشانه‌های جمع

در نشست دوم نخست فاطمه شیبانی فرد سخنرانی خود را با عنوان «نشانه‌های جمع /Ak-/ و /At-/ در گونه براهویی رودبار جنوب» آغاز کرد و در مورد زبان براهویی توضیح داد: زبانی غیرایرانی از شاخه شمالی خانواده زبان‌های دراویدی است که محل اصلی رواج آن کشور پاکستان است، اما در ایران نیز گویشورانی دارد. گروهی اقلیت با جمعیت کمتر از هزار نفر در جنوب کرمان و در روستای تم‌میری از توابع شهرستان رودبار جنوب ساکن‌اند.

بیش از دو قرن مجاورت و هم‌زیستی با اهالی منطقه و استفاده از گویش رودباری برای تعامل با آن‌ها، باعث به‌وجود آمدن گونه جدیدی از زبان براهویی شده است که آن را گونه براهویی رودبار جنوب نامیده‌اند. در گونه براهویی رودبار جنوب، دو نشانه برای جمع‌بستن اسامی وجود دارد: /Ak-/ و /At-/ که در شرایط مختلف و تحت‌تأثیر ساختار آوایی و هجایی اسم مفرد ماقبل خود، به یکی از این دو شکل ظاهر می‌شود. هنگام اضافه‌شدن نشانه‌های جمع به اسامی مفرد در این گونه زبانی، تغییرات آوایی، هجایی، و ساختاری گوناگونی به‌وجود می‌آید. وی در پژوهش خود به بررسی تک‌تک این موارد با ذکر مثال‌های متعدد از این گونه زبانی در مقاله پرداخت.

## بررسی و تحلیل واژگان کهن ایرانی در زبان آذربایجانی

در ادامه نشست دوم مقاله «بررسی و تحلیل واژگان کهن ایرانی در زبان آذربایجانی» توسط علی خدایی ارائه شد. وی گویش «فهلوی یا آذریه» را در آذربایجان رایج دانست و گفت: جهانگردان بسیاری، در سده‌های گذشته، به‌وجود این گویش در آن سرزمین اشاره کرده‌اند؛ اما چون اکنون زبان ترکی آذربایجانی جایگزین آن گویش قدیم شده است.





عده‌ای رواج آن «فهلوی» را در آذربایجان انکار کرده‌اند و دلیل را این می‌دانند که نمونه‌هایی که پیشگامان پژوهش در زمینه گویش کهن آذربایجان به‌عنوان شاهد می‌آورند، بسیار غریب و حتی برای فارسی‌زبانان هم غیرقابل فهم است اما وجود این واژگان ایرانی در محاورات امروزی آذربایجانی‌ها، خود گواهی بر اشارات سیاحان در خصوص زبان آن روزگار آذربایجان است.

### بررسی دو ساخت کهن فعل سببی در زبان طبری و مازندرانی

محمدعلی میرزایی و حمیده ابراهیمی سخنرانی خود را با عنوان «بررسی دو ساخت کهن فعل سببی در زبان طبری و مازندرانی» ارائه کردند و درمورد برخی از بقایای ساخت باستانی که به ادوار بعدی رسیده‌اند؛ برای مثال، «تاختن». این بقایا که به ماده‌های متعدی و لازم بدل شده‌اند و فقط به زبان فارسی اختصاص ندارند و برخی از شواهد مؤید آن است که آن‌ها در زبان مازندرانی نیز محفوظ مانده‌اند؛ مانند: افعال بتاجندین / *bətājendiyān* «تازاندن» و دگاردنین / *dəgārdeniyān* «برگرداندن». دسته دیگری از افعال سببی، در معنا و کاربرد، افعال متعدی‌اند، اما ظاهر سببی داشته‌اند. نمونه‌هایی از این افعال در شعر امیر پازواری، نصاب طبری، و تاریخ طبرستان آمده است؛ در این سخنرانی، به واکاوی دقیق‌تر نمونه‌های مازندرانی افعال دسته اول با رویکرد تاریخی، همچنین بررسی ساخت‌های سببی و غیرسببی آن‌ها پرداخته شد.

### بررسی واژه‌های هندی و گجراتی

در آخر جلسه نشست دوم پورچیستا گشتاسبی اردکانی سخنرانی خود با عنوان «بررسی واژه‌های هندی و گجراتی موجود در پنج فصل نخست شکنند گمانیک ویچا» (آوانویسی صورت هندی و گجراتی، پازند، پهلوی، برگردان فارسی، ریشه‌شناسی، و صورت باستانی واژه‌ها) ارائه داد. ایشان واژه‌هایی که در پنج فصل نخست شکنند گمانیک ویچار توسط پازندنویس از زبان هندی و گجراتی در متن پازند آورده شده است، به‌همراه صورت پازند، پهلوی، برگردان فارسی واژه‌ها، ریشه‌شناسی، و صورت باستانی آن‌ها را بررسی کرد.

گشتاسبی در توضیح منبع اصلی کتاب شکنند گمانیک ویچار و نویسنده آن را، مردان فروخا پسر هُرمزددات که

پس از سفر به هندوستان تألیف کرده نام برد و گفت: چون با سفر به هندوستان با زبان گجراتی پارسی‌آشنایی پیدا کرده بود و پازندنویس متن کتاب نیز از پارسیان هند بوده است، به‌همین سبب واژه‌های بسیاری از زبان هندی و گجراتی در همه فصل‌های این کتاب آورده است. نگارنده مقاله و سخنران که آشنایی کامل با زبان هندی و گجراتی دارد، همه این واژه‌ها را در زبان هندی و گجراتی یافته و مطالعه کرده است. در این پژوهش، مشخص شد چون زبان نویسنده کتاب و پازندنویس گجراتی پارسی بوده است، برای بسیاری از واژه‌ها صورت هندی و گجراتی پارسی را به‌کار برده‌اند. همچنین، همه واژه‌های هندی و گجراتی خالص موجود در پنج فصل نخست و صورت‌های آوانویسی که به‌صورت آوانویسی هندی با خط اوستایی آورده شده است، مورد بررسی قرار گرفت و برای هر واژه مقوله دستوری و جنسی که آن واژه در زبان هندی و گجراتی (مذکر، مؤنث، خنثی) دارد، آورده و در مورد هر واژه به‌صورت جداگانه یادداشت‌هایی ارائه شد.



### تأملی در مبانی انسان‌شناسی متون پهلوی ساسانی

در ادامه نشست سوم دکتر شیدا ریاضی هروری سخنرانی خود را با عنوان «تأملی در مبانی انسان‌شناسی متون پهلوی ساسانی» ارائه کرد. وی در مورد ادیان باورمند به ذات قدسی که بر اساس بینش خود نسبت به انسان، جایگاه و خویشکاری او در جهان هستی، مراتب تکامل معنوی او را در نیل به سعادت نهایی‌اش ترسیم می‌کنند، این بینش را شامل ساحت‌های وجودی انسان اعم از جسم و روح، نیروهای معنوی نهفته در روان وی و نیز تفسیری دانست که از حقیقت و گوهر وجودی انسان دارند. به بیان دیگر، ادیان بر اساس نگاهی که به سرشت و سرنوشت انسان دارند، مسیر رشد و تعالی مادی و مینوی انسان را به وی نشان می‌دهند؛ مسیری که به خودآگاهی و خداآگاهی منتهی می‌شود.

وی سپس با روش تحلیلی به بررسی و تأمل در مبانی انسان‌شناسی متون پهلوی ساسانی پرداخت. خاستگاه اولیه متون پهلوی اندیشه الهی گاهان زرتشت است، از این‌رو زمانی که به دنبال بررسی مبانی انسان‌شناسی متون پهلوی هستیم، بی‌تردید با نوعی انسان‌شناسی دینی مواجه خواهیم شد که به شناخت و تبیین نظری واقعیت وجودی انسان، هدایت وی و فراهم کردن شرایط امکان نیل به حقیقت غایی که همان ذات قدسی است می‌پردازد. در بخش نخست سخنرانی ابعاد و نیروهای وجودی انسان و نیز مراتب سیر کمال معنوی او را در متون پهلوی مورد بررسی قرار داد؛ سپس نظری به مفهوم انسان کامل و مصادیق آن در متون پهلوی داشت. در متون پهلوی، کیومرث (نخستین انسان)، زرتشت و سوشیانش که هر کدام به ترتیب در آغاز، میانه و فرجام جهان هستی ظهور می‌کنند، از یک‌سو تجلی گیتیانه «اورمزد» بر زمین هستند و از سوی دیگر نمونه‌های عینی انسان کامل و متعالی (مرد اهلو) در جهان هستند که با جانبداری از اورمزد، خیر و نیکی را در جهان می‌پرورند و به پیکار شرور و بدی‌ها در جهان می‌روند. این مظاهر گیتیانه و مصادیق انسان کامل بر جهان هستی تعبیر و تفسیر جامعی از آفرینش انسان، ماهیت وجودی و خویشکاری او در سلسله مراتب هستی آن‌گونه که در متون پهلوی آمده است، به دست می‌دهد.

### تحلیل گفتمانی یسن

از دیگر سخنرانان این نشست سمیرا قنبرنژاد بود که سخنرانی خود را با عنوان «تحلیل گفتمانی یسن ۴۶ گاهان بر پایه دستور نقش‌گرایی نظام بنیاد (هلیدی، ۲۰۰۴)» ارائه کرد و گفت: از آنجاکه چنین پژوهشی روی اوستا تاکنون صورت نگرفته است، پرسش‌های اصلی پژوهش بدین قرارند: الف) آیا دستور نقش‌گرایی نظام بنیاد چهارچوب نظری مناسبی برای تحلیل نقشی-گفتمانی یسن ۴۶ است؟ ب) این پژوهش می‌تواند ویژگی‌های گفتمانی و نیز زبانی یسن ۴۶ را علاوه بر آنچه که مطالعات سنتی متذکر شده‌اند، توصیف کند؟ برای دستیابی به اهداف پژوهش، یسن ۴۶ نخست، به لحاظ صرفی-نحوی و سپس به لحاظ گفتمانی تحلیل شد. یافته‌های پژوهش نشان داده است که دستور نقش‌گرایی نظام بنیاد قادر به تحلیل نقشی یک متن اوستایی کهن است. همچنین، این یافته‌ها نه تنها ویژگی‌های گفتمانی، مانند کاربرد فرانش‌های بینافردی و تجربی برای انعکاس صدای زردشت، وضعیت ذهنی و شرایطش بدون هیچ‌گونه گفت‌وگوی همزمان، بلکه برخی از جنبه‌های زبانی این یسن را هم روشن می‌سازد. ویژگی‌های گفتمانی یسن ۴۶ می‌تواند راهی به نگرشی نو به سیاق این یسن به‌عنوان خود زندگینامه بگشاید.

### هم‌سنجی نام چهار ماه از گاه‌شمار هخامنشی با گاه‌شمار اوستایی

در نشست سوم مقاله سعید کریمی با عنوان «هم‌سنجی نام چهار ماه از گاه‌شمار هخامنشی با گاه‌شمار اوستایی برپایه زیگ کیهان و یک ماه از این گاه‌شمار با گاه‌شمار بابلی» به بررسی‌های گوناگونی درباره گاه‌شمار هخامنشی پرداخت و کوشش کرد تا بر پایه ایران‌پژوهی نوین با بهره‌گیری از گواه‌های ایرانی مانند اوستا، نسک‌های بُن‌دهشن، وزیدگی‌های زادسپرم، دینکرد ششم و با آسگی (محوریت) زیگ کیهان به ریشه‌های فرهنگی-دانشی چهار ماه از گاه‌شمار هخامنشی یعنی ماه‌های دوم، هفتم، نهم و دهم پرداخته شود. هم‌چنین به رازگشایی از ریشه نام ماه یازدهم گاه‌شمار هخامنشی از گاه‌شمار بابلی پرداخت.



## ریشه‌یابی اسطوره ضحاک (زمان، سازندگان، نویسندگان، و رویکردهای این اسطوره)

در نشست چهارم مقاله «ریشه‌یابی اسطوره ضحاک (زمان، سازندگان، نویسندگان، و رویکردهای این اسطوره)» توسط اسما سندک‌زهی ارائه شد. اسطوره ضحاک یکی از اساطیر است. با آنکه آریاییان خود را نژاد برتر می‌دانستند، دادوستدهای فرهنگی بسیاری با اقوام بومی ایران داشتند و از میراث آن‌ها مانند هنر، ثروت، زبان، خط، مذهب، علم، اساطیر و در یک کلمه از فرهنگ آن‌ها استفاده کردند. با آنکه در متن خود اسطوره، ضحاک «بابلی» عنوان می‌شود و از جریان اتفاقات می‌توان چنین فهمید که این اسطوره در غرب ایران اتفاق افتاده است، به دلیل تشابه این اسطوره با برخی از اساطیر هندی، عده‌ای از مورخان آن را متعلق به عصر هندوایرانی می‌دانند، درحالی‌که ممکن است دلیل این تشابهات را به مبحث متواترات در اساطیر مربوط دانست؛ علاوه‌براین، اسطوره به دوره ساسانی هم نسبت داده شده است. حال آنکه شواهد و قرائن تاریخی بسیاری وجود دارد که این نظریات را مورد تردید قرار می‌دهد. وی ریشه‌های تاریخی این اسطوره را مورد مطالعه دقیق‌تر قرار داد و به این پرسش‌ها پاسخ داد که: ۱- قوم سازنده اسطوره ضحاک چه کسانی هستند؟ ۲- این اسطوره به دستور چه کسی و توسط چه کسانی نوشته شده است؟ ۳- رویکردهای اسطوره کدام‌اند و با چه هدفی وارد متون دینی شده است؟ نتایج مشخص کرد که قوم سازنده اسطوره ضحاک بومیان ایران بوده‌اند، ولی این اسطوره به دستور آن‌ها ثبت نشده است و این آریایی‌ها بودند که کوشیدند تا این اسطوره را ثبت و ضبط و در آن تغییراتی اعمال کنند.

### اردستان؛ زادگاه خسرو انوشیروان

سخنرانی دیگر این نشست با عنوان «اردستان؛ زادگاه خسرو انوشیروان» توسط محمود کوهکن ارائه شد. وی در خصوص مشخصات اردستان شرح داد: شهرستان اردستان در شمال‌شرقی اصفهان و جنوب کاشان، در حاشیه کویر مرکزی ایران قرار گرفته است. پیشینه این شهر به عصر اساطیری و کهن تاریخی بازمی‌گردد و یادمان‌هایی از دستان، رستم، زواره، فرامرز، شیده، و دیگر پهلوانان اساطیری تا کی خسرو و بهمن پسر اسفندیار کیانی در خود دارد. همچنین، بنای آتشکده‌ای منسوب به بهمن پسر اسفندیار که با اردشیر اول هخامنشی یکی دانسته شده، تا اینکه برای مدتی پایتخت اردوان چهارم اشکانی بوده است، روایاتی از اهمیت این شهر در دوران تاریخی است. به استناد برخی منابع، اردستان در دوره ساسانیان نیز از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده و گفته شده اردشیر بابکان بنای شهر جدید را نهاده است، اما مهم‌ترین رویدادی که در عصر ساسانی در اردستان اتفاق افتاده، تولد خسرو انوشیروان است. وی به جایگاه اردستان در دوره ساسانی پرداخت و اینکه آیا می‌تواند زادگاه خسرو انوشیروان باشد؟ یافته‌های تحقیق نشان داده است که با توجه به پیشینه اساطیری و گذشته تاریخی این شهر و نیز به استناد منابع و آثار تاریخی برجای مانده، اردستان یکی از گزینه‌های اصلی برای این امر به‌شمار می‌رود.

### هفت‌خان زال در شاهنامه

آخرین سخنرانی نشست توسط سعید اکبری با عنوان «هفت‌خان زال در شاهنامه» ارائه شد. وی در مورد هفت‌خان/خوان، هفت‌وادی و الگوهای مشابه آن‌ها که مضمون‌های مهم و پُر تکرار در ادبیات حماسی و عرفانی است، گفت: مسئله گذشتن پهلوان یا سالک از موانع مختلف، برخلاف دشواری‌های بسیار و گاهی حتی باورنکردنی و در نهایت پیروزی و موفقیت او بن‌مایه تمام این الگوهاست؛ آنچه به‌لحاظ دینی و آیینی نیز به‌عنوان بخش مهمی از مراحل تشریف و بلوغ حقیقی و نهایی پهلوان یا سالک موردنظر است. زال یکی از شخصیت‌های مهم و محوری در شاهنامه و اساطیر ایران است که به‌لحاظ ویژگی‌های ظاهری، نحوه پرورش و زیست غیرطبیعی، و همچنین ارتباط با سیمرغ، شرایط تبدیل شدن به شخصیتی آرمانی و ماندگار را داراست. وی افزود: با این رویکرد به داستان زندگی زال و مطابق آنچه در شاهنامه فردوسی آمده است، بخش مربوط به پرسش‌های شش‌گانه موبدان دربار منوچهر از زال و متعاقب آن هنرنمایی شگفت او در میدان رزم را می‌توان نمونه‌ای دیگر از الگوهای هفت‌خان پهلوان یا هفت‌وادی سالک به‌شمار آورد و به‌تعبیری آن را هفت‌خان زال نامید؛ هفت‌خانی که ضمن تصدیق نیروی شگفت پهلوانی زال، بیش از هر چیز بیانگر کمال دانایی و خردمندی اوست.



## همایش بین‌المللی دوسالانه فرهنگ و زبان‌های باستانی

همایش بین‌المللی دو سالانه فرهنگ و زبان‌های باستانی با حضور پژوهشگران مختلف از ایران و دیگر کشورهای جهان در دو روز چهارم و پنجم بهمن‌ماه، به‌همت پژوهشکده زبان‌شناسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به‌صورت حضوری و وبیناری برگزار شد.

**دکتر فوزی: زبان فارسی، عامل اصلی وحدت ملی ایرانیان است**



در ابتدای این همایش دکتر یحیی فوزی (معاون پژوهشی و تحصیلات تکمیلی پژوهشگاه) ضمن عرض خیرمقدم به حضار در همایش، ایران‌شناسان و زبان‌شناسان و تشکر از اعضای پژوهشکده زبان‌شناسی پژوهشگاه، به‌خصوص دکتر نصراله‌زاده رئیس پژوهشکده و همچنین تشکر از مدیر علمی همایش از بابت برگزاری سومین دوره از این همایش، گفت: یکی از اهداف پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی بر اساس اساسنامه مصوب آن، پژوهش، بازنمایی و معرفی هویت و میراث تمدنی ایرانی اسلامی و تبادل دانش و گفت‌وگوی تمدنی در سطح ملی و فراملی است و این پژوهش با موضوع فرهنگ و زبان‌های باستانی، گامی در این راستا محسوب می‌شود. اصولاً شناخت جهان کهن که به‌واسطه مطالعات باستان و از طریق فرهنگ و زبان‌های کهن قابل درک است، می‌تواند در درک عمیق‌تری از هویت امروز ما و پیوند بین سطوح مختلف هویتی بسیار مؤثر باشد و مطالعه فرهنگ، تاریخ زبان فارسی و شناخت و بررسی گویش‌های ایرانی در این ارتباط از اهمیت زیادی برخوردار است. دکتر فوزی افزود: هویت امروز جامعه ایران در پیوند با گذشته تاریخی، فرهنگی و زبانی آن است و به‌قول علامه شهید مرتضی مطهری تحت تأثیر دولایه ایرانی و اسلامی است که درخصوص لایه ایرانی آن محققان بر وجود مؤلفه جغرافیایی، فرهنگی و زبانی اشاره دارند. درباره مؤلفه جغرافیایی هویت ملی محققان بر گردآمدن مجموعه‌ای از انسان‌ها حول فلات مرکزی ایران اشاره دارند که طبیعتاً این عامل جغرافیایی برای ساکنان این سرزمین، سرنوشت، فرصت‌ها و تهدیدات مشترکی را ایجاد می‌کرد و نوعی همگرایی و هویت مشترک را بین آنها تقویت می‌کرد.

### اصولاً فرهنگ ایرانی تحت تأثیر معرفت‌شناسی شرقی و اشرافی‌اندیشی شرقی قرار دارد

او گفت: درباره مؤلفه‌های فرهنگی ایران باستان مؤثر بر این هویت، می‌توان بر مؤلفه‌های معرفت‌شناسانه و جهان‌بینی مشترکی که تحت تأثیر آموزه‌های دین زرتشت شکل گرفت و بر آداب و رسوم ایرانیان اشاره کرد که اصولاً فرهنگ ایرانی تحت تأثیر معرفت‌شناسی شرقی و اشرافی‌اندیشی شرقی قرار دارد و اعتقاد به ماورای طبیعت، اهورامزدا، نیروهای خیر و شر و زندگی آن جهانی نتیجه این معرفت‌شناسی است و آداب و رسوم فرهنگی ایرانیان تجلی این نوع معرفت‌شناسی، جهان‌بینی، انسان‌شناسی و نوع نگرش به نظام سیاسی است که در زبان و ادب فارسی، جشن‌ها و مراسم ملی تجلی یافته است.

دکتر فوزی گفت: به بیان دیگر فرهنگ توحیدی، خداباوری و دین‌مداری، در بین اقوام ایرانی با تأثیرپذیری از آموزه‌های دین زرتشت و معرفت‌شناسی و جهان‌بینی شرقی، یکی از مؤلفه‌های مهم هویتی در ایران باستان است که این فرهنگ نوعی هویت و تشخص و تمایز را برای ایرانیان و شرق در مقابل معرفت‌شناسی و جهان‌بینی انسان‌مدار و مادی‌گرایانه غرب و یونان آن‌روز به‌وجود آورده بود. همچنین می‌توان به روحیه ظلم‌ستیزی و استقلال‌طلبی و پیوند دین و سیاست در ایران باستان اشاره کرد که تداوم آن را تاکنون در تاریخ و سیاست ایران می‌توان به‌خوبی مشاهده کرد.

### ایران امروز نیازمند تبارشناسی هویتی و شناخت مؤلفه‌ها و ابعاد فرهنگی پیونددهنده بین گذشته و حال است

فوزی افزود: این رگه‌های فرهنگی مبتنی بر وحدت درونی ادیان توحیدی همان عامل پیونددهنده هویتی ایرانیان با اسلام بود به‌طوری‌که آموزه‌های دینی اسلام برای ایرانیان آموزه‌های ناآشنایی نبود و مابعدالطبیعه‌گرایی و اشراقی‌گری ایرانی در اسلام مورد تأکید قرار داشت و اسلام، جهانی متشکل از عرصه مادی و معنوی را ترسیم می‌کرد که جهان ناآشنایی برای ایرانیان نبود، لذا با سرعت و رغبت بخش بزرگی از ایرانیان اسلام را پذیرفتند و تلاش کردند بین هویت ایرانی و هویت اسلامی جدید با محوریت اسلام پیوند برقرار کنند و ایرانی مسلمان تلاش کرد تا بعد از پذیرش اسلام ابعاد مختلف زندگی خود را بر اساس این چهارچوب جدید سامان دهد. براساس این پیوند بود که هویت ایرانی-اسلامی شکل گرفت که تقویت این هویت در ایران امروز نیازمند این تبارشناسی هویتی و شناخت مؤلفه‌ها و ابعاد فرهنگی پیونددهنده و مشترک بین گذشته و حال است. وی گفت: اما درکنار این عوامل و به‌عنوان عامل مهم دیگر هویت‌ساز در ایران باید به زبان فارسی اشاره کرد که این زبان از جایگاه مهمی بر هویت ایرانیان خوردار است. به‌طوری‌که می‌توان گفت یکی از مؤلفه‌های هویتی و تمدنی ایران اسلامی، فرهنگ و زبان فارسی و ادبیات غنی آن و گویش‌های ایرانی است و به گفته یکی از محققان، این زبان چه در آن روزگاری که کورش و داریوش بدان سخن می‌گفتند و منشورها و فرمان‌های خویش را بر پیشانی صخره‌ها و ستون‌ها حک می‌کردند، چه آن زمان که فردوسی بزرگ حماسه سترگ خود را با آن می‌سرود تا علایق ملی و فرهنگی را با آن نیرو بخشد و خودشناسی و خودباوری را به ایرانیان نشان دهد، چه هنگامی که مولوی آفریننده بزرگ ادبی عرفانی ایران و جهان آثار خود را با آن سرود تا اصالت دینی و عرفانی را به مردم بیاموزاند، چه هنگامی که حافظ و سعدی ماندگارترین آثار ادبی خود را با آن نوشتند، و چه زمانی که رهبران انقلاب اسلامی ایران از طریق این زبان پیام‌های معنوی، سیاسی و رهایی‌بخش خود را به جهان ارسال کردند؛ همواره نقش اصلی و ویژه‌ای در پایداری و حیات ایرانیان و وحدت ملی ایفا کرده و می‌کند.

### زبان فارسی که ما امروز صحبت می‌کنیم، دنباله زبان فارسی میانه است

دکتر فوزی افزود: زبان فارسی از جهات مختلف اهمیت دارد در این زبان، شاهکارهایی به‌وجود آمده که در دنیا کم‌نظیر است. زبان‌شناسان می‌گویند که در دنیا شش‌هزار زبان وجود دارد که در بین آنها تنها چند زبان هست که در آن، آثاری مثل شاهنامه فردوسی، کلیات شمس، کلیات سعدی و غزلیات حافظ به‌وجود آمده باشد. درواقع تعداد زبان‌هایی که آثاری چنین مهم در آنها به‌وجود آمده بسیار محدود است و این افتخار مهمی برای زبان فارسی به‌شمار می‌رود. از دلایل اهمیت زبان فارسی این است که رابط بین اقوام مختلف ایرانی است. ایران کشوری دارای قومیت‌های گوناگون است که هر کدام زبان خاص خود را دارد و رابط بین این اقوام، و هویت‌بخش مشترک آنها زبان فارسی است. فارسی، زبانی است که از نظر سابقه تاریخی گذشته‌اش مشخص است و این برای کمتر زبانی در دنیا حاصل شده است. زبان فارسی که ما امروز صحبت می‌کنیم، دنباله زبان فارسی میانه است که در دوره ساسانی تکلم می‌شده، و زبان دوره ساسانی دنباله زبانی است که در دوره هخامنشی تکلم می‌شده، لذا شناخت این پیوستگی از اهمیت مهمی برخوردار است. به‌عبارت دیگر، زبان فارسی به‌عنوان زبان رسمی کشور ایران، بازمانده زبان فارسی میانه و فارسی باستان است، بنابراین شناخت دقیق و علمی این زبان جزء از راه مطالعه تاریخچه و پیشینه آن امکان‌پذیر نخواهد بود. و در این راستا شناخت عمیق از زبان‌های باستانی می‌تواند در شناخت زبان فارسی و ادبیات غنی آن و نیز گویش‌های ایرانی بسیار مؤثر باشد.

او گفت: علاوه بر اینکه فهم فرهنگ و زبان‌های باستانی ایران می‌تواند در شناخت بنیادهای زبانی ایران فرهنگی بسیار کمک‌رسان باشد و تقویت آن عامل پیونددهنده بین کشورها و اقوام مختلف حول اشتراکات زبانی خواهد بود امروز زبان رسمی سه کشور ایران، افغانستان و تاجیکستان زبان فارسی است. گذشته از اینها، در سه تا چهار قرن پیش، زبان فارسی زبانی بین‌المللی بود و از هند تا جنوب اروپا، زبان فارسی، زبان ادبی بود و در یک نگاه گسترده‌تر می‌توان گفت، زبان‌های ایرانی که یکی از شاخه‌های زبان‌های هندوایرانی است، عامل پیونددهنده تمدنی بین کشورها و مناطق ایران، افغانستان، تاجیکستان، بخشی از پاکستان، کردستان ترکیه، کردستان عراق و بخش‌هایی از آسیای میانه و قفقاز است و زبان‌ها و گویش‌هایی که اکنون در مناطق مختلف ایران و کشورهای نظیر تاجیکستان، افغانستان، پاکستان، هندوستان و بخش‌هایی از عراق، سوریه، ترکیه و حتی قفقاز به آنها تکلم می‌شود و به لحاظ وراثتی از بازماندگان زبان‌های کهن ایرانی هستند، لذا درک عمیق‌تر از زبان‌های باستانی و کهن ایران به‌عنوان بنیاد زبان فارسی امروز از اهمیت خاصی برای برقراری پیوند عمیق‌تر بین این کشورها و مناطق برخوردار است.

### زبان فارسی همیشه چون حلقه‌ای مرئی و نامرئی، هویت فرهنگی و ملی مردم ایران و اقوام آنرا به یکدیگر پیوند داده

معاون پژوهشی پژوهشگاه در خاتمه سخنانش گفت: درحقیقت زبان فارسی همیشه چون حلقه‌ای مرئی و نامرئی، هویت فرهنگی و ملی مردم ایران و اقوام آنرا به یکدیگر پیوند داده و همچنان عامل اصلی وحدت ملی ایرانیان است، لذا حفظ و تقویت آن با شناخت بنیادها و گویش‌ها و ادبیات غنی آن وظیفه‌ای سترگ بر دوش همگان و وظیفه‌ای ملی برای پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و این همایش وزین خواهد بود که امید است بتواند با استفاده از نظرات اندیشمندان و مشارکت‌کنندگان به اهداف مورد نظر خود دست یابد و در تعمیق و گسترش این دانش و به‌صورت خاص ارائه آخرین دستاوردهای محققان درحوزه فرهنگ و زبان باستانی ایران قدم‌های مؤثری بردارد تا بتوان از این دستاوردها برای پیوند بین گذشته و حال و تقویت هویت ملی درایران اسلامی سود برد.



### دکتر زرشناس: فرهنگ روح یک تمدن است و فرهنگ ایران حتی در فلسفه غربی هم متجلی است

در ادامه دکتر زهره زرشناس، دبیر علمی همایش درباره برگزاری این همایش، طی سخنانی گفت: ایران، به‌عنوان وارث تمدنی کهن، نقش به‌سزایی در ایجاد و شکل‌گیری تمدن جهانی و نیز تعیین مسیر تاریخ بشر داشته است. لذا، شناخت و شناساندن این تمدن از اهمیت شایانی برخوردار است. فرهنگ روح یک تمدن است و فرهنگ ایران حتی در فلسفه غربی هم متجلی است؛ چنان‌که هگل، فیلسوف آلمانی، ایران را نماینده راستین انتقال تاریخ از شرق به غرب می‌داند و بر نقش پررنگ آن در گسترش تمدن بشر تأکید می‌کند. یکی از مهم‌ترین شاخص‌های این فرهنگ غنی، زبان فارسی است که یکی از ارکان اساسی هویت ملی ماست.



او افزود: خوشبختانه، از دوره میانه و باستان زبان فارسی اسناد و نوشته‌های بسیاری در دست است. افزون بر زبان فارسی، از دیگر زبان‌های دوره باستان و میانه نظیر اوستایی، سغدی، خوارزمی، ختنی، و بلخی نیز اسناد بسیاری موجود است. همچنین، ایران از تنوع زبانی و گویشی حائز اهمیتی برخوردار است که در نقاط دیگر جهان کمتر مشاهده می‌شود. مطالعه این اسناد و متون و شناخت این زبان‌ها و گویش‌ها، ما را در شناخت بیشتر فرهنگ و تمدن این سرزمین و نیز تقویت زبان فارسی یاور و راهنماست.

وی گفت: باوجود موفقیت‌هایی که در سال‌های اخیر از لحاظ کمی و کیفی در گسترش مجموعه ایران‌شناسی و زبان‌شناسی به‌طور کلی، و فرهنگ و زبان‌های باستانی به‌طور خاص، در کشور حاصل شده است، هنوز مسیری طولانی و پرفرازونشیبی پیش‌روی این جامعه علمی قرار دارد. حقیقت امر این است که این جامعه علمی باید نشان دهد، عزم و توان این را دارد که در جهت برطرف کردن نیازهای علمی و پژوهشی حال و آینده کشور گام بردارد.

### تأکید به همایش‌های دوسالانه فرهنگ و زبان‌های باستانی

دکتر زرشناس تأکید کرد: پژوهش و تحقیق درباره این متن‌های ارزشمند باستانی و ترجمه، انتشار، و اشاعه آن‌ها و نیز کمک به حفظ و ماندگاری زبان‌ها و گویش‌های ایران، از طریق ثبت و ضبط، توصیف، تحلیل و تبیین آن‌ها، در راستای بومی‌ترکردن این دانش‌ها و نیز رشد و اعتلای آن‌ها در ایران می‌تواند بسیار مؤثر باشد. به‌منظور آشنایی با آخرین دستاوردهای پژوهشی در زمینه فرهنگ، زبان‌ها، و متون ایرانی باستان، میانه و نو؛ همچنین بررسی گسترده زبان‌های ایرانی به‌عنوان یکی از عوامل پیوند میان ملت‌های جهان ایرانی؛ و نیز ایجاد انگیزه در پژوهشگران جوان برای مطالعه بیشتر و ژرف‌تر در عرصه زبان‌شناسی ایرانی و ایران‌شناسی، همایش‌های دوسالانه فرهنگ و زبان‌های باستانی برنامه‌ریزی و برگزار شده است.

نخستین دوره این همایش در سال ۱۳۹۶ در روزهای ۱ و ۲ خرداد به میزبانی دانشگاه شهید بهشتی و دومین دوره آن در روزهای ۱۰ و ۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۸ به میزبانی دانشگاه تهران برگزار شده است. در دادوستدهای علمی به‌منظور آگاهی از تحولات علمی جهان و نظریات جدید، به‌کارگیری ابزارهای علمی و ارتباطی از ضرورت بسیاری برخوردار است و برگزاری همایش‌های بین‌المللی یکی از بهترین اقدامات، در این زمینه، می‌تواند باشد. از این‌رو در راستای دستیابی به این هدف، از استادان صاحب‌نام این حوزه و از ایران‌شناسان نامی جهان

برای ارائه سخنرانی دعوت به‌عمل آمد، که مورد قبول گروهی از آنان قرار گرفت. جای بسی خوشبختی است که در این همایش از سخنرانی‌های ارزنده استادان و دانشمندان کشورهای گوناگونی چون آلمان، انگلستان، ایتالیا، کانادا، فرانسه و چین در کنار استادان، صاحب‌نظران، و پژوهشگران ایرانی بهره‌مند خواهیم شد.

دبیر علمی همایش تصریح کرد: استادان، همکاران، دانشجویان و دوستان بسیاری با ما همکاری کرده‌اند و ما را یاری رسانده‌اند که مجال نام‌بردن از یک‌یک آنان در این مختصر نیست؛ از همه آن‌ها از صمیم قلب سپاسگزارم که مرا وام‌دار محبتشان کرده‌اند. مراتب امتنان خود را از جناب آقای دکتر نجفی، ریاست محترم پژوهشگاه، و از جناب آقای دکتر فوزی، معاون محترم پژوهشی پژوهشگاه، و همکاران محترم حوزه ریاست و معاونت پژوهشی ابراز می‌دارم. از جناب آقای دکتر قنبرلو، معاون محترم مالی و اداری پژوهشگاه و همکاران محترم‌شان، از سرکار خانم دکتر احدی، مدیر محترم اداره روابط عمومی که همکار ما در گروه زبان‌شناسی نیز هستند، و همکاران محترم‌شان و جناب آقای مهندس صالحی، مدیر محترم بخش مدیریت فناوری اطلاعات و همکاران محترم‌شان، که برای حسن اجرای این همایش بسیار کوشیده‌اند، بی‌نهایت سپاسگزارم.



پژوهشگاه زبان‌شناسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

**پیش‌نشست همایش بین‌المللی دوسالانه فرهنگ و زبان‌های باستانی**

سه‌شنبه ۲۸ دی ماه ۱۴۰۰ ساعت ۹-۱۸

سخنرانی دکتر سیرینوس فیصل‌الزامله (رئیس پژوهشگاه زبان‌شناسی)

**نشست نخست به ساعت ۱۰:۰۰**

میزبان نشست دکتر حوریه لکیمی (دکتر از مراکش) ریاضیه باصفا (پروسی ساختاری دستگاه فعل در گویش وولوس)

طاهره و ضیایی (پروسی خلوصی به عنوان یک زبان هندوارین در خطر در استان هرمزگان) دکتر رضا حیدری زادی (فکندها و ناگفته‌های از فرقه‌های گویش‌های باستانی استان فارس)

**نشست دوم به ساعت ۱۱:۰۰**

میزبان نشست دکتر حسین طالبی (دکتر سیرینوس فیصل‌الزامله) دکتر فاطمه قنبرلو فرد (نساندهای جمع ۸ و ۸- در گونه براهویی رودبار جنوب) علی خدایی (پروسی و تحلیل واژگان کهن ایرانی در زبان آذربایجانی) محمدعلی میوزایی (حمیده اولی‌لهیمی (پروسی) در ساخت کهن فعل‌سببی در زبان طبری و مازندرانی) پورچینستا گشتناسی (پروسی) و آوا هندی و گجراتی موجود در پنج فعل نخست‌شکلند شمالیک وینجا)

**نشست سوم به ساعت ۱۲:۰۰**

میزبان نشست دکتر نازجی حجازی (دکتر علی‌اکبر شهبازی) دکتر سیدآوا ریاضی هروی (انگلی) در مبانی انسان‌شناسی متون پهلوی ساسانی

سمیرا قنبرلو زاده (A Discourse Study of Avestan, Yezas of the Gathas, based on Systemic Function Grammar) دکتر مه‌للا مر تصایبی (فعل اخباری در بندهای شرط اوستا) سعید کریمی (همسنگی نام چهار ماه از گاهشماری‌هاختاشتی با گاهشماری‌های پهلوی و زبان‌های دیگر)

**نشست چهارم به ساعت ۱۳:۰۰**

میزبان نشست دکتر سیرینوس فیصل‌الزامله (رئیس پژوهشگاه زبان‌شناسی) دکتر محمود رضا گوین (از دستان زادگاه خسرو اوشیرویان) اسما سعید کریمی (ارمینه‌های اسطوره‌هاختاشتی) سعید اکبری (هفت جان زال) سعیده مشایخ (زبانان سغدی سه‌مغزی)

لینک ورود وبسایت به نشست: <https://webinar.ics.ac.ir/b/ihc-qog-uqu-iz2u>



زرشناس گفت: جناب آقای دکتر نصراله زاده، رئیس محترم پژوهشکده زبان‌شناسی، و سرکار خانم دکتر گشتاسب، مدیر محترم گروه فرهنگ و زبان‌های باستانی که دبیران اجرایی همایش نیز هستند، نهایت مساعدت را برای برگزاری همایش مبذول داشتند؛ از ایشان که همواره یاور و مدد رسان بوده‌اند، از صمیم قلب تشکر می‌کنم. از بن جان به فردفرد همکارانم در پژوهشکده زبان‌شناسی، که به پشت‌گرمی آن عزیزان می‌توان به برگزاری این همایش امیدوار بود، ادای احترام می‌کنم.

او ادامه داد: سرکار خانم دکتر شب‌نم مرزبجرائی، از دانشجویان گروه زبان‌های باستانی پژوهشگاه، در چند ماه اخیر برای هماهنگی و برگزاری جلسات، آماده‌کردن چکیده‌ها و اصل مقالات و انجام امور مختلف و متنوع همایش کمک‌های بسیار مؤثر و شایانی کرده‌اند که ستودنی است؛ و جناب آقای دکتر شاهین آریامنش، همکار ما در پژوهشکده زبان‌شناسی، نقش بسیار شایسته‌ای در گردآوری و هماهنگ‌کردن چکیده مقاله‌ها در مجموعه چکیده مقالات همایش و به‌طور کلی در هماهنگی‌های مربوط به همایش داشته‌اند؛ از این عزیزان بی‌نهایت سپاسگزارم. سرکار خانم اکرم نوری، از دانشجویان گروه زبان‌های باستانی پژوهشگاه، ویرایش چکیده مقالات همایش را از سر لطف بر عهده داشته‌اند و ما را وام‌دار محبتشان کرده‌اند؛ از ایشان تشکر می‌کنم. خوشبختانه با تلاش شبانه‌روزی همکاران محترم پژوهشکده و پژوهشگاه، به‌ویژه سرکار خانم دکتر شب‌نم مرزبجرائی و جناب آقای دکتر شاهین آریامنش و همکاران محترم، مجموعه چکیده مقالات سومین همایش دوسالانه فرهنگ و زبان‌های باستانی آماده شده است.

دکتر ژاله آموزگار، استاد فرهیخته فرهنگ و زبان‌های باستانی و دکتر محمد تقی راشد محصل، استاد سرشناس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی از سخنرانان آیین گشایش همایش بودند.

دکتر نیکلاس سیمز-ویلیامز، دکتر حسن رضایی باغبیدی، دکتر وتر هنکلمن، دکتر سمرا آذرنوش، دکتر چنگیز مولایی، دکتر محمد شکری فومشی، دکتر فرزانه گشتاسب و دکتر مسعود قیومی، شماری از سخنرانان روز نخست همایش بودند که درباره فرهنگ، زبان و باستان‌شناسی و تاریخ ایران به سخنرانی پرداختند.

در روز دوم همایش نیز دکتر محمود جعفری دهقی، دکتر مجتبی منشی‌زاده، دکتر محمد حسن دوست، دکتر سیروس نصراله‌زاده، دکتر شاهرخ رزمجو، دکتر مثم لباف، دکتر شاهین آریامنش، دکتر حمیدرضا دالوند و دکتر عسکر بهرامی به سخنرانی پرداختند.

در نخستین نشست روز دوم همایش، ۴ بهمن، نیکلاس سیمز ویلیامز، استاد بازنشسته مطالعات ایران و آسیای مرکزی از انگلستان سخنرانی خود را با عنوان «هفت مصیبت» در سرود سغدی مانوی آغاز کرد. وی در مجموعه تورفان برلین، ۱۲۰۰ M و ۹۰۰ M، درمورد یک برگه تقریباً کامل با یازده خط متن در هر طرف که به نظر می‌رسد این متن سرودهایی باشد که در ایبات یا مصراع‌هایی که هر کدام با چهار بیت نوشته شده است، پژوهش کرده بود و به جالب‌ترین جزئیات این متن اشاره به «هفت مصیبت» داشت که در «بهشت نورانی» وجود ندارد، یعنی: سرما، گرما، گرسنگی، تشنگی، اندوه، بیماری، مرگ.

سخنرانی بعدی با عنوان «رهیگ و Ewēn-Mahr» نگاهی جدید به چشم‌انداز زندگی پس از مرگ در کتیبه‌های «کردیر» که توسط حسن رضایی باغبیدی، استاد دانشکده زبان و فرهنگ و فارغ‌التحصیل دانشگاه اوزاکای ژاپن، ارائه شد. کردیر یکی از موبدان زرتشتی تأثیرگذار ایران ساسانی است که نامش با تجربه عرفانی رؤیت زندگی پس از مرگ گره خورده است. کردیر در دو کتیبه از چهار کتیبه موجود در پارسی میانه به مراسمی مرموز به نام چوون ماهر اشاره می‌کند. رومیان رهیگ که این آیین را پشت‌سر می‌گذارند، به‌طور معجزه‌آسایی قادر به دیدن رؤیای زندگی پس از مرگ و تعدادی از موجودات روحانی از جمله کردیر هنگرب «شبیبه کردیر» هستند. تفسیر صحیح واژگان rehīg و ewēn-mahr از دیرباز برای محققان زبان‌شناسی ایران و زرتشت‌شناسی معمایی بوده است. وی با مروری بر تمامی مطالعات قبلی سعی در ارائه تفسیری جدید از این آیین مرموز ارائه داد.

### بابلی‌ها در تخت جمشید

«بابلی‌ها در تخت‌جمشید» عنوان سخنرانی دکتر وتر هنکلمن بود که در مورد نقش بابلی‌ها در تاریخ فعالیت ساختمانی «در پارسا» در سال‌های ۱۵ و ۱۶ دوره داریوش اول و از هزاران کارگر از بابل صحبت کردند که به‌عنوان «سنگ تراش» منصوب شده‌اند. وی معتقد است اگرچه این متون ماهیت اقتصادی دارند و هیچ فرآیند ساختمانی را توصیف نمی‌کنند، ممکن است گفته شود که گروه‌های بسیار بزرگی که آنها مستند می‌کنند در ساخت تراس تخت‌جمشید مشغول بوده‌اند. این امر به نوبه خود سؤالاتی را در مورد سازماندهی کار و وضعیت کارگران ایجاد می‌کند.



در سخنرانی پایانی نشست اول، سمرا آذرنوش، کارشناس ارشد زبان‌های ایران باستان پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، درمورد هنر مجادله در دینکرد ششم به یکی از شخصیت‌هایی که در بحث‌های کلامی در برابر خلیفه شرکت می‌کرد، به نام «آدور فرنیغ فرخزادان» پرداخت. در حالی که متن‌های او روایت‌های با ارزش آموزشی است، تدریس او در هنر جدل بسیار واقعی به نظر می‌رسد. بقایایی که بخش‌هایی از آن‌ها توسط دینکرد چهارم نقل شده است، نشان می‌دهد که زرتشتیان باید دستورالعمل‌های خاص جلسات عمومی در مجادلات بین مذهبی را می‌شناختند و قواعد و تشابهاتی را با آداب‌الجدل که در قرن دهم شناسایی شده بود، در سخنرانی طرح کرد. نشست دوم، بعداز ظهر روز اول همایش به‌طور همزمان در دو سالن به‌صورت برخط و حضوری توسط مدیران نشست‌ها برگزار شد.

### پیشنهادی درباره قرائت و معنی یک واژه اوستایی در وندیداد

در نشست دوم نخستین سخنران دکتر چنگیز مولای، از استادان دانشگاه تبریز با عنوان «پیشنهادی درباره قرائت و معنی یک واژه اوستایی در وندیداد» ارائه کرد. سخنران بعدی دکتر محمودزهی با عنوان «رد (= سرور) بودن پدیده‌ها در جهان‌بینی ایرانی باستان براساس ویسپرد و بُندهش» و دکتر لیلی ورهرام با عنوان «پیمان‌ه عمر و رشته حیات: یک استعاره مفهومی هند و اروپایی» و دکتر مینا کامبین در مورد «ایزد مهر درگاهان» سخنرانی کردند. در سالن شماره ۲ دکتر یدالله منصوری سخنرانی خود را با عنوان «واژگان فلسفی در زبان پهلوی» ارائه کرد و بعد از وی دکتر محمد شکری فومشی درمورد «دیوهای بابلی و غول‌های آرامی در کیش مانوی و سپس دکتر مسعود قیومی و دکتر فرزانه گشتاسب و دکتر نادیا حاجی‌پور درمورد «بررسی سبکی الگوهای زبانی در متون» «اندرز اوشنز»، «مینوی خرد» و «گزیده‌های زادسپرم» ارائه داشتند. آخرین سخنران سالن ۲ دکتر فریبا ناصری کوهبنانی مقاله خود را با عنوان «بازشناخت مقام محلی پساساسانی، یزدان‌پادار، براساس پاپیروس‌های فارسی میانه ساسانی و تاریخ قم» ارائه کرد.

### کمر بند ستاره‌شناس در دادستان دینی

در نشست سوم دکتر محمود جعفری‌دهقی در مورد «کمر بند ستاره‌شناس در دادستان دینی» پرداخت و دکتر احمدرضا قائم‌مقامی درخصوص «بوندگ منشی به چه معنی است؟» سخنرانی کردند. دکتر نادیا حاجی‌پور در «موضوع گرو و گرو گذاشتن در مادیان هزار دادستان» سخنرانی کرد و در آخر دکتر فهیمه شکبیا و دکتر سمیه‌خانی‌پور موضوع پژوهشی خود را با عنوان «بررسی تطبیقی نسخه ختنی IOL KHOT ۵/۱۴ و مقایسه آن با نسخه چینی T.no ۳۰۰» ارائه کردند.

در ادامه دکتر مجتبی منشی‌زاده «سیر تحول حرف اضافه wasnad در زبان‌های ایرانی میانه»، دکتر محمد حسن‌دوست «خلوصی یکی از زبان‌های آریایی جنوب ایران»، دکتر مهدی سبزواری درمورد «بررسی روند تصریف‌زدایی در زبان فارسی»، دکتر حامد خرازیان «تحول خوشه‌های همخوانی آغازی واژگان دخیل در زبان فارسی نو» آخرین نفر در نشست سوم بودند.

### واژه‌های تدفینی در قلمرو شاهنشاهی اشکانی

در نشست چهارم دکتر شاهرخ رزمجو درمورد «شیوه‌های تدفین در قلمرو هخامنشی» و دکتر سیروس نصراله‌زاده، رئیس پژوهشکده زبان‌شناسی پژوهشگاه، سخنرانی خود را با عنوان «واژه‌های تدفینی در قلمرو شاهنشاهی اشکانی» ارائه کرد و در ادامه دکتر شاهین آریامنش، از اعضای کمیته اجرایی همایش سخنرانی خود را با عنوان «تدفین در قلمرو شاهنشاهی اشکانی» ارائه کرد.

دکتر چنگ تانگ درمورد «تأثیر عناصر بیگانه در ساختن دل و جان ایرانیان - زبان، ادبیات و دین» گفت: زبان پوشش مادی اندیشه است. زبان فارسی به عنوان زبان رسمی ایران از خط عربی استفاده می‌کند، در حالی که این زبان از دوران باستان به ارث رسیده است. زبان فارسی و خط عربی سرانجام ادبیات درخشان فارسی را شکل داده‌اند، ژن‌ها و نشان فرهنگ ایرانی را تشکیل می‌دهند.



وی افزود: ایرانیان در تاریخ از سه نوع خط از فرهنگ‌های دیگر برای زبان خود استفاده می‌کردند: خط میخی خط برگرفته از آرامی و خط عربی. از آنجایی که زبان ایران باستان توسط آریایی‌ها به فلات ایران آورده شد، دستور زبان فارسی ساده شده، اما اساساً تغییری نکرده است. در روند طولانی مبادلات فرهنگی و توسعه خود زبان، زبان فارسی نیز تعداد زیادی از واژه‌ها مانند آرامی، یونانی، عربی، ترکی را جذب کرده است.

### رویکردی زبان‌شناختی به همنام‌های ماد(ه) و ماد(ه) از اوستایی تا فارسی محاوره‌ای



سخنران بعدی دکتر امید ملاک بهبهانی از استادان پژوهشکده زبان‌شناسی پژوهشگاه علوم انسانی مقاله خود را با عنوان «رویکردی زبان‌شناختی به همنام‌های ماد(ه) و ماد(ه) از اوستایی تا فارسی محاوره‌ای» ارائه کرد. سپس آلیسا زوبانی مقاله خود را با عنوان «کاوش در شگفتی تکنولوژی در دربار ساسانیان» درمورد وسایل مکانیکی در کاخ‌های سلطنتی ساسانی و ساختارهای بصری که در عرصه سیاسی آن‌زمان مفید بود و به عنوان نمادهای واقعی قدرت حاکم عمل می‌کرد، به تجزیه و تحلیل گزیده‌های مرتبط از منابع اولیه، کاوش در تاریخ مکانیک در ایران باستان را ارائه کرد. «نظام نگارش هتر و گرافیک فارسی میانه: تاریخ نگاری کوتاه» عنوان سخنرانی اولیویا رامبل بود که درباره استفاده از هتر و گرام‌های آرامی از ویژگی‌های بارز سیستم نوشتاری فارسی میانه و اینکه درک نادرست پژوهش‌های غربی از هتر و گرافیک فارسی میانه و به‌ویژه این فرض که آرامنوگرام‌ها واژه‌نامه هستند در مورد مطالعه کتیبه‌های ساسانی و نسخه‌های خطی زرتشتی را تا نیمه دوم قرن نوزدهم، علت نادرست‌خوانی‌های جدی و ریشه بحث‌های شدیدی که دانشمندان را در مورد موضوعاتی مانند ماهیت زبان فارسی میانه و همچنین رابطه زبانی بین کتیبه‌ای و خطی فارسی میانه متمایل کرده بود و درمورد برخی از محققان حتی «اصالت» این زبان مشکوک «مخلوط» و در نتیجه صحت نسخه‌های خطی زرتشتی را که توسط آنکتیل دوپرون از هند بازگردانده شده است، زیر سؤال بردند، سخنرانی کرد.

### تصحیح و احیای متون فارسی زردشتی



در نشست پنجم دکتر حمیدرضا دالوند از اعضای هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی در مورد «تصحیح و احیای متون فارسی زردشتی» به‌عنوان واپسین روایت مؤمنان کیش زردشتی از آموزه‌های زردشت، در بستر فرهنگ و اندیشه ایرانی، سخنرانی کرد و در مورد اینکه در ۷۰۰ سال گذشته، جامعه زردشتی در تعامل با جامعه مسلمانان ایران فراز و فرودهای بسیاری پشت سر نهاده است که پژواک آن را تنها در همین متون فارسی زردشتی می‌توان یافت. متون یادشده را در زمره ادبیات دینی و اینکه هر اثر ابزاری برای پیشبرد دین و هدایت پیروان به‌شمار می‌آید؛ اتکا به سنت را ویژگی بارز آن‌ها دانست.

دکتر عسگر بهرامی سخنران بعدی به موضوع «جاماسب‌نامه» پرداخت. دکتر سید سعیدرضا منتظری در مورد «تجربه زیسته تصحیح متن صد در نثر و صد بندهش» سخنرانی کرد. سپس دکتر شروین فریدنژاد به سخنرانی خود با عنوان «آیین‌ها و مناسک زرتشتی در بستر روایات فارسی زرتشتی» پرداخت.

### سنگ‌نبشته اورارتویی ترقه، جنوبی‌ترین کتیبه شناسایی شده اورارتویی

سپس دکتر مریم دارا و دکتر میریو سالوینی به موضوع «سنگ‌نبشته اورارتویی ترقه، جنوبی‌ترین کتیبه شناسایی شده اورارتویی» پرداختند. دکتر آزاده احسانی چمبلی مطالب خود را با عنوان «عوج بن عنق و گندرو دیو» ارائه کرد. راشین جهانگیری و دکتر ابوالقاسم اسماعیل‌پور سخنرانی‌شان با عنوان «ایزد هستی‌بخش و میراننده در اساطیر ایرانی» بود و در ادامه راحله خردمند به «بررسی نقوش اساطیری در تزئینات سقائفارهای مازندران بر پایه متون کهن و اساطیری ایرانی» پرداخت.

### اهمیت احیای آثار آذر کیوانیان و نکاتی در تصحیح آنها



در آخرین بخش همایش، در نشست ششم، دکتر فرزانه گشتاسب سخنرانی خود را با عنوان «اهمیت احیای آثار آذر کیوانیان و نکاتی در تصحیح آنها» ارائه کرد. دومین نفر دکتر پوریا علیمرادی «با نگاهی تازه به روایت فارسی زند و همن یشت» سخنرانی کرد. میرسالار رضوی آخرین نفر این نشست از سالن ۱ سخنانشان را با عنوان «گزارشی درباره تصحیح ارداویراف نامه منظوم زرتشت بهرام» ارائه کرد. در ادامه دکتر محمدرضا چیت‌ساز در مورد «سنگ‌نوشته نبطی النماره (۳۲۸م) و واژه فرس» که می‌تواند فرس (اسب سوار، چابک سوار) و فرس (اسب) یا فرس / فرس (ایران) باشد، به‌طور مشروح سخنرانی کرد. در ادامه نشست فائزه عقیقی سخنرانی خود را با عنوان «تحلیل انتخاب شخصیت‌های الگوی ایرانی اساطیری و باستانی در اندرنامه‌های فارسی قرون ۴ و ۵ هجری، مطالعه موردی: پندنامه انوشیروان، آفرین‌نامه، سیرالملوک، قابوس‌نامه، کیمیای سعادت، نصیحت الملوک و خردنامه» ارائه کرد. دکتر یاسر ملک‌زاده نیز سخنان خود را با عنوان «زبان بومی، زبان ادبی، زبان رسمی و بان آل بویه و مسئله زبان ایرانی به‌طور مشروح ارائه کرد. در آخر بهرام روشن ضمیر در مورد «سیمای دین زرتشتی در دوره ساسانی: مقایسه منابع قفقازی با متون کلاسیک» سخنان خود را ارائه کرد.

در بخش پایانی همایش استادان زبان‌شناسی با همفکری و مشورت، دانشگاه تبریز را میزبان همایش آتی دوسالانه فرهنگ و زبان‌های باستان، پیشنهاد کردند.

## پیام تسلیت پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در پی ارتحال آیت‌الله‌العظمی لطف‌الله صافی گلپایگانی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ارتحال فقیه عالی‌قدر و مرجع عظیم الشان حضرت آیت‌الله‌العظمی آقای حاج شیخ لطف‌الله صافی گلپایگانی (قدس الله نفسه الزکیه) را به محضر حضرت ولی عصر (عج)، مقام معظم رهبری (مدظله العالی)، مراجع عظام (دامت برکاتهم)، بیت معظم آن مرجع عظیم الشان (رضوان الله تعالی علیه) و عموم مردم ایران عزیز و مسلمانان جهان تسلیت عرض می‌کند و از درگاه حضرت احدیت برای ایشان رحمت و غفران الهی و علو درجات و حشر با ائمه اطهار علیهم السلام و برای بازماندگان بیت شریف ایشان صبر و اجر جزیل مسئلت دارد.

افزون بر منزلت علمی و تسلط کامل و جامع ایشان بر علوم حوزوی و فقه اهل بیت علیهم السلام و آثار گران‌بهای ماندگار از آیت‌الله‌العظمی آقای حاج شیخ لطف‌الله صافی گلپایگانی، ایشان الگوی حسن اخلاق، فروتنی، طهارت نفس، و صفای باطن بود و عمر شریف خود را در راه اعتلای اسلام و ترویج معارف الهی و اهل بیت علیهم السلام سپری کرد و همواره در خدمت به مردم شریف ایران و در مسیر نهضت انقلاب اسلامی و همراهی امام راحل (ره) و مقام معظم رهبری (مدظله العالی) پیشگام بود.

آیت‌الله صافی گلپایگانی سال ۱۳۹۷ در گلپایگان دیده به جهان گشود و عضویت در مجلس خبرگان قانون اساسی، عضویت در شورای نگهبان و دبیری آن از جمله مناصب سیاسی ایشان بوده است. این مرجع تقلید شیعیان از شاگردان برجسته آیت‌الله بروجردی بود و آثار فراوانی نزدیک به ۸۰ عنوان فارسی و عربی از جمله کتاب «منتخب الاثر» درباره امام دوازدهم شیعیان به رشته تحریر درآورده‌اند که برخی از آنها، جایزه کتاب سال ولایت و کتاب سال مهدویت را کسب کرده‌اند.





دانشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
مرکز اسناد فرهنگی آسیا برگزار می کند:

مرکز اسناد فرهنگی آسیا برگزار می کند:

# نوروز سرچشمه وحدت فرهنگی

سخنرانان:

دکتر طاهر بابایی (عضو هیأت علمی دانشگاه فردوسی مشهد)

## نوروز ایرانی در میان ترکان عثمانی

دکتر حمیدرضا دالوند (عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)

## نوروز در ایران باستان

شاه منصور شاه میرزا (کارشناس فرهنگی مؤسسه اکو)

## نوروز در تاجیکستان

دبیر نشست:

دکتر مریم سادات فیاضی (عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)

زمان: یکشنبه ۲۲ اسفندماه ۱۴۰۰ ساعت: ۱۳ تا ۱۵

لینک ورود رایگان:

<https://webinar.ihcs.ac.ir/b/ihc-d3x-f22-71s>

سر دبیر: حوریه احدی

دبیر تحریریه: شهرام اصغری

هیأت تحریریه: محسن باباخانی، مجید زارع، سعیده زندی و صادق کیا

[ravabet1@ihcs.ac.ir](mailto:ravabet1@ihcs.ac.ir)

[www.ihcs.ac.ir](http://www.ihcs.ac.ir)

پیام رسان ها: @ihcss, @pajoheshgah